اطلاعات

چهارشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۹۳ ـ ۱۶ جمادی الثانی ۱۴۳۵ـ ۱۶ آوریل ۲۰۱۴ـ شماره ۲۵۸۴۹ ـ ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه ـ ۲۰۰ تومان

لایحه الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت تقدیم هیات دولت شده است

* معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری: این الگو پس از تصویب در مجلس مبنای تهیه برنامه ششم توسعه قرار می‌گیرد
* رشد قیمت حامل‌های انرژی وابسته به درآمد حاصل از انصراف یارانه خواهد بود

صفحه ۴

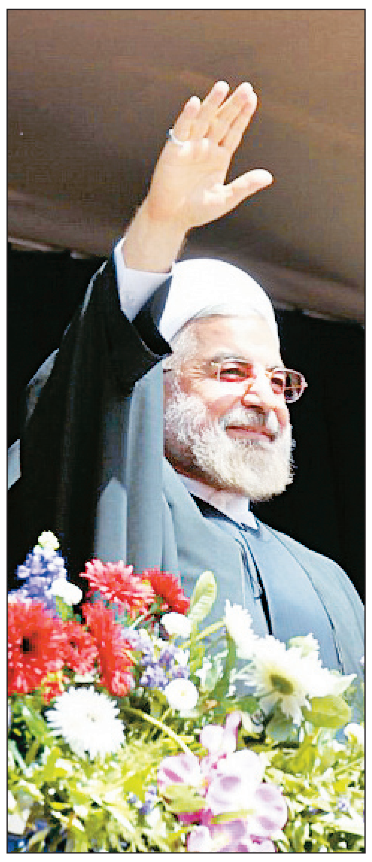
آمریکا: مخالفان مسلح در سوریه موفق نبوده‌اند

* اتحادیه اروپا: هرگونه انتخابات در سوریه خارج از چارچوب مذاکرات ژنو فاقد اعتبار است
* دمشق: جولان را به آغوش سوریه باز می‌گردانیم
* ۳ خبرنگار شبکه المنار در سوریه شهید شدند

صفحه ۱۶

رئیس جمهوری در جمع مردم زاهدان:

توسعه علمی و فناوری هسته‌ای را ادامه خواهیم داد





* تفاوتی میان پیروان مذاهب، اقوام و جنسیت قائل نیستیم
* تمامی اقوام، طوایف و پیروان مذاهب سنی و شیعه و همه باید برای امنیت این سرزمین دست به دست هم دهند
* تمامی مردم ایران زمین تحت لوای قانون اساسی از حقوق شهروندی برابر برخوردارند
* در ایران شهروند درجه ۲ نداریم
* با کمک مردم و حمایت و هدایت رهبر معظم انقلاب شاهد شکستن تحریم‌ها در ماه‌های پیش رو خواهیم بود
* استان سیستان و بلوچستان تا پایان این دولت چهره‌ای متفاوت پیدا خواهد کرد
* از علمای شیعه و سنی، ریش سفیدان و همه کسانی که برای آزادی مرزبانان تلاش کردند قدردانی می‌کنم

رئیس جمهوری با بیان این که در این کشور شهروند درجه دو نداریم و طبق قانون اساسی تفاوتی میان پیروان مذاهب، اقوام و جنسیت قائل نیستیم، گفت: توسعه علمی و فناوری هسته ای را ادامه خواهیم داد.

به گزارش خبرنگاران ایرنا، حجت الاسلام و المسلمین حسن روحانی در سومین سفر کاروان تدبیر و امید، روز گذشته در جمع مردم زاهدان، گفت: سیستان و بلوچستان صاحب کهنسال ترین فرهنگ ایرانی است که باید از نو شناخت.

رئیس جمهوری با بیان این که برخی فکر می کنند سیستان و بلوچستان به معنای محرومیت، طوفان های شن و استانناامن است، گفت: این چهره، چهره واقعی این استان بزرگ سرزمین ایران نیست بلکه سیستان و بلوچستان پاره تن ایران است.

بقیه در صفحه ۲

جهانگیری: فساد سازمان یافته از درون نظام را تهدید می کند

* دولت برای مسدود کردن گلوگاه‌های فساد اقتصادی برنامه‌ریزی کرده است
* قوه مجریه از اراده کافی و انگیزه جدی برای برخورد با مفاسد اقتصادی برخوردار است
* خوشبختانه سه قوه از اراده و جدیت کافی نسبت به اجرای فرمان رهبری برخوردار هستند
* حجت‌الاسلام و المسلمین رئیسی، معاون اول قوه قضائیه: اگر نظارت در بخش‌های مختلف تقویت شود امنیت اقتصادی در کشور شکل گرفته و بسترهای لازم برای فعالیت سالم اقتصادی فراهم خواهد شد

معاون اول رئیس جمهوری با اشاره به برنامه ریزی دولت تدبیر و امید برای پیشگیری و مسدود کردن گلوگاه های فساد گفت: قوه مجریه از اراده کافی و انگیزه جدی برای برخورد با مفاسد اقتصادی برخوردار است.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت، اسحاق جهانگیری در جلسه ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی با اشاره به ابلاغ سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی از سوی رهبر معظم انقلاب تصریح کرد: در بند ۱۹ این ابلاغیه بر موضوع شفاف سازی و مبارزه با فساد تاکید شده که لازم است ستاد با جدیت بیش از پیش این موضوع را در دستور کار خود قرار دهد.

معاون اول رئیس جمهوری با بیان این که هم اکنون در آستانه فرا رسیدن سالگرد فرمان ۸ ماده ای مقام معظم رهبری در باره مبارزه با

بقیه در صفحه ۲

هدف اقتصاد مقاومتی قطع وابستگی به نفت است

* وزیر اقتصاد در مجلس: اصلاح فضای کسب و کار و خصوصی‌سازی در دستور کار دولت است
* طرح جامع مالیاتی تا پایان سال ۹۴ مستقر می‌شود
* به دنبال انتقال پایه‌های مالیاتی از تولید به مصرف هستیم

صفحه ۲

صدور احکام بازنشستگی پیش از موعد در سال ۹۳ ممنوع شد

* براساس ابلاغیه رئیس جمهوری، در سال ۱۳۹۳ ایجاد هرگونه موسسه و شرکت دولتی، توسعه تشکیلات داخلی دستگاه‌های اجرایی و صدور احکام بازنشستگی پیش از موعد ممنوع شد
* شورای عالی اداری «برنامه عملیاتی اصلاح نظام اداری در سال ۱۳۹۳» منبعث از نقشه راه اصلاح نظام اداری را تصویب کرد

صفحه ۲

رئیس جمهوری: توسعه علمی و فناوری هسته‌ای را ادامه خواهیم داد

بقیه از صفحه اول

رئیس دولت تدبیر و امید ادامه داد: سیستان و بلوچستان گرچه به ظاهر ترکیبی از دو قوم و دو آیین از یک دین است اما سرزمین برادری، وحدت، همزیستی، دوستی و محبت در طول تاریخ بوده است.

وی تصریح کرد: سیستان و بلوچستان اعم از قوم بلوچ یا سیستانی و اعم از پیروان اهل بیت (ع) یا اهل سنت، همه و همه زیرپرچم ایران عزیز و اسلام عزیز هستیم. وی با یادآوری این نکته که سیستان و بلوچستان سرزمین ظرفیت های بزرگ معدنی، تجاری، ترانزیتی، کشاورزی و آبزیان است افزود: این استان سرزمینی بسیار مهم برای توسعه های پیش رو خواهد بود.

امنیت سیستان و بلوچستان

رئیس جمهوری با بیان این که ما همه افتخار می کنیم که پیرو قرآن مجید، سنت پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) و همه ما دوستدار خاندان رسالت و اهل بیت (ع) هستیم، گفت: نخستین نکته در سیستان و بلوچستان امنیت این سرزمین است. رئیس دولت تدبیر و امید افزود: از تمامی مردم و همه عزیزانی که در این استان زندگی می کنند، می خواهم و می گویم که امنیت بر دوش و عهده شما است و نیروهای مسلح کمک شما در ایجاد امنیت پایدار در این سرزمین خواهند بود.

روحانی با تاکید بر این که تمامی اقوام، طوایف و پیروان مذاهب سنی و شیعه و همه باید برای امنیت این سرزمین دست به دست هم دهیم، ادامه داد: ما همه تابع قانون اساسی و زیر پرچم رهبر معظم انقلاب هستیم و در قانون اساسی تفاوتی میان اقوام وجود ندارد.

برخورداری از حقوق شهروندی برابر

رئیس جمهوری اظهار داشت: دراین قانون اساسی میان پیروان مذاهب تفاوتی وجود ندارد. تمامی مردم ایران زمین تحت لوای قانون اساسی از حقوق شهروندی برابر برخوردارند.

رئیس دولت تدبیر و امید تاکید کرد: ما دراین کشور شهروند درجه دو نداریم. دراین کشور شایسته سالاری حاکم است و هر که شایسته تر، مقامی برتر و بالاتر و مسئولیت سنگین تر دارد و هیچ فرقی نمی کند.

رئیس دولت تدبیر و امید اضافه کرد: من خوشحالم که دراین استان هم معاون استاندار شیعه و هم معاون استانداراز اهل سنت داریم، خوشحالم که دراین استان هم فرماندار شیعه و هم فرماندار از اهل سنت داریم و خوشحالم که حتی هم فرماندار از مردان هم فرماندار از بانوان عزیز کشورمان داریم.

رئیس شورای عالی امنیت ملی کشور تاکید کرد: طبق قانون اساسی تفاوتی میان مذاهب و اقوام و جنسیت قائل نیستیم.

روحانی خطاب به مردم زاهدان اظهار داشت: شما مردم غیور استان، زمانی که چند نفر از مرزبانان به ناروا و ظالمانه توسط یک گروهک به گروگان گرفته شدند همه یک صدا و هم صدا بودید و همه ندای واحد سردادید؛ ندایی که بیانگر استقامت، مقاومت و نپذیرفتن حرف زور بود. رئیس جمهوری اضافه کرد: من درود و سلام ملت ایران را تقدیم شیعه و سنی، علمای شیعه و سنی، تمامی ریش سفیدان این استان و همه آنهایی که برای آزادی مرزبانان عزیز تلاش کردند و بر مردم شریف و قهرمان استان سیستان و بلوچستان تقدیم می کنم.

شناسایی منابع ذیقیمت استان

رئیس دولت یازدهم در بخش دیگری از سخنانش با بیان این که به غیر از امنیت، توسعه باید دراین استان قدم به قدم سایه خود را در سراسر این استان پهن کند، گفت: انشاء الله به حول و قوه الهی از شروع این سفر برای کشف و شناسایی منابع ذی قیمت مس، طلا، روی، قلع و آهن شروع و اقدام خواهد شد.

روحانی یادآور شد: امسال برای منطقه شرق استان، دولت بودجه ای تصویب خواهد کرد و اکنون با هشت گروه شناسایی که افزایش خواهد یافت، برای شناسایی و استخراج معادن گرانقیمت استان اقدام خواهد شد و شما در آینده به حول و قوه الهی شاهد تحرک در زمینه معادن و صنایع معدنی خواهید بود.

رئیس جمهوری اضافه کرد: تمامی مسائلی که امروز در زاهدان و فردا در زابل و چابهار بیان خواهم کرد، نکاتی است که دولت یازدهم به لطف پروردگار و به کمک شما مردم جامه عمل خواهد پوشاند.

رئیس دولت یازدهم به اهمیت مساله گازرسانی در استان سیستان و بلوچستان اشاره کرد و گفت: تلاش ما این است که در دولت یازدهم گازرسانی از منطقه ایرانشهر آغاز و به سمت زاهدان و خاش برود. البته تاکید من این است که گاز در سال ۹۴ به زاهدان و خاش هم برسد.

رئیس جمهوری گفت: از هم اکنون کار برای آماده‌سازی مجتمع های پتروشیمی در ایرانشهر با سرمایه بخش خصوصی، حمایت دولت و ایجاد منطقه ویژه برای پتروشیمی در ایرانشهر آغاز می شود.

روحانی ادامه داد: پروژه آب های تحت فشار کشاورزی که مجموعا حدود ۱۰۰ هزار هکتار است در این دولت سال به سال و قدم به قدم اجرایی خواهد شد و شما شاهد توسعه و رشد کشاورزی در این استان خواهید بود.

وی با بیان این که طرحی هم برای منطقه سیستان در زمینه کشاورزی در نظر داریم، گفت: انشاءالله در زابل این طرح را بیان خواهم کرد.

رئیس جمهوری اظهار داشت: علاوه بر این سیستان و بلوچستان استانی است که باید از محل ترانزیت شاهد یک تحول بزرگ باشیم برای این که منطقه دریای عمان و اقیانوس هند را نه تنها به شمال کشور که به سایر کشورهای همجوار و شمالی متصل کنیم، توسعه بندر چابهار جزو برنامه های این دولت خواهد بود و مرحله اول و دوم توسعه را انشاءالله در دولت یازدهم اجرا و عملی خواهیم کرد. رئیس دولت تدبیر و امید اضافه کرد: همچنین با توسعه راه آهن از چابهار به سمت زاهدان یا فهرج و اتصال آن به راه آهن سراسری و در نهایت اتصال این راه آهن به افغانستان و آسیای مرکزی شاهد یک توسعه و تحول در این استان خواهیم بود.

شکستن تحریم در ماه های آینده

رئیس جمهوری با بیان این که این کشور در طول سال‌های گذشته هم به خاطر تحریم ظالمانه و هم به خاطر برخی بی تدبیری ها شاهد مشکلات فراوان بوده است، گفت که ما به کمک شما مردم، با حمایت و هدایت رهبر معظم انقلاب، شاهد شکستن تحریم ها در ماه های پیش رو خواهیم بود. روحانی اظهار داشت: نخستین گام‌ها برای برداشتن تحریم با تدبیری که دولت از شما مردم اتخاذ کرد، آغاز شد و امروز شاهد شکسته شدن بخشی از تحریم ها هستیم. از آن بالاتر، اعتراف دنیا به حق مردم در زمینه حقوق هسته ای و غنی سازی است که امروز دنیا در توافق ۱+۵ به آن اذعان و اعتراف کرده است.

رئیس دولت یازدهم تصریح کرد: ما گام به گام مذاکرات را به حول و قوه الهی پیش خواهیم برد و در این مذاکرات به دنیا اثبات خواهیم کرد که آنچه راجع به ایران در گذشته گفته شده دروغ بوده است.

روحانی تاکید کرد: ایران در پی سلاح هسته ای نبوده و نخواهد بود، اما توسعه علمی و فناوری هسته‌ای را به حول و قوه الهی ادامه خواهیم داد.

رئیس جمهوری با بیان این که تحریم ظالمانه و ضد حقوق بشری را گام به گام خواهیم شکست، اظهار داشت: کشور ما در سال های آینده شاهد شکوفایی و توسعه در سراسر کشور و از جمله در استان سیستان و بلوچستان خواهد بود. وی گفت: سرزمین سیستان و بلوچستان مرز جغرافیایی ایران است اما مرز فرهنگی هم هست. اینجا سرزمینی است که فرهنگ اسلام و ایرانیت به شبه جزیره هندوستان و بنگال در طول قرن ها صادر شده است و قند پارسی توسط سیستان و بلوچستان به بنگاله رسیده است.

صادر کننده فرهنگ اسلام مدارا و اعتدال

وی خطاب به مردم سیستان و بلوچستان با بیان این که شما نه تنها مرزبان خوب جغرافیایی هستید، تصریح کرد: شما همچنین بزرگترین صادر کننده فرهنگ اسلام مدارا، اعتدال و فرهنگ ایرانی به سراسر منطقه بودید.

رئیس دولت تدبیر و امید اضافه کرد: امروز هم من از شما مردم غیور استان سیستان و بلوچستان می خواهم که واسطه فرهنگی و اتصال قویتر میان ملت ایران و ملت های شرقی، جنوبی و حتی شمالی این سرزمین باشید.

روحانی در ادامه خاطرنشان کرد: ما انشاءالله در این استان روز به روز شاهد همبستگی و برادری خواهیم بود، در این سرزمین تفاوتی میان اقوام و مذاهب وجود نداشته و نخواهد داشت. وی با بیان این که در دولت یازدهم در زمینه گاز، آب، معدن، بندر، راه آهن و مسیر ترانزیت و صادرات شاهد یک تحول بزرگ در این استان خواهید بود، گفت: وظیفه دولت یازدهم می دانم به استان هایی که محرومیت بیشتری در سال های گذشته داشته اند، خدمت بیشتری ارائه دهیم که انشاالله شاهد خواهید بود.

رئیس جمهوری ادامه داد: نه تنها به خاطر این که بیشترین رای شما مردم در انتخابات به خط اعتدال بوده که البته آرای شما برای من افتخار است، اما اگر حتی یک رای هم از این استان نداشتم، باز هم توسعه این استان را وظیفه دولت یازدهم می دانستم و به حول و قوه الهی در زمینه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی شاهد تحول خواهیم بود.

رئیس جمهوری با اشاره به سفرهای خود به کشورهای اطراف از جمله افغانستان و عمان که همسایه این استان هستند، توضیح داد: یکی از هدف های ما توسعه این استان است به همین دلیل در افغانستان بر حق آب مردم این استان از رودخانه هیرمند تاکید کردیم.

وی اظهار امیدواری کرد که شاهد آبادانی در دریاچه هامون، جازموریان، تالاب ها و رودخانه های این استان به همت مردم خواهیم بود تا روز به روز شاهد تعالی و توسعه بیشتر این استان باشیم.

دکتر روحانی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به وحدت و یکپارچگی مردم استان در ماجرای گروگانگیری چند تن از مرزداران کشور گفت: ندای واحد مردم غیور سیستان و بلوچستان استقامت و نپذیرفتن حرف زور بود.

رییس جمهوری ادامه داد: به نمایندگی از ملت ایران پیام سپاس و تشکر از مردم غیور و شریف استان سیستان و بلوچستان را دارم و از علمای شیعه و سنی، ریش سفیدان و همه کسانی که در آزادی مرزبانان وطن تلاش کردند قدردانی می کنم.

رئیس جمهوری سخنان خود را با این جملات به پایان رساند: زنده باد ایران، زنده باد اسلام، زنده باد ایمان، اتحاد و اعتدال.

تجلیل از همسر جمشید دانایی فر

حجت الاسلام والمسلمین حسن روحانی رئیس جمهوری از همسر جمشید دانایی فر مرزبان ربوده شده کشورمان تجلیل کرد.

دکتر روحانی پیش از آغاز سخن در جمع ایثارگران و منتخبین استان سیستان و بلوچستان از همسر و خانواده مرزبان ربوده شده جمشید دانایی فر با اهدای لوح تقدیر تجلیل کرد.

در ابتدای این مراسم چند نفر از نمایندگان ایثارگران، فرهنگیان، اساتید دانشگاه، مخترعان، هنرمندان و یکی از شعرا سخن گفتند.

دکتر روحانی در جمع ایثارگران

روحانی عصر دیروز در جمع ایثارگران و منتخبین استان سیستان و بلوچستان در تالار فردوسی دانشگاه سیستان و بلوچستان خطاب به آنان گفت: امیدوارم صمیمیت، برادری و اتحاد شما سرمشقی برای همه کشورهای منطقه و اسلامی باشد.

وی اظهار داشت: سخن گفتن در جمع فرهیختگان، شعرا، نویسندگان، صاحبنظران، اساتید، علما و به ویژه ایثارگران و خاندان معظم شهیدان، جانبازان و آزادگان آن هم در فرصتی کوتاه کار ساده ای نیست. این خادم ملت افتخار می کند که در آغاز سال جدید خداوند این توفیق را داد تا در سرزمین غیورمردان و مرزداران باکفایت و مردم عزیز سیستان و بلوچستان باشیم.

وی ادامه داد: سخن را از ایثارگران شروع می کنم و بعد به رسالت بلند نخبگان می پردازم؛ به راستی اگر ایثار و مقاومت و آمادگی برای جانبازی و شهادت نبود آیا می توانستیم انقلابمان را در برابر آن همه دشمن شرق و غرب با دستی خالی از ابزار مادی و روحی متکی به خدای آسمان و زمین به پیروزی برسانیم؟ سرلوحه غیورمردان این سرزمین ایثارگران هستند؛ آنهایی که در فیضیه کشته دادند در ۱۵ خرداد در خون غلطیدند، ۱۷ شهریور، ۲۱ بهمن، ۲۲ بهمن، همه سال های ۵۸ و ۵۹ و به ویژه هشت سال دفاع مقدس در برابر توطئه همه جهان– که جنگ ما در برابر حزب بعث و یک کشور نبود، که جنگ ما در برابر همه آنهایی بود که پشت به پشت هم دادند تا این ملت را در برابر زور و فشار تسلیم کنند– اما این ملت ایستادگی کرد و پیروز شد.

روحانی افزود: دولت آنچه در توان دارد در خدمت ایثارگران و خانواده بزرگ آنها خواهد بود گرچه هر کاری ما بکنیم در برابر کاری که عزیزان شما کردند بسیار اندک است؛ آنها جان خود را تقدیم کردند و شما سالیان دراز صبر و استقامت را پیشه کردید؛ اجر شما با کسانی که اجر بی حساب می دهد، فقط لطف او و نگاه او می تواند جبران ایثار شما را بنماید.

رئیس جمهوری تصریح کرد: اگر امروز ایستاده‌ایم و اگر دنیا از مقابله با این سرزمین یا پشیمان است یا پشیمان خواهد شد به خاطر ایثار، ایثارگران و شما خانواده های عزیز است.

وی با اشاره به اینکه همه ما موضوع وحدت را مطرح و آن را بیان می کنیم گفت: همه می دانیم که مردم در استان سیستان و بلوچستان قرن ها با وحدت و اتحاد کنار یکدیگر زندگی کردند و ما به این وحدت و اتحاد شما افتخار می کنیم.

روحانی اضافه کرد: در همه انجمن ها و سازمان‌های مردم نهاد باید در کنار یکدیگر باشیم و وحدت را در مقام عمل ایجاد کنیم؛ در انجمن های شعر در جمع ادبا و در جمع ایثارگران در کنار هم قرار گیریم. وقتی دو خانواده شهید یکی از اهل سنت و یکی شیعه، یکی از یک قوم و آن یک از قوم دیگر کنار هم بنشینند وحدت بیشتر شکل می گیرد.

روحانی در بخش دیگری از سخنان خود با تاکید بر رشد و شکوفایی شرکت های دانش بنیان گفت: برای شرکت های دانش بنیان استان سیستان و بلوچستان طرح و برنامه و کمک ویژه ای مدنظر قرار خواهد گرفت.

وی در بخشی دیگر از سخنان خود به موضوع نخبگان پرداخت و گفت: نخبگان رسالتی سنگین بر دوش دارند؛ نخبه کسی است که واقعیت ها را بیشتر لمس می کند و بیشتر به دنبال راه حل می رود؛ نخبه کسی است که می تواند صدا را به مسوولان برساند و برای مشکلات محل زیستش و استانش راه حل بدهد.

رئیس جمهوری تاکید کرد: هر چقدر که نخبگان بیشتر همفکری کنند بهتر می توانند برای استان و کشورشان کمک کرده و خدمت کنند.

روحانی افزود: استان سیستان و بلوچستان ظرفیت‌های خوبی دارد و ما در تهران قبل از سفر جلسات متعددی تشکیل داده ایم و به یکسری تصمیمات در جمع کارشناسان و وزرا رسیده ایم که اعلام می کنم.

برنامه های دولت برای سیستان و بلوچستان

رئیس جمهوری روز گذشته در بدو ورود به فرودگاه بین المللی زاهدان با بیان این که دولت تدبیر و امید برنامه های متعددی برای عمران و آبادانی استان سیستان و بلوچستان در نظر دارد گفت: تلاش دولت و مسئولان، راهنمایی و هدایت این استان به سمتی است که شایسته مردم سیستان و بلوچستان باشد.

روحانی با تاکید بر این که استان سیستان و بلوچستان از لحاظ استراتژیک اهمیت زیادی برای کشور دارد، گفت: مردمان این استان در طول تاریخ حافظان مرزهای شرقی کشور بوده‌اند..رئیس جمهوری خاطر نشان کرد: استان سیستان و بلوچستان با طرح هایی که دولت برای آن در نظر گرفته تا پایان این دولت چهره ای متفاوت پیدا خواهد کرد. دکتر روحانی در بدو ورود به استان سیستان و بلوچستان از سوی استاندار، نماینده ولی فقیه در استان و دیگر مقام های ارشد محلی استان مورد استقبال قرار گرفت و پس از نواخته شدن سرود جمهوری اسلامی ایران، از یگان تشریفات مستقر در فرودگاه زاهدان سان دید.

جهانگیری: فساد سازمان یافته از درون نظام را تهدید می کند

بقیه از صفحه اول

مفاسد اقتصادی هستیم، افزود: خوشبختانه امروز سه قوه از اراده و جدیت کافی نسبت به اجرای فرمان رهبری برخوردار هستند و در این چارچوب مباحث مربوط به سلامت اقتصادی و مقابله با تخلفات را پیگیری می کنند.

جهانگیری اظهار داشت: امروز فساد به صورت سیستمی در حال شکل گیری است و این موضوع ایجاب می کند ستاد و دستگاه‌های نظارتی، پیشگیری‌های لازم را برای ممانعت از بروز تخلفات در دستور کار خود قرار دهند تا از نفوذ فساد به لایه های عمیق دستگاه‌ها جلوگیری شود.

معاون اول رئیس جمهوری همچنین با اشاره به وظایف اصلی ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادی، خاطرنشان کرد: وظیفه اصلی ستاد، ایجاد هماهنگی برای رفع موانع مبارزه با فساد و فراهم کردن بستر مناسب برای مقابله با تخلفات اقتصادی است تا بتواند اراده مقام معظم رهبری و مطالبات ملت را در برخورد با مفسدین اقتصادی و سواستفاده گران محقق سازد.

جهانگیری افزود: ستاد باید تدابیری بیندیشد که ضمن ایجاد محیطی امن برای سرمایه گذار و فعالان اقتصادی، زمینه رشد و توسعه و فعالیت سالم اقتصادی در کشور فراهم شود.

در این جلسه حجت الاسلام والمسلمین رئیسی، معاون اول قوه قضائیه هم بر لزوم انضباط اقتصادی در کشور تاکید کرد و گفت: اگر مرزبانی و نظارت در بخش‌های مختلف تقویت شود و فعالیت بانک ها، موسسات و همه بخش‌های اقتصادی تحت کنترل و نظارت باشد، امنیت اقتصادی در کشور شکل گرفته و بسترهای لازم برای فعالیت سالم اقتصادی فراهم خواهد شد.

معاون اول قوه قضائیه همچنین خواستار اصلاح نظام بانکی و فرایندهای اقتصادی کشور شد و افزود: تا وقتی ارتباطات و فرایندها شفاف نباشد و چارچوب و انضباط بر بخش های اقتصادی حاکم نشود، مشکلات و زمینه های تخلف از میان نخواهد رفت. وی با تاکید بر این که بنای ما حمایت از سرمایه گذاران و تولیدکنندگان است، گفت: گاهی عده ای با زد و بند و سوء استفاده، فضای اقتصادی و سرمایه گذاری کشور را آلوده می کنند که باید با آنان برخورد شود تا راه برای کسانی که به دنبال فعالیت سالم هستند باز شود.

محمدرضا باهنر نایب رئیس مجلس شورای اسلامی هم در این نشست بر ضرورت تبیین و تعیین دقیق محدوده‌های فساد اقتصادی تاکید کرد و گفت: مفسده و تخلفات اقتصادی نه تنها مانع از توسعه و پیشرفت کشور هستند بلکه رتبه و جایگاه کشور را از نظر سلامت اداری در مجامع بین المللی تنزل می دهند و فضای مناسب برای فعالیت های سالم اقتصادی را مختل می نماید.

وی هماهنگی مطلوب دولت یازدهم و مجلس نهم در مقطع فعلی را فرصتی طلایی برای همکاری در جهت ارتقای سلامت اداری توصیف کرد و افزود: خوشبختانه امروز همه قوا در برخورد جدی با مفاسد، همفکر و همگرا هستند که باید از این فرصت استفاده کنیم و به اهداف مورد نظر دست یابیم.

پور محمدی وزیر دادگستری هم در این جلسه با اشاره به اقدامات دولت یازدهم در این مدت گفت: با تقویت و تشکیل دولت الکترونیک و توسعه و بهره گیری از نظام های ارتباطی نوین، کارهای مهمی در زمینه پیشگیری از مفاسد اقتصادی در دولت تدبیر و امید شکل گرفته و اتفاقات مثبتی در بخش های مختلف همچون گمرک، سازمان مالیاتی، سازمان ثبت و اسناد و نظم دهی به امور ملکی و املاک بوقوع پیوسته است. در این جلسه که رئیس سازمان بازرسی کل کشور، دادستان تهران، رئیس کل دیوان محاسبات کشور و نمایندگان مجلس شورای اسلامی هم حضور داشتند، اصلاح و بهبود برخی قوانین و رویه ها مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت و پیشنهاداتی برای ادامه کار ستاد مطرح شد.



ایران آماده گسترش همکاری های دفاعی باجمهوری آذربایجان است

معاون اول رئیس جمهوری با اشاره به پیشرفت های علمی و دستاوردهای ایران در زمینه تولید تجهیزات دفاعی گفت: ایران خواهان آذربایجانی قوی در همسایگی خود است و آمادگی دارد همکاری های دفاعی و نظامی خود را بدون هرگونه محدودیتی با این کشور افزایش دهد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، دکتر اسحاق جهانگیری ظهر دیروز در دیدار ژنرال ذاکر حسن اف وزیر دفاع جمهوری آذربایجان با تاکید بر وجود اشتراک های فراوان فرهنگی، تاریخی و مذهبی میان دو کشور تصریح کرد: ایران در سیاست خارجی خود اهمیت فراوانی برای گسترش روابط با کشورهای همسایه قائل است و در این میان جمهوری آذربایجان جایگاه ویژه ای دار د.

معاون اول رئیس جمهوری افزود: حجم مبادلات تجاری وسطح مناسبات اقتصادی میان دو کشور پایین تر از حد انتظارات است که لازم است در این زمینه ضمن شناسایی و رفع موانع، گام هایی اساسی در جهت افزایش حجم تبادلات تجاری تهران – باکو برداریم.

وزیر دفاع جمهوری آذربایجان هم در این ملاقات، مذاکرات خود با همتای ایرانی اش را مثبت و سازنده ارزیابی کرد و گفت: ظرفیت های فراوانی در زمینه همکاری های دفاعی میان دو کشور وجود دارد و دو کشور از دیدگاه مشترکی نسبت به مسائل منطقه و جهان برخوردار هستند.

گسترش روابط دفاعی با جمهوری آذربایجان

در دیدار وزیر دفاع جمهوری آذربایجان با سرلشکر سیدحسن فیروزآبادی هم بر ضرورت گسترش روابط دو کشور ایران و آذربایجان تاکید شد.

سرلشکر فیروزآبادی در حاشیه ملاقات، در جمع خبرنگاران با بیان این که "در سیاست‌های کلی امور خارجی ایران، ارتباط و روابط دوستانه همه‌جانبه با کشورهای همسایه مسلمان در اولویت قرار دارد"، گفت: جمهوری آذربایجان بخشی از نیازهایش را از صنایع دفاعی جمهوری اسلامی ایران تهیه می کند. وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح هم در یک نشست خبری مشترک، مذاکرات خود با وزیر دفاع جمهوری آذربایجان را در ارتقای امنیت منطقه مؤثر خواند و از آغاز سطح جدید همکاری‌های دو کشور خبر داد.

سردار حسین دهقان با اشاره به فعالیت جریان هایی که مخالف صلح و امنیت در منطقه هستند، خاطرنشان کرد: ایران و جمهوری آذربایجان نگرانی مشترکی درباره جریان‌های افراطی مخالف صلح و امنیت منطقه داشتند که به این منظور گفتگوهای مناسبی انجام شد. وزیر دفاع جمهوری آذربایجان هم اظهارداشت: ما هیچ تهدیدی برای هیچ کشوری در سطح منطقه ایجاد نخواهیم کرد و طبق قانون اساسی، کشورهای بیگانه هم اجازه حضور نظامی و تشکیل پایگاه نظامی در خاک ما را ندارند.

سپهبد ذاکر حسن‌اف با تاکید بر لزوم تعمیق مشترکات ایران و جمهوری آذربایجان و حمایت از مواضع ایران در موضوع هسته‌ای، تصریح کرد: دو ملت مشترکات عمیقی دارند و ایران هرگز از طریق ما تهدید نخواهد شد.

ایران خواستار تشکیل کمیته رسیدگی به تخلف دولت آمریکا درباره ابوطالبی شد

سفیر و سرپرست نمایندگی ایران در سازمان ملل از دبیرکل این نهاد بین المللی خواست یادداشت جمهوری اسلامی ایران درباره تخلف دولت آمریکا مبنی بر خودداری از صدور ویزا برای حمید ابوطالبی را که به جریان افتاده است به عنوان سند سازمان ملل منتشر کند.

به گزارش ایرنا، غلامحسین دهقانی همچنین با ارسال یاداشت رسمی به سازمان ملل خواستار تشکیل کمیته رسیدگی به تخلف دولت آمریکا درموضوع صدور ویزا برای ابوطالبی شد.

در یادداشت ارسالی ضمن بیان نگرانی شدید جمهوری اسلامی ایران از اقدام دولت آمریکا مبنی بر صادر نکردن روادید برای سفیر تعیین شده کشورمان آمده است: این اقدام دولت میزبان مغایر با مقررات حقوق بین الملل و تعهدات این کشور بر اساس قرارداد مقر و عرف بین المللی است و قطعا مخل فعالیت نمایندگان کشورهای عضو سازمان ملل است.

بر این اساس نمایندگی دائم کشورمان خواستار تشکیل جلسه فوق العاده کمیته روابط با دولت میزبان در اسرع وقت برای رسیدگی عاجل به نقض تعهدات بین المللی توسط دولت امریکا شد.

از سوی دیگر فرحان حق، معاون سخنگوی دبیرکل سازمان ملل اعلام کرد: این سازمان درمورد خودداری دولت آمریکا برای صدورویزای حمید ابوطالبی، نماینده جدید ایران در این نهاد بین‌المللی اظهار نظر خواهد کرد.

فرحان حق عصر دوشنبه در نشست خبری خود در پاسخ به خبرنگار ایرنا مبنی بر این که موضع بان کی مون درباره شکایت حقوقی ایران از تخلف دولت آمریکا مبنی بر خودداری از صدور ویزا برای حمید ابوطالبی چیست؟ افزود: به محض این که نامه‌ای را دریافت کنیم، اظهار نظر خواهیم کرد.

استفان دوجاریک، سخنگوی بان کی مون هم گفت: تاکنون تماس ها و گفتگوهایی در این ارتباط میان مقام های وزارت خارجه ایران و مسئولان سازمان ملل صورت گرفته است.

وی با اشاره به این که از سوی دفتر نمایندگی ایران در سازمان ملل تماس هایی در این باره گرفته شد، مدعی شد تا آنجایی که اطلاع دارد هنوز شکایتی به طور رسمی به دست مسئولان این سازمان نرسیده است.

سخنگوی بان کی مون با تاکید براین که این مساله برای مسئولان سازمان ملل از اهمیت ویژه ای برخورداراست، تصریح کرد: به محض دریافت نامه رسمی وزارت خارجه ایران این نامه در اختیار دبیرکل سازمان ملل و سایر مسئولان قرار خواهد گرفت و آن ها موضع خود را در این مورد اعلام خواهند کرد.

هدف اقتصاد مقاومتی قطع وابستگی به نفت است

سرویس پارلمانی: علی طیب‌نیا وزیر امور اقتصادی و دارایی در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی حضور یافت و گزارشی از ویژگی های اقتصاد مقاومتی و برنامه‌های آن وزارتخانه را برای تحقق سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در این زمینه ارائه داد.

وزیر امور اقتصاد و دارایی اظهار داشت: فراهم کردن شرایط برای حضور بخش خصوصی و اجرای کامل و درست سیاست‌های کلی اصل ٤٤ قانون اساسی، از راهبردهای دولت در چارچوب سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است و در این زمینه دولت، اصلاح و بهبود فضای کسب و کار، خصوصی‌سازی و رقابتی کردن فضای اقتصاد را در دستور کار خود دارد.

وی اضافه کرد: سیاست‌های اصل ٤٤ قانون اساسی به طور ناقص اجرا شده و واگذاری‌ها به بخش خصوصی واقعی نبوده است، از اینرو دولت مجموع راهبردهای خود در عرصه اقتصادی را به طور همزمان اجرا می کند.

طیب‌نیا، در ادامه یادآور شد: واگذاری بنگاه‌های دولتی، زمانی موجب ارتقای بهره‌وری و کارآیی می‌شود که در اختیار بخش خصوصی قرار گیرد و اصلاح فضای کسب و کار هم مدنظر باشد که دولت در طول عمر کوتاه خود در این چارچوب عمل کرده است.

اصلاح فضای کسب و کار و رفع موانع تولید

وی سپس توضیح داد: دولت، مصوبه‌ای ۳۵ ماده‌ای برای اصلاح فضای کسب و کار و رفع موانع تولید تهیه کرده و در این زمینه، دفتر بهبود محیط کسب و کار در وزارت امور اقتصاد و دارایی تشکیل شده است تا این موانع را شناسایی و نسبت به رفع آن‌ها اقدام کند.

طیب‌نیا آنگاه گفت: شورای گفتگوی دولت و بخش خصوصی در دولت فعال شده و در راستای رفع موانع تولید، زمان فرایند گمرکی به ۵۰ درصد زمان گذشته کاهش می‌یابد، ضمن این که مقرر شده است اظهار نامه‌های الکترونیکی در سال ۹۴ به ۱۰۰ درصد افزایش یابد.

وزیر امور اقتصاد و دارایی، تامین منابع توسط سازمان سرمایه‌گذاری و بورس را از جمله دیگر اقدامات دولت برای رفع موانع تولید برشمرد و گفت: دولت در اجرای اقتصاد مقاومتی، اصول و راهبردهایی را تنظیم کرده که مهم‌ترین راهبرد، افزایش توان ثروت آفرینی و تولید در کشور است.

حذف وابستگی به درآمدهای نفتی

طیب‌نیا اتکای به درآمدهای مالیاتی و به طور عمده مالیات برمصرف را از جمله مهمترین وجوه اقتصاد مقاومتی دانست و گفت: طبق سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری، وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی باید قطع شود. در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه پیش‌بینی شده است که هزینه‌های جاری دولت از درآمدهای نفتی بی‌نیاز شود، اما سیاست اقتصاد مقاومتی، قطع وابستگی کل بودجه به نفت است و این به آن معناست که درآمدهای دولت، باید از محل مالیات و سایر درآمدها تامین شود.

افزایش درآمد مالیات بر مصرف

وزیر اقتصاد در ارتباط با اصلاح نظام مالیاتی کشور، اعلام کرد: در این برنامه اصولی چون ساده‌سازی رفع تبعیض بین دولت و بخش خصوصی، کاهش نرخ مالیات، گسترش پایه‌های مالیاتی و جلوگیری از فرار مالیاتی پیش‌بینی شده است.

طیب‌نیا سپس اعلام کرد: قصد نداریم از طریق افزایش نرخ مالیات‌ها و اعمال فشار به بخش تولید، درآمدهای خود را تامین کنیم، بلکه به دنبال انتقال پایه‌های مالیاتی از تولید به مصرف هستیم که در سال‌های گذشته، قدم‌های خوبی در این زمینه برداشته شده است.

وی افزود: پیش‌بینی شده است که نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی از ٦ درصد فعلی به ١٢ درصد برسد و با استقرار طرح جامع مالیاتی تا پایان سال ٩٤ این نرخ رشد مالیاتی تحقق خواهد یافت.

وزیر امور اقتصاد و دارایی همچنین تاکید کرد: اگر اطلاعات شفاف باشد، زمینه پیدایش فساد به حداقل می‌رسد؛ از این‌رو توسعه سامانه‌های یکپارچه مالیاتی از رانت و فساد جلوگیری و زمینه گسترش رقابت را فراهم می‌کند، ضمن آنکه دسترسی کارآفرینان به فرصت‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد.

یکپارچه سازی اطلاعات اقتصادی

وی خزانه‌داری الکترونیک، ایجاد سیستم یکپارچه اطلاعات اقتصادی، نظام بانک‌داری یکپارچه و مکانیزاسیون فرآیندهای مالیاتی و گمرکی را در شمار برنامه‌های دولت برای رویارویی با سوءاستفاده کنندگان برشمرد و بار دیگر اعلام کرد: وزارت امور اقتصادی و دارایی، برنامه‌ای راهبردی برای تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تنظیم کرده است.

در پایان این گزارش طیب‌نیا، در پاسخ به سؤال محمدرضا باهنر، رئیس جلسه درباره تراز مالی قانون یارانه‌ها، اعلام کرد: دولت به دنبال آن است که تراز مالی هدفمندی متعادل شود و به هیچ وجه نباید با کسری بودجه و استقراض از بانک مرکزی و خزانه مواجه شویم.

وی افزود: سال گذشته هم پرداخت‌های هدفمندی و هزینه‌ها بدون استقراض از بانک مرکزی و خزانه انجام شد، ضمن این‌که سهم بودجه عمرانی دولت به ٢٣ هزار میلیارد تومان رسید که این رقم در سال‌های اخیر کم‌نظیر است.

وی گفت: آمار و ارقام حاکی از آن است که تعداد قابل توجهی از مردم برای دریافت یارانه نقدی ثبت نام نکرده اند و ١٠ میلیون نفر از افراد پردرآمد جامعه شناسایی شدند که به سادگی می توان آنها را از دریافت یارانه نقدی حذف کرد.

وزیر امور اقتصاد و دارایی، آنگاه اظهار داشت: راهکارهای تحقق سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی تنظیم شده و وزارتخانه، برنامه‌ای برای مجموع دستگاه‌ها تهیه کرده است که براساس آن دولت اهداف کمی روشن داشته باشد.

اعلام نرخ‌های جدید حامل‌های انرژی

پس از این توضیحات، رئیس جلسه گفت: غیر از مباحث توصیفی و اعداد و ارقامی که ارائه شد، باید برنامه کمی برای سال ٩٣ ارائه شود تا بدانیم در سال ٩٤ چه اقداماتی قرار است رخ دهد و این باید به یک مطالبه عمومی تبدیل شود.

وی همچنین شیوه تبلیغ در مورد انصراف از یارانه نقدی را مورد انتقاد قرار داد و تاکید کرد: در بحث هدفمندی، باید فضایی که کشور را به فقیر و غنی تقسیم می‌کند، اصلاح شود.

باهنر در مورد قیمت‌های جدید حامل های انرژی هم خواستار آن شد که ضمن پرهیز از هرگونه کلی گویی، مانند «شیب ملایم افزایش قیمت‌ها» و... اعداد در نظر گرفته شده به شکل واضح و آشکار اعلام و سهم بهداشت و درمان، بیمه، خدمات و پرداخت‌های نقدی مشخص شود تا برای تأمین کسری اعتبار به منابع بانک مرکزی و بنگاه‌ها دست‌اندازی نشود.

سؤال از وزیر نفت

در ادامه این جلسه، سئوال حمید رسایی، روح‌الله حسینیان و علی اصغر زارعی، نمایندگان تهران، از بیژن نامدار زنگنه، وزیر نفت درباره شایعه دریافت پول توسط یکی از وزیران دولت نهم از یکی از کشورهای همسایه، مطرح و پاسخ وزیر قانع کننده اعلام شد.

در این باره وزیر نفت، اعلام کرد: من گفتم که با شعار نمی‌شود کشور را اداره کرد، بلکه با شعور و خرد باید کشور را پیش برد و افراط‌گری برای همیشه باید محدود شود. من گفتم این که ما برای گرفتن پول خودمان خواهش کنیم، عزت نیست.

زنگنه اتهام سیاه‌نمایی را مردود شمرد و گفت: گفته‌های من در چند سایت منعکس شد و حداکثر ١٠٠ نفر فهمیدند، ولی انعکاس آن در جلسه علنی ٤٠ میلیون نفر را مطلع کرد.

وی خبر استعفای خود را نادرست خواند و یادآور شد: استعفا مربوط به افراد ناامید است، در حالی که من، سرشار از امید و نشاطم. اگر قرار بود در مدت ٣ ماه وزارت (تا آبان ٩٢) ٣ بار استعفا کرده باشم، پس باید در سابقه وزارت ٢٢ ساله‌ام در گذشته ٣٦٠ بار استعفا اتفاق افتاده باشد.

اخبار کوتاه

پیام تسلیت یادگار گرامی امام به آقای اسد الله بادامچیان

حجت الاسلام والمسلمین سید حسن خمینی، خطاب به آقای اسدالله بادامچیان پیام تسلیتی صادر کرد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی جماران، متن پیام یادگار امام به این شرح است:

بسمه تعالی

برادر بزرگوار جناب آقای اسد الله بادامچیان زید عزه العالی

مصیبت وارده، درگذشت والده محترمه‌تان را تسلیت عرض نموده، برای آن مرحومه حشر با اولیاءالله و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر و اجر مسالت دارم.

سید حسن خمینی

مراسم هفتمین روزدرگذشت آیت الله دکترصادقی برگزارشد

مراسم هفتمین روز درگذشت آیت الله شیخ دکترعلی‌اکبر صادقی پدر همسرگرامی حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمد خاتمی عصردیروزدر مسجد جامع شهرک غرب با حضور تعداد زیادی از شخصیت‌های سیاسی، ورزشی و هنری برگزار شد.

به گزارش ایسنا، در این مراسم، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمد خاتمی، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدیاسر خمینی، حجت‌الاسلام والمسلمین سیدهادی خامنه‌ای، حجت‌الاسلام والمسلمین فاضل میبدی، حجت‌الاسلام والمسلمین مجید انصاری، سیدمحمدرضا خاتمی، عبدالله جاسبی، ، الهه کولایی، حمید استیلی، سعید لیلاز، هاشمی‌طبا ، سعید شیرکوند و... حضور داشتند .

همایش بین المللی «فاطمه(س)بانوی مهر»، یکشنبه برگزار می شود

سرویس سیاسی – اجتماعی: نخستین همایش بزرگ بین المللی «فاطمه بانوی مهر – ام ابیها (س)» ۳۱ فروردین همزمان با ولادت حضرت فاطمه(س) و روز زن و با سخنرانی دکتر علی لاریجانی رئیس مجلس در سالن همایش های بین‌المللی برج میلاد برپا می شود.

به گزارش خبرنگار ما، دکتر طوبی کرمانی دبیر کل اتحادیه جهانی زنان مسلمان با اعلام این مطلب در نشستی خبری، افزود: این همایش با هدف اعلام موجودیت این اتحادیه و انسجام توان اندیشه ای، عقلی، فکری و علمی زنان مسلمان در سراسر جهان برای هم افزایی این نیروها در ساحت‌های علمی و فرهنگی برگزار می شود. وی خاطرنشان کرد: در این مراسم از ۱۵ نخبه دانش آموزی، دانشجویی، فرهنگی و ورزشی بانوان مسلمان از کشورهایی چون پاکستان، لبنان، عراق، تونس، بحرین و ایران تجلیل خواهد شد. کرمانی همچنین اعلام کرد: ۱۹ نفر از کشورهای مختلف عضو هیات امنا و هفت نفر عضو مجمع عمومی اتحادیه هستند.

محکومیت شهادت خبرنگاران شبکه المنار در سوریه

سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان اقدام اخیر گروه های تروریستی در شهر معلولا سوریه در حمله به تیم خبری شبکه المنار لبنان را که منجر به شهادت سه نفر از گروه خبری این شبکه شد، محکوم کرد.

به گزارش ایسنا، مرضیه افخم افزود: این اقدام یکبار دیگر خطرات جدی ناشی از رشد پدیده شوم خشونت و افراط گرایی و مرزناپذیری آن را نمایان ساخت.

افخم با اشاره به طرح رئیس جمهوری اسلامی ایران مبنی بر جهانی عاری از خشونت و افراط گرایی تاکید کرد: این حادثه تلخ همکاری همه کشورها و سازمان های بین المللی ذیربط برای توقف افراط گرایی و تروریسم را ضروری می سازد

امیر پوردستان: تحرکات دشمن تحت رصد کامل ارتش است

سرویس سیاسی –اجتماعی: فرمانده نیروی زمینی ارتش گفت: به همت متخصصان صنایع دفاعی، نیروهای مسلح به ویژه ارتش با هیچ مشکل تسلیحاتی روبرو نیستند.

امیر احمدرضا پوردستان در حاشیه مراسم صبحگاه مشترک یگان‌های نمونه نزاجاگفت: به تازگی ۸۰ خلبان بالگرد و ٤٠ افسر فنی در این حوزه فارغ‌التحصیل شدند و این در حالی است که قبلا برای آموزش می‌بایست خارج از کشور می‌رفتند اما امروز در داخل آموزش می‌بینند. وی همچنین در این مراسم با بیان این که قول می‌دهم نیروهای مسلح هیچگاه غافلگیر نشوند، یادآور شد: درصورت هر گونه تهدیدی پاسخ دوم ما مهلک‌تر و سنگین‌تر خواهد بود و در مجموع تحرکات دشمن تحت رصد کامل ارتش است. در پایان مراسم یگان‌های نمونه از مقابل جایگاه رژه رفتند.

کویت: با اسرائیل علیه ایران تماسی نداشتیم

یک مقام مسئول در وزارت امور خارجه کویت سخنان وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی رامبنی بر دیدار، تماس و گفتگوی محرمانه میان مسئولان دو طرف علیه ایران تکذیب کرد.

به گزارش ایسنا وی در گفتگو با خبرگزاری کویت افزود که این ادعاها کاملا بی‌اساس است و هیچ گونه دیدار و تماس رسمی یا غیر رسمی میان مسئولان کویت با مسئولان رژیم صهیونیستی انجام نشده است. بنابر گزارش پایگاه خبری محیط، وی در ادامه بر مواضع ثابت و علنی دولت کویت نسبت به ارتباط با رژیم صهیونیستی و تعهد آن به مواضع ثابت کشورهای عربی در این باره تاکید کرد و افزود که کویت آخرین کشوری خواهد بود که به عادی سازی روابط با این رژیم خواهد پرداخت. آویگدور لیبرمن، وزیرامورخارجه رژیم صهیونیستی در گفتگو با روزنامه یدیعوت آحارانوت گفته بود که این رژیم مذاکرات محرمانه‌ای را با برخی کشورهای عربی که آن را به رسمیت نمی شناسند اما به دلیل ترس مشترک از ایران به دنبال ایجاد روابط دیپلماتیک با آن هستند، داشته است .وی افزود که از بین این کشورها که اسراییل با آنها مذاکرات محرمانه داشته، عربستان و کویت هستند.

درخواست ایران از عربستان برای افزایش سهمیه حج

رئیس سازمان حج و زیارت از ارسال مجدد نامه به وزارت حج عربستان مبنی بر درخواست افزایش دو هزار نفری سهمیه جمهوری اسلامی ایران در حج تمتع امسال خبر داد.

سعید اوحدی دیروز در گفتگو با ایرنا افزود: پیشتر در نامه ای تقاضای افزایش سهمیه ایران در حج آینده را کرده بودیم و در نامه جدید هم مجددا این درخواست را مطرح کردیم. اوحدی یادآور شد: هم اکنون سهمیه ایران در حج ۹۳ مانند سال گذشته حدود ٦٤ هزار نفر است و هیچ تغییری نسبت به سال قبل نکرده است. به گفته رئیس سازمان حج و زیارت در حال حاضر یک میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در صف انتظار تشرف به حج تمتع و شش میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در نوبت انتظار تشرف به عمره مفرده قرار دارند. طبق اعلام سازمان حج و زیارت هزینه سفر به حج سال ۱۳۹۳ هفت میلیون و ۷۰۰ تا ۱۰ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است که در دو قسط از زائران دریافت می شود. قسط اول اسفند سال گذشته به مبلغ پنج میلیون تومان از زائران دریافت شد و زمان پرداخت قسط دوم هم هفته اول اردیبهشت امسال است.

و اما بعد...

سخنی درباره یارانه

علی اکبر عبدالرشیدی

شاید «یارانه» از آن دست واژه‌های جدیدی است که برای ما ایرانیان آشنا و جاافتاده است. اما بهتر این که به اندازه‌ای که در مورد ثبت نام یارانه صحبت می‌شود در مورد خود یارانه و به خصوص یارانه معیار هم صحبت شود.

در عرف، یارانه را شکلی از کمک یا حمایت مالی می‌دانند که با هدف ارتقای سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دولت‌ها به منظور افزایش رفاه «بخشی» از جامعه تخصیص داده می‌شود و شاید به همین دلیل آنرا «هدفمند» می‌دانند.

در دائرةالمعارف‌ها، یارانه کمکی تعریف شده است که دولت‌ها به فرد یا گروه گزینش شده‌ای از جامعه می‌پردازند تا بخشی از محرومیت‌ها و کمبودهای این افراد یا این گروه‌ها در چارچوب تامین عدالت اقتصادی ـ اجتماعی رفع شود. دولت‌هایی که از سیاست یارانه‌ای استفاده کرده‌اند عموماً قصد افزایش رفاه عمومی به خصوص در بخش اشتغال، مسکن، تحصیل، درمان، بهداشت و مانند آنرا داشته‌اند.

یارانه، هرچه هست، با اشکال مختلف مستقیم و یا غیرمستقیم، از جمله دادن وام بلاعوض، وام بدون سود، وام با سود کمتر از معمول، معافیت مالیاتی، پرداخت حق بیمه و مانند آن کاربرد دارد. فراموش نشود که یکی از هدف‌های پرداخت یارانه جلوگیری از بروز تورم و کاهش آثار شوم تورم بر عموم مردم اعلام شده است. پرداخت یارانه نقدی مستقیم گویا یک شکل از یارانه است نه همه یارانه.

پرداخت یارانه در کنار طرفداران، منتقدان و مخالفانی هم دارد. به زعم مخالفان یکی از مخرب‌ترین آثار یارانه نقدی و مستقیم بالابردن هزینه دولت‌ها است که طی آن منابع به جای مصرف شدن در بخش‌های ضروری با اولویت‌های مشروع از دست دولت‌ها خارج و گاه خود موجب تورم بیشتر هم می‌شود.

١- یارانه تولید: این نوع یارانه با هدف تولید بهینه، مصرف انرژی کمتر، حفظ سطح قیمت محصول و در نهایت کمک به مصرف کننده پرداخت می‌شود. اما برای تامین همین هدف عده‌ای طرفدار پرداخت یارانه به مصرف کننده برای خرید بیشتر و در نتیجه رونق بازار هستند و تعدادی خواهان پرداخت یارانه به تولید کننده برای تولید ارزانتر و بیشتر برای تامین نیاز مردم و افزایش صادرات در بازارهای رقابتی هستند.

اگر یارانه به بخش تولید تعلق گیرد مازاد عرضه راه صادرات را در پیش می‌گیرد و به اقتصاد کشور کمک می‌کند. اما اگر عرضه نتواند تقاضای فزاینده تحت تاثیر یارانه را تامین کند موجب افزایش واردات می‌شود.

پرداخت یارانه به تولید کننده بیشتر در کشورهای پیشرفته و صنعتی و پرداخت یارانه به مصرف کننده بیشتر در کشورهای در حال توسعه مرسوم بوده است که از طریق ارزان فروشی با هدف تامین عادلانه این خدمات و کالاها برای عموم مردم صورت می‌گیرد.

٢- یارانه صادرات: برخی کشورها مانند چین با پرداخت یارانه بابت تولید کالا و خدمات صادراتی، موجبات متوازن کردن موازنه پرداخت‌ها و یا برهم زدن این موازنه به نفع صادرات را فراهم می‌کنند.

٣- یارانه اشتغال: کشورهای دارای آمار بالای بیکاری، یارانه را با هدف ایجاد فرصت‌های شغلی و رونق دادن به بخش تحقیق و توسعه تخصیص میدهند.

٤- یارانه مالیاتی: برخی معافیت‌های مالیاتی نیز می‌تواند زیر عنوان یارانه تعریف شود. تخصیص بخشی از مالیات موسسات به بهداشت و درمان و رفاه کارکنان آن موسسه یکی از معروف‌ترین اشکال این نوع یارانه است. در بعضی از کشورها تولید و عرضه لباس بچه، غذا و دارو از مالیات بر ارزش افزوده معاف می‌شوند.

٥- یارانه کشاورزی: پرداخت یارانه به بخش کشاورزی تقریباً هیچ مخالف و منتقدی ندارد چرا که در نظر اقتصاددانان این یارانه در حقیقت حمایت از رفاه کشاورز و خانواده او است که محق‌ترین فرد برای دریافت این کمک‌ها است.

حمایت از بخش کشاورزی از قرن نوزدهم در بین دولت‌ها مرسوم بوده و همچنان از اهمیت برخوردار است. بیشترین یارانه بخش کشاورزی معمولاً به کشاورزانی داده می‌شود که زمین کمتر، محصول مهمتر اما محدودتر و درآمد پائین‌تری دارند. نیمی از درآمد پنبه‌کاران آمریکایی از محل یارانه دولتی تامین می‌شود.

٦- یارانه بخش شیلات: به گزارش صندوق بین‌المللی حیات وحش در سال ۲۰۰۲ یارانه بخش شیلات در سراسر جهان شامل پرداخت مستقیم و نقدی، تخصیص وام، تامین بیمه، تامین سرمایه، کمک به بازاریابی و بسیاری از خدمات آموزشی و مدیریتی بوده است.

٧- یارانه ورزشی: در برخی از کشورهای جهان پرداخت یارانه برای رونق امر ورزش و سلامت عمومی از اولویت برخوردار است. این یارانه گاه معطوف به ورزشی خاص می‌شود و زمانی همه رشته‌های ورزشی را در بر می‌گیرد. ساخت ورزشگاه‌ها و امکانات ورزشی و دادن معافیت‌های مالیاتی از انواع همین نوع یارانه است.

٨- یارانه فرهنگی: در بعضی از جوامع یارانه‌ای برای امور فرهنگی و رسانه‌ای در نظر گرفته می‌شود. بعضی از مشاغل مرتبط با امر فرهنگ نیز از پرداخت تمام یا بخشی از مالیات متعلقه معاف می‌شوند.

٩- یارانه بهداشتی – درمانی: علاوه بر آثار پرداخت انواع یارانه بر بالا بردن بهداشت و درمان مردم، نوعی از یارانه نیز به طور مشخص به عمومیت دادن امکانات بهداشتی و درمانی اختصاص داده می‌شود که گاه شامل مجانی شدن و یا ارزان بودن خدمات بهداشتی و درمانی پایه برای عموم طبقات آسیب‌پذیر جامعه می‌شود.

١٠- یارانه حمایت از مادران و نوزادان: این یارانه برای کاهش میزان مرگ و میر در کودکان، و پیشگیری از آسیب‌های جسمی و روحی غیرقابل جبران در کودکان که موجب هزینه‌های بیشتر در سنین بالاتر است در نظر گرفته می‌شود. کمک به تاسیس مراکز نگهداری کودکان بی‌سرپرست یا استثنایی یا مراکز پیش دبستانی، مجانی بودن، ارزان بودن و یا معاف از مالیات بودن مایحتاج کودکان و نوزادان و پرداخت یارانه نقدی به مادران به خصوص مادران سرپرست خانواده از جمله خدماتی است که در نتیجه این یارانه‌ها حادث می‌شود.

١١- یارانه سوخت فسیلی: در دائرةالمعارف‌ها اصطلاحی به همین عبارت وجود دارد و آن هر نوع اقدام دولت‌ها برای پائین نگاه داشتن هزینه تولید سوخت فسیلی به منظور پائین نگاه داشتن هزینه پرداختی مصرف کنندگان و از سوی دیگر افزایش سرمایه گذاری و بالارفتن درآمد تولید کنندگان است.

یارانه انرژی یکی از گرانترین یارانه‌هاست. در برخی کشورهای درحال توسعه با درآمد سرانه کم نیز تمایل برای پائین نگاه داشتن قیمت سوخت فسیلی مصرفی تبدیل به یک رسم شده است. این یارانه به صورت فروش ارزان سوخت به مشتری، از طریق دادن معافیت‌های مالیاتی به تولید کنندگان داخلی صورت می‌گیرد.

با حذف این یارانه از یک سو حجم مصرف سوخت در یک کشور خود به خود کنترل می‌شود و از دیگر سو می‌توان وجوه آن را در توسعه آموزش، مصرف بهینه انرژی و بهبود زیرساخت‌های جامعه صرف کرد.

بدین ترتیب می‌توان انواع یارانه را در حوزه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی تعریف کرد. اما مهم این است که یارانه همان طور که بارها تعریف، تعیین و تقنین شده باید «هدفمند» باشد. تخصیص یارانه غیرهدفمند شاید زیبنده نام یارانه نباشد و بهتر آن باشد که نامی دیگر برای آن انتخاب شود.

صدور احکام بازنشستگی پیش از موعد در سال ۹۳ ممنوع شد

براساس ابلاغیه رئیس جمهوری، در سال ۱۳۹۳ ایجاد هرگونه موسسه و شرکت دولتی، توسعه تشکیلات داخلی دستگاه‌های اجرایی و صدور احکام بازنشستگی پیش از موعد ممنوع شد.

به گزارش مهر، حسن روحانی رئیس جمهوری و رئیس شورای عالی اداری در فروردین ماه جاری مصوبه شورای عالی اداری در باره برنامه عملیاتی اصلاح نظام اداری در سال ۱۳۹۳ را برای اجرا به تمامی وزارتخانه ها، موسسات، شرکت ها، نهادهای عمومی غیر دولتی و استانداری ها ابلاغ کرده است.

شورای عالی اداری در یکصد و شصت و دومین جلسه مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱٤ در راستای تحقق سیاست های کلی نظام اداری ابلاغی مقام معظم رهبری به پیشنهاد معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهوری «برنامه عملیاتی اصلاح نظام اداری در سال ۱۳۹۳» منبعث از نقشه راه اصلاح نظام اداری مصوب را به شرح متن و جدول پیوست (ممهور به مهر دبیرخانه شورای عالی اداری)، تصویب کرد:

ماده ۱- دستگاه های اجرایی مکلفند نسبت به برنامه ریزی و اجرای برنامه عملیاتی مذکور مطابق برنامه زمانبندی، اقدام کنند.

ماده ۲- در سال ۱۳۹۳ ایجاد هر گونه موسسه و شرکت دولتی، توسعه تشکیلات داخلی دستگاه های اجرایی و صدور احکام بازنشستگی پیش از موعد ممنوع است. موارد استثناء با رعایت راهبردهای فصل دوم قانون مدیریت خدمات کشوری، به پیشنهاد معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهوری و تائید رئیس جمهوری اتخاذ تصمیم می شود. ماده ۳- معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهوری مکلف است ضمن نظارت بر اجرای برنامه عملیاتی و اعمال نتایج پیشرفت در نظام ارزیابی عملکرد دستگاه ها، گزارش عملکرد اجرای برنامه را هر چهار ماه یک بار به رئیس جمهوری و شورای عالی اداری و حسب ضرورت در دولت ارایه نماید.

حدیث روز

امام علی علیه السلام:

الإعجابُ یَمنَعُ الازدِیادَ

خودپسندی و غرور، مانع پیشرفت و کمال است.

حکم ستاری برای عارف و نوبخت

معاون علمی وفناوری رئیس جمهور و رئیس بنیاد ملی نخبگان طی احکام جداگانه‌ای اعضای کمیسیون دائمی هیات امنای بنیاد ملی نخبگان را منصوب کرد.

به گزارش مهر، بر اساس احکام دکتر سورنا ستاری؛ دکتر الهام امین زاده، دکتر محمد مهدی زاهدی، دکتر سعید سهراب پور، دکتر محمدرضا عارف، دکتر منصور کبگانیان، دکتر محمد علی کی نژاد، حجت الاسلام والمسلمین محمد محمدیان، دکتر محمدرضا مخبر دزفولی، دکتر رضا ملک زاده و دکتر محمدباقر نوبخت به عضویت کمیسیون دائمی هیات امنای بنیاد ملی نخبگان منصوب شدند.

کوتاه فرهنگی

انتشار کتاب «هاشمی در سال ۸۸»

کتاب «هاشمی در سال ۸۸» در نمایشگاه کتاب امسال رونمایی می‌شود.

به گزارش ایلنا، کتاب «هاشمی در سال ۸۸» باعناوینی نظیر "طرح دولت وحدت ملی"، "علت نگارش نامه به مقام معظم رهبری"، "راهکارهای وی برای حوادث پس از انتخابات"، "امتناع از اقامه نمازجمعه تهران" و "عدم حضور در مراسم تنفیذ و تحلیف احمدی‌نژاد"، در نمایشگاه کتاب سال ۹۳ رونمایی می‌شود. انتشارات سلمان فارسی در همین ارتباط اعلام کرد: کتاب «هاشمی در سال ۸۸» گزارشی جامع از مواضع آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از ابتدای فروردین ۱۳۸۸ تا پایان اسفندماه این سال است.

ناصر فیض دبیر هنری هشتمین جشنواره سراسری طنز سوره شد

ناصر فیض به عنوان دبیر هنری هشتمین جشنواره سراسری طنز سوره منصوب شد.

به گزارش پایگاه خبری حوزه هنری، ناصر فیض مدیر دفتر طنز حوزه هنری در حکمی از سوی محمد حمزه زاده رییس جشنواره های حوزه هنری، به عنوان دبیر هنری هشتمین جشنواره سراسری طنز سوره منصوب شد.

متن حکم انتصاب ناصر فیض به شرح زیر است:

هشتمین جشنواره طنز سوره (جشنواره طنز مکتوب سابق) در بخش‌های مختلف همچون شعر، نثر، مقاله، داستان کوتاه، نمایش، عکس، فیلم کوتاه و استند آپ کمدی برگزار می شود. فراخوان جشنواره در سایت www.artfest.ir قابل مشاهده است.

رونمایی از پوستر کن ۶۷



شصت و هفتمین جشنواره فیلم کن با رونمایی پوستر خود، ادای احترام به ماسترویانی و فلینی کرد.

به گزارش مهر، پوستر شصت و هفتمین جشنواره فیلم کن ۴۸ ساعت پیش از انتشار برنامه جشنواره امسال، توسط «تیری فرمو» رونمایی شد.

این پوستر با نظر هروه شیگیونی و با طراحی گرافیکی ژیل فراپیه و بر زمینه تصویری از مارچلو ماسترویانی در فیلم «هشت و نیم» فدریکو فیلنی شکل گرفته است. این فیلم منتخب بخش ویژه سال ۱۹۶۳ این جشنواره بود. سخنگوی جشنواره در این باره گفت: ما سینمایی را گرامی می‌داریم که آزاد و گشوده به روی تمام جهان باشد و بار دیگر اهمیت هنری سینمای ایتالیا و اروپا را از طریق یکی از چهره های درخشان آن اعلام می‌داریم.

شیگیونی نیز در این باره گفت: در سال های اخیر استفاده از تصاویر جون وودوارد و پل نیومن، مرلین مونرو، فی داناوی و مونیکا وتی در پوستر این جشنواره نشانه ادای احترام به این بزرگان بوده است. وی سخنانش را چنین به پایان برد: راهی که ماسترویانی از بالای عینک سیاهش به ما نشان می‌دهد راه شادی سینمای جهانی است... شادی تجربه جشنواره کن با یکدیگر. جشن سینمای فرانسه امسال از ۱۴ تا ۲۵ ماه مه (۲۴ اردیبهشت تا ۴ خرداد) برپا می‌شود.

۲۰ جلد از مجموعه کتاب های شکرستان در نمایشگاه کتاب

۲۰ جلد از مجموعه ۱۰۰جلدی کتاب های شکرستان که به همت مرکز مطالعات و انیمیشن حوزه هنری به نگارش درآمده در نمایشگاه کتاب تهران شرکت می کند.

سید مسعود صفوی در گفت و گو با پایگاه خبری حوزه هنری در آستانه برگزاری نمایشگاه بین المللی کتاب تهران درباره مجموعه کتاب های ۱۰۰ جلدی شکرستان گفت: از این مجموعه ۱۰۰ جلدی که نگارش آن از ابتدای سال ۹۲ آغاز شده بود، مراحل نهایی ۲۰ جلد از آن به پایان رسیده و برای چاپ به انتشارات سوره مهر فرستاده شده است. صفوی با بیان اینکه ۲۰ جلد از مجموعه شکرستان به نمایشگاه کتاب امسال خواهد رسید، خاطر نشان کرد: هر جلد از این کتاب ها قصه ای را روایت می کند که در ۲۴ صفحه و ۴ رنگ برای کودکان تولید شده است. این تهیه کننده انیمیشن بیان داشت: قصه‌های این مجموعه کتاب برگرفته از مجموعه انیمیشن آن است با ذکر این نکته که قصه های کتاب با قصه های فیلم یا انیمیشن متفاوت هستند. در این مجموعه قصه برای کتاب نوشته می شود.

۶ فیلم به زودی توسط سینماهای حوزه هنری اکران می شود

با واگذاری پخش فیلم سینمایی «خانوم» به حوزه هنری، این نهاد تلاش می‌کند تا شرایط را برای اکران موفق ۶ فیلم سینمایی فراهم کند.

به گزارش پایگاه خبری حوزه هنری، غلامرضا فرجی مدیر پخش و بازاریابی سازمان سینمایی سوره گفت: تاکنون قرارداد اکران ۵ فیلم جشنواره فجر با حوزه هنری منعقد شده و به دنبال زمان مناسبی برای اکران هرکدام از این فیلم‌ها هستیم. وی افزود: فیلم سینمایی «خانوم» به کارگردانی تینا پاکروان جدیدترین فیلمی است که پخش آن به حوزه هنری واگذار شده و قصد داریم در کنار فیلم‌های سینمایی «میهمان داریم» ساخته محمدمهدی عسگرپور، «فرشته‌ها با هم می آیند» ساخته حامد محمدی، «حق سکوت» ساخته هادی نائیجی و «چند متر مکعب عشق» ساخته جمشید محمودی آن را در شرایط و زمان خوبی اکران عمومی کنیم اما هنوز زمان اکران هیچکدام از این فیلم‌ها مشخص نشده است. فرجی ادامه داد: از فیلم‌های سال قبل حوزه هنری نیز فیلم سینمایی «تاج محل» نیز در نوبت اکران است که سال قبل شرایط اکران آن فراهم نشد و تلاش می‌کنیم با توجه به اینکه از جمله فیلم‌های مطرح جشنواره سی‌ویکم بود و نظرات مثبت بسیاری را به خود جلب کرد در فصل مناسبی اکران شود.

برپایی نمایشگاه «طلای سیاه-نفت» در گالری شیرین



نمایشگاه «طلای سیاه-نفت» با نمایشگاه‌گردانی لیلا وارسته و ویدا زعیم با حضور ۳۷ هنرمند از ۲۲ فروردین به همت گالری هما و گالری شیرین برپا شده است و در این نمایشگاه شاهد آثار متنوعی هستیم که هر یک به نوعی به موضوع نفت و نقش آن در زندگی ایرانی‌ها پرداخته شده است.

به گزارش هنرآنلاین، در این نمایشگاه مجموعه‌ای از عکس‌ها و یک اسلاید شو از بابک کاظمی به نمایش گذاشته شده است که در این تصاویر به خوبی وضعیت فرهنگی، اقتصادی و معیشت مردم در دوران اکتشافات نفت مشهود است و دورنمایی از ایران آن دوران را به مخاطب ارائه می‌دهد. همچنین هر یک از هنرمندان ایرانی که در این نمایشگاه آثارشان ارائه شده؛ به نوعی سعی کرده‌اند به موضوع نفت بپردازند. نگاه بیشتر هنرمندان شرکت‌کننده در این نمایشگاه نسبت به نفت مثبت بوده است و هر یک از جنبه‌ای به این موضوع حیاتی که در سرنوشت و سرشت ایرانی‌ها و منطقه خاورمیانه در ۱۰۰ سال اخیر نقش پررنگی داشته، پرداخته است. نمایشگاه "طلای سیاه-نفت" تا ۲ اردیبهشت در گالری شیرین واقع در ولنجک، خیابان هیجدهم، شماره ۹ ادامه خواهد داشت و علاقه مندان از ساعت ۱۱ تا ۲۰ می توانند از آن دیدن کنند.

کارگروه پیگیری معافیت مالیاتی و بیمه هنرمندان تشکیل می‌شود



علی مرادخانی در نخستین نشست شورای مدیران معاونت امور هنری در سال ۹۳، پیشنهاد داد کارگروهی در حوزه هنر تشکیل شود تا معافیت مالیاتی و بیمه هنرمندان را پیگیری کند.

به گزارش روابط عمومی معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در این نشست که دوشنبه ۲۵ فروردین با حضور مدیران کل، مشاوران و مدیران موسسه‌های زیرمجموعه معاونت امور هنری تشکیل شد، خط مشی این معاونت در سال «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی» و موضوع مالکیت فکری و معنوی در امور هنری و حقوق مرتبط بررسی شد.

معاون امور هنری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در این نشست گفت: «بر اساس اسناد بالادستی سیاستگذاری همچون سندچشم‌انداز ۲۰ ساله و برنامه پنج ساله توسعه، برنامه‌های عملیاتی در معاونت امور هنری تهیه می‌شود. همچنین با توجه به نامگذاری امسال توسط مقام معظم رهبری، با وجود این‌که پیش از این نیز اقتصاد در فرهنگ و هنر از مسایل مورد توجه بوده، ولی باید با دقت و درایت بیش‌تری در این عرصه حرکت کنیم.»

مرادخانی تاکید کرد: «کسانی که در حوزه هنر سرمایه‌گذاری می کنند باید از امکان و مساعدت قانونی و حمایت لازم برخوردار شوند.»

داود گنجه‌ای، عضو شورای عالی خانه موسیقی نیز در این نشست حضور داشت. او گفت: «هنرمند واقعی توقعی از دیگران ندارد. امروز در این دولت هر کسی در جای خود قرار گرفته است. بیمه هنرمندان بسیار اهمیت دارد ولی ما هنوز نتوانسته‌ایم برای اعضای خانه موسیقی مشکل بیمه تکمیلی هنرمندان را حل کنیم. از سویی خواسته هنرمندان این است که برای حفظ عزت‌شان قانون معافیت مالیاتی برای‌شان اجرا شود.»

ایرج راد، مدیرعامل خانه تئاتر نیز در مورد معافیت مالیاتی هنرمندان گفت: «طبق بند "ل" ماده ۱۳۹ قانون، تمامی هنرمندان از پرداخت مالیات معاف هستند که با جزییات از شاخه‌های مختلف هنری مشمول این قانون نام برده شده است. در قانون شرط دارا بودن مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای بهره بردن از این معافیت پیش‌بینی شده است. از سوی دیگر در ماده ۱۰ مصوبه هیأت وزیران آمده است که باید هر کدام از این افراد برای معافیت مالیاتی اظهارنامه بدهند. شخصیت حقیقی نمی‌تواند اظهارنامه پر کند و شخصیت حقوقی نیز باید دفتر بگیرد و بر اساس دفتر کل و دفتر معین و آن‌چه در طول سال درآمد دارد اظهارنامه بدهد. این از مشکلاتی است که چندین سال است هنرمندان با آن مواجه‌اند.»

در ادامه نشست، لادن حیدری، مدیرکل دفتر حقوقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توضیحاتی درباره مالکیت معنوی آثار هنری و ادبی ارایه کرد: «قانون مالکیت معنوی در سال ۴۸ تصویب شد ولی در چند سال اخیر اجرایی شده است. هم‌اکنون ۱۱ هزار اثر برای ثبت تحویل دفتر حقوقی شده و تاکنون بیش از ۷ هزار اثر هنری ثبت شده است. برای ثبت مالکیت معنوی آثار هنری به درجه هنری، کیفیت و میزان فروش اثر توجه نمی‌شود و تنها شرط این است که خود فرد پدیدآورنده اثر باشد و کپی محض نباشد. اثر می‌تواند برگرفته از اثر هنری دیگری باشد ولی نباید ۱۰۰ درصد همان اثر باشد که تشخیص آن در هر حوزه هنری با فعالان همان حوزه است. به دلیل خلأهای موجود، لایحه جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری مدون شده که فارغ از مسایل سیاسی به حمایت پدیدآورنده می‌پردازد. این لایحه در کمیسیون تصویب ولی در هیأت دولت قبلی تصویب نشد و برگشت داده شد. حالا قرار است به زودی این لایحه در دولت تصویب و برای بررسی به مجلس شورای اسلامی ارسال شود.»

حیدری تاکید کرد: «نیازمند حمایت از آثار ادبی و هنری هنرمندان ایرانی در دیگر کشورها هستیم چرا که در دنیا آثار هنرمندان ما به راحتی کپی‌برداری می‌شود و اگر بخواهند در کشور دیگری اقامه دعوا کنند هزینه‌های گزافی به آن‌ها تحمیل می‌شود. از این جهت پیوستن به کنوانسیون‌های جهانی برای ما اهمیت دارد. فرهنگ‌سازی در این زمینه از وظایف ماست. باید به پدیدآورندگان آثار هنری که اغلب از حقوق خود آگاهی ندارند اطلاع‌رسانی شود. حداکثر واگذاری حقوق مادی هر اثر ۵۰ سال است و بعد از این مدت حق مالکیت به صاحب اثر باز می‌گردد که می‌تواند با قرارداد جدیدی مالکیت آن را واگذار کند. این در حالی است که می‌بینیم هنرمندان مالکیت اثر خود را مادام‌العمر واگذار می‌کنند و حتی ورثه نیز در آن دخل و تصرفی ندارند. باید بر حقوق پدیدآورندگان آثار هنری در بین دولت و مردم تاکید کنیم چرا که دستبرد در این حقوق نقض حق، و سرقت است.»

مدیرکل دفتر حقوقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در مورد معافیت مالیاتی هنرمندان نیز گفت: «در مصوبه جدید قانون مالیاتی به صراحت آمده که تمامی مشمولان معاف از مالیات نیز باید اظهارنامه مالیاتی پر کنند که در این زمینه استثنائی مانند هنرمندان سینما پیش‌بینی شده است. می‌توان تا پیش از نهایی شدن این قانون در شورای نگهبان، با ارایه مستندات سایر هنرمندان را نیز در زمره مشمولانی که نیاز به اظهارنامه مالیاتی ندارند قرار داد.»

در این نشست، مراسم تودیع و معارفه حسین سیفی و بهرام جمالی، مدیران پیشین و فعلی بنیاد رودکی نیز برگزار شد.

مشارکت سازمان میراث فرهنگی در احیاء و بازسازی اماکن مقدس عتبات

رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در مراسم امضای تفاهم نامه همکاری با ستاد بازسازی عتبات عالیات با تاکید بر مشارکت این سازمان در احیاء، مرمت و بازسازی اماکن مقدس عتبات عالیات گفت: ورود زوار عراقی برای زیارت اماکن مقدس جمهوری اسلامی ایران از این پس ساماندهی می شود.

به گزارش سه شنبه مرکز روابط عمومی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری تفاهم نامه همکاری بین ستاد بازسازی عتبات عالیات کشور سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به امضای مسعود سلطانی فر و حسن پلارک رسید. سلطانی فر در این مراسم با اشاره به اینکه سازمان میراث فرهنگی آماده هر گونه همکاری با ستاد عتبات عالیات است، گفت: کاری که از چندین سال قبل در ستاد بازسازی عتبات عالیات شروع شده ریشه تاریخی دارد و میراث ایرانیان در عتبات عالیات مربوط به سده‌های گذشته است. وی افزود: سازمان میراث فرهنگی برای حفظ، احیاء و مرمت این آثار ظرفیت های خوبی دارد و به دلیل ارادتی که تمام ایرانیان، مسلمانان و شیعیان به ائمه اطهار و این اماکن متبرکه دارند با همه بضاعتی که در توان داریم برای احیاء، مرمت، بازسازی و ایجاد موزه های مختلف در عتبات عالیات تلاش خواهیم کرد. معاون رئیس جمهور اظهار داشت: فعالیت هایی که تاکنون در عتبات عالیات صورت گرفته به صورت پراکنده بوده و قصد داریم با این تفاهم نامه به صورت منسجم کارها را سامان دهیم.

رئیس سازمان میراث فرهنگی در ادامه با اشاره به اینکه زوار عراقی اشتیاق بسیاری برای سفر به ایران و زیارت اماکن متبرکه کشور ما دارند، افزود: در بحث ورود زوار عراقی مشکلاتی وجود دارد که در حال پیگیری و ساماندهی این موضوع هستیم. وی تصریح کرد: قبل از پایان سال ۱۳۹۲ در این ارتباط جلسات متعددی برگزار شد تا ارائه خدمات در زمینه امنیتی و رفاهی به زوار عراقی شکل مناسب تری به خود بگیرد.

برگزاری ۵ جشنواره منطقه‌ای نوآوری و شکوفایی

معاون فرهنگی و امور نخبگان بنیاد ملی نخبگان از برگزاری ۵ جشنواره منطقه ای نوآوری و شکوفایی در استان های کشور در سال جاری خبر داد و گفت: رویکرد اصلی جشنواره های نوآوری و شکوفایی سال جاری تجاری‌سازی است.

به گزارش مهر، دکتر سید حسن حسینی در نشست برنامه ریزی جشنواره‌های اختراعات سال ۱۳۹۳ با بیان این که تاکنون ۳۰ جشنواره استانی، منطقه ای و ملی اختراعات برگزار شده است، گفت: از نیمه دوم سال ۸۹ که جشنواره های اختراعات بنیاد در استان ها آغاز شد تاکنون ۱۰ هزار و ۴۸۰ اختراع در ۳۰ جشنواره توسط داوران بنیاد ملی نخبگان بررسی شده است که از این میان ۲ هزار و ۲۹۲ اختراع موفق به کسب تاییدیه سطح ۳ اختراعات بنیاد شده اند. در پایان این نشست مقرر شد که جشنواره خلیج فارس به میزبانی بنیاد نخبگان استان فارس در اردیبهشت ماه، جشنواره زاگرس به میزبانی بنیاد نخبگان استان کردستان درشهریورماه، جشنواره دماوند به میزبانی بنیاد نخبگان استان سمنان در مهرماه، جشنواره کوهساران به میزبانی بنیاد نخبگان استان گیلان و جشنواره کوهرنگ به میزبانی بنیاد نخبگان استان اصفهان در آذرماه برگزار شود.

کوتاه آموزشی

اختصاص تسهیلات مالی برای تکمیل پروژه های عمرانی دانشگاه آزاد

رئیس دانشگاه آزاد اسلامی از اختصاص ۸۵ میلیارد تومان وام با بهره ۱۲ درصد و اعتبار نقدی از طرف سازمان مرکزی برای تکمیل پروژه های عمرانی سازمان مرکزی و واحدهای تهران خبر داد.

به گزارش مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی دانشگاه آزاد اسلامی، دکتر حمید میرزاده ضمن قدردانی ازعملکرد خوب معاونت عمرانی گفت: بدون اغراق می توان گفت که تمامی امور محوله به معاونت عمرانی با جدیت و سرعت اجرایی می شود.

وی با بیان این که در حوزه عمرانی کارهای بزرگی در دست اقدام است، اظهار داشت: نزدیک هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان در بودجه سال ۹۳ برای کارهای عمرانی پیش بینی شده است. دکتر میرزاده با بیان این که برای کارهای عمرانی یک وام بانکی ارزان قیمت با بهره ۱۲ درصد در نظر گرفته شده است، افزود: مهندس هاشمی با همکارانشان در معاونت عمرانی قرار است در سال ۹۳ طرح های عمرانی که پیشرفت فیزیکی بالای ۵۰ درصد دارند را به بهره‌برداری برسانند که با این طرح ها یک میلیون و ۶۰۰ هزار مترمربع ساختمان در اختیار دانشگاه قرار خواهد گرفت. رئیس دانشگاه آزاد اسلامی، گفت: پنج طرح تجمیع شامل سازمان مرکزی و واحدهای تهران شمال، جنوب، مرکزی توسط معاونت عمرانی در سال ۹۳ دنبال می شود که زیربنای این طرح ها به ۳۰۰ هزار مترمربع می رسد و قرار است ظرف مدت چهار سال به بهره برداری برسد.

عضویت ۵۰ استاد تاثیر گذار در کمیته تعیین رئیس دانشگاه تهران

معاون پارلمانی و حقوقی وزارت علوم از عضویت و انتخاب ۵۰ تن از استادان تاثیر گذار دانشگاه تهران در کمیته تعیین رئیس دانشگاه تهران، خبر داد.

سعدالله نصیری قیداری در گفتگو با مهر درباره آخرین اخبار از تعیین رئیس دانشگاه تهران، گفت: کمیته ای به منظور تعیین رئیس دانشگاه تهران در این دانشگاه در حال شکل گیری است. وی با اشاره به وجود حساسیت ها در تعیین رئیس دانشگاه تهران، اظهار داشت: دانشگاه تهران، دانشگاه مادر است و رئیس این دانشگاه در حد وزیر است بنابراین حساسیت های زیادی برای تعیین رئیس این دانشگاه وجود دارد و لازم است از نظر اجرایی و قانونی در این زمینه با دقت عمل شود. معاون وزارت علوم در ادامه از حضور و فعالیت ۵۰ تن از استادان باتجربه دانشگاه تهران در این کمیته خبر داد و افزود: ۵۰ تن از استادان پیشکسوت، با تجربه، تاثیر گذار، دارای سابقه اجرایی و تدریس و همچنین سابقه تحقیق علمی که در دانشگاه تهران حضور دارند و مورد وثوق دانشگاهیان دانشگاه تهران هستند، قرار است در این کمیته حضور داشته باشند و از این تعداد استاد، ۲ تا ۳ نفر توسط این ۵۰ نفر به عنوان کاندیدای ریاست دانشگاه تهران انتخاب می شوند.

دانشگاه «عدالت» مجوز پذیرش دانشجو ندارد

مدیر کل دفتر گسترش وزارت علوم گفت: دانشگاه غیر انتفاعی عدالت مجوز شورای گسترش را در خصوص پذیرش دانشجو ندارد.

دکتر حسین حسینی در گفت‌وگو با ایسنا، با بیان این که دانشگاه عدالت موافقت اصولی را از وزارت علوم و عنوان دانشگاه را بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی دارد، اظهار داشت: درباره این دانشگاه از مسئولان آن خواستیم که مراحل دانشگاه خود را برای پذیرش دانشجو از طریق دفتر گسترش آموزش عالی طی کنند. وی افزود: قاعدتا روندی که برای این موسسه باید طی شود، همانند سایر موسسات باید مورد بررسی قرار گیرد. مدیرکل دفتر گسترش وزارت علوم با بیان اینکه مرجع قانونی صدور مجوز پذیرش یک دوره، شورای گسترش آموزش عالی است، تصریح کرد: این دانشگاه مجوز شورای گسترش را در خصوص رشته‌های خود ندارد و باید مسیر قانونی را در این زمینه طی کند.

کارت‌های بیمه طلایی فرهنگیان تا ۳۱ اردیبهشت امسال معتبر است

مشاور مدیرکل آموزش و پرورش شهر تهران از تمدید مهلت بیمه طلایی فرهنگیان خبر داد و گفت: کارت‌های بیمه طلایی فرهنگیان تا ۳۱ اردیبهشت امسال معتبر است.

مسعود ثقفی، رئیس روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران در گفت‌وگو با فارس اظهار داشت: بیمه تکمیلی (بیمه طلایی) فرهنگیان یک ماه تمدید شد و تا ۳۱ اردیبهشت ۹۳، کارت‌های بیمه طلایی فرهنگیان معتبر است. وی ادامه داد: فرهنگیان شهر تهران تا تاریخ ۱۰ اردیبهشت فرصت دارند با مراجعه به سایت بیمه تکمیلی ذی‌ربط، تغییرات مشخصات افراد تحت تکفل را اعلام کنند. ثقفی با بیان اینکه در این یک ماه، خدمات عینک و دندانپزشکی ارائه نمی‌شود، گفت: به محض آنکه دستورالعمل جدیدی ابلاغ شود، فرهنگیان را مطلع خواهیم کرد.

امکان شرکت فرهنگیان دارای مدرک معادل در آزمون‌های مقاطع بالاتر فراهم شد

دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی ضمن اعلام خبر تصویب «اصلاح ماده واحده امکان شرکت کردن فرهنگیان دارای مدرک معادل در آزمون‌های ورودی مقاطع بالاتر» در شورای عالی انقلاب فرهنگی گفت: این مصوبه به منظور اجرا توسط رییس جمهور و رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی ابلاغ شد. به گزارش ایسنا، دکتر مخبر دزفولی در ادامه تصریح کرد: ۷۰ تا ۷۵ درصد واحدهای گذرانده شده فرهنگیان دارای مدرک معادل فوق دیپلم و ۶۰ تا ۶۵ درصد واحدهای گذرانده شده فرهنگیان دارای مدرک معادل کارشناسی، پس از ارزیابی پذیرفته می‌شود. وی تأکید کرد: این مصوبه صرفاً شامل کسانی می‌شود که در آزمون مقاطع تحصیلی بالاتر (کارشناسی و کارشناسی ارشد) شرکت کرده و پذیرفته شده‌اند.

تشریح تبدیل مدارس دولتی و خیر ساز به «هیأت امنایی»

تقویت مشارکت عمومی در آموزش و پرورش به عنوان یک سیاست مهم در دولت تدبیر وامید کلید خورده است و وزارت آموزش و پرورش با حمایت و تقویت این مدارس در تلاش است تا از ظرفیت تمامی نهادهای دولتی و عمومی برای تحقق این امر استفاده کند. به گزارش ایسنا، دستورالعمل اجرایی و توسعه مشارکت‌های مردمی به شیوه مدیریت هیأت امنایی درمدارس در جلسه شورای عالی آموزش و پرورش به تصویب رسید. مهدی نوید ادهم، دبیرکل شورای عالی آموزش وپرورش از تقویت مدارس هیأت امنایی در سال ۹۳ خبرداد و گفت: براساس این دستورالعمل، مدارس دولتی و خیرساز واجد شرایط به درخواست شورای مدرسه و تأیید شورای آموزش و پرورش شهرستان یا منطقه می‌توانند به صورت هیأت امنایی اداره شوند. وی افزود: مجوز هیأت امنایی شدن مدارس، به صورت موافقت اصولی موقت و برای مدت یک سال صادر می‌شود و در صورت احراز استانداردهای لازم، به موافقت قطعی تبدیل می‌شود.

پایان جانمایی غرفه ناشران عمومی در نمایشگاه کتاب تهران

اجرای غرفه‌بندی ناشران عمومی بیست‌وهفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران آغاز شد.

به گزارش ستاد اطلاع‌رسانی بیست‌وهفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، احمد کمالی‌نژاد مدیر کمیته ناشران داخلی این رویداد، از پایان جانمایی ناشران عمومی در این بخش خبر داد و گفت: اجرای غرفه‌بندی در بخش ناشران عمومی با پایان جانمایی، آغاز شد.

وی افزود: در این دوره از نمایشگاه بیش از ۱۲۸۰ ناشر در حدود ۱۱ هزار و ۲۰۶ مترمربع فضای شبستان، حاضر خواهند بود.

به گفته مدیر کمیته ناشران داخلی، در روزهای آینده به همه ناشران اعلام می‌شود در صورتی که نیاز به غرفه‌سازی و ایجاد سازه‌هایی خاص برای غرفه‌هایشان دارند، کار خود را آغاز کنند تا پیش از گشایش بیست‌وهفتمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، غرفه‌هایشان آماده شود.

آغاز ثبت نام از دانشجویان و طلاب متقاضی بن کتاب

همایون امیرزاده، مشاور علمی، فرهنگی و مدیریتی معاون فرهنگی از آغاز ثبت‌نام دانشجویان و طلاب برای دریافت بن کارت اعتباری خبر داد و گفت: دانشجویان و طلاب می‌توانند برای ثبت‌نام و ارائه درخواست خود از ۲۷ فروردین به وب‌سایت بیست‌وهفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به نشانی tibf.net مراجعه کنند.

امیرزاده با اشاره به حمایت‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از دانشجویان و طلاب برای خرید کتاب گفت: امسال میزان اعتبار بن‌های کتاب افزایش ۲۰ درصدی داشته است و دانشجویان و طلاب می‌توانند با پرداخت ۳۰ هزار تومان بن‌های اعتباری ۶۰ هزار تومانی دریافت کنند.

وی افزود: شرایط ثبت‌نام و ضوابط دریافت بن کتاب نیز روی وب‌سایت بیست‌وهفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران منتشر خواهد شد.

مشاور علمی، فرهنگی و مدیریتی معاون فرهنگی درباره ارایه بن‌های کتاب به دیگر مصرف‌کنندگان کتاب گفت: در اواخر سال گذشته فراخوان درخواست بن اعتباری کتاب و شرایط آن برای مراکز دانشگاهی، نهادها، حوزه علمیه، مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی، مراکز علمی و فرهنگی، موسسات فرهنگی و هنری، ارگان‌ها و سازمان‌ها، وزارتخانه‌ها و ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان‌ها، کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد، پایگاه‌های مقاومت بسیج و بسیاری از نهادها و مراکز اعلام شده است و در آینده نزدیک درباره آن اطلاع‌رسانی خواهد شد.

نوه تولستوی میهمان ویژه نمایشگاه

نوه لئو تولستوی و رئیس بنیاد ادبی تولستوی در مراسم افتتاحیه بیست و هفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران حضور خواهد داشت.

به گزارش ایرنا از نمایشگاه کتاب تهران، دعوت از نوه نویسنده شهیر روس با هماهنگی کمیته بین‌الملل و کمیته تشریفات بیست و هفتمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران انجام شده است.

نوه تولستوی پیش از این در نمایشگاه های بین‌المللی همچون نمایشگاه کتاب لندن و نمایشگاه کتاب فرانکفورت حضور داشته است.

عرضه مجموعه های ده تایی شعر جوان در نمایشگاه کتاب

مدیر دفتر شعر حوزه هنری از عرضه کتاب‌های دفتر شعر در بخش های "آثار کلاسیک قدما"، "شعر امروز" و "آثار پژوهشی" در بیست و هفتمین دوره نمایشگاه بین المللی کتاب تهران خبر داد.

به گزارش پایگاه خبری حوزه هنری؛ علی داوودی در خصوص عرضه کتاب های دفتر شعر در بیست و هفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران گفت: در این دوره از نمایشگاه، کتاب های شعر از شاعران جوان و پیشکسوت که مربوط به سالهای گذشته و امسال بوده در بخش های "شعر امروز"، "آثار کلاسیک قدما" و همچنین "پژوهش" عرضه خواهد شد.

وی ادامه داد: در حوزه شعر امروز جوان، مجموعه های ده تایی از شعر جوان برای نخستین بار چاپ خواهد شد. داوودی اضافه کرد: در حوزه شعر کلاسیک قدما دیوان هایی مثل محتشم کاشانی، کتاب بیدل دهلوی و... در این دوره از نمایشگاه ارائه خواهد شد. بیست و هفتمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران در روزهای ۱۰ تا ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۳ در مصلی بزرگ امام خمینی (ره) برگزار می شود.

نقاشی های لوریس چکناواریان در نمایشگاه هنرمندان خودآموخته



لوریس چکناواریان به عنوان یکی از شرکت کنندگان نمایشگاه هنرمندان خودآموخته معتقد است نقاشی هایش، صداهای درونی هستند که از طریق رنگ آنها را بیان می کند.

به گزارش روابط عمومی انجمن هنرمندان خودآموخته، نمایشگاه هنرمندان خودآموخته درحالی در خانه هنرمندان برپاست که لوریس چکناواریان، آهنگساز و موسیقیدان شناخته شده کشورمان هم یکی از هنرمندان شرکت کننده در این نمایشگاه است. او که در زمینه نقاشی، آموزشی ندیده و به عنوان یک خودآموخته تجربیات خود را به نمایش گذاشته است، در مورد ویژگی آثار هنرمندان خودآموخته گفت: «کسانی که در این عرصه فعالیت می کنند، یک ویژگی می توانند داشته باشند و آنهم علاقه به هنر است. نقاشان خودآموخته از طریق رنگ یا خط روحیه و احساس خودشان را به نمایش می گذارند.»

او در توضیح بیشتر ادامه داد: «کسانی که حرفه ای هستند، از بچگی، تمرین‌های زیادی کرده و شیوه های کار را فرا گرفته اند اما افرادی مانند من که آموزشی در نقاشی ندیده، صداهای درونی خود را به روی بوم می آورند.»

او که با پنج تابلو در این نمایشگاه حضور دارد، درباره آثارش افزود: «من تابلو هایم را برای خودم می کشم و فروشی هم نیست بلکه برای خودم است. همین که مردم لطف کنند و نگاه کنند ممنون هستم.»

چکناواریان همچنین در مورد تاثیر برگزاری چنین نمایشگاه‌هایی در معرفی هنرمندان خودآموخته گفت: «فقط با یک نمایشگاه نمی توان یک جامعه را به فکر واداشت. وقتی این نمایشگاه‌ها در نقاط مختلف برگزار شوند، مردم ترغیب می شوند تا بیشتر به دیدن آثار بیایند و از هنرمندان حمایت کنند که از این طریق نه تنها هنرمندان تشویق می شوند، بلکه ممکن است انتقادهایی بشنوند که باعث پیشرفت آنها شود و در نهایت فرهنگ و هنر رشد پیدا کند.»

این موسیقیدان سپس به تاثیر هنرمند و جامعه روی یکدیگر اشاره کرد: «همه ما خود آموخته هستیم. کسی که ۱۰ یا ۲۰ سال درس هنر، آموخته نیز به نوعی خودآموخته است. هیچکس استاد نیست، نه بتهون و نه داوینچی استاد بودند، از من که قطره کوچکی هستم تا بزرگترین هنرمندان مثل داوینچی در دنیا، کوچک هستیم و همه مان تا روز آخر زندگیمان همواره در حال یادگیری هستیم. پیشرفت ما از مردم می آید و به مردم برمی گردد. در دنیای هنرمند از اجتماع خود، دنیا و از طبیعت الهام می گیرد.»

نمایشگاه هنرمندان خودآموخته با ۸۰۰ اثر از ۶۵ هنرمندآموخته تا ۲۹ فروردین در تمامی گالری های خانه هنرمندان درحال برگزاری است. در حاشیه این نمایشگاه کارگاه های نقش حنا و شن و ماسه نیز برپا شده است.

نمایش بخشی از گنجینه موزه هنرهای معاصر از نیمه اردیبهشت

موزه هنرهای معاصر تهران از اواسط اردیبهشت میزبان نمایشگاه بزرگی از مجموعه خارجی گنجینه موزه هنرهای معاصر می شود.

مجید ملانوروزی مدیرکل هنرهای تجسمی در گفت و گو با هنرآنلاین گفت: نمایشگاه "سیری در هنر معاصر ایران" که مروری تخصصی، تاریخی و تحلیلی برآثار دو تن از هنرمندان شاخص پس از انقلاب اسلامی ایران ایرج اسکندری و کاظم چلیپا داشت، در فروردین به پایان خواهد رسید و پس از آن موزه هنرهای معاصر به مدت دو هفته میزبان هیچ نمایشگاهی نخواهد بود.

او افزود: اواسط اردیبهشت موزه هنرهای معاصر تهران میزبان نمایشگاه بزرگی از گنجینه خواهد شد و دراین نمایشگاه ادواری قصد داریم بخشی از آثار خارجی گنجینه را که کمتر دیده شده اند را به نمایش بگذاریم.

ملانوروزی ادامه داد: هنوز تعداد آثار و گالری‌هایی که به این نمایشگاه اختصاص خواهیم داد؛ مشخص نشده است اما این نمایشگاه ۲ ماه ادامه خواهد داشت.

او با بیان این مطلب که در سال‌های اخیر نمایشگاه‌هایی که در شأن موزه هنرهای معاصر نبوده در این مرکز مهم برپا شده است، گفت: از این پس قصد داریم که شأن موزه هنرهای معاصر را حفظ کنیم و هر مجموعه‌ای را در این مرکز به نمایش نگذاریم.

مدیرکل هنرهای تجسمی ادامه داد: موزه هنرهای معاصر باید به کار موزه‌ای خود بپردازد و در تمامی این سال‌ها گالری‌های این موزه به صورت مستقل ارزش گذاری نشده‌اند؛ ما قصد داریم که در دوره جدید امکانی را فراهم کنیم که هر گالری شأن خاصی پیدا کند و در هر دوره نمایشگاه‌های متنوعی در یکی از گالری‌های موزه برپا کنیم.

همچنین در طول سال برای گالری‌ها موزه برنامه‌های مستقل و منسجمی ترتیب بدهیم.

او همچنین از برگزاری مراسم‌های بزرگداشت برای هنرمندان مهم و تاثیرگذار در موزه هنرهای معاصر خبر داد و نخستین مراسم به بزرگداشت صادق تیرافکن اختصاص خواهد داشت که همزمان با نخستین سالگرد او ۱۹ اردیبهشت در موزه هنرهای معاصر برپا خواهد شد و همزمان با این مراسم؛ مجموعه‌ای از آثار او برای یک هفته در لابی موزه هنرهای معاصر به نمایش گذاشته خواهد شد.

مجوز آلبوم موسیقی در کمتر از ۱۰ روز صادر خواهد شد



پیروز ارجمند در جلسه هیات مدیره خانه موسیقی گفت: مدت زمان صدور مجوزها از مدت‌های طولانی به مدت ۲ تا ۱۰ روز تقلیل داده شده که می تواند راهگشا باشد. همچنین انجمن های موسیقی شهرستان ها نیز فعال شده‌اند.

به گزارش فارس، جلسه هیات مدیره خانه موسیقی با حضور داود گنجه‌ای، محمد سریر، تقی ضرابی، داریوش پیرنیاکان، نصرالله ناصح‌پور، زیدالله‌طلوعی و حمیدرضانوربخش، آذر هاشمی، حمیدرضا عاطفی و با حضور پیروز ارجمند مدیر کل دفتر موسیقی و مجید سرسنگی مدیر عامل خانه هنرمندان) در ساختمان فاطمی برگزار شد.

در این جلسه پیروز ارجمند مدیر کل دفتر موسیقی گزارشی از فعالیت های انجام گرفته دفتر موسیقی ارائه کرد. وی در سخنانی گفت: ۱۲ آئین نامه تدوین شده است که می تواند در اجرای کنسرت ها مفید واقع شود، ارکستر سمفونیک، ارکستر ملی و یک ارکستر ترکیبی با رهبری آقای شهبازیان نیز راه اندازی خواهد شد و قرار است شورای عالی داوری با همکاری خانه موسیقی تشکیل شود. بخش تولید و نمونه سازی در معاونت هنری قرار است راه اندازی شود همچنین در سال ۹۳ چهار جشنواره موسیقی برگزار خواهد شد.

مدیرکل دفتر موسیقی همچنین در سخنانش از خانه موسیقی خواست شعبات استان ها و شهرستان ها را برای تسریع فعالیت های صنفی به هنرمندان منطقه تاسیس کند که این صحبت با استقبال هیات مدیره همراه بود. در ادامه این نشست داریوش پیرنیاکان دبیر و سخنگوی خانه موسیقی خطاب به مسئولان گفت: اگر می خواهید با خانه موسیقی همکاری نزدیک داشته باشید باید شفاف عمل کنید و اگر این اتفاق بیافتد حتما همکاری هم اتفاق خواهد افتاد.

در ادامه جلسه، مجید سرسنگی مدیر عامل خانه هنرمندان)در سخنانی با اشاره به مشکلات پیش روی هنر در کشور گفت: در این سه سال که در خانه هنرمندان حضور دارم دیده ام خانه موسیقی به عنوان عضو موثر عمل می کند. ما هم تا جایی که توانستیم تا امروز با خانه موسیقی همکاری و در برنامه ها کمک کرده ایم.

سرسنگی گفت: اگر مشکلاتی که در عرصه هنری داریم حل نشود، باید سال ها بنشینیم و همین حرف‌ها را تکرار کنیم. این مشکلات به ساختار تشکیلاتی در حوزه هنر برمی گردد؛ ساختاری که بسیار کهنه است و متناسب با شرایط روزگار ما نیست.

این مدرس هنر گفت: وزارتخانه‌ای که هم می خواهد قوه مقننه باشد و سیاست گذاری کند. هم قوه مجریه باشد و برگزار کند و هم می خواهد قوه قضائیه باشد و قضاوت کند و به طور کلی سه وظیفه را یکجا خودش انجام دهد، موفق نخواهد شد و باید بدانیم تا وقتی این ساختار تغییر نکند و از همه مهم تر مدیریت های ما در این ساختار متحول نشود، بسیاری از این مسائل غیر قابل حل باقی خواهد ماند.

اجرای کنسرت «بازگشت» خواجه‌نوری در تالار وحدت



نشست خبری کنسرت داریوش خواجه نوری و هادی منتظری با عنوان «بازگشت» سه‌شنبه بیست و ششم فروردین ماه در تالار وحدت با حضور خبرنگاران و عوامل اجرایی این برنامه موسیقایی برگزار شد.

به گزارش مهر، داریوش خواجه نوری در ابتدای این نشست خبری با اشاره به عنوان این کنسرت گفت: شاید این سوال در ابتدای این جلسه در ذهن همگی شما ایجاد شود که چرا اسم کنسرت را «بازگشت» گذاشتیم. همانطور که می دانید من جزو اولین کسانی هستم که بعد از انقلاب در ایران کنسرت گذاشتم و یادم می آید که در سال ۶۸ با چه مرارت و سختی هایی کار را ادامه دادیم.

این نوازنده با انتقاد از شرایط مدیریت موسیقی بعد از دوران علی مرادخانی گفت: متاسفانه این شرایط خوبی که به آن اشاره کردم فقط تا پایان زمان مدیریت آقای مرادخانی در دفتر موسیقی وزارت ارشاد ادامه پیدا کرد و بعد از آن ما شاهد یک رکود تمام عیار در حوزه موسیقی بودیم که باعث شد بسیاری از استادان و هنرمندان فعال این حوزه رسما از فعالیت اجرایی کناره گیری کنند. همین شرایط باعث شد که من نیز از موسیقی به نوعی کناره‌گیری کنم و برگزاری این کنسرت که با نام «بازگشت» تقدیم علاقه مندان موسیقی خواهد شد، به نوعی اعلام بازگشت من به دنیای اجرای زنده آثار موسیقایی است.

خواجه نوری تصریح کرد: خوشبختانه شرایط به گونه ای فراهم شده که ما می توانیم بار دیگر در صحنه‌های اجرای زنده حضور داشته باشیم؛ چراکه من هم از آقای مرادخانی شناخت کافی دارم و هم پیروز ارجمند را مدیری لایق، دلسوز و با مهارت در موسیقی می بینم که می تواند کارهای بسیار ارزشمندی را در عرصه مدیریت موسیقی کشور انجام دهد و من امیدوارم این سبک مدیریتی ادامه داشته باشد.

خواجه نوری با اشاره به جزئیات کنسرت بازگشت گفت: کنسرت بازگشت طی روزهای اول و دوم اردیبهشت با اجرای ۱۶ قطعه در بخش های پاپ، فلامینکو و تلفیقی اجرا خواهد شد ضمن اینکه ۱۰ قطعه این کنسرت به صورت باکلام و سه قطعه آن که از نظر من دارای فضای بسیار زیبایی است با همکاری استاد هادی منتظری اجرا خواهد شد. شعرهای کنسرت نیز از شاعرانی چون افشین سرافراز، مقدم و مولانا است که در شکل و شمایلی متفاوت تر از کنسرت های قبلی من و در قالب ارکستر با حضور سازهایی چون کنترباس، ساکسیفون، درام و ترکیبی از گیتارهای مختلف به علاقه‌مندان موسیقی ارائه خواهد شد.

اجرای دونمایش در تماشاخانه سنگلج

سرویس فرهنگی، هنری: دو نمایش «الماس و شهر تارا» و «مم و زین» به ترتیب به کارگردانی میثم یوسفی و تینو صالحی در تماشاخانه سنگلج اجرا می‌شود.

به گزارش خبرنگار ما، نمایش «الماس و شهر تارا» به عنوان تئاتری کمدی موزیکال با استفاده از شیوه‌های نمایش ایرانی توسط حسین تفنگدار برای جشنواره نمایش‌های آیینی و سنتی در سال گذشته نوشته شد و فروردین و اردیبهشت امسال در تماشاخانه سنگلج روی صحنه می‌رود.

حسین تفنگدار دیروز در جمع خبرنگاران درباره نمایش «الماس و شهر تارا» گفت: «این نمایشنامه با نگاهی به آثار عطار و مخصوص «هفت شهر عشق» نوشته شد. البته داستان، کاملاً متفاوت است و ما فقط نگاهی به «هفت شهر عشق» عطار داشتیم.»

وی افزود: نمایش‌های ایران از گذشته براساس بداهه‌گویی اجرا می‌شدند و من سعی کردم به این مسأله هم توجه داشته باشم و امکانی را فراهم کنم که بازیگران بتوانند بداهه‌گویی داشته باشند.

این نویسنده در ادامه گفت: «این نمایش با دیگر آثار سیاه‌بازی متفاوت است چرا که در این کار، سیاه دانای کل نیست و قصه را نمی‌داند، بلکه شخصیت دیگری به نام تارا که وجودی افسانه‌ای و خیالی است داستان را پیش می‌برد و سیاه تدریجا در این هفت صحنه مراحلی را طی می کند و به تکامل می‌رسد».

نمایش «مم وزینی» نوشته عباس عبدالله‌زاده به کارگردانی تینو صالحی اثر نمایشی دیگری است که ساعت ۲۰ در این تماشاخانه اجرا می‌شود.

عباس عبدالله‌زاده، نویسنده این اثر نمایشی نیز درباره آن گفت: «این یک منظومه عاشقانه کردی است که به صورت سینه به سینه در قرون متعددی به احمد خانی می‌رسد و او این منظومه را به صورت شعر درمی‌آورد و این منظومه تبدیل به شاهنامه کردی می‌شود»

وی افزود: «همه این قصه به زبان کردی است و تینو صالحی این قصه را برای من ترجمه کرد تا من بتوانم این نمایشنامه را بنویسم. در مراحل نوشتن، ابتدا این نمایشنامه را به نثر نوشتیم و در مرحله اجرا آن را به نظم در آوردیم. در ادامه این نشست میثم یوسفی، کارگردان نمایش «الماس و شهر تارا» با اشاره به مشکلات مالی گروه‌های نمایشی و خصوصاً گروه‌های نمایش آیینی و سنتی گفت: «بزرگترین مشکل ما نبود بودجه است. اگر کمک هزینه‌ها قبل از اجرا پرداخت می‌شد، ما می‌توانستیم برنامه‌ریزی مناسب‌تری به لحاظ مالی داشته باشیم. من تاکنون دو میلیون و هفتصد هزار تومان خرج کرده‌ام اما نمی‌دانم این مبلغ به من بر می‌گردد یا خیر.»

حسین تفنگدار، نویسنده نمایش «الماس و شهر تارا» نیز در ادامه صحبت‌های یوسفی گفت: «من هم سعی کردم این نمایشنامه را به گونه‌ای بنویسم که به کمترین میزان دکور نیاز داشته باشیم. این مدارا‌ها در زمان نوشتن، کار را خیلی سخت می‌کند. کارگردانی که مدام دغدغه مالی داشته باشد، قطعاً از خلق اثرش جا می‌ماند».

نمایش «الماس و شهر تارا» به کارگردانی میثم یوسفی هر روز ساعت ۱۸ و ۳۰ دقیقه و نمایش «مم وزین» به کارگردانی تینو صالحی هر روز ساعت ۲۰ در تماشاخانه سنگلج اجرا می‌شوند.

نحوه محاسبه افزایش بهای گاز مصرفی در بخش های مختلف

بر اساس تعرفه های جدید در سال ۹۳ به طور میانگین خانوارها ماهانه ۲۹ هزار تومان برای مصرف گاز هزینه پرداخت می کنند.

مهندس ناصر ابراهیمی معاون گازرسانی شرکت ملی گاز ایران دیروز در جمع خبرنگاران با بیان این مطلب گفت: بر اساس مصوبه هیات دولت، از ابتدای فروردین امسال تعرفه گاز بخش خانگی ۲۰ درصد، بخش تجاری ۳۰ درصد و سایر بخش ها مانند آموزش ۱۵ درصد افزایش یافته است.

همچنین تعرفه هر مترمکعب گاز برای صنایع پتروشیمی ۲۶۵۰ ریال، فولاد ۱۳۲۰ ریال، صنعت یک هزار ریال و در بخش کشاورزی برای ماه های گرم سال ۱۱۵۰ ریال و در ماه های سرد سال ۶۹۰ ریال تعیین شده است. وی با بیان اینکه گاز مراکز مذهبی، آموزشی، ورزشی و خیریه تا سطح مشخص شده در اصلاح الگوی مصرف رایگان است، اظهار داشت: تا این حال تمامی اماکن مذهبی موظفند برای میزان مازاد بر اصلاح الگوی مصرف هر مترمکعب ۸۰۵ ریال به دولت بپردازند.

ابراهیمی با بیان این که ماه های گرم سال از ۱۶ فروردین آغاز و تا ۱۵ آبان ادامه می یابد و ماه های سرد سال هم در محدوده ۱۶ آبان تا ۱۵ فروردین قرار دارد، خاطر نشان کرد: ماه های سرد و گرم و اقلیم بندی چهارگانه شرکت ملی گاز توسط سازمان هواشناسی انجام شده و شرکت ملی گاز در تعیین آن دخالتی ندارد.

وی ادامه داد: مصرف کنندگان خانگی گاز در سراسر کشور به چهار اقلیم تقسیم شده اند که نرخ تعرفه آنها متفاوت است. نامبرده با بیان اینکه وزارت نفت به دنبال کاهش مصرف گاز در کشور است، گفت: با توجه به روند فعلی مصرف گاز همواره میزان مصرف از میزان تولید جلوتر خواهد بود و به همین خاطر در فصل زمستان به دلیل افزایش مصرف در بخش خانگی، ناچار شدیم که گاز صنایع و نیروگاه ها را قطع کنیم که این مساله ضربه سنگینی به تولید وارد کرد.

وی تاکید کرد که به دلیل قطع گاز ناچار شدیم معادل ۲۷ میلیارد دلار سوخت جایگزین به نیروگاه ها تحویل دهیم.

معاون گازرسانی شرکت ملی گاز ایران با بیان اینکه در بخش خانگی روزانه حدود ۵۰۰ میلیون مترمکعب گاز مصرف می شود، اظهار داشت: در صورت کاهش ۲۰ درصدی مصرف، معادل ۱۰۰ میلیون مترمکعب گاز در کشور صرفه جویی می شود که معادل گاز تولید چهار فاز پارس جنوبی است.

وی با بیان این که بخش خانگی در ماه های گرم به طور متوسط روزانه سه مترمکعب و در ماه های سرد ۲۰ مترمکعب گاز مصرف می کند، گفت: عمده مصرف کنندگان خانگی در اوج مصرف گاز یعنی ماه های دی و بهمن، ماهانه حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ مترمکعب گاز مصرف می کنند.

این مقام مسئول افزود: بیشتر مصرف کنندگان خانگی در ماه های گرم سال و بر اساس الگوی ارایه شده در دامنه ۲ بین ۷۰ تا ۱۰۰ مترمکعب گاز مصرف می کنند که به طور میانگین مصرف ماهانه گاز آنها حداکثر ۱۴ هزار تومان خواهد شد که البته در صورت مصرف کمتر، تعرفه آنها در رده یک و حداکثر هفت هزار تومان محاسبه می شود.

وی خاطر نشان کرد: در صورتی که بخش خانگی در ماه های سرد حداکثر ۶۰۰ مترمکعب گاز مصرف کند، در دامنه چهار تعرفه ها قرار گرفته و در ماه حداکثر ۵۳ هزار تومان پرداخت خواهند کرد که البته در صورت رعایت نکردن الگوی مصرف و رسیدن مصرف به رده های بالا تا ۲۵۰ هزار تومان هم افزایش می یابد. ابراهیمی ادامه داد: بر اساس میانگین مصرف گاز در بخش خانگی در کل ماه های سرد و گرم سال، در مجموع خانوارها ماهانه ۲۹ هزار تومان برای مصرف گاز هزینه پرداخت می کنند، البته باید توجه داشت که قبض های گاز به صورت ماهانه توزیع نمی شود و ممکن است قبوض گاز در برخی استان ها هر دو ماه یکبار به دست مصرف کنندگان برسد.

افزایش صادرات گاز ایران در سال آینده

از سوی دیگر، معاون وزیر نفت در امور بین الملل اظهار داشت: ایران برنامه افزایش صدور گاز را برای سال آینده پیگیری می کند.

علی ماجدی دیروز در حاشیه کنفرانس نفت و گاز در دوبی با اشاره به پیش‌بینی ایران برای صادرات روزانه یک میلیون بشکه‌ای نفت تا ماه جولای، گفت: ایران در نظر دارد به محض اینکه تقاضای داخلی گاز ایران تامین شد، صادرات گاز خود را افزایش دهد.

وی گفت: ایران روزانه ۲,۷ میلیون بشکه نفت تولید می کند و احتمالا تولید نفت ایران در ۶ ماه پس از برداشته شدن تحریم‌ها به ۳,۷ میلیون بشکه در روز برسد.

معاون وزیر نفت افزود: همچنین این اقدام در های صنعت انرژی این کشور را برای سرمایه گذاری باز خواهد کرد.

وی تصریح کرد: ایران در نظر دارد تا در ماه نوامبر در کنفرانسی در لندن قراردادهای جدید توسعه میادین نفتی خود را که مشوق‌هایی برای شرکای خارجی ارائه می‌دهد، معرفی کند.

نامبرده اضافه کرد: ما به همراه قرارداد جدید، برخی از میادین نفت و گاز خود را برای توسعه معرفی خواهیم کرد. وی تاکید کرد: شرایط قراردادهای نفتی تجدیدنظر شده و اجازه پرداخت‌های قابل تغییر به شرکت‌های خارجی بر اساس قیمت نفت خام و ریسک‌های توسعه را خواهد داد.

ماجدی خاطرنشان کرد: همچنین ایران در تلاش برای یافتن مشتریان بین‌المللی برای گاز صادراتی خود در سال آینده، زمانی که توسعه میادین گازی این کشور سطح تولید گاز را به بیش از مصرف داخلی افزایش دهد، است.

وی گفت: برای صادرات ال‌ان‌جی به بازارهای مختلف از جمله اروپا، صادرات با خط لوله ارجحیت دارد.

لایحه الگوی اسلامی ـ ایرانی پیشرفت تقدیم هیات دولت شده است

میزان منابع حاصل از انصراف یارانه‌بگیران تا هفته آینده مشخص شده و در پی آن قیمت های جدید حامل‌های انرژی از جمله بنزین و گازوئیل تعیین خواهد شد.

به گزارش ایسنا، محمدباقر نوبخت معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری ضمن اعلام این مطلب با بیان این‌که از منابع ۴۸ هزار میلیاردی حاصل از اصلاح قیمت حامل‌های انرژی به علاوه ۱۱ هزار میلیارد تومان تصریح شده در بودجه برای صرف در هزینه‌های اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها استفاده خواهد شد، گفت: بنابراین هر مقداری که بتوانیم از محل انصراف از دریافت یارانه نقدی منابع بیشتری به دست آوریم، از این ۴۸ هزار میلیارد تومان ناشی از افزایش قیمت حامل‌های انرژی کمتر خواهد شد.

وی تاکید کرد: آهنگ رشد قیمت حامل‌های انرژی می‌تواند وابسته به منابعی باشد که دولت از محل انصراف یارانه‌های نقدی به دست می‌آورد.

نوبخت با اشاره به این‌که دولت تمایلی برای ارائه خدمات و وظایف خود از طریق افزایش قیمت‌ها ندارد، بیان کرد: ما به شدت در مورد سیاست‌های پولی منبسط و انبساط مالی ناشی از مخارج بی‌رویه خویشتنداری کردیم تا تعادل بودجه‌ای و انضباط مالی محقق شود.

وی ادامه داد: دولت برای تعیین قیمت حامل‌های انرژی تا مشخص شدن منابع حاصل از انصراف دریافت‌کنندگان یارانه‌های نقدی صبر می‌کند. البته انتخاب قیمت‌های جدید کار آسانی است و ما برای تمامی پیش‌بینی‌های قیمتی و تورم ناشی از آن مدل داریم، اما باید با در نظر گرفتن تمامی جوانب در مورد آن به توافق برسیم.

معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری همچنین در مورد تصمیم گیری برای قیمت نان در فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها گفت: نان در برنامه فعلی دولت قرار ندارد و تصمیمی نداریم که نسبت به افزایش قیمت آن اقدام کنیم.

وی افزود: آنچه که دولت برای افزایش قیمت آن در فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها در نظر دارد، فقط برای حامل‌های انرژی از جمله بنزین و گازوئیل است. این در حالی است که سایر حامل‌ها تغییر چندانی نخواهند کرد.

به گفته نامبرده، نباید با اعلام بی‌برنامه و تصویب‌نشده قیمت جدید حامل‌ها در بین جامعه تنش ایجاد کرد، بنابراین بعد از تعیین منابع در پایان ثبت‌نام از دریافت‌کنندگان یارانه‌های نقدی قیمت‌ها مشخص و اطلاع‌رسانی می‌شود.

وی همچنین در نشست تبیین و بررسی لایحه الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت که در محل این معاونت برگزار شد، اظهار داشت: براساس ماده یک قانون برنامه پنجم توسعه، دولت موظف است با همکاری سایر قوا الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت را تا پایان سال سوم برنامه تدوین و به مجلس شورای اسلامی ارایه کند که این الگو پس از تصویب مجلس مبنای تهیه برنامه ششم و برنامه‌های بعدی قرار می گیرد.

نوبخت افزود: با اینکه دوران پر مشغله اصلاح قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور و لایحه بودجه سال ۱۳۹۳ را پشت سر گذاشتیم، از تکلیف قانونی تدوین و ارائه لایحه الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت به‌هیچ‌وجه غفلت نشد و در مهلت مقرر قانونی (در روزهای پایانی اسفند سال ۱۳۹۲) تهیه و به دولت تقدیم شد که پس از بررسی و تصویب آن در دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم خواهد شد.

به گزارش روابط‌عمومی معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهوری، وی با اشاره به اینکه در لایحه مذکور منویات و تأکیدهای مقام معظم رهبری لحاظ شده است، گفت: ایشان همواره در ملاقات با دانشگاهیان بر مفهوم پیشرفت به عنوان امری فراتر از توسعه و متفاوت از آنچه در غرب رایج است، تأکید کردند که موجب تحولی بنیادین در چارچوب ارزش‌های اسلامی و ایرانی خواهد شد.

معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهوری با بیان اینکه در تهیه الگوی اسلامی – ایرانی پیشرفت از دیدگاه‌ها و نظرات بدنه علمی کشور استفاده شده، گفت: در عین حال جمعی از کارشناسان مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام هم از مدت‌ها قبل در مورد این لایحه کار کردند.

وی افزود: از دیدگاه مقام معظم رهبری، توسعه‌ای مدنظر است که در چارچوب آموزه‌های دینی و اسلامی و مبانی فرهنگی و ایرانی باشد.

این مقام مسئول با اشاره به فرضیه‌ها و سؤال‌های مختلفی که در روند مطالعات انجام شده در مورد الگوی مذکور صورت پذیرفت، اظهار داشت: نتایج مطالعات در چند جلد کتاب تدوین شد که در آن ۲۴ کشور در چهار گروه مورد مطالعه قرار گرفت و پس از آن مفاهیمی را که متناسب با اسناد فرادستی نظام جمهوری اسلامی ایران بود، انتخاب شد.

وی گفت: آنچه در این لایحه مدنظر بوده، توسعه‌ای دانش‌بنیان، همه‌جانبه، متوازن، پایدار و دین‌محور و در ابعاد سیاسی، دفاعی، امنیتی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و قضایی و اداری و مدیریتی بوده است.

نفت، طلا، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۱۰۳/۲۰ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۱۰۸/۴۹ دلار
هر بشکه نفت اوپک	۱۰۴/۸۱ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۲۹۵/۶۰ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۹۷۸۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۹۸۰۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶ گرم)	۵۳۰۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۳۱۵۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۲۰۵۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۱۰۰۲۰۰ تومان
هر گرم نقره خام (عیار ۹۹۹)	۲۰۸۰ تومان
دلار آمریکا (نرخ بانکی)	۲۵۵۰/۲ تومان
دلار آمریکا (نرخ غیر بانکی)	۳۱۸۰ تومان
یورو (نرخ بانکی)	۳۵۲۳/۱ تومان
یورو (نرخ غیر بانکی)	۴۳۸۰ تومان
پوند انگلستان (نرخ بانکی)	۴۲۶۲/۶ تومان
پوند انگلستان (نرخ غیر بانکی)	۵۲۶۵ تومان
درهم امارات (نرخ بانکی)	۶۹۴/۳ تومان
درهم امارات (نرخ غیر بانکی)	۸۶۸ تومان

تاکید دولت بر اجرای سیاست های اقتصاد مقاومتی

معاون اول رئیس‌جمهوری از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به عنوان گامی در جهت مقاوم‌سازی اقتصاد کشور یاد کرد و گفت: دولت یازدهم نسبت به اجرای این سیاست‌ها اهتمام ویژه دارد و مصمم است این موضوع را به طور جدی پیگیری کند.

به گزارش ایسنا، اسحاق جهانگیری در جلسه پیگیری تدوین برنامه‌های عملیاتی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، بر لزوم تهیه نقشه راه برای اجرای این سیاست‌ها تاکید کرد و افزود: خوشبختانه اکثر دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها برنامه‌های خود را در موعد مقرر تهیه و به معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهوری جهت بررسی ارسال کرده‌اند.

وی با بیان اینکه اهمیت سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بر هیچ‌کس پوشیده نیست، خاطرنشان کرد: کارشناسان خبره، نخبگان و صاحب‌نظران از این سیاست‌ها استقبال کرده‌اند و با توجه به تاکیدات چند باره مقام معظم رهبری بر اجرای این سیاست‌ها، لازم است همه بخش‌ها این موضوع را سرلوحه کار خود قرار دهند. جهانگیری افزود: متأسفانه در گذشته به برخی از سیاست‌های ابلاغی رهبر معظم انقلاب همچون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ آنطور که باید پرداخته نشد، اما دولت تدبیر و امید مصمم است با جدیت سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را پیگیری کند و به شکل همه‌جانبه به آن پرداخته و اقتصاد کشور را به شکوفایی برساند. وی با اشاره به انتقاد برخی افراد مبنی براستفاده نکردن دولت از ظرفیت‌های خارج از قوه مجریه در بحث اقتصاد مقاومتی تاکید کرد: ما از هر پیشنهادی که به روند اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی کمک کند و در چارچوب برنامه‌های دولت باشد، استقبال می‌کنیم.

نامبرده همچنین از دستگاه‌های اجرایی که تاکنون برنامه‌های خود را ارسال نکرده‌اند، خواست برنامه‌های خود را تا نیمه اردیبهشت تکمیل کنند و به معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهوری ارائه دهند تا پس از یکپارچه‌سازی و ایجاد هماهنگی لازم بتوانیم وارد مراحل بعدی شده و در مسیر اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی گام برداریم.

در این جلسه همچنین نماینده معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری گزارشی از اقدامات انجام شده در جمع‌آوری برنامه‌های دستگاه‌های اجرایی ارائه کرد و افزود: پس از ابلاغ تکالیف و وظایف دستگاه‌های اجرایی از سوی معاون اول رئیس جمهوری در جهت اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، کارگروه‌های تخصصی در این زمینه برگزار شده و گزارشات و برنامه‌های ارسالی از سوی دستگاه‌ها در حال بررسی هستند.

انتقاد گسترده فعالان اقتصادی از عملکرد نظام بانکی

فعالان بخش خصوصی از عملکرد نظام بانکی در حمایت از تولید کالا و خدمات انتقاد کردند.

به گزارش خبرنگار ما، دیروز نخستین نشست هیات نمایندگان اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران در سال جدید، کانون انتقادهای فعالان اقتصادی نسبت به عملکرد شبهه ربوی سیستم بانکی و نقش مخرب آن در زائل کردن موفقیت های اقتصادی دولت یازدهم بود.

دکتر یحیی آل اسحاق رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران در این نشست با هشدار به مسئولان بانک ها گفت: اینکه بانکها حیات خلوتی داشته باشند و خود را رقیب بخش خصوصی بدانند، صحیح نیست و چنانچه بانکها این روند را تغییر ندهند، قطعاً برای آنها فکری خواهد شد و این یک هشدار جدی است. وی با اشاره به رشد روزافزون سود سپرده گذاری در بانک ها و تاثیر منفی آن بر نظام تولیدی کشور گفت: بازار سرمایه هم خود را به نظام بانکی متصل کرده و این هشداری برای این نظام است که باید تغییر کلی در جهت گیری مدیریتی خود انجام دهد.

محسن حاجی بابا عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران هم با انتقاد از روند تعیین نرخ سود بانکی در هفته های اخیر گفت: روند پرداخت سود بانکی به نحوی است که موجب می‌شود انگیزه سرمایه‌گذاری و تولید در کشور از بین برود.

به گفته وی درآمد مطمئن سود بانکی بدون مالیات، عوارض، و تنبیه تعزیراتی باعث شده است تا قدرت رقابت تولید و سرمایه‌گذاری به شدت کاهش یابد..

اسداله عسگراولادی رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و چین هم در این نشست گفت: فرآیند صادرات کالا از مبادی تولید تا بازار مصرف برای تجار بطور متوسط ۴ ماه طول می کشد و به صورت خوش بینانه ۵ درصد سود دارد. یعنی صدور ۳ مرحله کالا برای تجار سالانه حداکثر ۱۵ درصد سود به همراه دارد. ولی بانکها هم اکنون سالانه ۲۵ درصد سود قطعی به سپرده های مردم می دهند. بنابراین صادرات دیگر صرفه اقتصادی ندارد. وی اظهار داشت: تنها عاملی که سبب شده صادرکنندگان ورشکسته نشوند، نرخ ارز است که سودی را نصیب آن ها می کند. اما باید توجه داشت که ۸۰ درصد صادرکنندگان، بدهکاران بانکی هستند و وام های ارزی را با دلار ۹۰۰ تومان دریافت کرده اند، در حالی که هم اکنون از آنها خواسته می شود که دلار را به نرخ ۳ هزار تومان بازگردانند.

نامبرده از تحریم جدید اتحادیه اروپا برای کالاهای صادراتی ایران خبر داد و گفت: از ۵ فروردین امسال تعرفه ترجیحی میان تجارت ایران و اروپا حذف شده است و صادرکنندگان ایرانی باید ۶ درصد حقوق و عوارض بپردازند.

همچنین مسعود خوانساری عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی گفت: هم اکنون بانکها ۲۵ درصد سود به سپرده ها می دهند و در مقابل از وام گیرندگان ۲۸ درصد سود می گیرند، این در حالی است که اگر تجدید ارزیابی بانکها صورت گیرد، قطعاً آنها ورشکسته هستند. زیرا درآمدهای آنها با هزینه هایشان همخوانی ندارد. وی در مورد قیمت گذاری حامل های انرژی گفت: اگر سهمیه بندی بنزین لغو و قیمت بنزین ۷۰۰ و ۱۰۰۰ تومان شود، تاثیری در کاهش مصرف و افزایش درآمدهای دولت نخواهد داشت. زیرا فقط در چند کلانشهر از جمله اصفهان، تهران، تبریز، مشهد و شیراز سهمیه های بنزین از سوی مردم به صورت کامل مصرف می شود و کارت های سوختی که در دست جایگاهداران است و مردم از آن برای سوخت آزاد استفاده می کنند، متعلق به افرادی است که به میزان سهمیه، مصرف ندارند.

خوانساری گفت: پیشنهاد ما به دولت این است که ظرف مدت ۴ سال، به صورت سالانه ۱۵ درصد از سهمیه بنزین دولتی کم کرده و البته بنزین یارانه ای را به قیمت ۴۰۰ تومان ارایه دهد، در مقابل بنزین آزاد را به ۲ هزار تومان برساند.

به گفته وی، در فاز اول اجرای قانون هدفمندی یارانه ها که دولت قیمت گازوئیل را ۱۰ برابر کرد، تنها ۱۸ درصد هزینه حمل و نقل افزایش یافت، بنابراین با افزایش قیمت حامل های انرژی مازاد سهمیه، سهم افزایش قیمت در قیمت تمام شده بالاتر از حد معقولی نخواهد بود.

ساختار اقتصاد ایران در چند سال آینده تغییرات مهمی خواهد کرد

رئیس کل بانک مرکزی کشورمان در جلسه مشترک روسای کل بانک های مرکزی منطقه خاورمیانه و آفریقای شمالی با مدیر عامل صندوق بین المللی پول دیدار کرد.

وی در این دیدار گفت: در چند سال آینده شاهد تغییرات ساختاری مهمی در اقتصاد ایران خواهیم بود که رشد اقتصادی با ثبات و غیر تورمی که تمامی مردم ایران، منطقه و دنیا را منتفع خواهد کرد، به همراه خواهد داشت.

روابط عمومی بانک مرکزی اعلام کرد: ولی الله سیف طی سخنانی با اشاره به تنوع منابع و ظرفیت های اقتصادی، ارزیابی ها و کمک های فنی صندوق بین المللی پول را در حل چالش های مختلف موجود در این منطقه مفید دانست.

وی همچنین از تلاش های صندوق و مدیریت اجرایی آن نهاد در حمایت از کشورهای عرب در حال گذار برای دستیابی به ثبات اقتصادی و تامین نیازهای اقتصادی تقدیر کرد.

نامبرده همچنین سیاست های مورد نظر ریاست جمهوری ایران را دستیابی به ثبات اقتصادی کلان، افزایش رشد اقتصادی بالقوه و ایجاد فرصت های اشتغال اعلام کرد.

وی سپس به برنامه های در دست اقدام از جمله یکسان سازی نرخ ارز، اصلاحات بخش بودجه ای و مرحله دوم برنامه هدفمندی یارانه ها اشاره کرد.

قدرت خرید شهروندان ایران و ترکیه ۲ تریلیون دلار است

در بیست و چهارمین اجلاس کمیته مشترک ایران و ترکیه اعلام شد: این دو کشور مجموعاً با ۱۵۰ میلیون نفر جمعیت ۲ تریلیون دلار قدرت خرید مردمی دارند و لازم است میزان همکاری اقتصادی بین دو کشور به ۳۰ میلیارد دلار افزایش یابد.

به گزارش روابط عمومی وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، دکتر محمود واعظی در مراسم افتتاحیه بیست و چهارمین اجلاس کمیته مشترک ایران و ترکیه اظهار داشت: در ماه های دی و بهمن سال ۹۲ حجم تجارت دو کشور به ۲/۴ میلیارد دلار رسیده است که این نشان از تمایل دو طرف به ارتقاء روابط اقتصادی است.

وی با بیان این که تلاش داریم موانع موجود در جهت گسترش همکاری های اقتصادی دو کشور را برطرف کنیم، تصریح کرد: برای گسترش روابط اقتصادی خود باید بتوانیم از بخش خصوصی حمایت کرده و تسهیلات لازم را برای سرمایه گذاری شرکت های خصوصی ایجاد کنیم.

وی گفت: در این رابطه تسهیل در امر حمل و نقل و ترانزیت به عنوان یکی از راه حل های این موانع از سوی دو طرف مطرح شده و می توانیم شهرک های صنعتی مشترک در مرز بازرگان برای تسهیل روابط تجاری دو کشور ایجاد کنیم.

وزیر ارتباطات افزود: دولت تدبیر و امید بر افزایش و گسترش همکاری های تجاری کشور ترکیه تاکید داشته و طبق توافق سفر نخست وزیر ترکیه به ایران، دکتر روحانی رئیس جمهوری هم در بهار امسال به آنکارا سفر خواهد کرد.

در ادامه جودت ییلماز وزیر توسعه و زیربنایی ترکیه با بیان اینکه ایران و ترکیه فرهنگ مشترک داشته و دو کشور دوست و برادر همدیگر هستند، گفت: در سال ۲۰۰۲ حدود یک میلیارد دلار حجم تجارت دو کشور بود که این رقم در سال ۲۰۱۳ به بیش از ۱۴ میلیارد دلار رسید که انتظار افزایش آن را داریم.

وی با اعلام موافقت ایجاد شهرک صنعتی دو کشور در مرز بازرگان گفت: جمهوری اسلامی ایران ششمین کشور در زمینه واردات محصولات به ترکیه است و در عین حال به عنوان دهمین کشور محسوب می شود که محصولات ترکیه به آن صادر می شود.

دولت تصمیمی برای تعیین دستوری قیمت کالاهای داخلی ندارد

در جلسه ای با حضور وزیر اقتصاد درباره قیمت گذاری محصولات تولیدی بنگاه ها تاکید شد که دولت به هیچ وجه تصمیمی برای تعیین دستوری قیمت‌ها ندارد و تعدیل قیمت ها صرفا باید در چارچوب نظامات عرضه و تقاضا انجام گیرد.

به گزارش فارس به نقل از شادا، در جلسه‌ای با حضور علی طیب‌نیا مقرر شد به منظور روان سازی معاملات بورس‌های کالایی، تدابیر ویژه در جهت حمایت از تولید کنندگان در بازار سرمایه به عمل آید.

این تصمیم در جلسه‌ای با موضوع بررسی وضع بازار سرمایه به ریاست وزیر اقتصاد و باحضور رئیس سازمان بورس، معاونان بانکی و اقتصادی وزارت اقتصاد اتخاذ شد.

بنابراین گزارش، در این جلسه مقرر شد: نرخ سود بانکی و ضرورت ساماندهی آن در روزهای آتی در شورای پول و اعتبار مطرح شود.

بر این اساس بانک مرکزی هم کنترل های لازم را در حوزه نظارت بر نرخ های سود بانکی انجام خواهد داد.

همچنین بر اساس مصوبات این جلسه، دولت در راستای روان سازی معاملات در بورس های کالایی برنامه ریزی لازم را برای حمایت از تولید کنندگان به عمل آورده و در این راستا کالاهایی مانند سیمان، پتروشیمی، فولاد و سایر کالاها با تقویت طرف تقاضا از گردش معاملاتی مناسبی برخوردار خواهد شد.

تعطیلی ۴ساعته فرودگاه‌های تهران در روزجمعه

همزمان با روز ارتش و اجرای مانور هوایی نیروهای مسلح در روز جمعه ۲۹ فروردین، پروازهای باری و مسافری در سه فرودگاه امام خمینی (ره)، مهرآباد و پیام، از ساعت ۷:۳۰ تا ۱۱:۳۰ صبح انجام نمی‌شود.

به گزارش روابط‌عمومی شرکت فرودگاه‌های کشور، ابراهیم شوشتری معاون عملیات هوانوردی شرکت فرودگاه‌ها اظهار داشت: درهماهنگی ستادکل نیروهای مسلح، سازمان هواپیمایی کشوری و شرکت فرودگاه‌های کشور، مقرر شد در ساعات مذکور ۲۹ فروردین، در راستای حفظ ایمنی پروازهای مسافری و باری در فرودگاه‌های امام‌خمینی (ره)، مهرآباد و فرودگاه پیام، هیچ پرواز مسافری و باری انجام نشود.

ضرورت رعایت ایمنی در محیط‌های کار و زندگی

علاج واقعه قبل از وقوع!

همه ساله در جهان ده‌ها میلیون کارگر قربانی حوادثی می‌شوند که به کشته شدن یا از کارافتادگی تعداد کثیری از آن‌ها می‌انجامد. آخرین مورد و مهم‌ترین آن هم در کشور ما شاید همان حادثه خیابان جمهوری در تهران بود که بر اثر ایجاد آتش‌سوزی در محل کار، دو نفر جان خود را از دست دادند و از بالای ساختمانی که آتش گرفته بود به پایین پرتاب شدند. این حادثه باعث جریحه‌دار شدن احساسات خیلی‌ها شد و حساسیت‌های زیادی را در سطح کشور برانگیخت. بعد از این حادثه بود که تازه همه بر آن شدند علت حادثه را بیابند و علاج واقعه بعد از وقوع کنند! در صورتی که اگر بحث ایمنی در محیط کار یا ایمنی و وسایل آتش نشانی به درستی رعایت شده بود، شاید هر دو آن‌ها هنوز زنده بودند.

بر طبق آمار منتشر شده در کشورهای پیشرفته صنعتی، سالانه از هر ۱۰ نفر کارگر یکی دچار سانحه می‌شود. حوادث ناشی از کار از سویی سبب ناراحتی فرد کارگر و همچنین خانواده‌اش می‌شود و از سوی دیگر از بین رفتن سرمایه و تزلزل بنیان اقتصادی جامعه را به همراه می‌آورد.

هرگونه حادثه ناشی از کار، حتی اگر جزیی هم باشد، سبب درد و ناراحتی شخص کارگر و افراد خانواده‌اش می‌شود.

بدیهی است در صورتی که حادثه شدید باشد و منجر به مرگ یا از کار افتادگی دائمی شود، این مساله اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

از آنجا که پیشرفت و ترقی هر اجتماعی به نیروی کار افراد جامعه بستگی دارد، محصول کار هر کارگر نه فقط مایه امرار معاش زندگی و خانواده اوست، بلکه سرمایه و پشتوانه اقتصاد یک جامعه نیز هست.

چنانکه می‌دانیم نزدیک به ۵۰ تا ۶۰ درصد افراد هر اجتماعی را افراد در سنین کار تشکیل می‌دهند. ولی در اصل افراد فعال جامعه، مخصوصاً در کشورهای کم رشد در حدود ۲۵ درصد کل جمعیت است.

از این تعداد، اگر افرادی هم به علت حوادث ناشی از کار نتوانند شغل خود را داشته باشند، این امر سبب تزلزل در اوضاع اجتماعی می‌شود.

از نظر اقتصادی هم حوادث به هر صورت و درجه‌ای که باشند، برای کارگر، کارفرما و جامعه زیان‌های زیادی در بردارند. که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم است. از زیان‌های مستقیم می‌توان به خسارت‌های ناشی از وقفه‌کار به‌علت‌حادثه، هزینه‌های درمانی و خسارات پرداختی در مورد از کارافتادگی موقت، دایم یا فوت اشاره کرد.

علل وقوع حوادث کار

عاطفه افشارزاده- کارشناس ارشد بهداشت حرفه‌ای در مقاله‌ای با اشاره به اینکه میزان زیان‌های غیرمستقیم حوادث کار در تمامی کشورها بیش از زیان‌های مستقیم است، می‌گوید: در محاسبه زیان‌های غیر مستقیم باید زیان‌های ناشی از وقفه در کار سایر کارگران به علت کمک کردن به فرد مصدوم، بحث و گفت‌وگو در مورد علت وقوع حادثه، به‌هم ریختن نظم کار پس از انتقال کارگر به بیمارستان تا موقع گماشتن فرد مناسب برای انجام امور، خسارات وارده به ماشین‌آلات و نهایتاً خسارات ناشی از تقلیل فعالیت کارگر مصدوم پس از برگشت به کار (در صورت معلولیت) مورد توجه‌قرار گیرد.

وی در مورد علل وقوع حوادث ناشی از کار می‌گوید: مطالعات و بررسی‌های انجام شده نشان دهنده این حقیقت است که به طور کلی حوادث ناشی از کار علت واحدی ندارد و معلول مسائل فنی و انسانی زیادی است. که به نوع کار، شرایط محیط انجام‌کار و ابزار مورد استفاده، بستگی دارد و می‌توان آنها را به دو دسته علل مستقیم و غیرمستقیم تقسیم کرد.

منظور از علل مستقیم، علت‌هایی است که در

***داوود درشتچیان- دبیر پنجمین همایش ملی مهندسی ایمنی: با رعایت ایمنی و به کارگیری مدیریت صحیح آن و رعایت بهداشت در محیط کار، می‌توان از هرگونه ضرر و زیان‌های انسانی، مادی، محیط زیستی، اعتباری و معنوی جلوگیری به عمل آورد**

***حوادث ناشی از کار در همه جای دنیا رخ می‌دهد. اما تفاوت آن‌ها این است که وقتی چنین حوادثی را مشاهده می‌کنند، روی آن متمرکز می‌شوند و دلایل وقوع آن را بررسی می‌کنند تا آن اتفاق دیگر تکرار نشود. حال آن که متاسفانه در کشور ما با این قبیل حوادث، بیشتر احساسی برخورد می‌شود**

***بیژن نامدار زنگنه- وزیر نفت: لازم است برای حفظ محیط زیست، حفظ سلامت کارکنان و مجموعه‌های اطراف و تاسیسات ملی نفت و همچنین ثروتی که در این تاسیسات وجود دارد، تدابیری اندیشیده و به ایمنی و سلامت و بهداشت حرفه‌ای، بیشتر توجه شود. چرا که هر وقت حادثه‌ای در این زمینه داشته‌ایم، به دلیل بی‌توجهی به موضوع ایمنی بوده است**

به وجود آمدن حادثه سهم اصلی را داراست. با توجه به وضع کار و صنعت می‌توان این علل را چنین خلاصه کرد: جابه‌جا کردن کالا، کار با ماشین‌آلات، سقوط اشیاء، افتادن کارگر از ارتفاع، استفاده نادرست از ابزار کار، افتادن به علت لیز خوردن، برخورد با مانع، سوختگی و همچنین تصادف با وسیله نقلیه در محیط کارگاه یا هنگام رفت و برگشت به محل کار.

این کارشناس بهداشت حرفه‌ای آن‌گاه به علل غیر مستقیمی که امکان به وجود آمدن حادثه در محل کار را بیشتر می‌کنند، اشاره می‌کند و می‌افزاید: این گروه شامل تمامی عواملی است که باعث خستگی، ناراحتی و نارضایتی کارگر می‌شود. مهم‌ترین این عوامل عبارتند از نور نامناسب، سر و صدای بیش از حد، نبود تهویه خوب، نامناسب بودن درجه حرارت محیط کار، طولانی بودن ساعات کار، سرعت بیش از حد تولید و همچنین عوامل دیگری مانند: مسائل خانوادگی، مالی، روابط با کارفرما و سرپرست و غیره. ضمناً باید توجه داشت که‌در کنار این دو گروه از علل، مسائلی مانند کمبود تجربه و مهارت کاری و همچنین رعایت‌نکردن اصول ایمنی در ایجاد حوادث ناشی از کار اهمیت به‌سزایی دارند.

فرهنگ ایمنی

برای جلوگیری از بروز حوادث کار می‌توان به فرهنگ ایمنی اشاره کرد. فرهنگ ایمنی شامل موارد گوناگونی می‌شود که در روزگار امروز، رعایت آن‌ها ضروری است.

روند صنعتی شدن جوامع بشری و رشد روز افزون و سریع تکنولوژی‌های مختلف در جهان، ابداع و ارائه روش‌های جدید در صنایع و وقوع اختراعات و اکتشافات علمی و فنی باعث شد انسان امروزی در معرض تهدید و فشار آن چیزهایی قرار بگیرد که خود به دست خود ساخته است. ارزیابی حوادث بزرگ با پیامدهای بحرانی انسانی، اقتصادی و زیست محیطی، نشان‌گر تاثیر عوامل مختلف از جمله خطاهای مدیریتی، فاکتورهای انسانی، تبادل انسان و ماشین، ضعف‌های ایمنی و طراحی نامناسب سیستم و به عبارت جامع‌تر، ضعف در فرهنگ ایمنی در بروز این گونه حوادث بوده است.

امروزه با توجه به افزایش نوع خطرات و عوامل زیان آور موجود در محیط‌های کار و زندگی، استفاده از روش‌های فنی و مهندسی برای پیشگیری و مقابله با شرایط نا ایمن به تنهایی کافی نیست و لازم است برای تکمیل راهکارهای دیگر، تدابیری اندیشیده شود. ارتقای فرهنگ ایمنی یکی از این راه کارهاست که باید به عنوان یک رویکرد ویژه، در سیستم‌های مدیریت ایمنی مورد توجه قرار گیرد.

فرهنگ ایمنی یکی از زیرشاخه‌های مبحث کلی‌تری به نام HSE یا همان «بهداشت، ایمنی و محیط زیست» است.

دکتر داوود رشتچیان- دبیر پنجمین همایش ملی مهندسی ایمنی و مدیریت HSE، در گفت‌وگو با گزارشگر روزنامه اطلاعات به گسترش صنایع و به تبع آن افزایش مخاطرات و ریسک محیط کار، اشاره می‌کند و می‌گوید: امروز، ایمنی و مدیریت HSE نقش مهمی را در جامعه صنعتی ایفا می‌کنند. با رعایت ایمنی و به کار گیری مدیریت صحیح آن و رعایت بهداشت در محیط کار، می‌توان از هر گونه ضرر و زیان انسانی، مادی، محیط زیستی، اعتباری و معنوی جلوگیری به عمل آورد.

وی ادامه می‌دهد: در کشور ما در سال‌های اخیر و به خصوص در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ شاهد فعالیت‌های چشمگیری در صنایع مختلف از قبیل نفت، گاز و پتروشیمی بوده‌ایم و میزان سرمایه گذاری در این صنایع بسیار قابل توجه بوده است و از اینرو همزمان با رشد صنعت در این زمینه‌ها، توجه به ایمنی، از ملزومات توسعه در بخش صنعت است.

اداره کشورمان به این صنایع وابسته است، اما متاسفانه همراه و همسنگ با این رشد صنعتی، نگاه مدیریتی چندان مناسبی به بحث ایمنی وجود نداشته است.

دلیل این مساله این است که مدیرانی که در راس این امور هستند، دائم در حال تغییر بوده‌اند و آن‌ها به طور طبیعی به مقوله‌هایی توجه می‌کنند که زودتر نتیجه بدهد، حال آن که بحث‌های مربوط به ایمنی، نگاه به آینده است و زود بازده نیست.

دلیل دیگر این است که با وجود اینکه هزینه‌های هنگفتی در زمینه‌های نفت و گاز و پتروشیمی مصرف می‌شود، نگاه به مقوله ایمنی به مثابه یک هزینه اضافه است. در صورتی که برای حفاظت از سرمایه‌گذاری‌های کلانی که در بخش‌های مختلف شده است، حتماً باید به مسائل ایمنی هم توجه شود.

در غیر این صورت اتفاقی که در یکی دو دهه گذشته شاهد آن بوده‌ایم، ادامه پیدا می‌کند و چه بسا وضعیت وخیم‌تر شود و تلفات انسانی و مالی بسیاری به جا بگذارد. مثل انفجارها، آتش سوزی‌ها و تخریب‌ها که هر روز در صنایع رخ می‌دهد و با این وجود توجه زیادی به آن‌ها نمی‌شود.

آماری که در زمینه حوادث کار و ایمنی محیط زیست و زندگی وجود دارد، خیلی نگران کننده است و این آمار اصلاً برازنده کشور ما نیست.

استانداردهای جهانی ایمنی

این استاد دانشکده شیمی و نفت دانشگاه صنعتی شریف در پاسخ به این سوال که ایران در زمینه ایمنی با استانداردهای جهانی چقدر فاصله دارد، می‌گوید: آمار خیلی دقیق و شفافی در مورد حوادث کار در کشور ما وجود ندارد. و چون هیچ شاخصی در این زمینه نداریم، نمی‌توانیم خود را مقایسه هم کنیم. آماری هم که داریم، خیلی محدود است و آن را از مطبوعات و سایت‌ها جمع آوری کرده‌ایم و چیز قابل اتکایی که بتوانیم آن را مبنای تحقیقاتمان قرار دهیم، وجود ندارد. اما باید توجه کنیم که این اتفاقات در همه جای دنیا رخ می‌دهد (البته نه با این کثرت و تعدد). اما تفاوت آن‌ها این است که وقتی چنین اتفاقاتی را مشاهده می‌کنند، روی آن متمرکز می‌شوند و دلایل وقوع آن را بررسی می‌کنند تا آن اتفاق دیگر تکرار نشود.

متاسفانه در کشور ما با این قبیل اتفاقات، بیشتر احساسی برخورد می‌شود. اگر تلفات جانی داشته باشد، چند روزی عزاداری و اظهار ناراحتی می‌کنند و بعد از مدتی آن را به فراموشی می‌سپارند. هیچ درسی از این اتفاقات نمی‌گیرند.

همین انفجارها و آتش سوزی‌ها در کشورهای اروپایی و آمریکایی هم گاهی رخ می‌دهد، اما آن‌ها آمار و اطلاعات مربوط به حوادث را منتشر می‌کنند و از آن‌ها درس می‌گیرند تا از تکرارشان جلوگیری کنند.

دکتر رشتچیان در مورد راه کارهای پیش رو برای تقویت ایمنی در کار و صنعت، می‌گوید: مدیران ارشد باید توجه ویژه‌ای به این مقوله داشته باشند و HSE را به عنوان یک هزینه نبینند و با این دید به آن بنگرند که از سرمایه‌های دیگرشان صیانت و محافظت خواهد کرد. کارها باید در این زمینه علمی باشد و بر مبنای حدس و گمان انجام نگیرد. همچنین آن‌ها باید با دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی ارتباط تنگاتنگی داشته باشند تا مشکلات را با همکاری هم بتوانند رفع کنند.

ما باید بر مبحث پیشگیری بیشتر تاکید کنیم. آن قدر صبر می‌کنیم که اتفاق رخ دهد و بعد تازه به فکر چاره می‌افتیم. حال آن‌که این اتفاقات ضایعات مالی و انسانی و محیط زیستی در پی دارد.

ایجاد محیط سالم و امن در صنعت

گفتنی است که اخیراً پنجمین همایش ملی مهندسی ایمنی و مدیریت HSE، از سوی دانشگاه صنعتی شریف برگزار شد که وزیر نفت هم در این همایش به ایراد سخنرانی پرداخت. فرازهایی از این سخنرانی در ادامه می‌آید.

بیژن نامدار زنگنه- وزیر نفت با بیان این که ما از نظر جغرافیایی و وسعت زمین، وضعیت بسیار خوبی داریم و منابع مهمی در کشورمان وجود دارد، می‌افزاید: نفت مهمترین مزیت کشور ما نسبت به سایر کشورهاست و به همین دلیل سرمایه گذاری‌های عظیمی برای آن، انجام می‌گیرد.

وی می‌افزاید: صنعت نفت در این دوره توانسته است مدیریت پیوسته‌ای در مقوله ایمنی، بهداشت صنعتی و محیط زیست داشته باشد و یکی از مهمترین سیاست‌های وزارتخانه، ایجاد محیطی سالم و امن برای کار و نیروی انسانی است.

ارزش تولیداتی که در صنعت نفت ایجاد می‌شود، بسیار بالاست. این تولیدات به اقتصاد کشور تزریق می‌شود و در نهایت اقتصاد مردم را بهبود می‌بخشد. اگر صنعت نفت دچار مشکل یا قطع شود، به اقتصاد مردم و کشور آسیب می‌رسد.

وی آن‌گاه به بعضی مخاطرات صنعت نفت اشاره می‌کند و می‌گوید: درجه حرارت بالا، مواد آتش‌زا و مسموم‌کننده، محیط کار ما را بسیار خطرناک کرده است و همه این موارد می‌تواند به انسان و تاسیسات صدمه وارد کند.

با چنین وضعی لازم است برای حفظ محیط زیست، حفظ سلامت کارکنان و مجموعه‌های اطراف و تاسیسات ملی و همچنین ثروتی که در این تاسیسات وجود دارد، تدابیری اندیشیده و به مقوله ایمنی و سلامت و بهداشت حرفه‌ای، بیشتر توجه شود. چرا که هر وقت حادثه‌ای در این زمینه داشته‌ایم، به دلیل بی‌توجهی به موضوع ایمنی بوده است.

زنگنه می‌افزاید: باید بپذیریم حوزه HSE در ایران مانند بخش‌های دیگر توسعه پیدا نکرده است و در این زمینه، بهره‌برداری از روش‌های علمی، به عنوان یک نیاز اساسی احساس می‌شود.

نگاه به ایمنی کار به عنوان یک هزینه، رویکردی اشتباه در بخش مدیریتی است که امیدوارم این همایش‌ها نقش به سزایی در رابطه با تغییر این نگاه در سطح جامعه داشته باشد.

هر چه برای جا انداختن این فرهنگ بیشتر تلاش کنیم، نتیجه بهتری هم خواهیم گرفت. ما به مهندسی محیط زیست احتیاج داریم تا با ایجاد تعادل و تعامل میان صنعت و محیط زیست، به سهل شدن کارها کمک کند.

وی با بیان اینکه اقتصاد مقاومتی یعنی تبدیل شدن به قدرت اول منطقه، خاطرنشان می‌کند: اگر دولت و یا وزیر جدید به سر کار آمده است، باید تغییری انجام شود. در غیر این صورت چه نیازی به این کار بوده است. باید در فارس جنوبی در بحث گاز تمامی فازهای مشکل‌دار را به سامان برسانیم و ظرفیت پالایش را بالا ببریم و جلوی خام‌فروشی نفت را بگیریم که یکی از اهداف سیاست‌های اقتصاد مقاومتی نیز همین است.

شبنم سید مجیدی



جدول ۲۲۲۴۱

طراح: غلامحسین باغبان

افقی:

۱ـ کارگردان فیلم «لورنس عربستان» ـ کشور آمریکای مرکزی
۲ـ ظاهر شونده ـ فیلمی از پرویز شیخ طادی
۳ـ کامیون ارتشی ـ پاداش عمل ـ همدم ـ مردن از غصه
۴ـ جمع مدینه ـ یونان قدیم ـ کلبه اسکیموها
۵ـ بند دست ـ خزنده خوش خط و خال ـ کمک ـ فرزند ذکور
۶ـ کوشیدن ـ حسرت ـ کلمه پرسشی ـ راه میانبر
۷ـ از احادیث نبوی ـ نامی دخترانه ـ نمو
۸ـ بوییدن ـ نام حاتمی کیا
۹ـ همراه هرج ـ چهره‌ای همچون ماه ـ از اقوام پدری
۱۰ـ بله روسی ـ دیوار گلی ـ جمع اشاره به دور ـ نیایش
۱۱ـ وسیله داوری ـ متعفن ـ رنگ ناخن ـ مخترع تلفن
۱۲ـ طایفه‌ای از مغولان ـ پنبه زن ـ هیجان و جوش
۱۳ـ هنوز لاتین ـ فلاسفه ـ ویژه ـ هموار
۱۴ـ اثری از «والتر اسکات» ـ سهولت
۱۵ـ شبکه حمل و نقل ریلی ـ دستگاه ارتفاع یاب

عمودی:

۱ـ به رو خوابیده ـ جدا از هم ـ معاون
۲ـ خوراکی با بادمجان ـ آسمان‌ها
۳ـ هستی ـ طبیب ـ تکرار حرف ـ نفس دردمندان
۴ـ پهلوان ـ اثر رطوبت ـ سمبل عشق درهفت سین ـ زنده کردن
۵ـ بشقاب بزرگ و معمولا بیضی ـ همنام ـ شهر استان یزد
۶ـ از القاب حضرت فاطمه(س) ـ آرزو ـ اسباب لوازم منزل
۷ـ جناح لشکر ـ بخشی از درخت ـ خواننده آوازهای اصیل ایرانی
۸ـ گیاه تو خالی ـ برجی در فرانسه ـ سبزه زار ـ کلاه فرنگی
۹ـ سازمان فضایی آمریکا ـ کوبنده مطبخ ـ برادر
۱۰ـ عریض ـ پارسای دیر نشین ـ اولین حرف یونانی
۱۱ـ منسوب به قاره زرد ـ خوش قد و قامت ـ سوره ۳۸ قرآن مجید
۱۲ـ از پادشاهان ساسانی ـ آهسته ـ مرتجع لاستیکی ـ جهت
۱۳ـ صدای درد ـ گفتگوی خودمانی ـ گواهان ـ پیوستن
۱۴ـ بی رغبتی، افسردگی ـ زبان یهود
۱۵ـ نوعی پشم مرغوب ـ فرصت ـ خطای گرفتن توپ با پا در بسکتبال

حل جدول ۲۲۲۴۰



توسعه علمی مطلوب یک جامعه اسلامی چیست؟

دکتر مهدی گلشنی مدیر گروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف
بخش دوم و پایانی

جامع‌نگری

جامع‌نگری که بر آنها حاکم بود، از جمله این دلایل است؛ ولی به مرور این موضوع از دست رفت. علوم دینی از علوم طبیعی جدا نبود و همه یکجا درس داده می‌شدند. تا زمانی که وضعیت به این شکل بود، تنها یک روح حاکم بود. صحبت علم و دین به صورت دو موضوع منفک و جدا از هم نبود. یک جهان‌بینی بر روش آنها حاکم بود. کار علمی را به شیوه علمی و با دید وسیعی به کلیت قضایا نگاه می‌کردند.

کافی است به کارنامه علمی **ابوریحان** نظری بیفکنیم. کار درجه اول در رشته نجوم و جغرافیا انجام داد، سپس تصمیم می‌گیرد به هند سفری کند، کتاب «ماللهند» وی نتیجه مأنوس بودن بسیار او با هندوان است تا جایی که هندوان او را از خودشان فرض می‌کنند. سپس در مورد هندوان گزارش می‌دهد و اضافه می‌کند: «صحبت من در مورد این مردمان، ادای امانت است و از همین رو عقاید آنها را به همان شکلی که بود، انتقال می‌دهم.» دانشمندان آن دوره ما این چنین مسئولیت‌پذیر و امانت‌دار بودند.

ابوریحان با اینکه در مورد برخی مسائل فلسفی از **ارسطو** انتقاد می‌کند، ولی وقتی متوجه می‌شود ایراد بی‌جهت به منطق ارسطو وارد کرده‌اند، واکنش نشان می‌دهد و می‌گوید: «اگر قرار باشد به همه کار رومیان به عنوان دشمنانمان ایراد بگیریم، بنابراین باید نتیجه‌گیری کنیم که چون آنها غذا می‌خورند، ما نباید غذا بخوریم!» در واقع نظر خود را با این مثال این طور عنوان می‌کند که بدانیم بر چه چیزی ایراد وارد کنیم و بر چه موضوعی ایراد نگیریم.

شهرستانی ایرادهایی به **ابن سینا** وارد کرده بود و **خواجه نصیر** پاسخ شهرستانی را داد. خواجه نصیر در نهایت اذعان می‌کند که: «پاسخ من در دفاع از ابن سینا نیست، بلکه در دفاع از حق است.» چنین روشی در گذشته حاکم بود و تا زمانی که این روش پیگیری می‌شد، جهان اسلام در علم پیشرو بود؛ ولی متأسفانه این شیوه ادامه پیدا نکرد.

چرا انحطاط؟

چرا علم در جهان اسلام به انحطاط گرایید؟ این یک سؤال اساسی است و دلایل مختلفی را برای آن آورده‌اند، از جمله: جنگهای صلیبی، پیدایش تصوف، پاره پاره شدن جهان اسلام؛ اما به نظر من هیچ کدام آنها دلیل اصلی نیست. دلیل اصلی حاکمیت یک مکتب کلامی ضد عقل بود. وقتی اشاعره حاکم شدند، چنین مسائل و مشکلاتی ایجاد شد. نگاه آنها فقط به قرآن و احادیث بود و تاب و تحمل تفاسیر دیگران را نداشتند. جالب اینکه خلفای عباسی نیز از آنها حمایت می‌کردند. دلیل حمایت خلفا از اشاعره، صحبتهای این قشر بود مبنی بر اینکه وضعیت امروز ما به لحاظ سیاسی، خواست خداست و نباید آن را تغییر داد و برای بهبود شرایط نباید جنگید! البته زمان مأمون شرایط به این شکل نبود؛ اما بعد از حاکمیت دو پادشاه پس از مأمون، چنین وضعی حاکم شد و معتزله و شیعه هر دو در فشار قرار گرفتند.

در دوره خواجه **نظام‌الملک** که مدارس نظامیه در مناطق مختلف برپا شد، علوم را به دو دسته تقسیم می‌کنند، تنها علومی که در مدارس آن دوره تدریس می‌شود، فقه حنفی آن هم به دلیل وجود ملکشاه و فقه شافعی به دلیل خواجه نظام‌الملک و اندکی ریاضی و نجوم بود. بقیه علوم نیز از کلیه مدارس بغداد برچیده می‌شود که از آن جمله فلسفه و علوم طبیعی را می‌توان مثال آورد.

دانشمندانی در مناطق مختلفی ظاهر شدند؛ اما بسیار قلیل بودند. خواجه نصیر جزو همان اندیشمندان معدود بود. ایشان با گذشت پنج نسل، از شاگردان ابن سینا محسوب می‌شود؛ اما خواجه در مدارس خصوصی آموزش دیده بود و باعث شد آکادمی علوم را در خانه مراغه راه بیندازند که انصافاً یک آکادمی به معنای کامل است.

نحوه نگرش **غزالی** باعث انحطاط علم در جهان اسلام شد. غزالی معتقد بود: صواب و خطای علوم طبیعی به هم آمیخته است. بنابراین بهتر است از خیر آن بگذریم. علوم ریاضی بسیار جالب است؛ اما وقتی کسی با استدلالهای متقن ریاضی مواجه شود، تصور می‌کند که فلسفه نیز از همین درجه اتقان برخوردار است. بنابراین اگر فلاسفه یک حرف ضد دین بگویند، آن را جدی می‌گیرد؛ پس باید از خیر ریاضی نیز گذشت!

جای تعجب دارد شخصی مثل **ابن خلدون** که او را جزو بنیانگذاران اصیل جامعه‌شناسی می‌شناسیم، معتقد است مسائل طبیعیات برای دین و معاش ما واجب نیست؛ لذا ترک آن برای ما واجب است!

چنین نگرشی در جامعه ما حاکم شد. البته فلسفه الهی در ایران ادامه یافت؛ اما فلسفه و بقیه علوم در جهان اسلام طرد شد تا دوره مدرن. در این دوره شروع علم جدید در غرب آغاز شد. دکارت و هگل همزمان با دوره صفویه بودند، یعنی علم جدید در غرب شروع به رشد کرده است و جهان اسلام دوره انحطاط خود را طی می‌کند.

تا قرن نوزدهم این شرایط ادامه پیدا کرد. این قرن جهان اسلام را مجبور کرد تا نگاهی به خودش بیندازد و از راه الزام سراغ علوم طبیعی و فیزیکی را بگیرد. دلیلش هم این بود که در دوره فتحعلی شاه موقعیت سیاسی دچار مخاطره شد و جهان اسلام احساس کرد باید علم جدید را فرا بگیرد؛ ولی محتوای واقعی علم جدید را یاد نگرفتند و در آن رنگ و بویی از نوآوری نبود. تا دوران ما تنها مشق‌نویسی بود. در دوران ما متأسفانه به سطح علم نگاه می‌کنند. تعریفی که از پیشرفت علم در محیط ما می‌شود، به طور کلی مخدوش است.

دو خاصیت علم

علم در خارج دو خاصیت داشته است: یکی اینکه نیازهای زندگی‌شان را تماماً برآورده می‌کند، و دیگر اینکه مرزهای آن نیز به سمت جلو پیشروی داشته است؛ ولی ما در هیچ یک از این دو مورد سهمی نداشته‌ایم، مخصوصاً در ۱۵ سال اخیر پیمانه‌هایی که برای پیشرفت علم به کار می‌برند، به کلی مخدوش است. مبنای پیشرفت علمی را بر تعداد مقالات قرار داده‌ایم؛ ولی در مورد این مسئله صحبت نمی‌شود که این مقالات چه مسئله‌ای از ما را رفع کرده است؟

در سال ۱۹۸۳ در کنفرانسی در اسلام آباد شرکت کرده بودم. بعد از سخنرانی، خانمی پرسید: «اگر قرآن به فراگیری علم سفارش می‌کند، پس چرا ما اینقدر عقب هستیم؟» بلافاصله در جواب گفتم: به این دلیل که ما به دستورات قرآن عمل نمی‌کنیم. متأسفانه بسیار دچار موضوعات سطحی شده‌ایم. خارجی‌ها هم از این فرصت استفاده کرده و یک رشته فرمولها و معادله‌های سطحی را در محیط ما رایج کرده‌اند؛ مثل مقالاتی که بی‌اعتنا به کیفیت آنها، تنها در فکر تولید و کمیت آن هستیم! برای پیشرفت علم در جامعه‌مان باید این مشکلات را بررسی و درصدد حل آنها برآئیم.

***آکادمی مطالعات ایرانی لندن**

فعالیت‌های اقتصادی شهری

توماس سوئل
ترجمهٔ سید محمدحسین وقار
بخش دوم و پایانی





منطق انتقال مردم و منابع، این است که چیزی که در نهایت ساخته می‌شود، از آن چیزی که تخریب شده، ارزشمندتر است. اگر این منطق درست است، پس باید جبران کامل خسارت زیان‌دیدگان، ممکن باشد و پس از آن نیز برای استفاده‌کنندگان جدید آنقدر باقی بماند که مرفه‌تر گردند؛ اما اگر خسارات پرداختی به زیان‌دیدگان تنها بخشی از ضررهایشان را جبران می‌کند، پس برنامه بازسازی دولت که بیش از نفع، موجد ضرر بوده، بدان دلیل هنوز ادامه دارد که از یارانهٔ سنگین پرداختی از جیب قربانیان ناخواستهٔ تصاحب زمین توسط دولت برخوردار است. به عبارتی متفاوت، آنان که برای این گونه تغییر مسیر منابع و مردم برنامه‌ریزی و آن را اجرا می‌کنند، دارای انگیزهٔ اعمال اقتدار خود بسیار فراتر از نقطه‌ای هستند که سود نهایی جامعه در آن وجود دارد.

تدوین جدول بسیاری از هزینه‌های این اخلال در جوامع جهت جبران خسارت آن به‌سختی قابل انجام است، حتی اگر مقامات مایل به انجام این کار باشند؛ زیرا تعیین بهای روابط انسانی مختل‌شده، از جمله استعداد بیشتر برای ارتکاب جرم، دشوار است به‌خصوص وقتی الزامات غیررسمی جامعه بر اثر پراکندگی مردم از میان رفته باشد. شاید روشن‌ترین شاخص این هزینه‌ها بهایی است که باید به مردم پرداخت تا آنها را واداشت داوطلبانه خانه و محل کسب‌وکارشان را ترک گویند، به جای آنکه دولت با توسل به اختیارات ناشی از حق تملک ملک خصوصی، آنها را تصاحب کند.

دلیل بیشتر این فعالیت دولت، این فرض ضمنی است که با انتقال مردم از محیط مادی بد به محیط مادی دیگری که آن را بهتر می‌دانند، مسائل اجتماعی عموماً و جرم خصوصاً کاهش خواهد یافت. نیازی نیست که این فرض مورد آزمون برنامه‌ریزان، سیاستمداران و دیوان‌سالاران یا قضات قرار گیرد؛ زیرا در این میان به‌ندرت کسی مجبور است بهای اشتباهاش را بپردازد. همچنین بعید است که اطلاعات کاملی از زندگی، ارزشها و الگوهای رفتار مردم بسیار متفاوتی داشته باشند که برای انجام یک طرح بزرگ، آنها را همچون مهره‌ها در صفحهٔ شطرنج به این‌سو و آن‌سو حرکت می‌دهند. با توجه به انگیزه‌ها و الزامات دخیل، چندان تعجبی ندارد که تلاش برای کاهش جرم با تخریب زاغه‌نشینی‌ها اغلب نه تنها بیهوده، که مضر از آب درآمده است!

بارها انتقال زاغه‌نشینان به خانه‌های دولتی کاملاً نو تنها به ایجاد مراکز جدید جرم در آن پروژه‌ها انجامیده است. خانه‌های جدید سریعاً خراب و به زاغه‌های جدید تبدیل شده‌اند. طرحهای برخوردار از ستایش گسترده برای طرحهایی مانند طرح پرویت‌ایگو در سن‌لوئی در عمل نهایتاً به چنان شکستی انجامید که لازم شد آنها را با دینامیت منفجر کنند! اگرچه این‌گونه پروژه‌ها از بین رفت، اما فرضهای موجود در پشت این پروژه‌ها از میان نرفت. این روش در سایر طرحهای مشابه همچنان ادامه دارد؛ مانند برگه‌های مسکن که زاغه‌نشینان را قادر می‌سازد در محلات متوسط زندگی کنند، کاملاً بدون توجه به سالها فداکاری مردم آن محلات متوسط دقیقاً برای آنکه بتوانند پولی فراهم آورند و بروند دور از اشرار و مجرمانی زندگی کنند که حالا مطابق برنامه دولت در میانشان استقرار یافته‌اند.

منطقه شیکاگو یکی از این موارد بود: در این حومه شیکاگو، با یکی از بالاترین تمرکز دارندگان برگهٔ مسکن در آمریکا، ساکنان سیاهپوست طبقهٔ متوسط شاکی‌اند؛ زیرا فکر می‌کردند که زاغه را پشت سر گذاشته‌اند، اما حالا متوجه شده‌اند دولت فدرال به زاغه‌نشین‌ها یارانه می‌دهد تا به دنبالشان بروند. از جمله پیامدهای این امر، نشانه‌های بی‌نظمی است که همراه مستأجران دارندهٔ برگه مسکن می‌آید؛ مانند چمنی که قیچی نمی‌شود، چرخ‌دستی فروشگاهها که در خیابانها رها شده است، کودکان بی‌سرپرست، و ضبط‌صوتهایی که تا دیروقت روشن است. هیچ یک از اینها خاص منطقه شیکاگو نیست. سیل شکایتهای مشابه درباره مستأجران دارای برگه مسکن

*** نقد زیبایی‌شناختی گسترش بی‌رویهٔ شهرها به سوی حومه، تنها یکی از انتقادهای فراوان به این موضوع است؛ اما اعتراضی اساسی و ماندگار است و از آنجا که ذهنی است، نمی‌توان آن را همانند دیگر ادعاها با حقایق عینی رد کرد**

به سوی مقامات محلی در جاهای مختلف سرازیر گشته است.

تجربهٔ برنامه‌ریزی‌نشده‌ای که بعد از طوفان کاترینا در نیواورلئان انجام شد، نتایج مشابهی در پی داشت. شهر هوستون پذیرای بیش از صدهزار نفر از مردمی گردید که در پی طوفان گریخته بودند. متوسط درآمد خانوادگی اینها تنها حدود نیمی از درآمد ساکنان فعلی هوستون بود، مردمی که فرزندانشان از دیگر کودکان مدارس هوستون موفقیت کمتری داشتند؛ اما میزان قتل در آن تقریباً چهار برابر هوستون بود. انتقال آنها به هوستون افزایش سریع جرم و آدمکشی را در هوستون در پی داشت!

شواهد روشن حاکی از آن است که تغییر محل مردم، چه به صورت انتقال مردم به پروژه‌های مسکن دولتی، دادن برگهٔ یارانه به آنها برای زندگی در محلات طبقه متوسط و چه به صورت انتقال عده زیادی از آنها از یک شهر به شهر دیگر، موجب تغییر رفتارشان نمی‌گردد. با این همه، این فرض ضمنی که تغییر محل مردم موجب تغییر رفتارشان می‌گردد، همچنان بر اندیشه اجتماعی و سیاست دولت غلبه دارد، و از جانب افرادی شکل گرفته که کمتر در جاهایی زندگی می‌کنند که مردم مسأله‌دار بدانها منتقل می‌شوند و برای ارتکاب خطا هیچ بهایی نمی‌پردازند. برعکس، چیزی که از نظر شخصی و حرفه‌ای برای آنها گران تمام می‌شود، پذیرش این است که خطا کرده‌اند که هزاران زندگی را مختل نموده‌اند و میلیاردها دلار پول مالیات را بر باد داده‌اند.

گسترش بی‌رویه شهر

از نیمه دوم قرن بیستم به بعد، انواع برنامه‌ها در پی محدود ساختن حق مردم برای انتخاب مسکن در گسترهٔ یک طیف وسیع اجتماعی اقتصادی بوده است. در حالی که بسیاری از این برنامه‌ها با ایجاد محدودیت در ساخت‌وساز که به افزایش هزینه مسکن می‌انجامد، حق مردم کم‌درآمد را برای انتخاب مسکن مصنوعاً محدود نموده، سایر برنامه‌ها مردم مرفه‌تر را که به بیرون شهرها و به حومه‌ها رفته‌اند، با ایجاد چیزی که «گسترش بی‌رویه شهر» خوانده می‌شود، هدف قرار داده است. تعریف این اصطلاح دشوار بود؛ اما تردیدی در شدت حمله به آن وجود نداشته است.

این حملات گاهی زیبایی‌شناختی، گاهی اقتصادی و گاهی اجتماعی بوده است:

لوئیس مامفورد، یکی از منتقدان برجسته گسترش بی‌رویه شهر می‌گوید: «با هواپیما دور لندن، برلین، نیویورک یا شیکاگو حرکت کنید، یا با استفاده از نقشه شهر و نقشه بلوکها نگاهی اجمالی به شهرها بیفکنید. شکل شهر چگونه است و چگونه خود را نشان می‌دهد؟» او همانند بسیاری از منتقدان دیگر، از «گسترش بی‌رویه و بدقوارهٔ» شهرها، آن‌طور که از بالا دیده می‌شود، متأسف است. به عبارت دیگر، نقد زیبایی‌شناختی بیشتر توسعه حومه‌ها آن بوده که به نظر اشخاصی که بر فراز آنها پرواز می‌کنند، فاقد جذابیت است؛ اما بدیهی است که اگر این گونه توسعه برای آنان که در زمین‌اند و به این گونه محلها نقل مکان کردند جذاب نبود، این توسعه انجام نمی‌گرفت و رشد نمی‌یافت. شالودهٔ اساسی انتقاد بر فرض برتری ذوق زیبایی‌شناختی اشخاص ناظر ثالث در قیاس با ذوق ساکنان در سطح زمین استوار است. این فرض که اغلب به صراحت بیان می‌شود، بیش از یک قرن است که بخشی از انتقاد از توسعه شهری به سوی نواحی روستاهای اطراف بوده است.

امروزه منتقدان خودرو را به خاطر حومه‌گرایی یا «گسترش بی‌رویه شهر» نکوهش می‌کنند، درست همان‌طور که در قرن نوزدهم دوک ولینگتن راه‌آهن تازه‌ساز را مورد نکوهش قرار می‌داد؛ زیرا «مردم عادی» را تشویق می‌کرد «بدون نیاز، به این‌سو و آن‌سو بروند!» بدیهی است اگر «مردم عادی» حرکت را غیرضروری می‌دانستند، بدون دلیل این‌سو و آن‌سو نمی‌رفتند؛ اما چیزی که در انتقاد دوک مستتر است، آنکه نخبگان ثالث بهتر از کسانی می‌دانند که برای خود و با هزینه خود تصمیم می‌گیرند! منتقد انگلیسی دیگری در سال ۱۹۳۲ بر کار آنان که گفته می‌شد روستاها را «تخریب می‌کنند»، تأسف می‌خورد و می‌گفت: «ذوق و سلیقه کاملاً به پستی گراییده است.» در قرن بیستم نیز پیت سیگر، خواننده آمریکایی ترانه‌هایی درباره خانه‌های طرح توسعه حومه خواند که این خانه‌ها را به جعبه‌های «بدریخت» تشبیه می‌کرد: «جعبه‌های کوچکی که همه یک جورند.»

بدیهی است اگر آنان که این خانه‌ها را خریدند، قیمت پایین آنها را که در نتیجه تولید انبوه خانه‌های همسان ممکن گردیده بود، از تنوع مهمتر نمی‌یافتند، این گونه طرحهای توسعه شکل نمی‌گرفت. مردم با ذوقها و اولویتهای متفاوت آزاد ماندند که در جاهای دیگر و در خانه‌های متمایزتر و گرانبهاتر زندگی کنند. به‌علاوه، جعبه‌های «بدریخت» و بسیار منفور احتمالاً گامی به جلو برای بسیاری از آنهایی بود که از ساختمانهای آپارتمانی پرازدحام شهری به آنجا رفتند. نقد زیبایی‌شناختی «گسترش بی‌رویه» به سوی حومه، تنها یکی از انتقادهای فراوان است، اما انتقادی اساسی و ماندگار است و از آنجا که انتقادی ذهنی است، نمی‌توان آن را همانند دیگر ادعاهای مخالف «گسترش بی‌رویه شهر» با حقایق عینی رد کرد.

ممکن است محلات «برنامه‌ریزی‌شدهٔ» دولت یا سازندگان خصوصی مطابق دستورالعمل یا الزامات کمیسیونهای برنامه‌ریزی دولتی پیش‌پنداشتهای ناظران را بهتر محقق سازند، اما لزوماً کمکی به تحقق مقاصد کاربردی مطلوب اغلب مردم نمی‌کنند؛ ولینگبی (سوئد) که یکی از مناطق برنامه‌ریزی‌شده و برخوردار از شهرت بین‌المللی، یک استثنا باقی می‌ماند، حتی در سوئد که بیشتر مردم در مناطقی زندگی می‌کنند که بسیار شبیه محلات «برنامه‌ریزی‌نشده» است که در ایالات متحده و در دیگر کشورها منتقدان از وجود آن اظهار تأسف می‌نمایند. آن‌طور که یک بررسی نشان می‌دهد، بیشتر حومه استکهلم، با آزادراهها، مراکز خرید، فروشگاههای بزرگ آیکیا، بیشتر شبیه حومه‌های آمریکاست تا ولینگبی.

چیزی که در برخی جاها «رشد هوشمند» خوانده می‌شود، تحمیل ترجیح ناظران، منتقدان، فعالان یا «کارشناسان» به الغای علائق مردم توسط دولت است که در چیزهایی تبلور می‌یابد که مردم مایلند پول خود را برای خرید یا اجاره آن خرج کنند. اگرچه عبارت «رشد هوشمند» جدید است، اما خود مفهوم جدید نیست. در قرن شانزدهم، الیزابت اول فرمانی صادر کرد و ساخت‌وساز را در اطراف لندن ممنوع اعلام نمود. به همین ترتیب، قرنها بعد، در سال ۱۹۴۴، برنامه تفصیلی لندن بزرگ و دیگر برنامه‌های نظارت بر رشد تغییراتی ریشه‌ای در قوانین کاربرد زمین تحمیل نمود؛ اما در نهایت باز هم نتوانست گسترش شهر را در اطراف لندن متوقف سازد.

سخن گفتن از محلات «برنامه‌ریزی‌شده» و «برنامه‌ریزی‌نشده»، همانند سخن گفتن از اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده در برابر اقتصاد برنامه‌ریزی‌نشده، گمراه‌کننده است. در هر دو مورد، افراد و مؤسساتی که مستقل از مقامات دولت تصمیم می‌گیرند، رفتاری خودسرانه یا نابسامان ندارند، بلکه درست همانند هر کمیسیون برنامه‌ریزی، برنامه می‌ریزند. برنامه‌ریزی دولتی در عمل یعنی سرکوب برنامهٔ فردی و در عوض، تحمیل یک برنامهٔ جمعی که با ملاحظات سیاسی یا دیوان‌سالارانه تدوین شده است. تاریخ اقتصادهای دارای برنامه‌ریزی متمرکز که تا اواخر قرن بیستم، حتی در کشورهای تحت کنترل سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها، هر چه بیشتر جای خود را به اقتصادهای بازارمحورتر می‌داد، حاکی از آن است که چیزی که برای ناظران بیشتر موجه می‌نماید، لزوماً به نتایج نهایی مطلوب مردم نمی‌انجامد. جوامع «برنامه‌ریزی‌نشده» مانند اقتصادهای «برنامه‌ریزی‌نشده» باید با توجه به علاقه عموم مردم به منظور کسب معاششان هدایت شود، چه آن علائق را اشخاص ناظر ثالث درک یا تصویب نمایند یا ننمایند.

ادعاهای واقعی خاص از سوی منتقدان «گسترش بی‌رویه شهر» در تمایز با فرضیات زیبایی‌شناختی یا دیگر فرضیات را می‌توان با توجه به شواهد موجود آزمود. از جمله این ادعاها یکی آنکه به منظور محافظت از آسفالت شدن فضای باز که سریعاً در حال نابودی است، محدودسازی رشد ضرورت دارد؛ اما تنها ۵ درصد زمین در ایالات متحده برای توسعه و عمران به کار گرفته شده است. به‌عبارت دیگر، اگر اندازه همهٔ شهرهای بزرگ و کوچک امریکا دو برابر شود، که ممکن است نسلها طول بکشد، در آن صورت، هنوز ۹۰ درصد زمینْ آبادنشده خواهد بود! نگران‌کننده‌ترین ادعاها و تقاضاهای فوری برای قوانین و سیاستهای حفظ «فضای باز» بیشتر در محلهایی مطرح گشته که زمینهای زیادی فضای باز است و در آن ساخت هیچ چیز مجاز نیست.

مثلاً در سال ۲۰۰۶ گروههای حفاظت از محیط زیست در منطقه خلیج سان‌فرانسیسکو به دفاع از تخصیص یک میلیون جریب دیگر به فضای باز پرداختند که در آن ساخت‌وساز قانوناً ممنوع می‌گشت، اگرچه منطقه فضای باز این خلیج احتمالاً از فضای باز هر پایتخت دیگری در جهان بزرگتر است؛ یعنی به‌رغم آنکه مدافعان فضای باز می‌کوشیدند چند تکه کوچک فضای سبز را از اسفالت شدن نجات دهند، در پنج‌ششم زمین این منطقه توسعه و عمرانی انجام نشده بود. پیش از این مطابق قانون، بیش از یک میلیون جریب از محدوده ساخت خارج شده بود. با این همه، به‌رغم افزایش جمعیت و یکی از بالاترین قیمت مسکن در سطح کشور، ائتلاف گروههای حفاظت محیط زیست به تبلیغ حذف یک میلیون جریب دیگر از محدودهٔ ساخت‌وساز پرداختند که عملاً افزایش بیشتر قیمت مسکن در شهری را سبب گردید! اینجا مسأله این نیست که آیا فضای باز مطلوب است، بلکه این است که آیا تعهدی بی‌انتها به فضای باز هر چه بیشتر مطلوب است؟ وقتی شوق و شعارهای مست‌کننده به نفع چیزی است که عملاً همه مطلوب می‌دانند، مسألهٔ بسیار مهم، سنجیدن هزینه با نفع است؛ زیرا فعالان به‌ندرت برای تحلیل هزینه در برابر نفع درنگ می‌کنند.

ادعایی مرتبط که نه تنها در امریکا که در دیگر کشورها مطرح می‌شود، این است که زمین کشاورزی باید حفظ شود. این ادعاها معمولند حتی در کشورهایی مانند ایالات متحده و کشورهای اتحادیه اروپا که نسلهاست مازاد کشاورزی مسأله‌ای مزمن و پرهزینه بوده است. در حقیقت، دولت امریکا در تلاش برای ممانعت از آنکه مازاد کشاورزی از حد موجود بیشتر و پرهزینه‌تر گردد، میلیاردها دلار به زارعان می‌پردازد تا زمین کشاورزی را از تولید خارج نمایند.

این حقیقت که این همه کشاورز زراعت را کنار می‌گذارند و اینکه اینقدر زمین کشاورزی برای ساخت محلات مسکونی در دسترس است، باید شاهدی تعیین‌کننده علیه آنانی باشد که نسبت به خطرهای «از دست دادن» زمین کشاورزی هشدار می‌دهند. در حقیقت نیاز واقعی به تصویب قوانین برای ممانعت از این تبدیل زمین با منطق مورد استناد برای توجیه این‌گونه قوانین در تضاد است. اما در اینجا نیز موضوع موجه برای اشخاص ناظر ثالثی که نظراتشان میان روشنفکران تبلیغ و در رسانه‌ها منعکس می‌گردد، می‌تواند از منظر سیاسی تعیین‌کننده باشد، به رغم علائق شمار بسیار زیادتری از سایر مردم که مستقیماً درگیرند و طَبق قوانین، می‌توان از تحقق علائقشان به‌عنوان مستأجر یا مالک خانه ممانعت به عمل آورد.

آلوده‌سازی محیط زیست

ادعای آلوده‌سازی محیط زیست در نتیجهٔ گسترش حومه‌نشینی نیز از زمره ادعاهایی است که می‌توان در پرتو شواهد تجربی مورد بررسی قرار داد. درست است که مردم در جاهایی که ساکن‌اند، در مقایسه با مناطق غیرمسکون بیرون شهر، هوا را آلوده می‌سازند و با فاضلاب و دیگر محصولات پسماند موجب آلودگی بیشتری می‌گردند. اما این مردمند ـ و نه محل زندگی‌شان ـ که هم آلودگی تولید می‌کند، هم منابع طبیعی را تا انتها مصرف می‌نمایند.

وقتی نیمی از مردم شهر با تغییر محل زندگی‌شان به روستا می‌روند، نیمی از آلودگی را با خود می‌برند، و در این صورت، این بدان معناست که تنها نیمی از آلودگی در آنجایی که ترک کرده‌اند باقی می‌ماند. این امر که تغییر مکان مردم ممکن است موجب افزایش آلودگی یا مصرف کامل منابع طبیعی باشد، باید به صورت تجربی تأیید شود، نه اینکه با نشان دادن آنکه آلودگی و استفاده از منابع در جاهای اشغال‌شده از جاهای اشغال‌نشده بیشتر است، به صورت تلویحی بیان گردد. به علاوه، زمین زراعتی که بسیاری نگران حفظش هستند، در نتیجه فرار مواد شیمیایی مورد استفاده برای رشد محصول و آلودگی هوا ناشی از استفاده از حشره‌کش و کود به آلودگی سوق داده شده است.

اغلب فرض می‌شود که حومه‌نشینی به معنی افزایش استفاده از خودرو و افزایش مصرف سوخت است که به افزایش آلودگی هوا منجر می‌شود. این امری تقریباً بدیهی است مشروط بر آنکه همه حومه‌نشینان برای کار به مرکز شهر بروند و بازگردند؛ اما «گسترش بی‌رویه شهر»، همراه با حرکت مردم، حرکت شغلها را نیز به بیرون مراکز شهر در بر دارد. به‌علاوه، این الگویی است که در نسلهای پیش هم وجود داشت. در آغاز قرن بیستم، یک‌سوم همه مشاغل کارخانه‌ای در امریکا در خارج مراکز شهرها قرار داشتند، اما تا اواسط قرن نیمی از این مشاغل در خارج مراکز شهرها مستقر شده بودند.

در دهه ۱۹۲۰ خروج از مناطق شهری آمریکای شمالی، حرکتی جمعی بود. توسعه و تشدید خرده‌فروشی و استفاده از دفاتر در مراکز قدیمی شهرها باعث کاهش شدید تعداد مردمی شد که در مرکز شهر زندگی می‌کردند. در این روند، مرکز شهر در روزهای کاری سخت پرازدحام و شبها و روزهای آخر هفته نسبتاً متروک بود...

سطوح بی‌سابقه‌ای از ثروت، حمل‌ونقل همگانی عالی و افزایش مالکیت خودرو به بخش بزرگی از جمعیت حومه‌نشین آمریکا امکان داد که از حق انتخاب زندگی در خانه‌های ویلایی حومه برخوردار باشند. در دهه ۱۹۲۰ صدها متر مربع خانه ظاهراً یک‌شبه سر برافراشت... اگرچه امروزه معدودی از والدین آمریکایی حومه‌نشین طبقه متوسط خانه‌ای ویلایی را محل مناسبی برای پرورش خانواده‌ای بزرگ می‌دانند؛ اما در آن زمان، برای بسیاری از خانواده‌ها یک خانه کوچک تک‌خانواده‌ای که در آن بتوانند زیر سقف خود زندگی کنند و حیاط خود را داشته باشند، انقلابی واقعی در تحقق انتظاراتشان بود.

این حقیقت که کیفیت هوا در بسیاری از جاها در دوره گرایش به حومه‌نشینی رو به بهبود داشت، حاکی از آن است که قانونِ انعطاف‌ناپذیری وجود ندارد که «گسترش

*** شواهد حاکی است که تغییر محل مردم، چه به صورت انتقال به پروژه‌های مسکن دولتی، یا دادن یارانه برای زندگی در محلات متوسط، موجب تغییر رفتار نمی‌گردد. اما این فرضیه که تغییر محل موجب تغییر رفتار می‌شود، همچنان بر اندیشه دولتها غلبه دارد**

بی‌رویه شهر» یعنی آلودگی بیشتر. حفظ فضای باز لزوماً به معنی کاهش آلودگی نیست. وقتی حفظ فضای باز قیمت مسکن را بالا می‌برد، این وضع می‌تواند میزان رانندگی (و آلودگی هوای ناشی از آن) را برای مردمی افزایش دهد که در محلات محل کارشان توان تأمین زندگی خود را ندارند. اگرچه ممکن است بعض مشاغل همراه مردم از شهر بیرون روند، اما برخی دیگر از مشاغل نمی‌توانند چنین کنند. آتش‌نشانان باید در شهر باشند، همان‌طور که پلیس باید برای مقابله با جرایم شهری در شهر باشد، و همین‌طور معلمان و پرستاران. بیشتر مردم در این مشاغل خاص توان مالی زندگی در آن شهرها را ندارند؛ زیرا قیمت مسکن در آنها در نتیجه محدودیتهای استفاده از زمین با هدف جلوگیری از «گسترش بی‌رویه شهر» بی‌اندازه بالا رفته است، و بنابراین باید برای یافتن مسکنی که از عهده تأمینش برآیند، تا هر مسافتی بروند و به شهر برگردند. خلاصه آنکه با در نظر گرفتن همه جوانب، نمی‌توان فرض کرد که این‌گونه محدودیتهای استفاده از زمین به کاهش ازدحام بزرگراهها یا آلودگی هوا می‌انجامد.

هزاران سال است که شهرها نه تنها محل تمرکز مردم، که محل تجمع مؤسسات صنعتی، تجاری، فرهنگی و هنری نیز بوده‌اند. در واقع این مؤسسات بوده‌اند که مردم را به شهرها کشانده‌اند. به علاوه، شهرها طلایه‌دار بسیاری از تمدنها بوده‌اند. شهرها مانند هر چیز انسانی، ناقصند و مزایای آنها هزینه دارد؛ این چیزی است که از جانب اکثر مردم بدون چون و چرا پذیرفته شده؛ اما برای برخی، دلیلی برای مویه، مبارزه و گاهی از آن بدتر، برای «راه حل» تلقی شده است. امروزه معدودی از مردم می‌توانند به همان سادگی سخن گویند که دوک ولینگتن در قرن نوزدهم سخن گفت. اعتراضات امروزین به حومه‌نشینی، از جملهٔ این نظرات هستند که نتایج آن از هواپیما چندان آراسته به نظر نمی‌رسد. آنان که حساسیت‌شان با مشاهده چیزی که از پنجره هواپیما می‌بینند آزرده می‌شود، می‌توانند پرده را بکشند؛ اما در عوض، برخی ترجیح می‌دهند که زندگی میلیونها نفر از مردم را در زمین مختل سازند.

***درستها و نادرستهای اقتصادی**(انتشارات اطلاعات)

آیین شهریاری و روابط بین‌الملل در شاهنامه

ابوالفضل کاوندی کاتب
بخش چهارم

«آزادگان» در شاهنامه به دو معنا به کار گرفته شده است: نخست گروه ویژه‌ای از ایرانیان دارای تبار برجسته که در شمار بزرگ‌زادگان و شاهزادگانند و در میدانهای نبرد از فرماندهان و برترینهای سپاهند و این با نقش آنان در روزگار ساسانی همخوانی دارد؛ دوم، همهٔ ایرانیان که در شاهنامه بیشتر بدین معنا به کار رفته است.

دهگانان

دهگانان یکی از طبقات اجتماعی سیاسی مهم در دوران ساسانی و پایین‌ترین لایه سیاسی حکومت به شمار می‌آمدند. دهقانان مردمی‌ترین گردانندگان کشور بودند و وظایف گوناگون داشتند: فرماندهی نظامی، مدیریت شهری و روستایی، آباد کردن نواحی، کارگزاری مالیاتی، ساماندهی کارهای کشاورزی و دیگر امور، ترویج آیینها و فرهنگ ایران، چنان که فردوسی داستانهایی چند، از جمله: داستان رستم و سهراب را از زبان دهقان روایت کرده است. دهقانان، همچون آزادگان، یک طبقه اجتماعی سیاسی مهم در ایران بوده‌اند که به سبب نقش برجسته‌شان در جامعه ساسانی، در شاهنامه فردوسی همه ایرانیان به این نام خوانده شده‌اند.

به نوشتهٔ طبری، بلعمی و ثعالبی، منوچهر شاه دهقانان را ارباب شهرها و روستاها و مسئول آبادانی و دفاع از نواحی کرده بود. در دوران ساسانی، دهقانان که چه بسا پرشمار بودند، با همکاری روحانیان زرتشتی بومی، بر مناطق گوناگون فرمان می‌راندند. اینان همان طبقه‌ای بودند که از سدهٔ ششم به بعد یعنی از زمان اصلاحات قباد یکم و خسرو یکم اهمیت و شهرت بیشتری پیدا کردند. بدین‌سان دهقانان همچون چرخهای دستگاه دولت بودند.

از آنجا که دهقانان آگاهیهای محلی از اوضاع زمین و زندگی مردمان داشتند، دولت می‌توانست با وجود لم‌یزرع بودن بیشتر نقاط کشور، بار سنگین جنگها و هزینه‌های گزاف دولتی را تحمل کند و از پس آنها برآید. پس از افتادن ایران به دست تازیان نیز، با همه خشونتی که آنان در گرفتن مالیات نشان می‌دادند، تا زمانی که با دهقانان همدست نشدند، نتوانستند درآمد خود را به‌اندازه‌ای برسانند که فرمانروایان ساسانی رسانده بودند.

جهان سیاسی شاهنامه

در جهان سیاسی شاهنامه، کشورهایی را که از آنها نام برده شده است، می‌توان در سه دسته جای داد:

دسته نخست، پنج قدرت اصلی را در بر می‌گیرد که از آغاز تا پایان، در جهان سیاسی شاهنامه وجود دارند و نقش‌آفرینی می‌کنند: ایران، توران، روم، هند و چین.

در دسته دوم، قدرتهای درجهٔ دو جای می‌گیرند که مستقل هستند و گاه در کنار پنج قدرت اصلی قرار می‌گیرند و در نبردها با یکی از آنها همکاری می‌کنند و در میان آنها می‌توان از سُقلاب (اسلاو/روس)، دشت نیزه‌وران (عربستان)، یمن، بربرستان، حبش، مصر و... یاد کرد.

دسته سوم، کشورهایی نیمه مستقلند که بیشتر نقش سپر میان پنج قدرت اصلی را دارند و بسته به اندازهٔ قدرت کشورهای بزرگ، گاه در یک جبهه و گاه در جبهه دیگر می‌ایستند؛ مانند: مُکران، سند، کروشان، حیره، غسّان، خزر، الان، ارمن و...

این گونه تقسیم‌بندی کشورها در شاهنامه، به وضع جهان سیاسی در سدهٔ سوم تا سدهٔ هفتم میلادی، یعنی دوران ساسانی، بسیار نزدیک است. از این رو می‌بینیم که رخدادهای سیاسی و دگرگونیهای ژئوپلیتیکی دوران ساسانی تا چه‌اندازه در فرهنگنامه‌ها و «خوتای نامگ» (خداینامه/شاهنامه)های برجا مانده و به‌ویژه در شاهنامه فردوسی بازتاب داشته است.

روابط خارجی

پس از مرگ اسکندر، حکومتهای بزرگی همچون اشکانیان در ایران، کوشانیان در شمال هند، امپراتوری روم در باختر و امپراتوری چین در خاور پا گرفتند که هر یک از آنها داعیهٔ سروری بر جهان سیاسی را داشت. در نتیجه، این حکومتها گاهی به نبرد با یکدیگر می‌پرداختند و گاهی به همکاری رو می‌کردند. جهان ژئوپلیتیک برای نخستین بار در آن دوران پدید آمد و قدرتها به ایفای نقشهایی پویا در جهان سیاسی پرداختند. این وضع، با روی کار آمدن ساسانیان در ایران، برجستگی ویژه‌ای در جهان باستان یافت و کشورها گاه از سر رقابت، گاه برای همکاری با هدف درهم شکستن قدرت سوم و گاه برای ایجاد دوستی، روابط خارجی خود را گسترش دادند.

نوشته‌هایی که از ایران باستان، هند، چین، یونان و روابط امپراتوریهای آن دوران در دست داریم، نشان می‌دهد که از سده‌ها پیش از میلاد، اندیشمندان و فیلسوفان بزرگ، در باره چند و چون روابط میان اقوام، ملتها، دولتها یا پادشاهان، امپراتوران و فرمانروایان نظریه‌هایی مطرح کرده‌اند که پس از سده‌ها، برخی از آنها هنوز از اعتبار و اهمیت برخوردار است. نوشته‌هایی در باره این روابط سیاسی که بر پایه آنها بتوان از چگونگی روابط میان قدرتهای بزرگ و آیین دیپلماسی در آن روزگار آگاهی یافت، در منابع پهلوی برجا مانده است.

شاهنامه برجسته‌ترین اثر به زبان پارسی است که با موشکافی کم مانند، هرچند با بیانی شاعرانه، حماسی و گاه اغراق‌آمیز، بسیاری از روابط سیاسی حکومتهای ایرانی با دیگر کشورها و ملتها را، به ویژه در دوران ساسانی، بر ما آشکار می‌سازد. فردوسی به پیمانهای سیاسی، سرزمینی، گرفتن باژ، جنگها، تهدیدهای مستقیم و غیر مستقیم کشورها و... با برشمردن جزئیات، چنان می‌پردازد که گویی خود تنظیم کنندهٔ پیمانها بوده است. در اینجا به نکته‌هایی در زمینه روابط سیاسی و دیپلماتیک که در شاهنامه آمده است می‌پردازیم.

۱ـ رفتار نمایندگان دیگر کشورها در حضور شاهنشاه: هنگامی که شاه چین دو نماینده و سفیر خود را با نامه به دربار ایران و نزد گشتاسب می‌فرستد، آیین دیپلماسی و رفتار سیاسی را نیز به آنان می‌آموزد:

بفرمودشان گفت بخرد بوید	به ایوان او با هم اندر شوید
چو او را ببینید بر تخت و گاه	کنید آن زمان خویشتن را دو تاه
بر آیین شاهان نمازش برید	بر تاج و بر تخت او مگذرید
چو هر دو نشینید بر پیش اوی	سوی تاج تابندش آرید روی
گزارید پیغام فرخش را	از او گوش دارید پاسخش را
چو پاسخ از او سر به سر بشنوید	زمین را ببوسید و بیرون شوید

۲ـ چگونگی پذیرش سفیران خارجی: هنگامی که فرستاده روم برای ابلاغ پیام قیصر به درگاه لهراسب می‌آید و اجازه باریابی می‌خواهد، ترتیب کارها و آماده شدن لهراسب برای یک دیدار سیاسی، جالب توجه است:

چو بشنید بنشست بر تخت عاج	به سر بر نهاد آن دلفروز تاج
بزرگان ایران همه پیش تخت	نشستند شادان دل و نیکبخت
بفرمود تا پرده برداشتند	فرستاده را شاد بگذاشتند
چو آمد به نزدیک تختش فراز	بر او آفرین کرد و بردش نماز
پیام گرانمایه قیصر بداد	چنان چون بباید به آیین و داد

۳ـ تهدید به جنگ: هنگامی که سالار چین از آیین زرتشت و دین‌آوری گشتاسب آگاه می‌شود به خشم می‌آید و نامه‌ای به گشتاسب می‌نویسد و از او می‌خواهد آیین زرتشت را رها کند، زرتشت را از دربار خود براند و به آیین گذشتگان خویش روی آورد؛ و در پایان، تهدید به جنگ می‌کند:

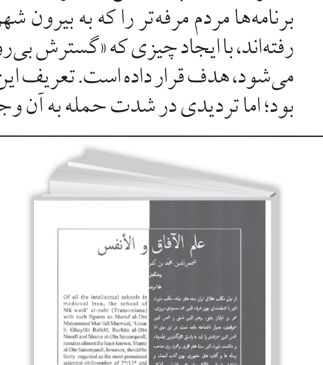
گر ایدونک بپذیری از من تو پند	ز ترکان تو را نیز ناید گزند
زمین کشانی و ترکان چین	تو را باشد این همچو ایران زمین
به تو بخشم این بیکران گنجها	که آورده‌ام گرد با رنجها
ور ایدونک نپذیری این پند من	ببینی گران آهنین بند من
بیایم پس نامه با چند گاه	کنم کشورت را سراسر تباه
سپاهی بیارم ز ترکان چین	که بنگاهشان برنتابد زمین

٤ـ نامه برای جلوگیری از جنگ: نیروهای تورانی به دستور افراسیاب خود را برای حمله به ایران آماده می‌کنند. کی‌کاووس از موضوع آگاه می‌شود، نامه‌ای تند به افراسیاب می‌نویسد و از او می‌خواهد ماجراجویی را کنار بگذارد و واقع‌بینانه رفتار کند. کاووس از آمادگی نیروهای ایرانی می‌گوید و اینکه سپاه توران یارای نبرد با ایرانیان را نخواهد داشت. کاووس پیش از برخورد تند با افراسیاب، خواهان پایان بخشیدن به جنگ میان ایران و توران از راههای دیپلماتیک و سیاسی است:

که ایران بپرداز و بیشی مجوی	سر ما شد از تو پر از گفتگوی
تو را شهر توران بسندست خود	به خیره همی دست یازی به بد
فزونی مجوی ار شدی بی‌نیاز	که درد آردت پیش رنج دراز
ندانی که ایران نشست من است	جهان سر به سر زیر تخت من است
پلنگ ژیان گر چه باشد دلیر	نیارد شدن پیش چنگال شیر

ادامه دارد

معرفی کتاب



علم الآفاق والانفس
تألیف: شمس‌الدین محمدبن اشرف حسینی سمرقندی
پیشگفتار و تصحیح: غلامرضا دادخواه
ناشر: مزدا
چاپ اول: ۱۳۹۲، ۳۰۰ ص

از میان مکتبهای عقلانی ایران سده‌های میانه، مکتب ماوراءالنهر با اندیشمندانی چون شرف‌الدین محمد مسعودی مروزی، عمر بن غیلان بلخی، برهان‌الدین نسفی و شمس‌الدین سمرقندی [illegible] «علم الآفاق والانفس» جزو آثار ناشناخته سمرقندی است و در هیچ یک از منابع قدیم از آن یاد نشده است. قرائن متنی حکایت از آن دارد که نویسنده آن را در میانه سالهای پایانی سده هفتم و سالهای آغازین سده هشتم نوشته است، یعنی در دوره پختگی علمی و فلسفی‌اش. «علم الآفاق» یکی از مهمترین آثار سمرقندی است [illegible] در دیگر آثارش نیز کم و بیش گفته است. مظهر دوم کتاب به نوبه خود می‌تواند یک اثر مستقل در هیأت به شمار رود. نویسنده در این مظهر یک دوره کامل و فشرده هیأت قدیم را به قلمی روان و شیوا گفته است. مظهر سوم که در طبیعیات و آثار علوی است، از بخشهای مفصل کتاب به شمار می‌رود. مباحث مظهر چهارم، و به ویژه قسم دوم آن در عرفان و تصفیه نفس است.



اندیشه تقریب

شماره سی‌ویکم فصلنامه «اندیشه تقریب» با مطالب زیر منتشر شد: سرمقاله، مشروعیت تقیه و احکام آن از منظر مذاهب اسلامی/ محمدصادق محسن‌زاده، سوره انسان در تفاسیر «المیزان علامه طباطبایی» و «فی ظلال القرآن» سید قطب/ علی اشرف کرمی، حکم باران مصنوعی (الاستمطار الصناعی)/ احمد شفیعی‌نیا، قرآن در وحدت اسلامی/ فهیمه میری، بایستگی پیروی از اسلام / حسین سیاح، پیشگامان تقریب: ابوالحسن مسعودی بغدادی/رحیم ابوالحسینی، سرزمینهای جهان اسلام: اردن، اردن در سده اخیر/ عزالدین رضانژاد، اخبار فرهنگی، ماخذ شناسی اندیشه تقریب/ سلمان حبیبی، چکیده مقالات به زبان عربی/ دکتر انور رصافی، چکیده مقالات به زبان انگلیسی/محمد اخوی پور.

در مقاله «مشروعیت تقیه و احکام...» آمده است: «اسلام به عنوان آیینی جامع و فراگیر وفقه اسلام به عنوان فقهی انعطاف پذیر، برای پیروان خویش راهکارهایی قرار داده است که در شرایط دشوار، راهگشای آنان باشد. با این نگرش، می‌توان تقیه را چون جان‌پناهی دانست که مسلمانان را از گزند حوادث نگاه می‌دارد. بنابراین با توجه به دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی در خصوص تقیه، می‌توان نتیجه گرفت که تقیه به مذهب ویژه‌ای اختصاص ندارد، بلکه همه مذاهب اسلامی بر مشروعیت آن اذعان داشته و به آن عمل نموده‌اند و برای درستی آن، به مهمترین منبع تشریع، یعنی کتاب، و نیز به سنت و اجماع استناد کرده‌اند.»



حقوق حمل و نقل
تألیف: محمد رسولی
ناشر: سمرقند
چاپ اول: ۱۳۹۲
٤١٦ص ـ ۲۲۰۰۰ تومان

حمل و نقل اهمیت حیاتی و تعیین شده‌ای در امر توسعه کشورها دارد و در جهان امروز این بخش از جمله بخشهای زیربنایی اقتصاد به شمار می‌رود که علاوه بر تحت تأثیر قرار دادن فرآیند توسعه اقتصادی، خود نیز در جریان توسعه دچار تغییر و تحول می‌شود.

شبکه حمل و نقل همانند هر نظام پویا و زنده دیگر نیازمند تدوین چارچوبهای قانونی و مقرراتی خاصی برای عملکرد سالم و مؤثر است. این مجموعه از ضوابط و مقررات تحت عنوان «حقوق حمل و نقل» به عنوان شاخه‌ای گسترده از علم حقوق مورد توجه مدیران و برنامه‌ریزان اجتماعی و اقتصادی است. در زمینه قوانین و مقررات حاکم بر بخشهای مختلف این حوزه شاهد پراکندگی و گستردگی زیادی می‌باشیم که در کتاب حاضر سعی بر آن شده است طی فصول مختلف به فراخور مباحث مطرح شده، به این قوانین و مقررات اشاره شود و مورد بررسی قرار گیرند.

این اثر پنج فصل دارد. فصل اول: تعاریف و ماهیت حقوق قرارداد حمل و نقل، فصل دوم: تأسیس شرکتهای حمل و نقل (شامل چهار گفتار: تأسیس شرکتهای حمل و نقل جاده‌ای، تأسیس شرکتهای حمل و نقل ریلی، تأسیس شرکتهای حمل و نقل دریایی، تأسیس شرکتهای حمل و نقل هوایی)، فصل سوم: مسئولیت متصدی حمل و نقل (حاوی هفت گفتار: مسئولیت و انواع آن، شرایط مسئولیت متصدی حمل و نقل جاده‌ای، شرایط مسئولیت متصدی حمل و نقل ریلی، شرایط مسئولیت متصدی حمل و نقل دریایی، شرایط مسئولیت متصدی حمل و نقل هوایی، مسئولیت متصدی حمل و نقل در کنفوانسیون ترکیبی)، تخلفات متصدیان حمل و نقل رایگان)، فصل چهارم: بیمه مسئولیت متصدیان حمل و نقل (شامل سه گفتار: آشنایی با بیمه و اصول عقد بیمه حمل و نقل، آشنایی با حالتهای بیمه حمل و نقل کالا، آشنایی با کلوزها» استاندارد بیمه)، فصل پنجم: حقوق کار در حمل و نقل (مشتمل بر پنج گفتار: منابع حقوق کار، ارکان رابطه کارگری و کارفرمایی، قلمرو حقوق کار، تأمین اجتماعی، حل و فصل اختلافات ناشی از قرارداد کار).

در سایه روشن هدفمندی یارانه ها

تجارب به دست آمده از اجرای فاز اول هدفمندسازی یارانه ها و اقدامات دولت یازدهم در ماه های پایانی سال ۹۲، بیانگر آن است که دولت درصدد اجرای صحیح فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها با تدابیر و برنامه ریزی‌های اقتصادی لازم برآمده است.

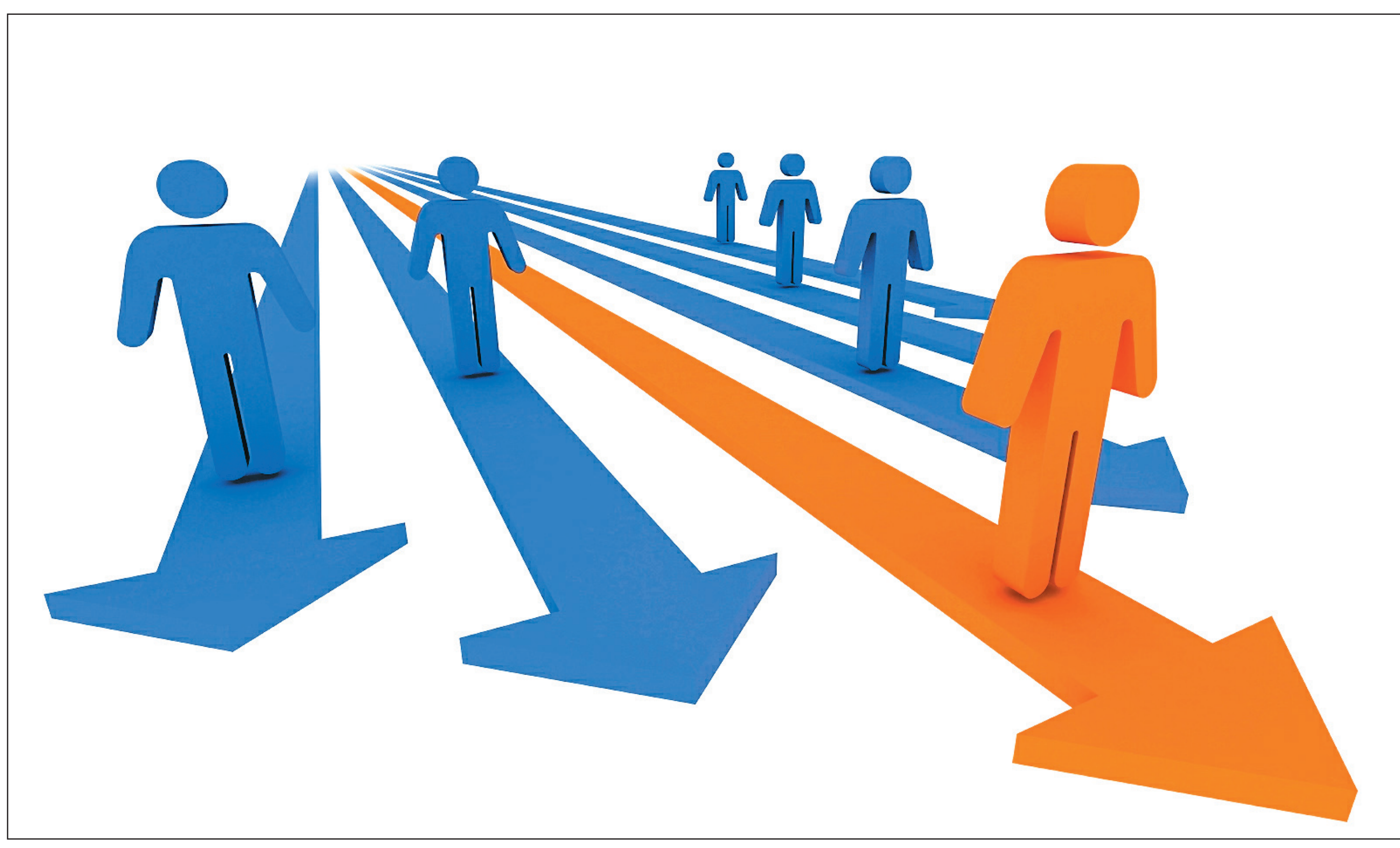
بررسی ها نشان می دهد که تا قبل از اجرای طرح هدفمندی یارانه ها، پرداخت یارانه های پنهان به حامل های انرژی به گونه ای بود که حتی از کل هزینه های عمرانی دولت هم پیشی گرفت.

با نگاهی به آمارهای منتشر شده توسط وزارت نیرو در قالب ترازنامه انرژی مشخص می شود که میزان یارانه های پنهان انرژی به جز در یک مقطع آن هم در سال ۱۳۸۰، هرساله نسبت به سال قبل با افزایش همراه بوده است. برای مثال طبق آمارهای منتشرشده توسط وزارت نیرو، پرداخت یارانه پنهان انرژی از سال ۸۴ تا ۸۵ رشد ۱۳۶درصدی را نشان می دهد.

به‌هر حال نفوذ زیاد و ریشه‌دار بودن پرداخت یارانه انرژی در کشور ما، وابستگی شدیدی را هم در سمت تولید و هم در بخش مصرف به وجود آورد و از طرفی پایین بودن قیمت‌های انرژی در کشور منجر شد که اعمال سیاست‌های بهینه سازی مصرف انرژی حالت طنزگونه یابد و انگیزه‌ای برای مردم در جهت کنترل مصرف وجود نداشته باشد و هزینه‌ها همواره بر درآمدها پیشی گیرد.

بر این اساس، بازنگری در سیاست قیمتی بسیاری از حامل‌های انرژی همواره ضروری به نظر می‌رسید تا اینکه اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها از آذر سال ۸۹ در حالی کلید خورد که تورم ناشی از برقراری سیستم قیمت تمام شده و افزایش قیمت حامل‌های انرژی همواره به عنوان اصلی ترین نگرانی منتقدان و کارشناسان اقتصادی مطرح است.

در این مقاله سعی شده در بخش اول به بررسی مشکلات و صدمات وارده به اقتصاد کشور ناشی از اجرای ناصحیح فاز اول هدفمندی یارانه ها و آزادسازی قیمتها بدون اعمال سیاست های اقتصادی، در بخش دوم چگونگی اجرای صحیح فاز دوم هدفمندی و آزادسازی قیمت های انرژی با اعمال سیاستها و برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی و در بخش سوم به مضرات ناشی از پایین بودن قیمت حامل‌های انرژی و اثرات مثبت ناشی از اعمال برخی سیاستهای بهینه سازی مصرف انرژی همزمان با اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها پرداخته شود.



شروع طرح هدفمندی یارانه‌ها در سال ۸۹ و آزادسازی قیمت های انرژی و پرداخت یارانه مستقیم به مردم در حالی آغاز شد که دولت به دنبال رفع صدمات ناشی از پرداخت یارانه‌های پنهان به حامل‌های انرژی بود.میزان یارانه انرژی به مراتب بیش از هزینه های عمرانی دولت بود و هر سال هم رشد فزاینده داشت. ادامه این وضع به دلایل متعدد میسر نبود و تداوم آن نه تنها لطمه های جبران ناپذیری به توسعه اقتصادی کشور وارد می‌آورد، بلکه با افزایش آسیب‌های وارده به محیط زیست، مشکلات و آلودگی های زیست محیطی و اجتماعی قابل توجهی هم به همراه داشت. بر این اساس دولت تصمیم گرفت نسبت به کاهش یا حذف یارانه های پنهان طی برنامه زمانبندی اقدام و کاهش رفاه دهکهای درآمدی را با پرداختهای نقدی به مردم جبران کند،به طوری که الگوی مصرف افراد جامعه تغییر نکند.

توجه نکردن به اعمال سیاستهای اقتصادی و پیشگیری از تبعات ناشی از آزادسازی قیمتها منجر شد تا اولین آثار ناشی از آزادسازی قیمت‌های انرژی یعنی تورم در اقتصاد کشور به شدت بروز کند و عدم اجرای برنامه‌های صحیح اقتصادی برای مهار تورم، اقتصاد کشور را با چالش و بحرانی مواجه کند که در اقتصاد به آن رکود تورمی می گویند.

گزارشات و آمار منتشره بانک مرکزی و مرکز آمار ایران حاکی از آن است که در سال ۹۱ متوسط نرخ تورم ۳۲ درصد، رشد اقتصادی کشور ۵٫۸ – درصد، رشد سرمایه گذاری ۲۱.۹– درصد و آمار ایجاد شغل در سال ۹۰معادل ۲۰۰– هزار نفر بوده است. نرخ رشد اقتصادی ۵٫۸– درصدی هم نشان می دهد که میزان درآمد متوسط هر شهروند ایرانی حدود هفت درصد کاهش یافته است (نرخ رشد اقتصادی باید طبق سند چشم انداز به هشت درصد برسد). لذا مجموعه ای از تورم بالای ۴۲ درصد و نرخ رشد اقتصادی منفی و سایر تنگناهای اقتصادی بیانگر آنست که اهداف مثبت ناشی از آزادسازی قیمتها و هدفمندسازی یارانه ها محقق نشده است.

برخی دلایل عمده عدم دستیابی به نتایج مثبت شامل موارد زیر است:

- پرداخت یارانه به صورت مساوی به همه اقشار مردم
- اجرای سیاست‌های صرفا قیمتی و توجه نکردن به پیاده‌سازی روش های غیرقیمتی و اقدامات بهینه سازی مصرف انرژی
- استقراض از بانک مرکزی برای پرداخت یارانه های نقدی به مردم
- توجه نکردن به تراز مالی هدفمندسازی یارانه‌ها

بررسی ها و سخنرانی مسئولان در مجامع مختلف نشان می دهد در حالیکه ۴۲ هزار میلیارد تومان طی یکسال به طور مساوی به مردم یارانه پرداخت شده است، درآمد کشور از محل تعدیل نرخ حامل‌های انرژی ۲۸ هزارمیلیارد تومان بوده و دولت مابه التفاوت آن را از محل درآمدهای عمومی و بودجه‌های عمرانی هزینه کرده است.

تجارب به دست آمده از اجرای فاز اول هدفمندسازی یارانه ها و اقدامات دولت یازدهم طی ماه های آخر سال ۹۲، بیانگر آنست که دولت درصدد اجرای صحیح فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها با تدابیر و برنامه ریزی‌های اقتصادی لازم برای جلوگیری از تکرار تجارب و صدمات وارده

*** شروع هدفمندی یارانه ها در سال ۸۹ در حالی آغاز شد که میزان یارانه انرژی به مراتب بیش از هزینه های عمرانی دولت بود و هر سال هم رشد فزاینده داشت. ادامه این وضع به دلایل متعدد میسر نبود و تداوم آن لطمه های جبران ناپذیری به توسعه اقتصادی کشور وارد می‌آورد**

به اقتصاد کشور برآمده است که نشانه های این تدبیر به شرح ذیل است:

- تلاش‌های دولت برای افزایش تحقق درآمدهای خود
- اجرای سیاستهای توام قیمتی وغیرقیمتی
- توجه به بهینه سازی مصرف انرژی و اصلاح الگوی مصرف (برای مثال اختصاص تا سقف ۵ میلیارد دلار بودجه به وزارت نفت به منظور اجرای اقدامات بهینه سازی مصرف انرژی، کاهش گازهای گلخانه ای و کاهش مصرف انرژی از طریق انعقاد قرارداد به روش بیع متقابل با سرمایه گذاران بخش خصوصی)
- کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی وبانک مرکزی
- افزایش تولید و اصلاح فضای کسب و کار

نتایج این اقدامات سبب شده است رشد اقتصادی از ۵٫۸– درصد در سال ۹۱ به سمت صفر گرایش پیدا کند و نرخ تورم ماهانه از خرداد پارسال به بعد روند کاهشی داشته باشد.

مقایسه وضع مصرف انرژی ایران در سال ۱۳۹۰ (سال اول برنامه پنجم توسعه اقتصادی – اجتماعی) با ارقام مشابه در سال ۱۳۸۴ (سال اول برنامه چهارم توسعه) نشان می دهد که جمع مصرف نهایی انرژی از ۸۴۰٫۱ به ۱۰۶۸.۱ میلیون بشکه معادل نفت خام افزایش یافته است که تداوم و جدیت در اقدامات بهینه سازی در عرضه و تقاضای انرژی را می‌طلبد. لذا ضمن بررسی برخی مضرات پایین بودن انرژی، به اعمال سیاستها و اقدامات لازم در زمینه کنترل و بهینه سازی مصرف انرژی پرداخته می شود.

پایین بودن قیمت حامل‌های انرژی منجر به بی توجهی به بهینه سازی مصرف انرژی هم در بخش عرضه و هم در بخش تقاضا می‌شود که تبعات آن منجر به وارد کردن صدمات اقتصادی ذیل خواهد شد:

- افزایش شدت مصرف انرژی و متعاقب آن تاثیر مستقیم در سایر مولفه‌های اقتصادی (تولید ناخالص داخلی، رشد اقتصادی، آسیب به تولید و اشتغال و ...
- کاهش در آمدهای ناشی از صادرات نفتی و کالاهای پتروشیمی و ...
- کاهش هزینه های عمرانی و زیرساخت های کشور
- افزایش آلودگی های زیست محیطی
- از دست دادن ثروت های ملی

بررسی‌ها نشان می دهد اگر آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی به صورت صحیح و کامل اجرا می شد و حمایت بخش خصوصی، صنایع و دولت مد نظر قرار می گرفت، هم‌اکنون ۱۳۱ هزار میلیارد تومان درآمد داشتیم که تنها با اختصاص بخشی از این درآمد، امکان نوسازی ناوگان حمل و نقل عمومی کشور و کاهش مصرف انرژی در این بخش فراهم می شد.

اقدامات لازم برای بهینه سازی مصرف انرژی به این شرح است:

- همگامی اجرای قانون هدفمندی یارانه ها با قانون اصلاح الگوی مصرف
- توسعه زیرساختها و حمایت از بخش خصوصی برای سرمایه گذاری و اجرای طرح‌های بهینه سازی مصرف انرژی
- حمایت از توان تولید تجهیزات استاندارد و راندمان بالا و محصولات موثر در بهینه سازی مصرف انرژی
- آموزش ورشدمهارت‌های نیروی انسانی
- فرهنگ سازی، ترویج و ترغیب عموم مردم به بهینه سازی مصرف انرژی
- اعمال سیاست‌های تشویق و تنبیه

به هر صورت ،آنچه که مسلم است اینکه پرداخت یارانه های هنگفت انرژی از جهات متعددی به توسعه اقتصادی، تندرستی و کیفیت زندگی در ایران ضربه بلندمدت زده است.

ادامه روند پرداخت یارانه ها ضمن تحمیل هزینه های زیست محیطی و آلودگی‌هوا موجب از دست رفتن منابع عظیم و ثروت ملی می شود که کشور آن را برای سرمایه گذاری در تولید، اشتغال‌زایی، بهره‌وری و رشد سطح زندگی لازم دارد. از طرفی، ارزان بودن بیش از حد انرژی باعث وابستگی شدید تولید و مصرف به کالاها و صنایع انرژی بر می شود.

تا زمانی که کشش قیمتی بین انرژی و سایر عوامل اقتصادی مثل نیروی کار، سرمایه و... صفر باشد، افزایش قیمت انرژی موجب رکود تورمی و کاهش تولید ملی می شود و تاثیر چندانی هم در بهینه سازی مصرف انرژی ندارد. بنابراین با توام سازی ابزارهای قیمتی و سیاست های غیرقیمتی در راستای بهینه سازی مصرف سوخت می‌توان به تدریج این کشش را مثبت کرد.

بر این اساس در صورت اجرای صحیح فاز دوم هدفمندی یارانه ها، تغییر قیمت های نسبی مطابق قانون هدفمندی، لزاما تورم زا نیست، مخصوصا اگر دولت بخشی از درآمد حاصل از کاهش یارانه‌های انرژی را در جهت اصلاح الگوی مصرف و بهینه سازی مصرف انرژی استفاده کند.

بنابراین همگامی سیاست‌های قیمتی و غیرقیمتی می تواند موجبات رونق اقتصادی را فراهم کند. سیاست گذاری، ایجاد بستر مناسب، اجرا و پیگیری قانون اصلاح الگوی مصرف در جهت بهینه سازی مصرف انرژی امری مهم و بنیادی است که شرکت بهینه سازی مصرف سوخت را با رویکرد اقتصاد مقاومتی و در جهت سیاست‌های دولت محترم، به سمت حرکت های سازنده و پربار سوق می دهد تا این مهم با اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها و آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی همگام شود و به سهم خود رنگ و بوی تازه ای به اقتصاد کشور ببخشد.

زهره بیدختی
کارشناس ارشد ارزیابی فنی و اقتصادی طرح های شرکت بهینه سازی مصرف سوخت شانا

«نفت شیل» پتانسیل جایگزینی نفت و گاز را دارد؟

آمریکا می‌خواهد به دهه‌های متمادی وابستگی به‌نفت خاورمیانه پایان دهد. گفته می‌شود که این کشور می‌تواند در آینده با استخراج نفت از لایه‌های سنگی موسوم به "شیل" ، بیش از عربستان سعودی نفت تولیدکند.

به گزارش ایسنا، "حفاری کن، حفاری!" این شعارجان مک کین نامزد جمهوری‌خواهان در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸آمریکا بود. شعاری که البته در آن زمان برای او پیروزی به ارمغان نیاورد، اما باراک اوباما آنرا گرفت و به استراتژی آینده آمریکا در پایان دادن به وابستگی نفتی و گازی اینابرقدرت تبدیل کرد و بحران کریمه سبب شد که رئیس جمهوری آمریکا متحدان اروپائی خودرا هم به سمت استفاده از این روش تشویق کند.

شیل نفت که در برخی منابع فارسی زبان به "سنگ نفت" هم ترجمه شده، لایه‌های سنگ‌های رسوبی هستند که با فشار هیدرولیکی آب و یک مخلوط شیمیائی درهم شکسته و نفت‌وگاز موجود میان آن‌ها آزاد می‌شوند. روشی که طرفداران محیط زیست با آن به شدت مخالفت می‌کنند، زیرا میزان آبی که برای تولید" نفت شیل" لازم است، بسیار بالاست و خطری برای منابع آب کره زمین به شمارمی‌رود.

در مقابل مخالفان، این روش موافقان فراوانی هم دارد؛ همه کسانی که از پایین آمدن قیمت نفت و پایان دادن به وابستگی به کشورهای نفت خیز استقبال می‌کنند. چراکه تولید بالای نفت و گاز به معنای کاهش قیمت آن در سطح جهان است و این یکی از علل رشد اقتصادی آمریکا در سال‌های ۲۰۰۸–۲۰۰۹بود. به همین دلیل هم رئیس جمهوری آمریکا دائما دستور حفاری مناطق وسیع‌تری رامی‌دهد.آژانس اطلاعات انرژی آمریکا تخمین زده است که در سال ۲۰۱۶روزانه ۹٫۵ میلیون بشکه نفت خام در این کشور تولید خواهد شد که چیزی معادل دوبرابر تولید سال ۲۰۰۸است. در حال حاضر آمریکا با سرعتی قابل توجه در این زمینه پیش می‌رود و روزانه ۸ میلیون بشکه نفت تولید می‌کند.

اما بنابر تخمین آژانس بین‌المللی انرژی، حتی این احتمال هست که آمریکا یک سال زودتر یعنی در سال آینده میلادی به بزرگترین تولیدکننده نفت جهان پس از روسیه و عربستان سعودی تبدیل شود. اوباما در آخرین دیدارخود از اروپا از کشورهای این اتحادیه هم خواست که به این روش بپیوندند و به وابستگی خود به منابع گاز روسیه پایان دهند.

روشی که رئیس جمهوری آمریکا به اروپا توصیه می‌کند، حداقل در آلمان مخالفان بسیاری دارد. خود اوباما هم از این موضوع آگاه است و به همین دلیل تاکید می‌کند که هر منبع انرژی سود و زیان خود را دارد و هیچ منبع انرژی نیست که هم ارزان باشد، هم ایده‌آل". او تاکید کرد که اروپا نمی‌تواند تنهابه آمریکا تکیه کند.

اروپا وابسته شدید به منابع انرژی روسیه است. بنابر آمار کمیسیون اتحادیه اروپا، یک سوم واردات کشورهای عضو این اتحادیه از روسیه نفت خام و گاز است. با این حال آنگلا مرکل صدراعظم آلمان حرکتی سریع در مسیر پایان دادن به وابستگی به روسیه را هنوز عملی نمی‌داند .

مهم‌ترین مناطق تولید "نفت شیل" در آمریکا ایالت‌های تگزاس و داکوتای شمالی‌هستند. چه به لحاظ تامین انرژی و چه از نظر منافع ژئوپلتیکی، این برای دولت آمریکا بسیار مهم است که نیازهای انرژی خود را هرچه کمتراز راه واردات تامین کند. این نه تنها بیلان تجاری آمریکا را بهبود می‌بخشد، بلکه از وابستگی این کشور به منطقه‌ای که دچار ناآرامی و بحران است هم می‌کاهد.

به گزارش دویچه وله، گفته می‌شود که در سال۲۰۱۶واردات نفت خام مورد نیاز آمریکا به یک چهارم میزان نیاز آن کاهش می‌یابد. اکنون نگرانی آمریکا از تنگنای انرژی به قدری کم شده که صنایع و برخی سیاستمداران آمریکا درخواست لغو قانون ممنوعیت صادرات نفت خام را کرده‌اند که در سال ۱۹۷۵تصویب شد. یکی از دلایلی که این گروه به آن اشاره می‌کند، این است که مراکز پالایش نفت خام به سرحد گنجایش خود رسیده‌اند و ظرفیت "شیل نفت" را ندارند.

اما این فقط صاحبان صنایع نیستند که از این بابت نفسی راحت می‌کشند. برای مصرف‌کننده عادی آمریکایی هم بهای بنزین درپمپ‌بنزین‌ها عاملی تعیین کننده است؛ پرداخت هزینه کم‌تر برای انرژی مساوی است باداشتن بودجه بیشتری برای سایر نیازها.

آشنایی سرمایه‌گذاران اروپایی با بورس کالای ایران

حضور بورس کالای ایران برای دومین بار در نمایشگاه صنعت سرمایه گذاری آلمان با استقبال سرمایه گذاران اروپایی و بازدیدکنندگان از این نمایشگاه و رسانه های خارجی مواجه شد.

به گزارش روابط عمومی بورس کالای ایران، در غرفه بازار سرمایه ایران که بورس کالا به عنوان یکی از ارکان اصلی این بخش از اقتصاد ملی حضور داشت، هیاتی متشکل از مدیر عامل، معاونان مالی و اقتصادی و همچنین کارشناس اطلاع رسانی و امور بین الملل این بورس به معرفی این نهاد مالی، کارکردهای آن، نقش آن در اقتصاد کلان کشور و هم چنین ایجاد ارتباط با دست اندرکاران بازار سرمایه این کشور که به عنوان قلب صنعت اروپا محسوب می شود، پرداختند.

لازم به ذکر است در بازدیدهای انجام شده از غرفه بازار سرمایه و مذاکرات انجام شده ، نمایندگان نهادهای مالی، بانکهای اروپایی، کارگزاران خارجی، اساتید دانشگاهی، پژوهشگران و سرمایه گذاران حقیقی، شرکت‌های فناوری اطلاعات، ضمن اشاره به بهبود فضای حاکم و نگاه ها در زمینه اقتصاد به ایران در راستای تحولات اخیر و ابراز تمایل به همکاری و یا سرمایه گذاری در بازار کالایی رسمی ایران از طریق بورس کالای ایران، اظهار امیدواری کردند، روندهای مالی و نقل و انتقال وجوه برای سرمایه گذاران خارجی هر چه سریعتر تسهیل شده تا سرمایه گذاران کشورهای اروپایی بتوانند از پتانسیل های بازار سرمایه ایران بهره مند شوند.

این گزارش حاکی است، در این نمایشگاه علاوه بر سرمایه گذاران و فعالان بازارهای مالی، برخی رسانه‌های اروپایی حضور جدی داشتند که با مشاهده غرفه بازار سرمایه ایران نسبت به تهیه گزارش از این غرفه اقدام کردند.

براساس این گزارش، بورس کالای ایران با توجه به راه اندازی تالار بین‌المللی در منطقه آزاد کیش و عرضه های صادراتی و همچنین پذیرش محصولات ده ها شرکت خارجی، توسعه مناسبات و مبادلات بین المللی را به عنوان یکی از اهداف اصلی خود برگزیده است و در همین راستا حضور در نمایشگاه های بین المللی مرتبط مانند نمایشگاه صنعت سرمایه گذاری آلمان می تواند در آشنایی سرمایه گذاران خارجی با این بازار و تحقق اهدف آن در بخش بین‌الملل نقش بسزایی داشته باشد.

شایان ذکر است نمایشگاه صنعت سرمایه گذاری آلمان یکی از بزرگترین گردهمایی ها و رویدادهای صنعت مالی در جهان است که بازدید کنندگان و غرفه داران در این نمایشگاه با سرمایه گذاران بخش خصوصی، مشاوران بانکی، مدیران مالی، کارگزاران و ارائه دهندگان خدمات مالی در بازارهای مالی جهان آشنا می شوند.

بازار در یک نگاه

جدول شاخص‌های بورس

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	۷۳۸۴۶/۷	۷۳۹۱۴	۷۳۷۶۸/۸	(۱۲۶/۷)	(۰/۱۷)
شاخص ۳۰شرکت بزرگ	۳۴۸۵/۱	۳۴۸۶/۹	۳۴۷۷/۷	(۱)	(۰/۰۳)
شاخص آزادشناور	۸۵۱۸۴/۳	۸۵۲۷۵/۲	۸۵۰۵۳/۱	(۱۰۸/۱)	(۰/۱۳)
شاخص بازاراول	۵۵۰۹۹/۵	۵۵۱۸۰/۶	۵۵۰۷۲/۲	(۴۷/۶)	(۰/۰۹)
شاخص بازاردوم	۱۴۰۷۶۷/۸	۱۴۱۱۶۰/۸	۱۴۰۴۵۸/۱	(۴۸۶/۲)	(۰/۳۴)
شاخص صنعت	۶۱۵۷۱/۴	۶۱۶۷۰/۳	۶۱۵۶۰/۴	(۱۷۲/۱)	(۰/۲۸)

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (سه شنبه ۹۳/۱/۲۶)

مجموع حجم معاملات	۵۴۳/۳۲۷/۹۹۲ سهم
مجموع ارزش معاملات	۱/۷۳۹/۳۷۷ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۷۳۲۵۸ معامله
ارزش بازار	۳/۶۰۲/۸۵۰ میلیارد ریال

عرضه اوراق مشارکت فولاد و مس

مدیرعامل شرکت تامین سرمایه بانک ملت از انتشار نخستین نسخه اوراق مشارکت صنعت فولاد و مس کشور با واریز سود ماهانه در سال ۹۳ خبر داد.

علی قاسمی در گفتگو با فارس اعلام کرد: اوراق مشارکت چهار طرح عظیم در صنعت فولاد و مس کشور از سوی شرکت مادر تخصصی هلدینگ توسعه و صنایع معدنی خاورمیانه (میدکو) منتشر شد.

وی گفت: این اوراق به مدت چهار روز در بازار سرمایه جهت تأمین مالی پروژه های فولادسازی بردسیر، فولادسازی بوتیا، مس کاتدی شهر بابک و نیروگاه سیکل ترکیبی بوتیای کرمان منتشر می شود.

به گفته مدیرعامل تامین سرمایه بانک ملت، از ویژگی های این اوراق می توان به سود علی الحساب ۲۰ درصد روز شمار آن، پرداخت ماهانه آن، مدت زمان چهار ساله با نرخ صفر مالیاتی، با نام بودن، قابل بازخرید قبل از سررسید با نرخ ۲۰ درصد و در نهایت تضمین سود و اصل سپرده توسط بانک ملت اشاره کرد.

این مقام مسئول در تامین سرمایه بانک ملت با توجه به شرایط کنونی بازار، سرمایه گذاری در این ابزار مالی که نخستین اوراق مشارکت ماهانه منتشره در سال ۹۳ است را جذاب توصیف کرد.

۴ عامل اثرگذار بر روند منفی شدن شاخص بورس



نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس چهار عامل اثرگذار بر روند منفی بازار سرمایه را تشریح کرد و گفت: قطعا امسال هم روند رو به رشد، سودآوری و بازده مناسب در بازار سرمایه را خواهیم داشت.

محمدرضا پورابراهیمی در گفتگو با فارس و در پاسخ به این سؤال که علت سقوط شدید بورس در مدت اخیر چیست، گفت: عملکرد بازار سرمایه طی سال‌های گذشته نشان می‌دهد که این بازار نوسانات بسیار زیادی را پشت سرگذاشته و صعودها و نزول‌های خاصی را تجربه کرده است.

وی افزود: همه این نوسانات در یک فرآیند تحت عنوان روند شاخص نشان می‌دهد که بازار در طی سال‌های گذشته رو به پیشرفت بوده و متوسط نرخ بازدهی در بورس و بازار سرمایه براساس یک بازه زمانی بلند مدت حاکی از آن است که سرمایه‌گذاران بازار سرمایه سود برده‌اند.

عضو شورای عالی بورس اظهار داشت: روند بازار سرمایه در فعالیت‌های اقتصادی کشور نشان می‌دهد که وضع بازار قابل تأمل است و نوسانات هم در ذات و اجزا بازار سرمایه است. یکی از دلایل این نوسانات مربوط به فعالیت‌ها و عملیات اقتصادی بنگاه‌ها است و برخی از این نوسانات مربوط به عوامل بیرونی بنگاه‌ها است.

پورابراهیمی تصریح کرد: بازار سرمایه دچار اشکال خاصی نشده است که باعث فروش سهام شرکت‌ها و کاهش قیمت و کاهش ارزش شاخص در بازار سرمایه شود.

وی افزود: بنابراین با توجه به مسائلی که ذکر کردم قطعا می‌توانیم به دولت اعلام کنیم که روند رو به رشد و روند سودآوری و بازده مناسب در بازار سرمایه را قطعا در سال ۹۳ هم خواهیم داشت.

عضو شورای عالی بورس در پاسخ به سؤال خبرنگار فارس مبنی بر اینکه آیا نوسانات اخیر بورس ناشی از جو روانی اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌هاست یا خیر، اظهار داشت: بخشی از نوسانات اخیر بورس ناشی از ابهامات مربوط به اجرای هدفمندی یارانه‌هاست.

وی افزود: اگرچه حدود یک ماه از اتمام سال جدید می‌گذرد و گفته می‌شود که قیمت حامل‌های انرژی با یک شیب مناسب افزایش می‌یابد ولی دولت هنوز قیمت حامل‌های انرژی را بطور دقیق مشخص نکرده و همین ابهام در اعداد و ارقام قیمت حامل‌های انرژی می‌تواند بر روی روند بازار سرمایه تأثیرگذار باشد و حتی موجب توقف در عملکرد این بازار شود.

پورابراهیمی گفت: موضوع دیگری که بر روی روند بازار سرمایه تأثیرگذار است انتظارات سرمایه‌گذاران از روند بازارهاست، زیرا سرمایه‌گذاران بازارهای موازی مانند مسکن و طلا را ارزیابی می‌کنند و اگر پیش‌بینی سرمایه‌گذاران از این بازارها با توجه به اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها روند رو به رشد باشد، سرمایه‌گذاران سرمایه‌ها خود را به این بازارها سوق می‌دهند.

وی افزود: موضوع سوم اثرگذار بر روند نزولی شاخص‌ها پیش‌بینی نرخ سود سپرده‌های بانکی و اظهارنظرهای مسئولین بانکی برای افزایش نرخ سود سپرده‌های بانکی است.

عضو کمیسیون اقتصادی اظهار داشت: افزایش نرخ سود سپرده‌های بانکی موجب خروج منابع از بازار سرمایه و همچنین افزایش نرخ تأمین مالی در اقتصاد کشور می‌شود.

وی افزود: موضوع دیگر تأثیرگذار بر روند نزولی شاخص‌های بورس شایعات در باره تغییر مدیران بورسی است که به نظر می‌رسد با توجه به شرایط بازار سرمایه این موضوع هم بر روی روند منفی شاخص‌های بورس تأثیرگذار بوده است.

پورابراهیمی اظهار داشت: تأثیرات این موضوعات بر روند منفی شاخص‌های بازار سرمایه منفی است و نمی‌تواند بلند مدت باشد.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
ح . ایران خودرو	۱,۱۸۹	۷۱۹
ح . چرخشگر	۱,۰۱۱	۷۴
ح . سیمان داراب	۲,۰۶۶	۱۲۸
ح . پاکسان	۳,۸۵۳	۲۸۳
ح . گلتاش	۶,۹۵۰	۵۱۴
گسترش‌صنایع‌وخدمات‌کشاورزی	۵,۴۴۱	۲۰۹
سیمان بهبهان	۴۶,۱۹۳	۱۷۷۶
فولاد امیرکبیرکاشان	۵,۸۳۸	۲۲۴
سیمان‌غرب	۸,۰۵۲	۳۰۹
لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۱,۶۸۰	۶۴
سرمایه گذاری شاهد	۲,۲۰۴	۸۴
سیمان کارون	۶,۹۵۰	۲۶۱
آبسال	۴,۵۰۲	۱۷۳
گروه صنعتی پاکشو	۱۲,۷۹۳	۴۹۲
مهرکام‌پارس	۲,۰۲۸	۷۸
کربن ایران	۳,۳۴۴	۱۲۸
گروه‌بهمن	۲,۱۵۶	۸۲
بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۱,۸۱۶	۶۹
کالسیمین	۴,۱۲۰	۱۵۸
کیمیدارو	۷,۵۵۴	۲۹۰
ملی سرب‌وروی ایران	۲,۱۶۵	۷۱
ح.کارخانجات تولیدی شهید قندی	۱,۰۲۰	۲۸
کشت و صنعت چین چین	۱۶,۵۹۰	۶۳۸
کشت‌وصنعت‌پیاذر	۳,۷۸۰	۱۴۵
ماشین سازی اراک	۵,۷۶۹	۲۰۳
لیزینگ‌خودروغدیر	۱,۰۴۷	۳۷
تکنوتار	۲,۰۷۰	۳
رادیاتور ایران	۲,۸۹۰	۱۱۱
کارتن ایران	۴,۹۵۰	-۲۷
سرمایه گذاری دارویی تامین	۶,۶۰۰	۲۰۰
سیمان تهران	۴,۹۷۰	۷۵
باما	۹,۷۸۹	۳۶۶
بانک پاسارگاد	۲,۷۶۳	۱۰۶
ساپا	۱,۹۴۳	۷۴
لعابیران	۸,۵۸۷	۲۶۵
سرمایه گذاری پارس توشه	۲,۹۴۰	۵۴
صنایع آذرآب	۲,۴۰۰	۶۳
فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۴,۶۰۰	۸۷
مخابرات ایران	۳,۳۳۰	۱۳
سرمایه‌گذاری مسکن	۱,۷۹۵	۴۸
گروه دارویی سبحان	۸,۳۲۹	۲۷۹
البرزدارو	۱۴,۰۴۴	۴۳۴
کارت اعتباری ایران کیش	۶,۱۲۰	۴۲
داروسازی اکسیر	۲۴,۹۰۰	۸۰۰
سرمایه‌گذاری سپه	۲,۱۰۰	۱۰
س. نفت و گاز و پتروشیمی تأمین	۴,۴۸۰	۱۰۶
بانک صادرات ایران	۱,۰۲۸	۱۶
لیزینگ رایان سایپا	۱,۶۸۳	۶۲
ایرکا پارت صنعت	۳,۲۴۸	۳۰
پارس سرام	۴,۶۱۰	-۴۲
بیمه البرز	۱,۲۲۷	۲
مارگارین	۷,۶۸۰	-۸
معدنی املاح ایران	۱۱,۰۰۰	۳۲۷
بانک ملت	۲,۳۳۹	۳۶
خدمات‌انفورماتیک	۲۸,۰۰۰	۵۹۲
سرمایه‌گذاری سایپا	۱,۳۱۱	۱۳
نوردوقطعات فولادی	۴,۱۳۱	۱۵۸
شیشه همدان	۱۱,۹۹۰	۷۲
بانک تجارت	۱,۲۵۴	۸
سایپاشیشه	۱,۹۴۰	۵
دشت مرغاب	۶,۵۲۰	۲۵۰
سرمایه‌گذاری‌نیرو	۲,۱۲۷	۶۷
شرکت ارتباطات سیار ایران	۶۲,۷۵۰	۲۹۳
تراکتورسازی‌ایران	۳,۱۰۳	-۱۲۲
سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ	۶,۴۰۲	۳
قند شیرین خراسان	۶,۴۹۶	۴۶
لبنیات پاک	۵,۵۴۲	۱۳۹
گروه صنعتی ملی (هلدینگ	۵,۱۸۲	۱۹۹
کارخانجات تولیدی شهید قندی	۱,۸۸۴	-۹
توسعه‌معادن‌وفلزات	۳,۲۶۰	۱۵
ذغال‌سنگ نگین طبس	۴,۱۸۱	-۱۴
لیزینگ ایرانیان	۱,۴۲۲	-۲۶
بیسکویت گرجی	۷,۹۷۴	۲۱۰
سایپا دیزل	۹۰۹	۱۱
بانک‌پارسیان	۳,۷۵۸	۶۶
صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۱۵,۳۰۰	۳۱۹
گسترش نفت و گاز پارسیان	۷,۷۸۰	۳
سخت آژند	۳,۸۴۰	-۱۴۵
پتروشیمی آبادان	۱۴,۱۵۰	۳۰۲
کشاورزی ودامپروری مگسال	۲۹,۶۵۰	-۲۴
سیمان آرتا اردبیل	۱۴,۸۶۸	۲۸۸
داروسازی‌زهراوی	۳۴,۹۸۳	۱۳۴۵
تولیدی‌گرانیت‌بهسرام	۳,۷۴۶	-۱۵۶
نیروترانس	۱۳,۲۹۰	-۵۵۳
سیمان خزر	۶,۳۸۰	-۲۶۵
قندنقش‌جهان	۱۲,۵۰۰	-۴۳
فروسیلیس ایران	۳,۹۹۷	-۱۶۶
کابل البرز	۲,۵۶۰	-۱۰۶
کارخانجات‌داروپخش	۹,۶۰۹	-۴۰۰
توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۲,۹۷۶	-۱۲۳
سیمان صوفیان	۴,۸۰۰	-۲۰۰
فولاد آلیاژی ایران	۳,۸۹۵	-۱۶۲
گروه‌صنعتی‌بوتان	۳,۳۴۹	-۱۳۹
سیمان سفیدنی‌ریز	۲۱,۹۹۹	-۲۰۰
صنایع کاشی و سرامیک سینا	۱۶,۴۲۵	-۶۸۴
پارس پامچال	۳۱,۳۹۱	-۱۳۰۷
نفت پارس	۴۲,۴۰۱	-۱۷۶۶
سیمان بجنورد	۶,۲۰۳	-۲۵۸
سالمین	۳,۱۷۰	-۱۳۲
بانک کارآفرین	۲,۸۰۹	-۱
گروه صنعتی بارز	۸,۵۰۰	-۱۸۶
پتروشیمی فناوران	۲۷,۷۱۵	-۱۱۵۴
سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۶,۶۰۰	-۱۳۳
پمپ سازی ایران	۴,۷۴۰	-۱۹۷
سیمان‌اصفهان	۱۵,۳۱۰	-۶۳۷
نوش‌مازندران	۴,۰۵۰	-۳۰
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۲,۹۱۸	-۱۲۱
صنایع‌شیمیایی‌ایران	۲۱,۸۴۱	-۹۱۰
شیمی داروئی داروپخش	۸,۲۲۲	-۶
ایران‌یاساتایرورابر	۱۹,۱۵۲	-۷۹۷
پتروشیمی پردیس	۱۶,۸۷۹	۵۱
ایران ترانسفو	۴,۶۵۰	-۹۵
سرمایه گذاری صنعت ومعدن	۲,۳۳۰	۳
سیمان کرمان	۹,۷۰۰	-۳۹۴
دارویی لقمان	۵,۴۱۵	-۲۲۵
داروپخش (هلدینگ	۱۸,۰۰۰	۱۳۰
شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۵,۸۲۸	-۲۴۲
سرمایه گذاری البرز(هلدینگ	۵,۴۸۵	۱۸
صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۸,۶۰۰	۱۱
پتروشیمی‌شیراز	۸,۸۵۲	-۳۶۸
سیمان فارس و خوزستان	۳,۵۸۸	-۶۴
لامپ پارس شهاب	۱۱,۴۰۰	۱۹
سیمان شمال	۳,۱۱۰	-۸۲
س.صندوق بازنشستگی کارکنان بانک	۲,۳۵۱	-۳۸
کاشی پارس	۱۰,۳۹۳	-۴۳۳
نوسازی‌وساختمان‌تهران	۴,۶۵۱	-۱۹۳
موتوژن	۷,۰۰۰	-۲۲۸
فولاد خوزستان	۸,۸۵۰	-۱۳۵
داروسازی فارابی	۱۲,۵۰۰	-۵۲۰
سرمایه‌گذاری‌بهمن	۱,۶۶۵	-۶۹
گروه مپنا (سهامی عام)	۶,۷۵۶	-۱۴۰
بیمه پارسیان	۲,۸۲۰	-۳۷
پتروشیمی خارک	۳۵,۵۰۰	-۶۷۲
سیمان فارس نو	۶,۹۸۰	-۲۵
معدنی و صنعتی گل گهر	۹,۵۸۸	-۳۹۹
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۱,۷۶۰	۱۰
سرمایه‌گذاری‌صندوق‌بازنشستگی	۳,۳۰۰	-۱۱۲
پارس خودرو	۱,۹۰۵	-۱
فرآورده‌های‌غدایی‌وقندپیرانشهر	۶,۴۹۳	-۲۷۰
معادن‌منگنزایران	۶,۴۳۵	-۲۶۸
صنایع سیمان دشتستان	۴,۲۸۰	-۷
سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۲,۱۰۰	۴۳
سامان گستراصفهان	۲,۱۲۸	-۸۸
داروسازی سینا	۱۷,۱۵۳	-۷۱۴
مس شهیدباهنر	۲,۶۸۵	۱۱
بانک‌اقتصادنوین	۲,۷۱۶	-۱۰۹
تولیدمواداولیه‌داروپخش	۲۱,۰۰۳	-۴۰۹
سرمایه گذاری آتیه دماوند	۴,۲۰۲	-۱۷۵
گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۲,۲۷۰	-۴۷
سیمان کردستان	۶,۵۸۸	-۲۷۴
صنایع لاستیکی سهند	۸,۲۱۱	۵۸
عمران‌وتوسعه‌فارس	۳,۸۰۱	-۹۰
بانک انصار	۲,۹۰۰	۲
داروسازی ابوریحان	۲۲,۴۷۱	-۹۳۶
داروسازی کوثر	۴,۷۹۹	۱۴۷
تولیدی‌مهرام	۶,۹۶۰	-۲۹۰
سیمان‌ارومیه	۸,۱۷۸	-۳۱۸
گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۴,۱۸۷	-۱۷۴
توسعه معادن روی ایران	۲,۲۳۸	۱۹
کارخانجات‌تولیدی‌شیشه‌رازی	۲,۴۵۵	-۱۰۲
لنت ترمزایران	۳,۴۷۶	-۱۴۴
معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۷,۵۸۴	-۳۱۶
صندوق سرمایه‌گذاری صنوین-مختلط	۱۰,۴۲۰	-۱۱۲
پشم‌شیشه‌ایران	۶,۹۶۶	-۲۹۰
فولاد مبارکه اصفهان	۴,۰۰۰	-۳۳
پتروشیمی شازند	۲۳,۴۸۰	-۹۲۴
قند مرودشت	۸,۳۴۲	-۳۴۷
سیمان‌شاهرود	۶,۶۳۶	-۲۷۶
تجارت الکترونیک پارسیان	۹,۴۸۸	-۸۴
چرخشگر	۲,۰۸۶	-۲۹
داده‌پردازی‌ایران	۲,۶۷۰	-۱
سرمایه‌گذاری رنا(هلدینگ	۱,۲۰۵	-۳
شکرشاهرود	۳,۱۴۶	-۱۳۱
ملی صنایع مس ایران	۳,۱۵۰	-۴۷
بیمه آسیا	۱,۲۸۸	-۵۳
سرمایه‌گذاریتوسعه‌صنعتی‌ایران	۱,۷۰۹	-۷۱
سرمایه‌گذاری صنعت نفت	۲,۱۱۰	-۳
سرمایه‌گذاری‌ملت	۷۴۵	-۸
سپنتا	۱۱,۵۰۹	-۴۷۹
داملران	۱۱,۴۵۵	-۴۷۷
نیرو محرکه	۲,۵۴۳	-۶۸
پالایش نفت تبریز	۲۰,۴۱۵	-۸۵۰
قند لرستان	۴۰,۲۷۱	-۱۶۷۷
قندهکمتان	۴,۷۹۷	-۱۹۹
حمل و نقل بین المللی خلیج فارس	۱,۶۵۵	-۶۸
قند ثابت خراسان	۶,۹۸۷	۹۸
مهندسی‌نصیرماشین	۵,۵۵۹	-۲۳۱
زامیاد	۱,۳۵۵	-۱۸
ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	۱,۸۰۷	-۷۵
داروسازی امین	۱۱,۵۶۲	-۳۷۶
جام‌دارو	۱۵,۲۰۶	-۶۳۳
نفت بهران	۲۷,۱۰۳	-۱۱۲۹
ح . بانک‌پارسیان	۲,۱۱۱	-۱۸
فرآورده‌های‌نسوزآذر	۴,۲۷۰	-۱۷۴
داروسازی اسوه	۱۵,۲۸۲	-۶۳۶
الکتریک خودرو شرق	۲,۴۳۰	-۱۰۱
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۹,۷۸۸	۱۸۱
لامیران	۲,۴۲۳	-۶۶
لیزینگ‌ایران	۲,۱۲۸	۲۵
پارس‌سویچ	۴,۱۴۹	-۱۷۲
دوده صنعتی پارس	۳,۶۰۰	-۱۲۸
صنایع‌خاک‌چینی‌ایران	۴۲,۵۷۶	۱۲۳
حمل‌ونقل‌توکا	۳,۲۵۰	-۷۰
شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۶,۵۸۲	-۲۷۴
پگاه‌آذربایجان‌غربی	۱,۴۴۱	-۵۷
سیمان‌سپاهان	۲,۳۴۳	-۳۷
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۳,۶۴۱	-۱۵۱
سرمایه‌گذاری ملی‌ایران	۲,۳۳۷	-۹۷
تولیدمواداولیه‌والیاف‌مصنوعی	۲,۹۲۶	-۹۷
بیمه دانا	۱,۳۷۱	-۵۷
موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۲,۰۳۳	-۸۴
پاکسان	۵,۲۴۸	-۱۸۲
ایران خودرو	۲,۲۴۸	-۸۲
دارویی رازک	۲۶,۵۶۵	-۸۴۳
لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۱,۴۸۰	-۳۵
سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۲,۵۶۸	-۱۰۷
شیشه و گاز	۵,۸۷۰	-۱۶۶
پلاسکوکار	۱,۴۴۵	-۵۹
تولیدی کاشی تکسرام	۲,۱۲۲	-۷۷
سیمان شرق	۳,۴۳۷	-۱۲۴
ایران‌ارقام	۲,۵۸۱	-۱۰۷
لبنیات‌کالبر	۳,۱۳۹	-۱۳۰
تامین ماسه ریخته‌گری	۵,۹۹۵	-۷۲
سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ	۳,۵۰۱	-۱۴۵
پالایش نفت بندرعباس	۱۱,۱۹۰	-۳۷۶
کمک‌فنرایندامین	۲,۲۴۰	-۹۳
فنرسازی‌زر	۲,۳۵۲	-۹۷
سرمایه گذاری اعتبار ایران	۲,۶۳۴	-۹۴
پست بانک ایران	۷,۲۵۵	-۳۰۲
سایپاآذین	۳,۷۹۱	-۱۵۷
درخشان تهران	۳,۵۸۰	-۱۲۵
پارس دارو	۳۸,۸۰۷	-۱۶۱۶
قنداصفهان	۷,۴۳۰	-۳۰۹
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۲,۴۲۷	-۱۰۰
سیمان داراب	۳,۴۱۷	-۱۴۲
پارس مینو	۶,۰۶۲	-۲۵۱
ریخته‌گری تراکتورسازی ایران	۱,۸۴۷	-۷۶
سرامیک‌های‌صنعتی‌اردکان	۵۵,۷۲۴	-۲۳۲۰
محورسازان‌ایران‌خودرو	۲,۰۳۳	-۸۴
نیروکلر	۸,۵۶۰	-۳۵۶
سرمایه گذاری ساختمان‌ایران	۳,۹۱۴	-۱۶۳
فیبر ایران	۴,۵۶۰	-۱۸۹
گلتاش	۸,۸۱۵	-۳۶۷
فرآورده‌های نسوز پارس	۳,۵۴۹	-۱۴۷
قطعات اتومبیل ایران	۲,۵۶۳	-۱۰۶
فراورده های نسوزایران	۱۸,۴۷۶	-۷۶۹
حفاری شمال	۵,۹۰۳	-۲۴۵
سرمایه گذاری پردیس	۱,۴۴۰	-۶۰
سیمان دورود	۲۰,۰۰۵	-۷۶۶
بیمه ملت	۲,۱۷۶	-۹۰
آهنگری تراکتورسازی ایران	۲,۶۷۵	-۱۱۱
کنتورسازی‌ایران	۱۱,۲۶۶	-۴۶۹
داروسازی جابرابن‌حیان	۹,۶۴۴	-۴۰۱
سیمان‌هگمتان	۶,۴۶۸	-۲۶۹
صنایع شیمیایی فارس	۵,۷۷۸	-۲۴۰
سیمان‌خاش	۱۰,۵۳۶	-۴۳۸
رینگ‌سازی‌مشهد	۳,۲۲۲	-۱۳۴
تولیدمحورخودرو	۲,۹۷۸	-۱۲۴
کارخانجات قند قزوین	۴,۲۵۰	-۱۷۷
قند نیشابور	۵,۴۴۹	-۲۲۷
ح . آهنگری تراکتورسازی ایران	۷۱۲	-۶۱
ح. بیمه ملت	۱,۱۷۳	-۱۰۱

سند موتور سیکلت سی جی ۱۲۵ روان پلاک ۶۹۶۹-شیراز ۲۷ شماره موتور FMI*۱۵۷ ۳۹۰۲۰۷۱۹ شماره تنه ۸۳۱۱۲۰۸ متعلق به غلامرضا رستمی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

مفقودی سند کمپانی سواری پراید جی‌تی‌ایکس آی به رنگ نقره‌ای متالیک مدل ۸۷ به شماره موتور ۲۲۹۹۶۲۵ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۷۴۳۰۶۱۱ و شماره پلاک ۲۴-۲۳۹ب۴۳ به نام علی حمیداوی مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد. آبادان

سند فروش کمپانی و شناسنامه مالکیت خودرو ماکسیما شهربانی ۲۲۴ب۱۱ ایران ۶۲ شماره موتور VQ۳۰۵۸۱۱۶۵B شاسی ۲۰۵۶۶۹ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

سند مالکیت و برگ سبز بی ام و X۳ به شماره شهربانی ۴۲۸ل۹۳ ایران ۶۶ مفقود اعتبار ندارد.

برگ سبز کارت اتومبیل تویوتا مدل ۱۹۸۳ به شماره شهربانی ۵۱۲س۵۴ ایران-۸۲ به نام حمیدرضا نوبخت سیاهرودکلائی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز موتورسیکلت پیشرو پیام ۱۳۵ به شماره پلاک ۵۸۶-۴۲۳۳۳ به شماره موتور NCR۱۳۵۵۹۳۰۳۷۰۲ شماره تنه NEO***۱۳۵H۸۹۱۱۴۰۶ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

شناسنامه خودرو سواری پژو پارس مدل ۱۳۹۰ به شماره پلاک ۶۳-۸۵۶۴۲ به شماره شاسی NAAN۲۱CAXBK۱۳۴۰۳۱ و شماره موتور ۱۲۴۹۰۲۴۱۶۳۵ به نام گودرز علی دوست مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

پروانه تاکسیرانی اینجانب علیرضا بابایی به شماره ۹۲۰۲۳۶۶۲ و گواهی‌نامه رانندگی به شماره ۸۹۰۰۲۶۶۰۳۹ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب یاسر نوذری به شماره شناسنامه ۱۱ صادره از پاوه در مقطع کارشناسی زبان و ادبیات انگلیسی به شماره ۱/۱۱۶۷ صادره از دانشگاه کردستان مفقود و از اعتبار ساقط است. (نوبت سوم) سنندج

برگ سبز خودرو پراید سواری سفید مدل ۹۰ به پلاک ۱۸۵م۴۷ ایران ۲۴ و موتور ۴۴۸۱۸۷۷ مفقود گردیده که فاقد اعتبار است.

شناسنامه مالکیت خودرو پیکان دولوکس مدل ۱۳۷۷ شماره شهربانی ۸۴۱ط۶۳ ایران ۱۹ شماره موتور ۱۱۱۲۷۷۰۷۰۳۸ شماره شاسی ۷۷۴۰۸۵۷۷ به نام آقای مجید شهبازی مفقود گردیده، از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی وانت پیکان مدل ۱۳۷۵ پلاک ۷۹-۵۸۷د۳۲ موتور ۱۵۱۷۵۰۲۷۷۸ شاسی ۰۰۷۵۹۰۲۴۷۵ مفقود و اعتبار ندارد.

گواهینامه وکارت گارانتی وبیمه‌نامه پژو پارس رنگ سفید مدل ۹۲ شماره انتظامی ۵۴-۷۲۸ص۸۲ شماره موتور ۱۲۴K۰۲۸۲۲۳۷ شماره شاسی NAAN۰۱CAXDH۷۰۹۱۸۴ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

شناسنامه مالکیت خودرو (برگ سبز) پیکان دولوکس مدل ۱۳۶۵ رنگ سفید یخچالی روغنی شماره شهربانی ۷۲۲ب۹۴ ایران ۱۹ شماره موتور ۱۱۲۶۴۰۱۹۰۵ شماره شاسی ۱۸۴۶۸۱۰۴ به نام آقای مرتضی جلال وندمهر مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت هوشمند راننده به شماره ۱۸۳۱۳۶۰ به نام محمد موحدپور فرزند عزیز به شماره شناسنامه ۴۶۳۰ صادره از شیراز مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی سواری سمند تیپ XEFVCNG مدل ۱۳۹۲ به شماره پلاک ۳۴۶ه۲۸ ایران ۴۳ و به شماره موتور ۱۴۷H۰۰۶۱۱۷۳ و شماره شاسی NAACJ۱JCADF۱۵۰۴۹۳ به نام حمیده سلیمیان ریزی مفقود شده اعتبار ندارد.

کارت وکارت سوخت وبیمه‌نامه پراید ۱۳۲ رنگ نقره‌ای مدل ۸۸ شماره انتظامی ۶۵-۸۹۳ه۸۵ شماره موتور ۲۹۷۱۴۱۱ شماره شاسی S۱۴۲۲۲۸۸۰۸۳۸۱۲ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی سواری پیکان به شماره انتظامی ۸۴۳ج۳۴ ایران ۷۱ شماره موتور ۱۴۱۶۳۱۴۷۶۵ شماره شاسی ۱۶۲۱۰۶۵۳ مفقود گردیده اعتبار ندارد. شهرکرد.

سند کمپانی خودرو وکامیون کمپرسی به شماره انتظامی ۶۴۹ع۶۱ ایران ۱۸ مدل ۱۳۶۳ دارای شماره موتور ۳۳۵۹۱۰۱۰۰۴۱۲۸۹ و شماره شاسی ۳۴۳۳۲۴۵۵۰۲۳۲۹۴ بنام علی حسن بیگی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. همدان

کارت هوشمند ناوگان به شماره ۴۲۶۷۹۰۷ متعلق به کامیون کشنده ماک پی ۲۶۸ رنگ زرد روغنی مدل ۱۹۸۹ به شماره پلاک ۱۴-۹۸۴ع۱۹ شماره موتور D۴۲۳۲۱۱۷۹۷۵ شماره شاسی ۱M۲AROVY۵KM۰۱۱۱۷۰ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. اهواز-نبی‌الهی

کارت هوشمند ناوگان به شماره ۴۲۷۳۴۳۲ متعلق به کامیون کشنده ماک پی ۲۶۸ رنگ نارنجی روغنی مدل ۱۹۸۲ به شماره پلاک ۱۴-۱۳۵ع۲۲ شماره موتور ۹۵۴۶۵۷ شماره شاسی DM۸۵SX۱۸۳۲۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. اهواز-نبی‌الهی

اینجانب محمدرضا زاهدی کاشانی مالک خودرو سواری پیکان مدل ۱۳۶۳ رنگ آبی به‌شماره شهربانی ۹۲۷ب۶۵- ایران۲۳ و شماره موتور ۱۴۱۶۳۱۶۰۷۹ و شماره شاسی ۱۶۲۱۱۵۷۹ به‌علت فقدان اسناد فروش و سند کمپانی و شناسنامه مالکیت تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است. لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ده روز به دفتر حقوقی شرکت ایران خودرو واقع در تهران - پیکان‌شهر - ساختمان سمند - طبقه ۱ مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

برگ سبز خودرو وسواری پراید ۱۳۲ به رنگ سفید-روغنی- مدل ۱۳۹۰ شماره شهربانی ایران ۷۲ - ۴۱۷ه۳۷ شماره شاسی S۱۴۲۲۲۹۰۲۵۷۷۵۸ شماره موتور ۴۰۷۰۳۶۵ به نام حسین لطف آبادی مفقود گردیده فاقد اعتبار می‌باشد. نکا

سند مادر سواری پیکان مدل ۱۳۶۲ به شماره شهربانی ۳۳-۹۴۶ج۴۱ شماره شاسی ۱۵۱۵۳۲۳۰ شماره موتور ۱۴۱۶۱۱۶۳۲۶ به نام علی لطفی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی وکارت گارانتی سمند رنگ سفید مدل ۹۲ شماره انتظامی ۷۵-۵۶۷ب۶۷ شماره موتور ۱۴۷H۰۰۵۸۱۱۷ شماره شاسی NAACR۱HS۴DF۵۶۳۴۴۰ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشند.

سند کمپانی خودروی سواری پیکان به شماره انتظامی ۷۸ ایران ۸۴۸ل۲۶ شماره شاسی ۸۲۴۰۶۲۰۹ شماره موتور ۱۱۱۵۸۲۱۱۷۵۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کلیه مدارک اعم از سند کمپانی و برگ سبز و کارت سواری رنو ۵ مدل ۱۳۶۲ رنگ شکلاتی روشن و شماره موتور ۱۱۸۵۰۲۳ و شماره شاسی ۹۸۰۲۰۱۹ و شماره انتظامی ۲۲۲۲۷ اراک ۱۱ به نام آسیه فنایی مفقود و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی خودرو سواری سمند ال ایکس به شماره انتظامی ۱۷ ایران ۴۲۱د۷۱ به شماره موتور ۱۲۴۸۳۱۱۵۳۹۶ ش شاسی ۸۳۸۴۴۵۷۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی خودروی نیسان به شماره انتظامی ۲۴ ایران ۶۲۴ط۹۷ ش شاسی L۱۶۶۷۴۱ ش موتور ۴۵۱۳۲۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

اینجانب محمدرضا درستکار قمصری مالک سواری پیکان مدل ۱۳۸۱ رنگ سفید به شماره شهربانی ۱۸۲ب۵۹- ایران۲۳ و شماره موتور ۱۱۱۵۸۱۱۷۹۷۸۴ و شماره شاسی IN۸۱۵۸۱۶۶۷ به‌علت فقدان اسناد فروش و سند کمپانی تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ۱۰ روز به دفتر حقوقی شرکت ایران خودرو واقع در تهران - پیکان‌شهر - ساختمان سمند - طبقه اول مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

سند کمپانی وشناسنامه مالکیت سواری پژو ۴۰۵ به شماره انتظامی ۳۴۶ی۲۵ ایران ۲۴ به شماره موتور ۲۵۲۵۲۷۹۰۷۲۳۷ و شماره شاسی ۷۹۳۰۸۸۱۷ مفقود گردیده اعتبار ندارد. (شهرکرد)

سند کمپانی موتورسیکلت به شماره انتظامی ۶۹۳۸۲-ایران ۵۵۵ و شماره موتور ۱۲۵S۸۵۳۸۹۷۷ و شماره شاسی ۳۰۵۴۶۴۵ مفقود گردیده اعتبار ندارد. (شهرکرد)

آگهی مفقودی سند کمپانی و برگ سبز وانت پیکان شماره موتور ۱۱۴۸۷۰۲۲۱۲۶ شماره شاسی NAAA۴۶AA۳G۰۲۲۴۰۳ به نام خانم راضیه غفاری فارسانی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند و فاکتور فروش خودرو وانت پیکان ۱۶۰۰i مدل ۸۵ سفید-سفید روغنی شماره پلاک ۶۹-۱۷۴ل۲۸ ش موتور ۱۱۲۸۵۰۳۱۹۳۴ شماره شاسی ۱۲۱۹۳۶۶۵ به نام علی ساران فرزند قربانعلی ش ش ۷۶ متولد ۱۳۶۷ مفقود از درجه اعتبار ساقط است. یابنده به کمپانی تحویل دهد.

سند کمپانی وانت پیکان به شماره انتظامی ۳۹۴ج۴۹ ایران ۷۱ و شماره موتور ۱۵۱۶۲۰۷۱۹۸ و شماره شاسی ۱۴۱۱۳۴۴۵ مفقود گردیده اعتبار ندارد. (شهرکرد)

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) زانتیا مدل ۱۳۸۶ به شماره ۷۹۹ب۲۷ ایران ۵۲ و شماره موتور ۷۲۹۲۶۰ و شماره شاسی S۱۵۱۲۲۸۶۱۶۱۴۳۲ به نام حسن محمدی مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. زابل - مالک: حمیدرضا سرحدی

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب حمیده شنبدی فرزند محمد حسن به شماره شناسنامه ۳۵۶۰۰۰۲۷۵۳ صادره از کنگان در مقطع کاردانی رشته کامپیوتر صادره از واحد دانشگاهی بوشهر (سما) با شماره ۳۱۳۲م/۶-۱۵-۱۰ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

شناسنامه مالکیت وبرگه گمرکی یک دستگاه سواری کارتویوتا لندکروز مدل ۲۰۰۷ رنگ مشکی به شماره شهربانی ۱۷۴ط۱۲ - ایران ۱۳ و شماره موتور Z۰۷۵۰۱۸۵ و شماره شاسی ۰۹J۵۷۵۱۷۲۵۶۲ به نام داود دهقانی چم پیری مفقود و فاقد اعتبار است.

کارت دانشجویی اینجانب مرتضی شاهی‌وند به شماره دانشجوئی ۲۲۲۹۰۲۶۵۰۶ رشته الکترونیک از دانشکده فرخی سیستانی زابل مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. زابل - مرتضی شاهی‌وند

فاکتور فروش کارخانه خودرو پیکان سواری مدل ۱۳۷۹ به شماره ۹۶۹ب۷۵ ایران ۹۵ و شماره موتور ۱۱۱۲۷۹۹۰۴۲۷ و شماره شاسی ۷۹۴۹۴۷۷۳ به نام غلامرضا زور مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. زابل - غلامرضا زور

آگهی مفقودی برگ سبز خودرو سواری پراید صبا به مدل ۱۳۸۶ به رنگ اطلسی متالیک به شماره انتظامی ۴۵۷ج۹۷ ایران ۵۴ به شماره موتور ۲۱۶۴۸۶۵ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۶۶۲۵۴۸۷ متعلق به محمدمهدی باغشاهی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. «یزد»

فاکتور فروش کارخانه کامیون کشنده ولوو اف ۱۲ مدل ۱۳۷۲ به شماره ۸۷۴ع۵۸ ایران ۸۵ و شماره موتور TD۱۲۲FH۱۹۵۱۷۹۹۴۱ و شماره شاسی ۸۰۸۵۹۶ بنام حجت سنچولی مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. زابل - حجت سنچولی

سندکمپانی اتومبیل سواری پیکان شماره ۲۹-۵۹۹-ن ۲۱ به نام علی فضا مرادی چهری شماره موتور ۱۲۱۲۷۷۹۰۹۴۴ شماره شاسی ۷۸۴۰۴۵۴۸ به رنگ سفید روغنی مفقود شده، از درجه اعتبار ساقط است.

اینجانب اسرافیل نصیری باللوقیه مالک خودرو سواری پژو۲۰۶ آریان مدل ۱۳۹۰ به شماره شاسی NAAP۶۱ME۱BJ۴۰۹۲۲۱ و شماره موتور ۱۳۸۸۹۰۰۰۲۸۶ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده‌ام. لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودرو مذکور دارد، ظرف ده روز به دفتر حقوقی شرکت ایران خودرو واقع در کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص تهران کرج، شهرک پیکانشهر، ساختمان سمند، طبقه۱ مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد. توضیح اینکه شناسنامه مالکیت نیز مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. اردبیل

اینجانب الله یاراحمدی مالک خودرو پیکان ۱۶۰۰ شماره انتظامی ۵۶۸ل۱۵ ایران۹۸ مدل ۱۳۷۸ شماره بدنه ۷۸۴۲۲۱۷۱ شماره موتور ۱۱۱۲۷۸۰۱۰۵۵ به علت فقدان اسناد فروش سند کمپانی تقاضای رونوشت (المثنی) اسناد مذکور را نموده است. لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو، واقع در پیکان شهر، ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مذکور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

کارت وشناسنامه پراید سواری مدل ۱۳۸۶ به رنگ سفید به شماره پلاک ۶۹۶ج۴۵-ایران ۶۳ شماره موتور ۱۹۷۰۴۲۸ شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۶۱۱۷۱۴۵ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمپانی خودروی سمند ال ایکس به شماره پلاک ۶۶-۴۵۱ه۸۶ به شماره موتور ۱۲۴۸۸۲۳۳۲۵۹ و شماره شاسی NAAC۹۱CC۰AF۸۲۷۳۹۲ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. (ساوه)

اصل برگ کمپانی خودرو وسواری استیشن نیسان تیپ پاترول مدل ۱۳۶۸ با رنگ خاکستری متالیک وبه شماره پلاک ایران ۶۱-۲۵۹د۱۹ به شماره موتور ۲۴۰۷۵۱۶۱ و شماره شاسی ۱۵Z۸۰۴۸۳۷ به نام بختیار رضایی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. (قبادی-مهاباد)

سند وبرگ سبز وکارت موتورسیکلت پرند ۱۲۵ مدل ۸۸ رنگ نوک مدادی شماره انتظامی کرمان ۶۴-۲۹۲۵۴ موتور: ۱۲۱۳۹۸۴۳ بدنه: ۸۸۹۲۴۰۶ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کارخانه پراید مدل ۱۳۸۰ به شماره پلاک ۴۵-۸۵۴ج۲۹ و شماره موتور ۰۰۲۱۹۵۰۳ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۰۶۹۲۶۷۲ بنام محسن پورمحی آبادی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

مفقودی سند وبرگ سبز وکارت وانت پیکان مدل ۱۳۸۹ شماره پلاک ۴۹-۶۸۸ب۲۸ شماره موتور ۱۱۴۸۸۰۸۴۴۸۱ شماره شاسی ۸۹۰۸۱۲ مفقود فاقد اعتبار است.

برگ سبز پرادو ۲۰۰۶ پلاک ۴۷-۳۳۱ه۱۵ شاسی ۹۰۰۰۲۰۲۳ موتور ۰۲۴۹۳۳۱ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. اراک

شناسنامه مالک خودرو ۳۲۳ مزدا مشکی به شماره ۳۹۵م۸۹ ایران ۲۲ موتور ۷۲۷۱۹۷ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

کلیه اسناد و مدارک خودرو سواری پیکان مدل ۱۳۸۱ به شماره پلاک ۱۷-۸۵۹د۷۱ و شماره شاسی ۸۱۴۲۲۵۷۱ و شماره موتور ۱۱۱۲۸۱۲۴۳۸۵ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. ارومیه - جلیل زعیم‌فر

سند مالکیت موتور سیکلت تیزتک ۱۲۵CC مدل ۱۳۸۴ بشماره پلاک ۵۳۴۱ شیراز ۳۹ بشماره موتور ۴۱۰۰۲۸۱۲ بشماره تنه ۸۴۷۸۷۰۸۸ بنام ایوب دهقان حسامپور مفقود گردید از درجه اعتبار ساقط است.

شناسنامه مالکیت پراید هاچ بک مدل ۸۲ رنگ سفید به شماره انتظامی ۲۱۲ب۱۹- ایران ۲۲ و شماره موتور ۶۰۲۵۴۳ و شماره شاسی S۱۴۴۲۲۸۲۱۶۵۹۶۵ به نام شرکت دمیک ایران مفقود و فاقد اعتبار است.

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) سواری پراید مدل ۱۳۹۱ به شماره ۵۳۴ل۱۱ ایران ۹۵ و شماره موتور ۴۶۰۷۵۰۵ و شماره شاسی S۵۴۲۰۰۹۱۷۰۱۸۶۶ به نام احمد غلامی مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. زابل - احمد غلامی

سند-شناسنامه (برگ سبز) خودرو وانت مزدا دوکابین تیپ ۲۰۰۰ آی رنگ بنفش-روغنی مدل ۱۳۸۸ به شماره پلاک ۵۳۴ب۳۳ ایران ۸۳ شماره شاسی NAGCPX۲PC۱۹E۲۰۸۵۴ شماره موتور FE۵۴۱۷۶۵ به مالکیت جواهر خسروی فرزند حسینعلی صادره از ممسنی مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. ممسنی - احمدی

چون آقای نبی اله غفاری مالک کامیون مدل ۶۳ به شماره انتظامی ۴۷-۷۹۳ع۲۱ با شماره شاسی ۹۶۱۹۱۴ و شماره موتور ۰۸۰۱۰۱ به علت فقدان سند تقاضای صدور سند المثنی نموده است. لذا چنانچه هرگونه ادعایی در مورد خودروی مذکور وجود دارد، ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ نشر آگهی با در دست داشتن مدارک کافی به دفتر فروش شرکت ایران خودرو دیزل واقع در تهران، کیلومتر ۸ جاده ساوه مراجعه نمایند. اراک

سند موتور سیکلت پالس ۱۸۰ شماره پلاک ۱۳۲۸۱ تهران ۴۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی پراید جی‌تی‌ایکس آی مدل ۸۵ رنگ سفید شماره انتظامی ۷۵-۲۸۱ب۶۹ موتور: ۱۶۵۹۷۷۹ شاسی: S۱۴۱۲۲۸۵۹۱۸۷۲۵ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

شناسنامه خودرو سواری پراید سایپا ۱۴۱ آی به رنگ نقره‌ای -آبی-متالیک، مدل ۱۳۸۵ به شماره پلاک ۸۴-۹۹۶ب۶۴ شماره موتور ۱۵۷۱۵۸۵ و شماره شاسی S۱۴۸۲۲۸۵۱۶۱۸۹۰ به نام ظریفه سلطانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (بندرعباس)

اینجانب فریده انوشا مالک خودرو سمند ایکس۷ مدل ۸۴ به شماره انتظامی ۹۸۷ب۵۳ ایران۴۶ به شماره شاسی ۱۴۵۲۷۶۵۸ و شماره موتور ۱۲۴۸۴۱۳۲۳۵۳ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده‌ام، لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ده روز به دفتر حقوقی شرکت ایران خودرو واقع در کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص تهران کرج شهرک پیکانشهر، ساختمان سمند طبقه ۱ مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

اینجانب رامین آتشکار مالک خودرو سواری پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۸۲ به شماره انتظامی ۹۹۳ه۳۱ ایران ۹۱ به شماره شاسی ۸۲۶۵۱۷۸۲ و شماره موتور ۱۰FSM۸۴۵۵۵۹۵۶ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده‌ام. لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودرو مذکور دارد ظرف ده روز به دفتر حقوقی شرکت ایران‌خودرو واقع در کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص تهران کرج شهرک پیکانشهر ساختمان سمند طبقه ۱ مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد. در ضمن اصل شناسنامه مالکیت خودرو و اسناد دفتری فوق مفقود از درجه اعتبار ساقط است. اردبیل

چون آقای نبی‌اله غفاری مالک کامیون مدل ۶۳ به شماره انتظامی ۴۷ - ۷۹۳ ع ۲۱ با شماره شاسی ۹۶۱۹۱۴ و شماره موتور ۰۸۰۱۰۱ به علت فقدان سند تقاضای صدور سند المثنی نموده است. لذا چنانچه هرگونه ادعایی در مورد خودروی مذکور وجود دارد، ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ نشر آگهی با در دست داشتن مدارک کافی به دفتر فروش شرکت ایران خودرو دیزل واقع در تهران، کیلومتر ۸ جاده ساوه مراجعه نمایند. اراک

سرما ۲۵۰۰ میلیارد ریال به باغ‌های آذربایجان شرقی خسارت زد



تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: سرمازدگی به باغ‌های آذربایجان شرقی بیش از ۲۵۰۰ میلیارد ریال خسارت وارد آورد.

مدیر امور باغبانی سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان شرقی با اعلام این خبر، گفت: بر اثر سرمای دامنه‌دار هفته دوم فروردین، خسارت کلی به باغ‌ها که زمان گل‌دهی آنها بود وارد آمد که این خسارت در باغ‌های نیمه شمالی استان به ویژه در شهرستان‌های اهر، جلفا، مرند و شبستر بسیار زیاد بوده است.

سعدالله اسکندری با اشاره به این که به بیشتر باغ‌های سیب، انگور، زردآلو، شلیل، هلو، آلوچه، شفتالو، گیلاس و دیگر درختان میوه هسته‌دارها خسارت وارد شده است، افزود: آذربایجان شرقی در منطقه معتدل و سرد واقع شده است و محصولات کشاورزی معمولاً پاییز یا اواخر زمستان و اوایل بهار بین ۱۵ تا ۲۰ درصد آسیب می‌بینند.

مدیر امور باغبانی سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان شرقی افزود: بر اثر افت ۱۲ درجه‌ای دما ۱۲۵ هزار هکتار از باغ‌های استان دچار سرمازدگی شدند و از ۱۰ تا ۱۳ فروردین نزدیک به ۶۰ درصد از محصولات سردرختی باغ‌های استان از بین رفت که خسارت وارده بیش از ۲۰۰۰ میلیارد ریال پیش‌بینی می‌شود.

اسکندری با تاکید بر این که کشاورزان باید برای جلوگیری و کاهش میزان خسارت‌های وارده ضمن اجرای برنامه‌های پیشگیرانه، اطلاعات هواشناسی را هر روز رصد کنند، افزود: در فصل بهار که احتمال افت دما وجود دارد کشاورزان می‌توانند برای محافظت باغ‌ها و کشتزارها از سرمازدگی از روش‌های مرسوم از جمله استفاده از بخاری‌های باغی و روشن کردن آتش به وسیله سوزاندن چوب و بقایای گیاهی در باغ‌ها استفاده کنند.

او با اعلام اینکه مدیران سازمان و دستگاه‌های ذیربط به فکر تامین غرامت خسارت‌دیدگان هستند، افزود: در یک هفته اخیر جلسات متعددی در این زمینه تشکیل شده است و در حال انتقال کامل موضوع به سیاستگذاران بخش هستیم تا تمهیدات لازم درباره جبران خسارات وارده اندیشیده شود.

اخبار کوتاه حوادث

کاهش جرائم رانندگی در استان گلستان

گرگان ـ خبرنگار اطلاعات: فرمانده انتظامی استان گلستان از کاهش ۲۱ درصدی وقوع جرائم رانندگی و ۳۰ درصدی تصادفات استان خبر داد.

سیدمحمود میرفیضی همچنین از افزایش ۸۱ درصدی رضایتمندی مردم از عملکرد پلیس خبر داد و گفت: رعایت قوانین و مقررات و حس مسئولیت پذیری مردم نتایج بسیار خوبی را در طرح نوروزی به همراه داشته است.

وی با اشاره به تردد بیش از ۶۵۰ هزار خودرو از ابتدای طرح نوروزی تا پایان تعطیلات گفت: ۵۵۰ هزار خودرو از خودروهای عبوری در شهر و جاده‌های استان سواری بوده‌اند. رئیس پلیس گلستان حضور ۴۰۰ نیروی محسوس و نامحسوس پلیس‌راه در جاده‌ها و معابر برون شهری و به کارگیری بیش از ۵۰۰ وسیله نقلیه سبک و سنگین را از جمله برنامه‌های مهم نیروی انتظامی در اجرای این طرح اعلام کرد و گفت: ۶۵ ایستگاه پلیس انتظامی، راهنمایی و رانندگی در طرح نوروزی ۱۳۹۳ پیش‌بینی شده بود.

میرفیضی رضایتمندی مردم را هدف بزرگ پلیس در اجرای ماموریت‌ها دانست و اضافه کرد: تجربه نشان داده است هرگاه مردم به عرصه‌های مختلف وارد شده‌اند، بیشترین موفقیت‌ها در آن عرصه‌ها حاصل شده است.

شکار پلنگ و خرس آسیایی در کرمان

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: یک قلاده پلنگ پاکوتاه در کوهستان‌های روستای مارز شکار شد.

فرماندار قلعه‌گنج با ابراز تأسف از شکار این حیوان گفت: پلنگ پاکوتاه از جمله جانوران در معرض انقراض ایران به شمار می‌رود که تحقیقات درباره کشته شدن آن ادامه دارد. به گفته فلاح: همچنین گزارش‌هایی مبنی بر کشته شدن یک قلاده خرس در روستای اورتین دریافت شده است.

وی افزود: به نظر می‌رسد دلیل اصلی کشته شدن این جانوران نزدیک شدن آنان به محل زندگی انسان‌ها و حمله به محصولات کشاورزی و دام‌های روستائیان باشد. فرماندار قلعه‌گنج از مردم خواست در حفاظت از حیات وحش کوشا باشند و بدانند که این جانوران وحشی گنجینه‌ای هستند که باید آنها را حفظ و به نسل آینده منتقل کرد.

شبکه بزرگ سرقت در کرمان متلاشی شد

* فرمانده نیروی انتظامی استان کرمان از متلاشی شدن یک شبکه بزرگ سوخت مغازه در کرمان خبر داد.

سردار حسین چناریان گفت: با تلاش ماموران نیروی انتظامی کرمان اعضای این شبکه شناسایی و دستگیر شدند.

وی با اشاره به اعتراف اعضای این شبکه به ۳۰ فقره سرقت از مغازه در کرمان، گفت: در جمع دستگیر شدگان مالخر نیز به چشم می‌خورد.

او اعلام کرد: بسیاری از اموال مسروقه کشف و برخی نیز به شهرستانها انتقال یافته است که امید می‌رود بتوانیم این اموال را نیز به صاحبانشان برگردانیم.

به گفته سردار چناریان بیشتر مغازه‌هایی که مورد سرقت قرار گرفته‌اند از امنیت لازم برخوردار نبوده‌اند.

دستگیری ۴ سارق در آباده

آباده – خبرنگار اطلاعات: فرمانده انتظامی آباده گفت: به دنبال وقوع سرقت‌های سیم برق در ماه‌های اخیر سال و ایجاد جو ناامنی و همچنین تخریب تاسیسات حیاتی اکیپ گشتی متشکل از پلیس‌های تخصصی اقدام به گشت زنی کرده و در این‌باره عوامل و منابع به کار گرفته شد که نهایتا در کمتر از چند روز سارقین که مبادرت به ۲۰ فقره سرقت در استان فارس کرده بودند در یک عملیات غافلگیرانه دستگیر شدند.

سرهنگ غلامرضا هاشمی افزود: سارقان که ۴ نفر بودند و در استان مبادرت به سرقت از دکل منبع آب در شهر بهمن، کارخانه سیمان آباده، دکل صدا و سیما و سه راس گوساله در شهر صفاد، و همچنین ۲۰ فقره دیگر شامل سیم‌های برق و آهن آلات، احشام در سایر شهرستان‌های استان فارس کرده بودند. در یک عملیات غافلگیرانه با هماهنگی مقامات قضایی، پلیس آگاهی و پلیس اطلاعات دستگیر شدند و به جرم خود اعتراف کردند. وی اظهار داشت: اموال مسروقه به همراه دو دستگاه خودرو نیسان و پژو، دو عدد قیچی سیم چین و اره آهن بر، کشف و ضبط شد.

تسلیت به همکار

با تاسف فراوان با خبر شدیم همکار ارجمندمان آقای غضنفر پژمان خبرنگار روزنامه اطلاعات در شبانکاره بوشهر در غم از دست دادن فرزندش، به سوگ نشسته است.

مصیبت وارده را به خانواده محترم پژمان تسلیت گفته و ضمن طلب آمرزش و رحمت واسعه الهی برای آن مرحوم، برای بازماندگان از خداوند بزرگ صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

روزنامه اطلاعات

همکاری مشهد و شهرهای زیارتی عراق گسترش می‌یابد

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات ـ استاندار خراسان رضوی در دیدار با ابراهیم مصطفی جمال الدین سرکنسول جمهوری عراق در مشهد، با اشاره به سطح گسترده مناسبات دو کشور، اظهار داشت: روابط ایران و عراق همواره بر اساس احترام متقابل و برادرانه بوده است.

علیرضا رشیدیان به اشتراکات فراوان فرهنگی، مذهبی و تاریخی دو طرف اشاره کرد و افزود: باید از این ظرفیت در زمینه گسترش سطح تعاملات در سطوح مختلف استفاده کنیم. رشیدیان با تأکید بر ساماندهی امور زائران ایرانی و ارتقای خدمات رسانی به آنان در عراق، بر لزوم تأمین امنیت زائران در شهرهای زیارتی تأکید کرد.

اوی با بیان این که از سران طوایف و قبایل اهل سنت برای حضور در ایران دعوت به عمل آمده، افزود: تعامل هرچه بیشتر مسلمانان و پرهیز از افراطی گری، باعث خنثی شدن توطئه‌های دشمنان علیه جامعه بزرگ اسلامی خواهد شد.

وی تأکید کرد: ما خواهان کشوری آباد، آزاد و توسعه یافته در همسایگی خود و استقرار امنیت در کشورهای همجوار را امنیت ایران اسلامی می‌دانیم.

ابراهیم مصطفی جمال الدین سرکنسول جمهوری عراق در مشهد نیز ضمن ابراز خرسندی از دیدارش با استاندار خراسان رضوی گفت: اراده دولت و ملت این کشور توسعه و تحکیم روابط با جمهوری اسلامی ایران است.

وی با تأکید بر توسعهٔ روابط منطقه‌ای، از آمادگی عراق برای حضور یافتن تجار و سرمایه‌گذاران استان خراسان رضوی در عراق خبر داد. همچنین تسهیل در تردد زائران و تبادل هیات‌های تجاری و اقتصادی از دیگر موضوعات مطرح شده در این دیدار بود.

اجرای ۱۰۰ برنامه فرهنگی و مذهبی ویژه گرامیداشت مقام زن در بندر دیر

بندر دیر ـ خبرنگار اطلاعات: مشاور امور بانوان و خانواده فرماندار دیر گفت: ۱۰۰ برنامه فرهنگی، هنری و دینی ویژه میلاد حضرت فاطمه زهرا(س)، بزرگداشت مقام زن و روز مادر در دیر برگزار می‌شود که ۲۰ برنامه آن شاخص است.

آمنه کنگانی در جلسه کارگروه بانوان و خانواده شهرستان دیر افزود: حضرت فاطمه زهرا(س) الگوی برتر بانوان است و نتیجه عصمت و تقوا و پرهیزکاری آنحضرت، شوهرداری و تربیت فرزندان صالح همچون قهرمانان کربلا بود.

وی گفت: تجلیل از بانوان فرهنگی، تجلیل از مادران و همسران شهدا، جلسه هم اندیشی بانوان، دیدار با مادران شهدا، تجلیل از بانوان ادارات و نهادها، چراغانی شهر، پیاده روی خواهران و مسابقات ورزشی از جمله برنامه‌های هفته بزرگداشت مقام زن در این شهرستان است.

معاون فرماندار دیر نیز در این نشست گفت: اگر فداکاری مادران شهدا در ۸ سال دفاع مقدس نبود، اکنون در کشور شاهد توسعه و پیشرفت نبودیم.

مصطفی فخرایی افزود: زن به عنوان سکاندار اصلی خانواده موجب حرکت خانواده و اثرگذار در جامعه است که باید به درستی به جامعه معرفی شود.

وی گفت: جایگاه زن در بعد از انقلاب به جایگاهی ویژه تبدیل شده است که با زمان قبل از آن قابل قیاس نیست و می‌بینیم که در جامعه نقش مادرانی که فرزندانی تاثیرگذار تربیت کرده‌اند بسیار مشهود است.

دومین پارک بانوان کرج آماده بهره‌برداری است

کرج ـ خبرنگار اطلاعات: همزمان با ولادت حضرت زهرا(س) «باغ ریحان» دومین پارک بانوان کرج افتتاح و بهره برداری می‌شود.

عباس زارع مدیرعامل سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری کرج با اعلام این خبر افزود: طبق برنامه‌ریزی مقرر شده است که ۳۰ فروردین و همزمان با فرا رسیدن ولادت حضرت زهرا(س) و گرامیداشت مقام زن، برنامه‌های ویژه‌ای در این پارک برگزار شود. وی افزود: این مجموعه با مساحتی بالغ بر ۴۰ هزار مترمربع، دارای امکانات ورزشی نظیر مسیر پیاده روی، پیست دوچرخه سواری، زمین‌های والیبال و بسکتبال، گل کوچک، فوتبال دستی، پینگ پنگ، جاده تندرستی و دارت است. زارع گفت: در این پارک یک باب خانه باغ نیز ساخته شده که محلی برای برگزاری برنامه‌های آموزشی و فرهنگی است. وی گفت: شهر کرج از معدود شهرهای ایران است که دو پارک بانوان دارد و در آینده دو پارک دیگر در مناطق جنوب و غرب شهر نیز ایجاد خواهد شد.

وی با تأکید بر برگزاری جشن ولادت حضرت زهرا(س) در باغ ریحان در محل پارک شهید چمران از بانوان و شهروندان دعوت کرد که در این مراسم شرکت کنند.

تکمیل ورزشگاه قدس شهرضا با محوریت بخش خصوصی

شهرضا ـ خبرنگار اطلاعات: عملیات ورزشگاه قدس به لحاظ کمبود محسوس اعتبارات عمرانی و ورزشی، امکان پذیر نیست. این مطلب را علیرضا کمالیان رئیس اداره ورزش و جوانان شهرضا در جمع خبرنگاران اظهارداشت و افزود: براساس برنامه‌ریزی انجام گرفته اتمام عملیات ساخت ورزشگاه قدس شهرضا در سال جاری با محوریت بخش خصوصی اجرایی می شود.

او با اشاره به اینکه پیمانکار پروژه ورزشگاه قدس بابت اجرای این طرح حدود یک میلیارد ریال مطالبه دارد، متذکر شد: براساس ارزیابی‌های انجام گرفته برای بهره‌گیری از زمین چمن مصنوعی ورزشگاه قدس به هزینه‌ای بالغ بر ۷۰۰ میلیون ریال نیاز است که امیدواریم با واگذاری این طرح شاهد تحقق این اصل مهم باشیم.

وی با اشاره به اینکه مطابق بررسی‌های انجام گرفته حدود ۵۰ درصد از پروژه ورزشگاه قدس شهرضا اجرایی شده است، اضافه کرد: اجرای عملیات دیوار کشی، حصار کشی، سکوی تماشاگران و رختکن به عنوان مهم ترین نیازمندی‌های کنونی این مجموعه مطرح است که انتظار می رود با واگذاری این طرح به بخش خصوصی شاهد تحقق آن باشیم.

رئیس اداره ورزش و جوانان شهرضا، بهره‌گیری اصولی از ظرفیت خیران را از مهمترین نیازمندی‌های کنونی حوزه ورزش و جوانان شهرضا برشمرد و اذعان داشت: نسبت به شناسایی خیران شهرستان اقدام شده و تاکنون چندین نشست با رویکرد اتمام طرح‌های نیمه تمام در شهرضا برگزار شده است و برهمین اساس انتظار می رود در آینده نزدیک شاهد تشکیل انجمن خیران ورزشی شهرضا باشیم.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به برگزاری همایش بزرگ تجلیل از مقام معنوی شهدای ورزشکار شهرضا گفت: براساس برنامه‌ریزی انجام گرفته، همایش بزرگ تجلیل از مقام معنوی شهدای ورزشکار شهرضا روز ۲۸ فروردین برگزار می شود.

کمالیان تجلیل از مقام معنوی شهدای ورزشکار و قدردانی از خانواده این شخصیت‌های والامقام را جزو مهمترین برنامه‌های فرهنگی امسال اداره ورزش و جوانان شهرضا دانست و یادآور شد: روز ۲۸ فروردین همایش بزرگی در همین راستا با تعامل و همکاری اتاق اصناف شهرضا در محل تکیه انصارالحسین(ع) برگزار می شود.

او با اشاره به اینکه در قالب این همایش خانواده ۵۰ نفر از شهدای ورزشکار شهرضا مورد تجلیل قرار می گیرند، اضافه کرد: امیدواریم با تمهید نیازمندی‌های لازم شاهد تداوم برگزاری همایش‌های فرهنگی با محوریت قدردانی از شخصیت‌های برجسته و موفق در حوزه ورزش شهرضا باشیم.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

بقیه از صفحه ۱۳

نمایشگاه مد و لباس ایرانی ـ اسلامی

چند سالی است که تحت نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و با صرف هزینه‌های قابل توجه، نمایشگاه مد و لباس ایرانی ـ اسلامی بانوان را برپا می‌کند که در عین ترویج پوشش‌های کامل، استفاده از رنگ‌های شاد را نیز تبلیغ می‌کند. اما متأسفانه عده‌ای در کسوت و مناصب مختلف با استفاده از تریبون‌هایی که در اختیار دارند و تحت هر شرایطی مایل به اظهار نظر هستند، برگزاری این نوع نمایشگاه‌ها را در راستای ترویج بی‌بندوباری می‌دانند که پوششی به غیر از آنچه را که مورد پسند آنان است، تبلیغ می‌کند. در حالی که طراحان لباس در نمایشگاه‌های مد و لباس ایرانی ـ اسلامی با حفظ تمامی چارچوب‌های مذهبی و متناسب با سلیقه روز بانوان، لباس‌هایی را طراحی می‌کنند که امیدواریم برپایی آنها تداوم یابد.

اصفهان ـ یک شهروند

تصاحب زمین‌ها به بهانه گل‌فروشی

اخیراً عده‌ای سودجو به بهانه گل‌فروشی بهترین زمین‌های منطقه شرق تهران در محدوده تهرانپارس را که متراژ قطعاتی از آنها به ۳ هزار مترمربع می‌رسد، تصاحب کرده‌اند، به این ترتیب که دکه‌ای در این زمین‌ها ساخته‌اند و بقیه زمین را فنس کشی کرده‌اند. لطفاً شهرداری پاسخ دهد که آیا واقعاً این افراد قصد دارند در این زمین‌ها گل‌فروشی دایر کنند؟ در صورت صحت نداشتن ادعای این افراد، از شهرداری منطقه تقاضا می‌شود از این زمین‌ها برای احداث پارک برای استفاده عمومی بهره جویند.

از ساکنان تهرانپارس

کاهش مسرت‌بخش تلفات و تخلفات رانندگی

بنا بر اعلام پلیس راهور کشور، تخلفات رانندگی در نوروز امسال ۳۱ درصد و آمار کشته‌شدگان حوادث رانندگی نیز ۱۲ درصد کاهش داشته که اخبار مسرت‌بخشی است. به عنوان راننده تاکسی سرویس در کنار همکارانم از زحمات بی‌وقفه پلیس راه در ایام نوروز سپاسگزاریم. ضمن آنکه به همین منظور مایلیم لوح‌های تقدیری برای سرداران احمدی‌مقدم و مؤمنی تهیه و به این عزیزان تقدیم کنیم.

رحیم میلانی

انعکاس بی‌مقدار خبر فوت استادی فرزانه در تلویزیون

ضمن قدردانی بسیار از سردبیر روزنامه اطلاعات به دلیل نگارش یادداشت «فرهنگ و اقتصاد»، قیاس ایشان از انعکاس خبر درگذشت استادی فرزانه و تاریخ‌شناس مانند دکتر باستانی پاریزی در تلویزیون که برای گردانندگان این رسانه به اندازه خبر پرورش کدوی ۳۰۰ کیلوگرمی در تایلند هم اهمیت ندارد، به راستی گویای کاستی‌های بزرگی در حوزه فرهنگ، علم و هنر است که تلویزیون باید به طور جدی در مورد آنها پاسخگو باشد.

مشهد مقدس ـ خواننده روزنامه اطلاعات

مواد افزودنی غیرمجاز در آب معدنی

برخی از تولیدکنندگان آب معدنی برای درج تاریخ مصرف طولانی‌تر بر روی بطری‌های آب معدنی و ماندگاری بیشتر آنها از مواد افزودنی غیرمجاز استفاده می‌کنند که در مورد افرادی مانند من که سال‌های طولانی از آب معدنی استفاده می‌کنم، منجر به سنگ کلیه شده است! این نمونه‌ای از سودجویی برخی شرکت‌هایی است که برای درآمد بیشتر با سلامت مردم بازی می‌کنند و البته مسئولان ذی‌ربط در وزارت بهداشت و درمان باید نسبت به این نوع سودجویی‌ها هوشیارتر عمل کنند.

تهرانی

کاش استاد باستانی پاریزی را بیشتر در می‌یافتیم

ای کاش تا زمانی که استاد باستانی پاریزی در قید حیات بودند، هر چه بیشتر در مورد آثار و اخلاق والای ایشان مطالعه می‌کردیم و این تاریخ‌شناس و پژوهشگر والامقام را بهتر در می‌یافتیم.

از خوانندگان آثار استاد

شهادت تأسف‌آور سرباز وطن

ضمن تبریک آزادی سربازان گروگان گرفته شده توسط گروهک جیش‌العدل و بازگشت آنان به کشور، شهادت جمشید دانایی‌فر را به خانواده این سرباز ارزشمند وطن تسلیت می‌گوییم.

بندرانزلی ـ مهندس حامد عسکری

دانشمندان هسته‌ای انحصارگرایی را در این علوم شکستند

ارومیه ـ خبرنگار اطلاعات: دانشمندان هسته‌ای ایران با تکیه بر ایمان، خودباوری و اعتماد به نفس توانستند در زمینه علوم هسته‌ای انحصارگرایی را در این علوم بشکنند.

مطلب بالا را قربانعلی سعادت استاندار آذربایجان غربی در همایش بزرگداشت سالروز ملی فناوری هسته‌ای که با حضور خانواده شهید داریوش رضایی‌نژاد از شهدای هسته‌ای کشور برگزار شد، اعلام کرد.

او اضافه کرد: شهدا با فدا کردن جان خود مسیر توسعه و آینده ایران اسلامی را به ما نشان دادند.

وی ادامه داد: امروز دانشمندان هسته‌ای کشور ادامه دهنده راه شهدا هستند و با تأسی از سیره و مکتب ائمه اطهار(ع)، عزت، افتخار، سربلندی و اقتدار را برای میهن اسلامی به ارمغان آورده‌اند.

استاندار آذربایجان غربی گفت: دشمنان نظام مقدس اسلامی بدانند با توطئه و تهدید نمی‌توانند مانع پیشرفت و ترقی ملت بزرگ ایران اسلامی شوند بلکه ملت ایران مصمم‌تر از قبل حرکت می‌کند.

وی در ادامه سخنانش با اشاره به شعار سال ۹۳ گفت: به رغم وجود مسائل و مشکلات، سعی خواهیم کرد با پیروی از منویات رهبر معظم انقلاب موانع و مشکلات را از سر راه برداریم.

استاندار آذربایجان‌غربی، تربیت نیروهای ارزشمند و انقلابی را از بزرگترین سرمایه‌های انقلاب اسلامی دانست و گفت: شهدا با شهادت خود، درس ایثار، فداکاری و مقاومت را به ملت ایران آموختند و فرهنگی را در جامعه بنیان نهادند که هیچ‌گاه تمام شدنی نیست.

محمد حضرت‌پور شهردار ارومیه هم در این مراسم گفت: اختلاف ما با آمریکا و غرب دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای نیست بلکه ایدئولوژیک است.

وی در تأیید این مدعا گفت: وقتی در مذاکرات هسته‌ای به توافقات ضمنی دست یافتند سراغ بحث حقوق بشر رفتند تا ما را با این بهانه بیشتر تحت فشار بگذارند.

مراسم روز ملی فناوری هسته‌ای ایران در سالن اجتماعات کانون بسیج جوانان شهرستان ارومیه و با حضور دکتر شهره پیرانی همسر و آرمیتا رضایی‌نژاد دختر شهید رضایی‌نژاد از شهدای هسته‌ای کشور برگزار شد.

آرمیتا رضایی‌نژاد دختر و شهره پیرانی همسر شهید رضایی‌نژاد در آیین ویژه‌ای با دریافت لوح و هدیه‌ای مورد قدردانی قرار گرفتند.

جا به جایی محل دفن یک شهید بجنوردی

بجنورد ـ خبرنگار اطلاعات: فرمانده تیپ مستقل ۱۳۰ پیاده شهید دلجویان بجنورد گفت: جابه‌جایی محل دفن یکی از شهدای روستای کلاب بجنورد در هفته ارتش انجام پذیر است.

سرهنگ علیرضا صادقی افزود: به مناسبت هفته ارتش جمهوری اسلامی ایران، پیکر مطهر شهید محمد بیک کلابی یکی از شهدای پرافتخار ارتش جمهوری اسلامی در استان خراسان شمالی به دلیل تخریب محل دفن این شهید بر اثر زلزله‌های چند سال اخیر و سیل خیزبودن روستای کلاب بجنورد، که محل دفن این شهید است از سوی تیپ ۱۳۰ پیاده شهید دلجویان بجنورد جابه‌جا خواهد شد.

وی با اشاره به این که استان خراسان شمالی ۷۴۴ شهید ارتشی به نظام جمهوری اسلامی تقدیم کرده است از این عده ۴۰۹ جانباز و ۱۸۸ آزاده بوده‌اند.

وی در پاسخ به سوال خبرنگار اطلاعات در رابطه با نقش ارتش در بحران‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی گفت: ارتش در آن زمان دچار دو بحران بود، یکی بحران داخلی جنگ کردستان و دیگری جنگ تحمیلی ۸ سال دفاع مقدس، که در این زمینه ارتش توانست به خوبی از این بحران‌ها خارج شود

وی ادامه داد: بر این اساس ارتش در آن زمان توانست ۴۲۲ عملیات در طول ۸ سال دفاع مقدس انجام دهد که از این تعداد ۱۵۶ عملیات را ارتش به تنهایی و ۱۵۸ عملیات دیگر را با همکاری سپاه به خوبی به سرانجام رساند.

وی گفت: برنامه‌های هفته ارتش استان خراسان شمالی شامل دیدار با امام جمعه و قدردانی از خانواده معظم شهدا در صبحگاه تیپ، برپایی محفل انس با قرآن کریم، مسابقه تیراندازی نیروهای مسلح، گلباران مزار شهدا، مراسم رژه، اهدای خون توسط کارکنان تیپ و بازدید دانش آموزان و طلاب از تیپ خواهد بود.

سرهنگ صادقی، همچنین از ساخت پادگان جدید ارتش در منطقه کچرانلوی بجنورد خبر داد و گفت: این پادگان در دست ساخت است و بزودی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

توسعه ۱۰ هزار هکتاری جنگل در استان اردبیل



اردبیل ـ خبرنگار اطلاعات: امسال با گرفتن اعتبار ویژه در قالب طرح توسعه جنگل و بیشه‌زارها بیش از ۱۰ هزار هکتار به محدوده جنگلی استان اردبیل اضافه می‌شود.

اسدالله محسن‌زاده مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان اردبیل با اعلام این مطلب افزود: این طرح توسعه شامل ۲۰۰۰ هکتار در جنگل فندقلو و ۸۰۰۰ هکتار نیز در خلخال و کوثر است که براساس مطالعات اولیه انجام شده این توسعه در یک برنامه پنج ساله و به تدریج انجام می‌شود.

وی همچنین از انعقاد تفاهم‌نامه با جهاد دانشگاهی اردبیل برای اجرای چهار طرح مطالعاتی خبر داد و گفت: این طرح‌های مطالعاتی در کمیته فنی مصوب شده که دو مورد دیگر از آن در حال انجام است و دو مورد دیگر نیز قرار است با تامین منابع اعتباری عملیاتی شود.

او با تشریح اینکه طرح مطالعاتی توسعه و کشت فندق با رقم مثمر و بومی جزو طرح‌های مصوب و قابل اجرا با همکاری جهاد دانشگاهی است، افزود: با همراهی نمایندگان استان در مجلس، اردبیل پایلوت توسعه فندق کشور معرفی شده و در این زمینه سعی و تلاشمان بر این است تا طرح‌های مطالعاتی به ثمر نشسته و در این زمینه توسعه جنگل فندق را به صورت محصولات زودبازده شاهد باشیم.

مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان اردبیل با بیان اینکه ۶۰ درصد وسعت استان اردبیل را جنگل، مرتع و رویشگاه‌های طبیعی تشکیل می‌دهد، اضافه کرد: یکی از رویکردهای ما در تقویت و توسعه این بخش استفاده از ظرفیت بخش خصوصی در توسعه و صیانت از جنگل‌ها، مراتع و منابع طبیعی است که می‌تواند نتایج مثبت را در توسعه و تعمیق رویشگاه‌های سازنده این استان به همراه داشته باشد.

زنده نگه‌داشتن یاد شهدا موجب ناامیدی دشمنان انقلاب است

خوروبیابانک ـ خبرنگار اطلاعات: امام جمعه شهر فرخی گفت: از آنجا که شهدا نقش تاریخی و تعیین کننده در حفظ و تداوم انقلاب اسلامی داشته‌اند، زنده نگهداشتن یاد و خاطره آنها وظیفه همگان است. حجت‌الاسلام محسن شیخی در جمع مسئولان شهرستان خوروبیابانک افزود: در دوران دفاع مقدس شهدای بزرگی از این شهرستان تقدیم انقلاب اسلامی شد. وی یادآور شد: یاد شهدا در حقیقت زنده نگه داشتن آرمان‌های انقلاب اسلامی و امام راحل است. او در ادامه به مقاومت ملت ایران در مقابل دشمنان اشاره کرد و گفت: مردم ایران مدت ۳۵ سال در مقابل تحریم‌های دشمنان ایستادگی کردند و گوش به فرمان ولی فقیه هستند. شیخی زنده نگه داشتن فرهنگ شهادت را سدی محکم در برابر حیله‌های دشمنان بیان کرد و افزود: این نظام مرهون از خودگذشتگی و ایثارگری شهداست و اقتدار، عزت و پیروزی‌های ایران اسلامی در سایه از جان‌گذشتگی شهدا به دست آمده است. خطیب جمعه شهر فرخی با اشاره به نامگذاری شعار سال از سوی مقام معظم رهبری، تأکید کرد: لازمه تحقق منویات مقام معظم رهبری با همدلی و اتحاد بین مسئولان و مشارکت مردمی خواهد بود.

آمادگی دانشگاه علوم پزشکی بابل برای ارائه خدمات به معلولان

بابل ـ خبرنگار اطلاعات: دانشگاه علوم پزشکی بابل برای ارائه خدمات به معلولین آمادگی دارد.

این خبر را دکتر ربیعی رئیس دانشگاه علوم پزشکی بابل در بازدید از مرکز معلولین نوشیروانی بابل اعلام کرد. در این بازدید دکتر ربیعی ضمن دیدار با معلولین خطاب به مسئولین مرکز معلولین نوشیروانی بابل گفت: دانشگاه علوم پزشکی بابل آمادگی دارد در حد امکان همه‌نوع خدمات بهداشتی و درمانی برای بهبود وضعیت معلولین و مددجویان این مرکز را تامین کند. وی افزود: تلاش می‌کنیم تا دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بابل به صورت گروهی از معلولین دیدار کنند.

بسیجیان نیشابور ۲۴۵ هزار بذر درخت بادامک کاشتند

نیشابور ـ خبرنگار اطلاعات: نیروهای جهادی بسیج نیشابور ۲۴۵ هزار بذر درخت بادامک در این شهر کاشتند.

مسئول بسیج سازندگی نیشابور با اعلام این مطلب افزود: ۲۰۰ نفر از نیروهای جهادی بسیج ۲۴۵ هزار بذر درخت بادامک را در مناطق کوهستانی شهرستان کاشتند. سروان پاسدار هادی نصرآبادی گفت: ۲۰۰ اصله درخت زبان گنجشک و اقاقیا نیز در این برنامه در ارتفاعات شهرستان و محوطه ساختمان جدید ناحیه مقاومت بسیج نیشابور در بلوار پژوهش توسط نیروهای بسیجی جهادی محلات و عشایر کاشته شد. وی، ویژگی‌های درخت بادامک را کم‌آبی، مقاوم بودن به آفات، همیشه سبز بودن و قابلیت پراکنش در تمام نقاط ایران نام برد. وی افزود: این گیاه در کرج به‌نام بادامک، در طبس به‌نام بادامشک و در جهرم به‌نام جرگه شناخته می‌شود.

نصرآبادی با اشاره به طرح‌های بسیج سازندگی، یادآور شد: این گونه طرح‌های بسیج برای غنی‌سازی اوقات فراغت جوانان و دارای ویژگی‌های روانشناسانه و مبتنی بر شناختی عمیق از خواست‌های نیازهای روحی، روانی، رفتاری و علایق و خواست‌های جوانان است.

استان یزد ۲ کنگره شعر ملی برگزار می کند

یزد ـ خبرنگار اطلاعات: دو کنگره شعر با گستره ملی در استان یزد برگزار می‌شود.

سرپرست اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد با بیان این مطلب نام این دو کنگره را کنگره شعر توحیدی و کنگره شعر کویر اعلام کرد و افزود: این دو کنگره امسال برگزار می‌شود.

محمد رضا دهبیدی‌پور گفت: حدود ۷۰۰ شعر از شاعران سراسر کشور به دبیرخانه کنگره شعر توحیدی رسیده که در مرحله داوری است.

او افزود: رونمایی از کتاب تذکره شعرای میبد، نمایشگاه خوشنویسی از آثار ارائه شده و نمایشگاه عکس از برنامه‌های جانبی کنگره شعر توحیدی خواهد بود.

وی همچنین با اشاره به اینکه کنگره شعر کویر نیز در شهرستان ابرکوه برگزار می‌شود، افزود: ششمین کنگره سراسری شعر کویر ۴ اردیبهشت به همت انجمن شعر و ادب و اداره ارشاد ابرکوه برگزار می‌شود.

دهبیدی‌پور گفت: ششمین کنگره سراسری شعر کویر با موضوع سکوت شب‌های پرستاره کویر، سرو پنج‌هزار ساله ابرکوه نماد ایستادگی و کویر در انتظار.... کار خود را آغاز خواهد کرد.

پیشرفت مطلوب ساخت بازارچه خودکفایی دامغان

دامغان ـ خبرنگار اطلاعات: ساخت بازارچه خودکفایی امام علی(ع) کمیته امداد امام خمینی(ره) دامغان از ۴۰ درصد پیشرفت فیزیکی برخوردار است و در صورت تأمین اعتبار تا پایان امسال به بهره‌برداری می‌رسد.

محمد قوسی رئیس کمیته امداد دامغان با اعلام این خبر افزود: این پروژه در زمینی به مساحت ۱۷۶۶ مترمربع و زیربنای ۳۷۱۴ مترمربع شامل پارکینگ و دو طبقه همکف به فضای ۷۰۰ مترمربع تجاری برای عرضه مستقیم محصولات صنایع دستی مددجویان به مردم است و طبقه اول آن برای استفاده مواردی دارالایتام، دپارتمان مشاوره راهنمایی مددجویان خواهد بود.

وی یادآور شد: این بازارچه توسط خیّر دامغانی ابوالفضل کلایی تأمین اعتبار شده و قرار است ۳۰ تا ۳۵ میلیارد ریال برای ساخت آن هزینه شود.

برگزاری جشنواره موسسات فرهنگی ـ هنری در قم

قم ـ خبرنگار اطلاعات: جشنواره موسسات فرهنگی ـ هنری قم با هدف شناسایی ظرفیت‌های موجود در حوزه فرهنگ و هنر در نیمه نخست امسال برگزار می‌شود.

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قم در مدرسه اسلامی هنر پس از آشنایی با بخش‌ها و فعالیت‌های مختلف این مرکز در سخنانی اظهار داشت: برنامه‌هایی که مدرسه اسلامی هنر انجام می‌دهد، کارهایی است که تا به حال به آن کمتر توجه شده و امتیاز آن این است که با نگاه به دغدغه مبانی دین و به صورت حرفه‌ای در حوزه هنر صورت می گیرد. حجت‌الاسلام عبدالرضا ایزدپناه افزود: با هدفگذاری تحقیقات، تأمین شدن یا نشدن خلاها روشن می‌شود که پس از آن با هم‌افزایی می‌توانیم سراغ حل مسائل برویم.

مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قم با تأکید بر اینکه لازم است از پرسش‌ها به برنامه‌ها برسیم، اضافه کرد: در حوزه فرهنگ و هنر با برگزاری میزهای گفت و گو و جمع آوری از پرسش‌ها به برنامه‌های هدفمند خواهیم رسید. وی بر جهت‌دهی اهداف در راستای تحقق تمدن اسلامی تاکید کرد و گفت: بیاییم تمدن حکومت جهانی حضرت مهدی(عج) را در همه برنامه‌های مورد نظرمان قرار دهیم. مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از برگزاری جشنواره موسسات فرهنگی ـ هنری در آینده‌ای نزدیک خبر داد و افزود: بنا داریم با برگزاری این جشنواره پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های موجود در حوزه فرهنگ و هنر را شناسایی و جمع آوری کرده و درجهت همگرایی موسسات، پرهیز از کارهای تکراری و ضعیف و همچنین همسوسازی رویکرد فعالیت موسسات با شعار سال و تحقق چشم‌انداز کشور قدم برداریم. در ابتدای این دیدار حجت‌الاسلام نواب مدیر مدرسه اسلامی هنر قم نیز در سخنانی ضمن ارائه گزارشی از فعالیت‌های این نهاد، از آموزش حدود ۲۵۰۰ طلبه هنرمند خبر داد و افزود: مدرسه اسلامی هنر و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی قم می‌توانند مرکزی را برای پژوهش‌های هنر دینی راه‌اندازی کنند تا نقشه جامع پژوهش‌های هنر دینی تدوین شود. وی با تأکید بر اینکه قم می‌تواند مرکز پژوهش‌های نظری هنر باشد، اضافه کرد: جای برگزاری همایش دین و هنر در قم وجود دارد.

استقرار کاروان پزشکی نورآوران سلامت در نهبندان

بیرجند: کاروان پزشکی نورآوران سلامت شرق کشور در خراسان جنوبی آغاز به کار کرد.

این گروه پزشکی در منطقه دهک نهبندان مستقر شده است وبه بیماران نیازمند خدمات دندانپزشکی و چشم پزشکی به صورت رایگان ارائه می‌کند.

مدیر اجرایی بنیاد نورآوران سلامت شرق کشور گفت: بیش از ۱۴۰ پزشک داوطلب از مشهد، تهران و خراسان جنوبی با تخصص‌های دندانپزشکی، چشم پزشکی، بینایی سنجی و تکنیسین‌های اتاق عمل برای حضور در این برنامه خیریه مشارکت دارند.

زرینی افزود: این پزشکان در چهار کانکس مجهز به تجهیزات دندانپزشکی، چشم پزشکی و بینایی سنجی و اتاق عمل در دبیرستان شهید مدنی دهک نهبندان تا ۳۱ خرداد مستقر خواهند بود. وی گفت: ارائه دارو و عینک رایگان از دیگر خدماتی است که مؤسسه نورآوران سلامت شرق کشور در منطقه دهک نهبندان به بیماران نیازمند ارائه می کند.

قدردانی از مادران و همسران شهید در بندر دیر

بندر دیر ـ خبرنگار اطلاعات: به مناسبت سالروز وفات حضرت ام‌البنین(س)، از همسر شهید و مادر چهار شهید از مادران و همسران شهید دیر در محل بنیاد شهید امور ایثارگران دیر تجلیل به عمل آمد. در این آیین امام جمعه موقت دیر گفت: عزت، اقتدار و استقلال کشور مرهون شهدا و فداکاری خانواده معظم شهداست.

حجت‌الاسلام ابراهیم بحرانی افزود: زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهدا وظیفه همگانی است که همه باید به این امر مهم اهتمام ویژه‌ای داشته باشند.

وی ضمن تسلیت وفات حضرت ام‌البنین(س) گفت: پاسداری از خون شهدا و علاقه‌مند کردن فرزندان به شهادت و ایثارگری از ویژگی‌های برجسته این بانوی فداکار اسلام بود.

سرپرست بنیاد شهید و امور ایثارگران دیر گفت: خانواده شهدا قدردان نظام اسلامی هستند و ما هم باید به خاطر فداکاری این خانواده‌ها قدردان آنان باشیم.

سیدعبدالعلی موسوی کراماتی افزود: امنیت و آسایش کشور مرهون خون پاک شهدا و استقامت مادران و همسران شهدا است. وی از تلاش رسانه‌های خبری در انعکاس فرهنگ شهادت به جامعه قدردانی کرد و گفت: برگزاری یادواره‌ها و ترویج فرهنگ شهدا حاصل تلاش رسانه‌های خبری و همکاری‌های خوب پرسنل سپاه پاسداران و بسیج است.

یادواره شهدای دانشجو در آباده برگزار می‌شود

آباده ـ خبرنگار اطلاعات: در راستای برگزاری کنگره ملی شهدای دانشجو و به منظور ارج نهادن به مقام شامخ شهدا و زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهدای دانشجو یادواره شهدای دانشجو در آباده برگزار می‌شود.

مسئول دفتر بسیج دانشجویی با اعلام این مطلب اظهار داشت: چهارمین یادواره شهدای دانشجو اردیبهشت در سالن اجتماعات دانشکده پرستاری حضرت زهرا(س) برگزار خواهد شد

کارمند پاسدار حسین شرفی افزود: در این یادواره خانواده‌های معظم شاهد و ایثارگر، دانشجویان، مسئولان محلی، استادان و دانشجویان دانشگاه‌های آزاد، پیام نور، علمی ـ کاربردی، آموزشکده فنی امام خمینی(ره) و دانشکده پرستاری حضور دارند.

مسئول بسیج دانشجویی آباده در ادامه گفت: حجت‌الاسلام جوشقانیان در این یادواره سخنرانی خواهد کرد. اضافه می‌شود آباده ۱۱ شهید دانشجو تقدیم انقلاب و دفاع مقدس کرده است.

رزمایش نیروهای مسلح در قزوین

قزوین ـ خبرنگار اطلاعات: همزمان با روز ارتش، نیروهای مسلح استان قزوین با انجام رژه، قدرت رزمی خود را به نمایش خواهند گذاشت. جانشین فرمانده قرارگاه عملیاتی لشکر ۱۶ زرهی قزوین گفت: رژه نیروهای مسلح در سراسر کشور صرفاً به عنوان تجلی اقتدار ایران و به عنوان بازدارندگی در مقابل تهدیدات احتمالی دشمن برگزار می‌شود.

امیر محمد رضایی افزود: در این رژه انواع خودروهای شنیدار، چرخدار، موتوری و بخشی از توان تجهیزاتی و ساز و برگ نظامی نیز به نمایش گذاشته می‌شود. وی اعلام کرد: همچنین به منظور نشان دادن اقتدار نظام؛ تعدادی از تجهیزات قرارگاه عملیاتی لشکر ۱۶ زرهی قزوین شامل تجهیزات خودروهای سنگین، شنیدار، نفربرهای شنیدار، تانک، تانک چیفتن و تانک خودرو جمع‌آور ریکاوری برای شرکت در رژه پایتخت ساماندهی و آماده‌سازی و به تهران اعزام می‌شود.

جانشین فرمانده قرارگاه عملیاتی لشکر ۱۶ زرهی قزوین حضور در گلزار شهدا، گلباران مزار شهدا، دیدار با خانواده معظم شهدا و جانبازان، عیادت از بیماران، برگزاری صبحگاه عمومی برای قدردانی از سربازان نمونه و برپایی محفل انس با قرآن با حضور سایر یگان‌های نیروهای مسلح را از جمله برنامه‌های بزرگداشت روز ارتش در قزوین اعلام کرد.

امیر رضایی با تأکید بر این که «با برگزاری این رزمایش‌ها قصد تجاوز به خطوط مرزی کشور را نداریم» افزود: نوع استراتژی و راهبردی نظام جمهوری اسلامی از نوع انسان محور است که با اتکا به فرهنگ ناب عاشورا تلاش می‌شود تقویم روحی کربلا در جای جای نظام نقش آفرینی کند. بر این اساس متناسب با بررسی منطقه عملیات و تاکتیک، نیروهای نظامی آماده‌سازی می‌شود.



روایت بزرگترین حمله هوایی جهان

نقشه راه حمله به «الولید» چگونه طراحی شد؟

■ بخش دوم

اشـــاره: هفته گذشته در شماره قبلی صفحه حماســـه پایداری، بخش نخست گزارشـــی با عنوان «رمزگشایی از حمله رعدآســـا به «اچ-۳» به چاپ رسید که در آن امیر خلبان بازنشسته فرج‌الله براتپور، لیـــدر عملیات حمله بـــه «اچ-۳» به بیان جزئیات این عملیات هوایی بزرگ جهان پرداخت. بخش دوم این گزارش و گفتگو این خلبان شـــجاع ۸ سال دفاع مقدس با «اطلاعات» را می‌خوانیم:

***

لیدر عملیات اچ -۳ تاکید می‌کند:

بنده ســـرباز میهن در طول جنگ بیش از ۵۰ ماموریـــت جنگی داشـــته ام با توجه به این که در همه این مدت فرمانده و مسئول بوده ام و قانونـــاً مجاز بـــه پروازهای جنگی نبودم ولـــی در همـــه پروازها لیدر بودم و مســـئول دســـته‌های پروازی ٤ و ٦ و ٨ فروندی، که هر کدام مجموعه‌ای از خاطرات تلخ و شـــیرین خـــود را دارد و همواره در حســـرت فرصتی و همتی بـــرای نگارش آن‌ها بوده‌ام که اکنون جای بســـی خوشحالی است که خاطره یکی از ماموریت‌های برون مرزی (عملیات حمله بـــه الولید یـــا اچ ـ۳) را که افتخار رهبری آن را داشـــته ام بیان کنم هر چند روشن است که قلم و بیان من آنچنان توانا نیســـت که بتوانم تمامی آنچه را که در این پرواز گذشـــته است را تشریح کنم و مطالعه کتاب حمله به الولید (اچ-۳) با قلم شیوای امیر خلبان مهرنیا را هم پیشنهادمی کنم.

وی یادآور می‌شـــود: نیـــروی هوایی جمهوری اســـلامی ایران فقط دو ســـاعت پس از اصابت نخســـتین بمب‌های دشمن به پایگاه‌های خودی وارد عمل شد و پاسخ مقتضی را به دشـــمن داد و دو پایگاه الکوت و شـــعیبیه عراق را بمبـــاران کرد و در طلوع صبح روز بعد هم با ۱٤۰ فروند جنگنده بمب افکن بیشـــتر پایگاه‌ها و اهداف از قبل تعیین شده را به آتش کشـــید براتپور می گوید: اما توجـــه به این نکته مهم اســـت که با در نظر گرفتن تجهیزات محور بودن این نیرو کمتر کشـــوری اســـت که بتواند بیش از چند روز نیروی هوایی را در جنگ درگیر کند. به ویژه این که ایران انقلابی در تحریم و اقتصادی و نظامی هم قرار داشت و شرق و غرب هم به حمایت و تجهیز دشمن کمر بسته بودند.

وی در ادامـــه این مصاحبـــه با تأکید بـــر این‌که به منظور تجلیـــل از ۲۵۰ خلبان شـــهید جنگ، آزادگان و قهرمانان بی ادعا، گوشه‌هایی از فعالیت‌های آنان را به پیشگاه ملت بزرگ ایران تقدیم می کند، به تشریح جزئیات عملیات اچ۳ می‌پردازد. شرح کامل این عملیات به قلم امیر براتپور به این شرح است: حدود یک ماه از آغاز تهاجم همه جانبه و برنامه‌ریزی شده عراق به سرزمین ما گذشته بود. هنوز نیروهای زمینی اعم از ارتش و سپاه به شکل مطلوب و دلخواه در جبهه‌ها استقرار نیافته بودند.

خلبانان جسور نیروی هوایی همچنان مانند نخستین روزهای حمله بعثی‌ها، بیشتر تـــوان خود را برای مقابله با نیروهای در خط دشـــمن صرف می‌کردنـــد. در پایگاه هوایی دزفـــول و شـــهید نوژه همـــدان در این زمینه عملکردی شاخص داشتند و خلبانان شکاری بمب افکن با انواع مهمات از قبیل بمب‌های ســـبک و سنگین، راکت و موشک ضد تانک و گلولـــه توپ هواپیما به انهدام قوای مغرور و تجهیزات آنان می‌پرداختیم. شکار تانک با هواپیما اگرچه تلفاتی هم به همراه داشت اما برای مردان آسمانی یک بازیچه بود.

آنچـــه کـــه گفتـــه شـــد فقط یکـــی از ماموریت‌هایی بود که نیروی هوایی ارتش بر عهده داشت.

مثلاباوجوداین که نیروی دریایی ارتش هم از توان قابل قبولـــی برخوردار بود بدون وجود نیروی هوایی و پشـــتیبانی او، در دفع حملات دریایـــی و هوایی عراق بر نمی‌آمد. از طرفـــی اکثر مبادلات اقتصـــادی و تجاری ایـــران هـــم از طریق بنادر موجـــود در خلیج فارس انجام میگرفـــت و چون هواپیماهای عراقی به چند نفتکش و کشتی تجاری حمله کـــرده بودند، کشـــورمان در این بخش دچار مشکلاتی شده بود و دیگر هر شرکتی حاضر به حمل محصولات خروجی و ورودی ایران نبود، بیمه کشـــتی‌ها به شدت بالا رفته بود و برای آنها صرفه اقتصادی نداشت تا در مسیر بنادر ایران فعالیت کنند.

از این رو کشور می‌بایست بهای گزافی برای تأمین مایحتاج و درآمد ارزی حاصل از نفت خود می‌پرداخت. وقتی شـــرایط به سمت بحران پیش می‌رفت نیروی هوایی در قالـــب طرحی به نام «اژدر» هر هفته یک روز از طلوع تا غروب خورشید اسکورت ناوگان دریایی اعم از نفتکش‌ها و کشتی‌های تجاری را با پوشـــش تعداد زیـــادی پرواز هواپیماهای اف ـ٤ و اف ١٤ تأمین می‌کرد تا در خلال این مدت جابجایی محصولات در امنیت کامل انجام گیرد.

جابجایـــی تجهیزات و نیروها از نقاط مرکزی و دور دست کشور به مناطق عملیاتی و پشـــتیبانی نیروهای ســـطحی، شناسایی و عکاســـی هوایـــی از اهداف، یکـــی دیگر از فعالیت‌هـــای این نیرو محســـوب می‌شـــد. ارزش عکس‌های تهیه شده از آخرین وضع دشمن، توســـط خلبانان شجاع و با تجربه به قدری در به ثمر رسیدن موفقیت‌آمیز عملیات ســـطحی نقش داشت که خود نیاز به نگارش کتابـــی دارد. در خلال این عملیات، نیروهای مومن هوایی، مناطق جنگی و صنعتی به ویژه پالایشگاه‌ها، نیروگاه‌ها، پادگان‌ها و پایگاه‌های دشمن را در عمق خاک او به طور مستمر زیر آتش خود داشتند.

یکـــی از ایـــن عملیات‌هـــا حمله به پایگاه‌هـــای الولیـــد اچ ـ۳ بـــود کـــه درس فراموش نشـــدنی به عراق داد. بمباران‌های پیاپی هدف‌های مهم و امکانات و تأسیسات زیر بنایی، عراق را وا داشـــت تا بخش قابل توجهی از انواع بمب افکن‌های سنگین مانند توپولف ۲۲ و ١٦، میگ‌های ۲۳ و ۲۵، میراژ و نمونه‌هایی از دیگر هواپیماها و دستگاه‌های ارزشـــمند رادار و غیره را از دسترس نیروی هوایـــی قدرتمند ایران خارج و به مجموعه پایگاه‌های سه گانه «الولید» که نسبت به ایران در دورترین نقطه قرار داشت، گسترش دهد. این سه پایگاه در غرب عراق و نزدیکی مرز اردن قرار داشـــتند و با محاســـبات معمول هرگز بمب افکن‌های ایران قادر به دستیابی به آن‌ها نبودند.

پیکی از آن ســـوی مرز رســـید و این خبـــر مهم را به فرماندهی پادگان پیرانشـــهر یا همـــان «خانه» رســـاند امیر ســـرتیپ دوم بازنشسته محمد مهام که فرمانده این پادگان بود با پشـــتیبانی‌هایی که با هواپیماهای اف ٤ و اف ٥ پایگاه‌های شهید نوژه و تبریز از او به عمل آورده بودند، بلافاصله توسط پیکی ویژه این خبر را برای فرماندهان پایگاه‌های تبریز و شهید نوژه همدان فرستاد.

وقتی اطلاعات به فرمانده پایگاه شهید نوژه همدان ســـرهنگ قاسم گلچین رسید، با مشورت یکی دو نفر از پیشکسوتان حاضر و معاون عملیاتی پایگاه هسته اولیه یک عملیات بی نظیر و مهم هوایی که خیلی زود به اچ -۳ معروف شد، بنا گذاشته شد و بلا فاصله خبر با پیک ویژه از پایگاه شهید نوژه به شهید فکوری فرمانده نیرو منتقل شد و به دستور ایشان گروه طرح که در آن زمان در معاون عملیات نیروی هوایی تشکیل شـــده بود و شامل تعدادی از قدیمی ترین و با تجربه‌ترین خلبانان و طراحان عملیات‌های جنگ بودند (شـــامل سرهنگ (زنده یاد) بهرام هشـــیار رشـــتی، ســـرهنگ فریدون ایزدســـتا، ســـرهنگ علی دهناوی، سرهنگ محمود قیدیان معاون عملیات وقت نیرو با کمک اطلاعاتی سرهنگ پرویز پیروز و عبدالعلی قاسمیان مدیر و جانشین مدیریت اطلاعات عملیات) ماموریت یافتند که بهترین و ایمن‌تریـــن طرح را برای حمله به مجموعه این سه پایگاه طرح ریزی کنند.

این گروه ســـه مسیر را تهیه کردند و به فرمانده نیرو ارائه دادند که مسیر سوم که از میان کوه‌های ســـر به فلک کشیده شمال عراق رد می‌شد و سپس از کنار نوار مرزی غرب عراق به ســـمت جنوب عراق ادامه داشـــت مد نظر قرار گرفت به شرط این که چون مسیر طولانی است و نیاز به چند بار سوختگیری هوایی دارد فکری هم برای این موضوع بشود.

طبق طرح قرار بود دو فروند بوئینگ ٧٤٧ نهاجا با قابلیت سوخت‌رسانی به بهانه‌ای در فرودگاه دمشق مستقر شوند و هنگام رسیدن بمب افکن‌های فانتوم به نزدیکی مرز سوریه بلند شـــوند و در محل قرار به آنها سوخت بدهند. بعد از کسب موافقت مسئولان امر یک جلسه توجیهی با حضور فرماندهان و معاونان عملیات پایگاه‌های درگیر شامل: پایگاه یکم مهرآباد، دوم شکاری تبریز، سوم شهید نوژه همدان و اصفهان برگزار و اصلی ترین وظیفه یعنی حمله به هدف‌ها بر عهده پایگاه ســـوم گذاشته شد.

> * پرسنل فنی نیروی هوایی با تلاش و از خودگذشتگی توانستند هواپیماهای صدمه دیده بر اثر برخورد موشک و گلوله را تعمیر و به رده پروازی بازگردانند

در توجیـــه جزیی تر عـــلاوه بر معاونان عملیاتی پایگاه‌ها، فرماندهان گردان‌های عمل کننده هم حضور داشتند و جزئیات حمله به شـــرح زیر تشریح شـــد. پایگاه شهید نوژه ١٤ فروند فانتوم را مجهز به مهمات گوناگون متناســـب با هدف‌ها که در دســـتور عملیات خواهد آمد، کرد که ۱۲ فروند آن اصلی (البته در مرحله ســـوم که اجرا شـــد ۱۲ فروند به ۸ فروند و ١٤ فروند به ۱۱ فروند تغییر یافت)

پایگاه سوم همچنین سه فروند فانتوم هم با موشک‌های هوا به هوا برای تامین پوشش هوایی برنامه‌ریزی کند.

پایگاه یکـــم ترابری مهرآباد دو فروند بوئینـــگ ٧٤٧ را به فرودگاه دمشـــق اعزام کنـــد. این ماموریت در پوشـــش پروازهای همیشـــگی به ســـوریه انجام شد. دو فروند تانکـــر ٧٠٧ علاوه بـــر دو فروند از این نوع هواپیما که در آن زمان در منطقه جنوب برای ســـوخت دهی به هواپیماهایی که پوشش هوایی جنوب را عهده دارنـــد به جنوب دریاچه ارومیه اعزام کند تا نخستین سوخت رسانی را به فانتوم‌ها انجام دهند.

یک فروند سوخت‌رسان هم در منطقه غرب سوخت‌رسانی به سایر شکاری‌ها از جمله فانتوم‌ها و تامکت‌هـــا (اف-١٤ها) را بر عهده بگیرد. دو فروند تانکر ٧٠٧ هم برای بازگشت جنگنده بمب افکن‌ها آماده عزیمت به جنـــوب دریاچـــه ارومیه باشـــند. (جمعا ٧ فروند ســـوخت رســـان ٧٠٧) اعزام یک فروند هواپیمای «سی ۱۳۰۰» (هرکولوس) با تجهیزات پست شنود هوایی با ورزیده‌ترین افراد و در نزدیک‌ترین موقعیت به مرز پرواز و ضمن گوش دادن به مکالمات بیسیم نیروهای دشمن، آن‌ها را در اسرع وقت تجزیه و تحلیل می‌کنند و به اطلاع تصمیم گیرندگان برسانند تا هنـــگام جمـــع آوری اطلاعـــات چنانچه مشـــکلی پیش آیـــد، بتوانند در اســـرع وقت تصمیم مقتضی را بگیرند.

پایگاه دوم شـــکاری شش فروند اف ٥ را همراه خلبانان مربوطه به پایگاه ســـوم گسترش دهد و مســـئولیت پوشش هوایی غـــرب را با کمک فانتوم‌ها بر عهده بگیرند. پایـــگاه دوم طی حضور تانکرها در جنوب دریاچه ارومیه پوشـــش هوایی لازم را برای آن‌هـــا که قادر به دفـــاع از حمله احتمالی به خود نیستند، تامین کند.

مســـولیت دیگر پایگاه تبریـــز یا همان دوم شـــکاری آماده سازی سه فروند اف ٥ با بمب برای حمله به پالایشگاه کرکوک تقریبا همزمان با حمله فانتوم‌ها به پایگاه‌های سه گانه اچ-۳ بود.

پایگاه دوم تبریز همچنین دو فروند اف ٥ بـــرای پرواز به ارتفاع قابل مشـــاهده برای رادارهای دشمن به سمت مرز بفرستد تا سه فروند اف ٥ بتوانند با دردسر کمتر برگردند.

پایگاه هوایی اصفهان یاهشتم شکاری با پـــرواز چنـــد فروند اف ١٤ یـــا تامکت وظیفه حفاظت از راه دور هر گونه شـــرایط غیر منتظره از دشمن را داشته باشد. پایگاه تبریز همچنین یک فروند هواپیمای بونانزا برای گشت در نقطه کور رادار دارد، توصیه خواهد شد پرواز دهد.

نخســـتین مرحله این پرواز در نیمه آبان ماه ۵۹ با ١٤ فروند فانتوم که ۱۲ فروند اصلی و ۲ فروند رزرو پرواز کرد که لیدر دسته سرهنگ دوم علی صابونچـــی بود که بر روی دریاچه ارومیه و نخستین بنزین گیری به علت به‌وجود آمدن اشکال در بنزین گیری هواپیما و همچنین آگاه شـــدن دشمن (لو رفتن ماموریت) پرواز کنسل و هواپیما به پایگاه همدان بازگشتند و همگی به سلامت نشستند.

بار دوم در بهمن ۵۹ به لیدری قاسم پور گلچین که فرمانده پایگاه شهید نوژه با هشت فروند اصلی و دو فروند رزرو پرواز کردیم که ایـــن بار به علت بدی هوا پس از بنزین گیری روی دریاچـــه ارومیه به پایگاه بازگشـــتیم. با رسیدن این اخبار به مسئولان عراقی آنها هم مطمئن شدند که عملیات حمله، اجرا شدنی نیست و خیالشان راحت شد. نیروی هوایی با وجود داشتن محاسنی چون انعطاف‌پذیری، واکنش سریع، امکان غافلگیری، برد مناسب و آتش سنگین، نیروی کشنده، خستگی پذیر و شدیداً وابسته به فناوری و تغییرات آن است.

از این رو قادر به شرکت در عملیات‌های مســـتمر طولانی مدت نیست. به همین دلیل اکثر نبردهای هوایی در قالب چند روز تا چند هفته خاتمه می‌یابند مگر آن‌که کشور مربوطه از سطح اقتصادی بالا و امکان ساخت یا خرید تجهیزات برخوردار باشـــد. با وجود شرایط فوق چنانچه یک ضربه کاری بر پیکره نیروی هوایی عراق وارد نمی‌آمد این کشـــور کنترل جنگ را کاملا به نفع خود در اختیار می گرفت پس هرطـــور لازم بود باید عملیات حمله به ســـه پایگاه الولید انجام می‌شد. لازم به ذکر اســـت پرســـنل فنی نیروی هوایی با تلاش و از خودگذشتگی توانستند هواپیماهای صدمه دیده بر اثر برخورد موشک و گلوله را تعمیر و به رده پروازی بازگردانند و همچنین گروهی از همین پرســـنل فداکار که جهاد خودکفایی را در نیـــرو به راه انداختند، توانســـتند در آن زمان‌هـــای بحرانی قطعات پیچیده هواپیما را کـــه فقط کارخانه ســـازنده آن قادر بود آنها را بسازد، با همت و تلاش این قطعات را بسازند. درود بر این پرسنل با ایمان، انقلابی و فداکار که متأسفانه مورد بی‌مهری قرار گرفتند.

سومین تلاش و اجرای مأموریت

در اواخر اسفند ۱۳۵۹ فراخوانی توسط شـــهید فکوری فرمانده وقت نیروی هوایی برای فرمانده پایگاه سوم شکاری (شهید نوژه) سرهنگ قاسم پورگلچین و معاون عملیاتی وی، ســـرگرد فرج‌الله براتپور صادر شد. پس از حضور آنان در دفتر فرماندهی نهاجا، ایشان به ســـرگرد براتپور دســـتور دادند که خودش لیدر دســـته پروازی باشد و مأموریت حمله بـــه الولید را انجام دهـــد. همچنین از فرمانده پایگاه هم خواستند به منظور اداره امور روی زمین باشد و پرواز نکند و از شرکت در دسته پروازی خودداری کند. ســـرهنگ گلچین با تواضع دستور تفویض لیدری گروه پروازی به ســـرگرد براتپور را پذیرفت ولی شـــرکت نکردن در این پرواز را با ســـماجت رد کرد و از فرماندهی نهاجا مجدانه خواست که به هر نحو ممکن در این پرواز شرکت داشته باشد. فرمانده فقید نیروی هوایی به ناچار شـــرکت وی در این پرواز را مورد موافقت قرار داد.

براتپور مشـــغول چینش گروه است که فرماندهی نیرو به‌طور تلفنی از او خواست اســـامی خلبانانی را کـــه در ســـایر پایگاه‌ها خدمـــت می‌کنند و وی ترجیـــح می‌دهد در عملیات شرکت داشته باشند بگوید تا ترتیب اعزام آنان به پایگاه داده شـــود. براتپور ضمن سپاســـگزاری، اعلام می‌کند از همان خلبانان موجود بهره خواهد گرفت. با توجه به کمبود خلبان در پایگاه شهید نوژه، فکوری با تعجب می‌پرســـد مطمئنی؟ و پاسخ مثبت می‌گیرد: «کاملاً مطمئن هســـتم. چرا که ممکن اســـت آمدن خلبانان جدید حســـگرهای دشمن را حساس کند»!

اسامی مورد نظر براتپور با هماهنگی گلچین به شرح زیر تعیین شد:

موقعیت در پرواز ـ شماره یک ـ کابین جلو: ســـرگرد فرج‌الله براتپور ـ کابین عقب: ستوانیکم محمد جوانمردی

موقعیت در پرواز ـ شـــماره دو ـ کابین جلو: سرهنگ قاســـم گلچین ـ کابین عقب: محمدرضا آذرفر

موقعیت در پرواز ـ شـــماره سه ـ کابین جلو: ســـرگرد ناصر کاظمـــی ـ کابین عقب: ابراهیم پوردان

موقعیت در پرواز ـ شماره چهار ـ کابین جلو: سروان غلامعباس رضایی ـ کابین عقب: محمدعلی اکبرپور سرابی

موقعیت در پرواز ـ شـــماره پنج ـ کابین جلو: سروان محمود اسکندری ـ کابین عقب: کاوه کوهپایه عراقی ـ ملاحظات: جایگزین لیدر

موقعیت در پرواز ـ شماره شش ـ کابین جلو: سرگرد محمود خضرایی ـ کابین عقب: اصغر باقری

موقعیت در پرواز ـ شماره هفت ـ کابین جلو: ســـرگرد منوچهر طوسی ـ کابین عقب: سروان محمدحسین نیکوکار

موقعیت در پرواز ـ شماره هشت ـ کابین جلو: ســـروان منوچهر روادگر ـ کابین عقب: ستوانیکم احمد سلیمانی

موقعیت در پرواز ـ رزرو شـــماره یک ـ کابین جلو: ســـروان محمد عتیقه‌چی ـ کابین عقب: علـــی کدخدایی ـ ملاحظات: پرواز تا نزدیک مرز

موقعیت در پرواز ـ رزرو شـــماره دو ـ کابین جلو: سروان ابراهیم فخار ـ کابین عقب: علی گنجی ـ ملاحظات: پرواز تا نزدیک مرز

موقعیت در پرواز ـ رزرو شـــماره سه ـ کابین جلو: ستوانیکم ایرج محبی ـ کابین عقب: نامشخص ـ ملاحظات: رزرو روی زمین

ادامه دارد



نیروی هوایی با عبور از ســـال‌های پر فراز و نشـــیب جنگ تحمیلی و سپس مقابله با فتنه منافقان آن سوی مرز، در حالی که به شدت درصدد حفظ حریم هوایی میهن اسلام در برابر دسیسه نیروهای بیگانه بود، اکنون برای بیعتی دوباره مجال یافته بود تا بار دیگر در خدمت راهبرد دفاعی کشور و این بار مشارکت در اجرای یک طرح امنیتی و درون مرزی قرار گیرد.

آزمونی دیگر...

آزمونی که در صورت عدم موفقیت، تبعات ناخوشـــایند وسیعی به دنبال داشت.

عملیاتی که پس از پنج ماه مدیریت و تلاش مأموران اطلاعاتی و امنیتی ایران، به رغم حمایت کشورهای مختلف، اکنون به حساس ترین نقطه اوج خود رسیده و نیازمند طرح‌ریزی ماهرانه و تدبیری قوی در نتیجه‌گیری از ماه‌ها و بلکه سال‌ها مراقبت مستمر بود.

هـــر بار که زمینه دســـتگیری عبدالمالک ریگی، ایـــن اهریمن ترور و وحشـــت و این تبهکار شرور بین‌المللی، در عملیات تعقیب و گریز زمینی در کشـــورهای همسایه فراهم می‌شد، به سرعت و با حمایت حامیان خود از مهلکه می‌گریخت.

اما این بار...

گویی تقدیر سرنوشتی محتوم با پایانی خوش برای ملتی رنج‌دیده رقم زده بود و کابوسی تلخ برای دشمنان این مرز و بوم...

دقیقه‌ها بسیار حیاتی و البته بدون بازگشت در حال گذار بودند.

هواپیمای بویینگ حامل ریگی ـ ساعت ۱ و ۳٤ دقیقه بامداد

پس از دقایقی تمامی مســـافران براساس شـــماره‌های تعیین شده در صندلی‌های خود نشســـتند. مالک تلفن همراهش را از جیب بیرون آورد و مشغول بررسی پیام‌هایش شد.

حمزه، معاون وی، لحظه‌ای چشم از مالک برنمی‌داشت.

مهماندار هواپیما، به رســـم همیشـــگی، با رویی خوش و به گرمی، به یکایک مسافران شکلات تعارف کرد تا به مالک رسید. این مهماندار خوش برخورد از کجا می‌دانست قلب این مرد با قلب سایر مسافران و میلیون‌ها انســـان دیگر تفاوت دارد. او هرگز نمی‌توانست تصور کند جنایتکاری که شـــنیدن اعمال پست و حیوانی‌اش پشت هر انســـان آزاده‌ای را می‌لرزاند، هنگام برخاستن هواپیما، برای آرامش قلب خود نیازی به شکلات ندارد.

قلب جایگاه حیات، عاطفه و نوع دوستی است، پس مگر مالک قلب هم دارد؟ قساوت‌ها، شرارت‌ها و قتل عام‌های زنجیره‌ای ... بی‌شک باید در داشتن قلب او شک کرد!!

مرکز فرماندهی نیروی هوایی ارتش

پست فرماندهی نیروی هوایی (C.P) ـ سوم اسفندماه ۱۳۸۸ (ساعت ۲۳ و ۲۵ دقیقه سالن توجیه مرکز فرماندهی نهاجا) ـ سرتیپ خلبان حسن شـــاه‌صفی، فرمانده نیروی هوایی، با شـــتاب، وارد پست فرماندهی شد و خطاب به افســـر مســـئول ارتباطات و کنترل هوایی گفت: «سریعاً به معاون عملیات، نماینده مرکز عملیات پدافند قرارگاه خاتم الانبیاء(ص)، فرماندهی حفاظت و اطلاعات، جانشین و مدیر عملیات و رئیس مرکز فرماندهی ابلاغ کنید بی‌درنگ در پست فرماندهی حاضر شوند.»

فرمـــان بعدی وی اعلام وضعیت فوق‌العاده به کلیه پایگاه‌های هوایی کشور در خصوص آماده باش صد در صد برای اجرای یک رهگیری هوایی بسیار حساس بود.

افســـر شیفت پســـت فرماندهی، که آمادگی چنین شرایطی را داشت، بلافاصله در صدد اجرای اوامر صادر شـــده برآمد و لحظاتی بعد، خطوط تلفن‌های هات‌لاین پست فرماندهی دستور را به همه پایگاه‌ها ابلاغ کردند. آن شب، همه فرماندهان پایگاه‌های شکاری نیروی هوایی آماده‌ترین خلبانان خود را در شیفت آلرت مستقر کردند و با دقت و احتیاط و ملاحظات ویژه، آسمان کشور را از طریق مبادی کسب خبر رصد کردند.

دقایقی نگذشـــته بود که تمامی افراد موردنظر فرمانده نیرو در ســـالن توجیه پست فرماندهی گرد هم آمدند؛ منتظر و کنجکاو...

ادامه دارد

شکست مذاکرات سازش؛ زمینه‌ها و پیامدها

*** رژیم صهیونیستی پس از آنکه در واکنش به اقدامات دیپلماتیک تشکیلات خودگردان درعرصه بین المللی اعلام کرد که مانع از انتقال مالیات های متعلق به این تشکیلات، که در حدود دو سوم درآمدهای آن را تشکیل می دهد، خواهد شد، روند مذاکرات سازش رابا مانعی جدید مواجه کرد**

سرویس خارجی: نشست سه ساعته نمایندگان رژیم صهیونیستی و تشکیلات خودگردان فلسطین، روز ۱۳ آوریل در بحبوحه بن بست مذاکرات سازش، بدون نتیجه ای مشخص پایان یافت. در این نشست که بدون حضور «مارتین ایندایک» فرستاده ویژه آمریکا برگزار شد، «زیپی لیونی» مذاکره کننده ارشد رژیم صهیونیستی، از طرف فلسطینی خواست تا تقاضاها برای پیوستن به کنوانسیون های بین المللی که این رژیم آن را اقدامی یکجانبه می داند، لغو کند. این درخواست از سوی «صائب عریقات» مذاکره کننده ارشد طرف فلسطینی رد شد. وی حتی بررسی این تقاضا را نیز نپذیرفت. گروه فلسطینی به رهبری عریقات و «ماجد فرج» نیز بار دیگر بر شرط توقف شهرک سازی ها در بیت المقدس و کرانه باختری به عنوان پیش شرط بررسی مسائل دیگر تاکید کرد. این گروه همچنین خواستار آزادی بی قید و شرط چهارمین گروه از اسرای فلسطینی شد. طرف صهیونیست تا کنون پاسخی به این درخواست نداده است. یک مقام فلسطینی مطلع از مذاکرات اعلام کرد که نشست دیگری تا پایان هفته جاری برگزار خواهد شد که انتظار می رود «ایندایک» نیز در آن حضور داشته باشد. ایندایک پس از نشست ۱۳ آوریل به واشنگتن رفت تا درباره مسائل و مشکلات پیش رو با مقامات کاخ سفید مشورت کند، اما مجددا به منطقه بازخواهد گشت. پس از آنکه رژیم صهیونیستی در واکنش به اقدامات دیپلماتیک تشکیلات خودگردان در عرصه بین المللی اعلام کرد که مانع از انتقال مالیات‌های متعلق به این تشکیلات خواهد شد، روند مذاکرات سازش با مانعی جدید مواجه شد.

مالیات های ماهیانه متعلق به این تشکیلات که توسط رژیم صهیونیستی جمع آوری می شود، در حدود دو سوم درآمدهای تشکیلات خودگردان را تشکیل می دهد. رژیم صهیونیستی همچنین در نظر دارد، مشارکت با این تشکیلات در توسعه میدان گازی نزدیک به نوار غزه را به حال تعلیق درآورد و دارایی‌های فلسطینیان را در بانک هایش بلوکه کند. «آویگدور لیبرمن» وزیر خارجه این رژیم در نشستی با نمایندگان دیگر کشورها در تل آویو، طرف فلسطینی را عامل بی نتیجه ماندن مذاکرات سازش عنوان کرد! وی گفت: «به توافق نزدیک شده بودیم، اما به دنبال تلاش ما برای بررسی معامله ای پیچیده، طرف فلسطینی وعده‌هایش را نقض کرد و اقدامات خود را در جهت پیوستن به کنوانسیون های بین المللی، از سر گرفت.

ما هنوز هم آماده مذاکره هستیم، اما اقدامات یکجانبه را نمی پذیریم.» «نبیل شطح» از مقامات ارشد فلسطین نیز با تاکید بر این که هنوز گزینه‌های متعددی پیش روی تشکیلات خودگردان قرار دارد، گفت: «تحریم های اسرائیل مانع از اقدامات فلسطین برای پیوستن به توافقنامه ها و سازمان‌های جهانی نخواهد شد.» مذاکرات سازش میان تشکیلات خودگردان فلسطین و رژیم صهیونیستی که تابستان گذشته و پس از سه سال وقفه با میانجیگری آمریکا آغاز شده بود، چندهفته قبل و با خلف وعده طرف صهیونیست در آزاد کردن اسرای فلسطینی، به بن بست رسید. طرف فلسطینی این مذاکرات نیز در واکنش به اقدام یادشده، تقاضای خود را برای پیوستن به ۱۵ کنوانسیون و سازمان بین المللی، تسلیم سازمان ملل متحد کرد ودیدیم که عضویت فلسطین در کنوانسیون ژنو، به عنوان یک کشور مستقل، پذیرفته شد.

*** اسرائیل و پیامدهای فروپاشی مذاکرات**

در حالی که نشست مذاکره کنندگان اسرائیلی و فلسطینی برای نجات روند صلح و جلوگیری از فروپاشی مذاکرات، به شکلی که ذکر شد شکست خورد، روزنامه «هاآرتص» نسبت به پیامدهای فاجعه بار شکست مذاکرات برای رژیم صهیونیستی، هشدار داد. روزنامه عبری زبان هاآرتص نوشت: دولت آمریکا بر این باوراست که سیاست بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، علت اصلی شکست مذاکرات است و تلاش‌های اسرائیل برای اینکه فلسطینی‌ها را مسئول شکست مذاکرات بخواند، جز در کانادا گوش شنوایی نخواهد یافت. این روزنامه پیش بینی کرد که دولت آمریکا خود را از مساله صلح خاورمیانه دور کند و سیاست «بی توجهی نرم» را پیش بگیرد. هاآرتص نوشت: نتانیاهو تلاش می کند پیشنهادی خیالی و توهمی را برای روند صلح مطرح کند تا مانع از اعمال فشارهای بین المللی بر اسرائیل شود. وی تنها در صورتی که تاثیر انزوا علیه اسرائیل را احساس کند، سیاست خود را تغییر خواهد داد. این روزنامه اعلام کرد: با وجود اینکه دولت آمریکا علنا اعلام کرده است که طرف‌های فلسطینی و اسرائیلی را مسئول شکست مذاکرات می‌داند، اما در نشست‌های غیرعلنی، نتانیاهو را مسئول این امر می‌داند و وی را به عدم پایبندی به وعده‌های خود برای آزادی گروه چهارم اسیران فلسطینی متهم می‌کند. هاآرتص نوشت: در صورتی که آمریکایی‌ها این طرزفکررا داشته باشند، پیش‌بینی رویکردهای اروپادشوارنخواهد بودوپیامدهابرای اسرائیل، فاجعه باراست. در صورتی که آمریکایی‌ها خود را از تعامل با روند سازش کناربکشند، این بی توجهی ها علیه اسرائیل دیگر «نرم» نخواهد بود. برخلاف تلاش‌های نتانیاهو و مسئولان ارشد دولت وی که فلسطینی‌ها را مسئول شکست مذاکرات می خوانند، باید گفت که هیچکس جز «استفان هارپر» نخست وزیر کانادا، فلسطینی‌ها را به شکست روند سازش متهم نخواهد کرد. پس از اینکه مذاکرات میان مسئولان فلسطینی و اسرائیلی وارد بن بست کنونی خود شد، نشست ۱۳ آوریل، دومین نشست شکست خورده میان طرفین بود. درجریان نشست قبلی که ۹ آوریل برگزار شده بودنیزعریقات ولیونی یکدیگررا به شکست مذاکرات متهم کردند. این در حالی است که گزارش‌های منتشرشده از واشنگتن، حاکی از آن است که احتمال کاهش مشارکت آمریکا در روند صلح رژیم صهیونیستی و تشکیلات خودگردان فلسطین، وجود دارد.

*** میانجیگری شکست خورده**

درچنین شرایطی، یک‌تحلیلگرسیاسی‌درنیویورک اعلام کرد، آنگونه که مطبوعات القاء می کنند، مذاکرات صلح خاورمیانه شکست نخورد، بلکه میانجی گری‌های آمریکامیان اسرائیل و فلسطینی‌ها از سال ۲۰۱۱ شکست خورده است.« پیتر فاینرت» عنوان داشت: باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا در سال ۲۰۱۱ تلاش کرد تا بلندپروازی‌های محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین را برای دستیابی به جایگاه یک «کشور» در سازمان ملل ناکام بگذارد. در آن هنگام اوباما پیشنهادهایی را مطرح کرد که به باور وی می توانست از آنها برای از سرگیری مذاکرات کمک بگیرد. وی گفته بود: کشور فلسطین باید بر اساس مرزهای ۱۹۶۷ و همراه با تبادل اراضی تشکیل شود. وی خواهان عقب‌نشینی کامل و تدریجی ارتش اسرائیل شد و در مقابل از فلسطینی ها خواست تا تدابیر امنیتی مسئولانه‌ای را اتخاذ کنند که با یک کشور دارای حاکمیت و عاری از سلاح، همخوانی داشته باشد. در آن هنگام محمود عباس اظهار کرد که این سخنان اوباما می تواند پایه و اساسی برای مذاکرات مثبت باشد، اما بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیراسرائیل، زمانی طولانی منتظر نماند تاطرح اوباما را تخریب کند و در مقابل اوباما گفت که اسرائیل نمی تواند به مرزهای ۶۷ برگردد. وی بدون آنکه مساله تبادل اراضی را مطرح کند، تصریح کرد: «ممکن نیست که از این مرزهابتوان دفاع کرد. بایدحضورنظامی اسرائیل درامتدادرود اردن برای سال‌های مدید حفظ شود». یکی از مسئولان آمریکایی در آن هنگام اظهار کرد: اوباما از این موضع نتانیاهو احساس کرد که وی به ریاست جمهوری آمریکا اهانت کرده است. یک مسئول دیگر نیز عنوان داشت که ایمان دارد که دفتر نتانیاهو با همپیمانانش در کنگره تماس گرفته و آنها را برای انتقاد شدید از پیشنهادهای اوباما ترغیب کرده است. آن همپیمانان، نیازمند به تحریک‌های بسیار نبودند، چرا که «میشل باکمن» یکی از اعضای کنگره این را گفت که اوباما به اسرائیل خیانت کرده است. «میت رامنی» نامزد سابق انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نیز اعلام کرد که کاخ سفید اسرائیل را زیر چرخ‌های ماشین انداخته است. چهار ماه بعد نیز اوباما در سخنانی در سازمان ملل عنوان داشت که اصول جدیدی را برای مذاکرات مطرح کرده است، اما وی به ماهیت این اصول اشاره‌ای نکرد. «فاینرت» درمصاحبه باهاآرتص گفت: بدون اینکه این حقیقت تاریخی درک شود، نمی توان علت این مساله را فهمید که چرا تلاش های کنونی آمریکا برای میانجی گری میان اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها، تقریبا به مرحله فروپاشی رسیده است. اصلی که مبتنی بر تشکیل کشور فلسطین بر اساس مرزهای ۶۷ است، در گذشته پایه و اساسی برای چندین مذاکرات جدی در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۱ و همچنین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۸ بوده است. اندیشیدن به اینکه دو طرف بدون در نظر داشتن این اصل می توانند به توافقی دست یابند، واقع‌بینانه نیست. با این وجود، اوباما به دلیل مخالفت‌های نتانیاهو از طرحش شانه خالی کرد و زمانی که جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا تلاش‌های خود را برای از سرگیری مذاکرات در سال ۲۰۱۳ آغاز کرد، وی نیز از تل آویو نخواست با طرح‌های اوباما موافقت کند. این تحلیلگر سیاسی می گوید: علت اصلی ابهامی که پیرامون جوابی برای یافتن طرف مقصر در بحران دیپلماتیک کنونی وجود دارد، در این است که دولت اوباما نقش یک داور را ایفا نمی کند و این درحالی است که اوباما خطوط بازی را در سال ۲۰۱۱ ترسیم کرده است. علت شکست مذاکرات در این است که یکی ازطرفین مذاکرات کنونی، مرزهای ۶۷ را به عنوان پایه و اصلی برای مذاکرات می پذیرد، اما طرف دیگر با آن مخالف است. «فاینرت» می گوید: آمریکا نه تنها بر اسرائیل اعمال فشار نمی کند تا دست به اقدام مطلوبی بزند، بلکه واقعیت را نیز تحلیل نمی کند. واقعیت این است که از زمانی که نتانیاهو از پنج سال گذشته نخست‌وزیری اسرائیل رابرعهده گرفت، هیچ شاهدعلنی وجود ندارد که نشان دهد وی از تشکیل کشورفلسطین که قابلیت زندگی کردن داشته باشد، حمایت می کند. ممکن است اوباما به روند صلح پشت کند، اما می تواند اسرائیلی ها را واگذارد تا تصمیم بگیرند که چه کاری درست است.

*** دو طرف، دو هدف، دو مسیر**

باتوجه به رصدتحولات یادشده است که می توان ادعاکرد، راهبرد «مقاومت» اصلی ترین، عزت مندانه‌ترین و واقعی ترین منطق مقابله با اسرائیل بوده و هست و به نظر می رسد این روزها و سال‌ها که انواع و اقسام روش‌های تشکیلات خودگردان به نتیجه نرسیده، «مقاومت» بیشتر از گذشته برجسته شده است. این روزها پرونده مذاکرات صلح دوباره در صدر اخبار قرار گرفته است؛ آیا این مذاکرات به روزهای پایانی خود نزدیک می شود؟ این اصلی ترین سئوالی است که در این حوزه مطرح است. تشکیلات خودگردان از مدت‌ها قبل اعلام کرده بود که حاضر نیست حتی یک ساعت هم به زمان ۹ ماهه مقرر شده برای این مذاکرات که با پایان آوریل به اتمام می رسد، بیفزاید. این تشکیلات حالا که با نقض وعده رژیم صهیونیستی در خصوص آزادی چهارمین گروه اسرای قدیمی فلسطینی مواجه شده است، بسیار بیشتر از قبل بر تصمیم خود پافشاری می کند. این البته تنها وعده عملی نشده صهیونیست‌ها نیست؛ شهرک‌سازی‌های گسترده‌ای که با آغاز مذاکرات صلح دوباره در دستور کار اسرائیل قرار گرفت، باعث خشم محمود عباس شده است، به خصوص که او در سال ۲۰۱۰ به دلیل این سیاست اسرائیل، از مذاکرات کناره گرفت؛ قهری که سه سال به طول انجامید. امادرسوی دیگر، صهیونیست‌ها در حالی که اعتقادی به توقف شهرک‌سازی‌ها درکرانه باختری و قدس شرقی در چارچوب مذاکرات صلح ندارند، حالا صریحا برای وعده‌ای که داده‌اند، یعنی آزادسازی اسرای قدیمی فلسطینی، شرط تمدید شش ماهه مذاکرات رامطرح می کنند. این را نتانیاهو، نخست وزیر این رژیم گفته است. اما مشکل کجاست؟ چرااین دورازمذاکرات سازش هم به سرانجام نرسید؟ به نظر می‌رسد دو طرف فلسطینی و صهیونیست، دوهدف را برای خود مطرح کرده‌اند که اولویت این دو هدف، برای آن دو متفاوت است و البته مسیر رسیدن به آنها هم همین طور. صهیونیست‌ها به صراحت معتقدند که پایان مذاکرات صلح باید پذیرش دولت یهودی از سوی تشکیلات خودگردان باشد. این مساله برای آنها دستاورد مهمی محسوب می‌شود. آمریکانیزبراین مساله اصرار دارد و معتقد است که پذیرش اسرائیل به عنوان یک دولت یهودی، گامی مهم برای رسیدن به صلح نسبتاپایداردرخاورمیانه است. اسرائیل در طرح «دو دولت» که ابتدا از سوی آمریکا مطرح شد و قرار است منجر به تشکیل دو دولت مستقل فلسطینی و یهودی شود، باز هم اولویت را بر دولت یهودی می‌داند، یعنی این طرف فلسطینی است که باید ابتداباپذیرد که اسرائیل اولین دولت یهودی در جهان است.

تشکیلات خودگردان چنین مساله‌ای را نمی‌پذیرد چرا که معتقد است مذاکرات صلح، بیشتر برای حل و فصل اوضاع کرانه باختری و قدس شرقی است که با هجوم و شهرک سازی اسرائیل مواجه است. به بیان دیگر، تشکیلات خودگردان، اسرائیل را به رسمیت شناخته است، امانه به عنوان یک دولت یهودی. اتحادیه عرب هم در بیانیه آخرین اجلاس خود که در کویت برگزارشد، برعدم اعتراف به این که اسرائیل یک دولت یهودی است، تاکیدکرد. از نظر صهیونیست‌هااین مساله، اصلی ترین مانع به سرانجام رسیدن مذاکرات است. نتانیاهو چندی قبل گفته بود: «آنها از ما می خواهند که دولت فلسطینی را به رسمیت بشناسیم، اما آنها دولت یهودی را به رسمیت نمی‌شناسند. این امتناع ازبه رسمیت شناختن اسرائیل، ریشه مشکل است». البته باید به این مورد، سیاست توسعه سرزمینی صهیونیست‌ها و چشم طمع داشتن به کرانه باختری و قدس شرقی را هم مد نظر قرار داد که باعث شده تا این رژیم، هیچگاه حتی به قطعنامه سازمان ملل مبنی بر محدود بودن آن در مرزهای ۱۹۶۷ هم پایبند نباشد. اما این هدف اسرائیل، صرفا از مسیر مذاکرات (با هر کیفیتی) محقق می‌شود و بر همین اساس است که اسرائیل به شدت از مراجعه تشکیلات خودگردان به سازمان ملل واهمه داشته و دارد. بررسی طرح «دولت مستقل فلسطین» در سازمان ملل اگر به نتیجه مطلوب طرف فلسطینی می‌رسید، عملا می توانست خواسته آن رابدون پذیرش خواسته اسرائیل، محقق کند و این یعنی اسرائیل بازنده میدان دیپلماسی محسوب می‌شد. درخواست پذیرش اسرائیل به عنوان دولت یهودی، قطعا از طریق عملیات نظامی محقق نخواهد شد، چرا که جنس آن متفاوت از اشغالگری دوباره است و صرفا با مذاکره پیش خواهد رفت. اسرائیل این را به خوبی می‌داند و بر همین اساس است که نتانیاهو خواستار افزایش مدت زمان مذاکرات است. البته اسرائیل در مذاکرات، تاکتیک‌های میدانی و سیاسی را پیش می گیرد که تا بتواند طرف را تحت فشار قرار دهد؛ مانند همین مساله شرط گذاری برای آزادی چهارمین گروه اسرای قدیمی فلسطینی. این شیوه، عملا مذاکرات را مختل کرده و باعث وقت‌کشی شده که با توجه به سیاست شهرک سازی، در نهایت به نفع اسرائیل تمام می‌شود.

*** هدف فلسطین در مذاکرات**

اما اصلی‌ترین هدف تشکیلات خودگردان در حال حاضر، «دولت مستقل فلسطین» است. این دولت بایدبا به رسمیت شناخته شدن مرزهای ۱۹۶۷ به پایتختی قدس شریف از سوی اسرائیل، شکل بگیرد. اگرچه کاملا قطعی است که اسرائیل هیچگاه از «قدس» چشم‌پوشی نمی کندودرپی سیطره کامل بر منطقه شرقی آن نیز هست، اما تشکیلات خودگردان بر این باور است که می تواند از طریق مذاکرات صلح به این خواسته خود که اگرچه برای آرمان فلسطین حداقلی است، اما برای صهیونیست‌ها حداکثری محسوب می‌شود، دست یابد. مذاکرات صلح یا سازش، بر همین اساس، سال‌ها است که میان طرف فلسطینی و صهیونیست‌ها جریان دارد، هر چند به نظر می رسد در شرایط کنونی، گروه مذاکره کننده فلسطینی، کمی بیشتر از قبل بر خواسته‌های خود تاکید می کند. اما محمود عباس برای محقق کردن هدف «دولت مستقل فلسطین» دو مسیر را در اختیار دارد؛ مذاکره و مراجعه به سازمان ملل. او حالا از هر دو شیوه بهره برده است. در سال ۲۰۱۰ پس از شکست مذاکرات به دلیل سیاست شهرک‌سازی اسرائیل، عباس از ادامه مذاکرات برای سه سال امتناع کرد. اما او در این مدت، گزینه دیگر خود را روی میز قرار داد. در شصت و سومین مجمع عمومی سازمان ملل در مهرماه ۹۰، محمود عباس رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین، طرحی را مبنی بر درخواست تبدیل «عضویت ناظر تشکیلات خودگردان فلسطین» یا به عبارت بهتر، عضویت ناظر و موجودیت مستقل سازمان آزادی‌بخش فلسطین، به «عضویت ناظر دولت مستقل فلسطین» یاعضویت کامل، به بان کی مون دبیرکل سازمان ملل متحد ارائه داد.

این طرح در صورت تصویب توسط شورای امنیت سازمان ملل که مسئول پذیرش اعضای قطعی و کامل این سازمان است، می توانست شکست همیشگی مذاکرات صلح، بدون پذیرش اسرائیل به عنوان دولت یهودی از سوی طرف فلسطینی را محقق کند. لذا طرح، با مخالفت‌های آمریکا و اسرائیل و برخی کشورهای اروپایی مواجه شد و در نهایت به سرانجام نرسید. اما عباس با تقلیل این طرح، در نهایت توانست پس از مدت‌ها کش وقوس، موافقت مجمع عمومی سازمان ملل را به ارتقای وضعیت فلسطین در این سازمان از «موجودیت مستقل ناظر» به ««دولت مستقل غیرعضوناظر» بگیرد. لفظ «دولت» برای فلسطین باعث شد تا عباس احساس پیروزی کند. او در تابستان ۲۰۱۳ با سفرهای پی‌درپی جان کری، وزیر خارجه آمریکا به منطقه، بالاخره پذیرفت تا دوباره به میز مذاکرات برگردد؛ این بار البته با دستی پرتر از گذشته.

حالا که این دور از مذاکرات هم با شکست مواجه شده، عباس دوباره گزینه مراجعه به سازمان‌های بین‌المللی را رو کرده است. براساس دستاوردتشکیلات خودگردان و ارتقاء به «دولت مستقل غیرعضو ناظر»، اگرچه در عرصه میدانی تحول مهمی برای آرمان فلسطین رخ نداد، اما حالا تشکیلات خودگردان می تواند مانورهای سیاسی و حقوقی را مثلا در دادگاه لاهه علیه اسرائیل پیگیری کند و به عضویت در سازمان‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی سازمان ملل درآید. بر همین اساس طی روزهای گذشته که نتانیاهو دوباره کارشکنی کرد، عباس طرح پیوستن تشکیلات خودگردان به ۱۵ سازمان و کنوانسیون بین‌المللی سازمان ملل را اجرایی کرد. اگرچه سیاست ورزی عباس در اعطای امتیازات بی حد و حصر به طرف صهیونیست، به نظر نسبت به عملکرد یاسرعرفات و تیم سابق تشکیلات خودگردان، معقول تر به نظر می‌آید، اما عملی شدن آرمان فلسطین، نه تنها از درون این سیاست ورزی‌ها بیرون نمی‌آید، بلکه امکان عملی شدن آرمان محدود و حداقلی فلسطین، که تشکیلات خودگردان خود را مقید به آن معرفی می کند هم با این شیوه، به جایی نمی رسد و این در حالی است که اسرائیل همچنان شهرک‌های خود را گسترش می دهد، می کشد و اسیر می گیرد و مدعی می‌شودکه طرف فلسطینی در مذاکرات کارشکنی می کند! همچنان که پیش ازاین ذکر شد، گرچه ازابتدا تاکنون، راهبرد «مقاومت»، اصلی ترین، عزت مندانه‌ترین و واقعی ترین منطق مقابله با اسرائیل بوده و هست، اما به نظر می رسد اکنون که هیچیک از روش‌های تشکیلات خودگردان به نتیجه نرسیده، گزینه «مقاومت» بیشتر از همیشه مطرح شده است.



تشییع پیکر ۳ شهید در ۲ شهر

اصفهان: مردم شهید پرور کاشان در مراسمی با پیکر مطهر شهیدان محمدجعفر زیلوچی و احمد معصومی دو شهید دوران دفاع مقدس وداع کردند.

در این آیین معنوی که آیت الله نمازی امام جمعه کاشان، جمعی ازخانواده‌های شهدا و مسئولان حضور داشتند قشرهای مختلف مردم با آرمانهای شهدای انقلاب اسلامی تجدید میثاق و از رشادت‌های آنان تجلیل کردند.محمد جعفر زیلوچی و احمد معصومی (۱۷ و ۱۸ ساله) از نیروهای لشکر ۸ نجف اشرف ۲۷فروردین۶۷ در تک دشمن در منطقه عملیاتی فاو به شهادت رسیدند.پیکرشهیدان محمدجعفر زیلوچی و احمد معصومی عصر دیروز از مقر سپاه پاسداران کاشان تشییع و در گلزار شهدای دارالسلام این شهر به خاک سپرده شد.

تشییع پیکر مرزبان شهید

ارومیه: پیکر پاک مرزبان شهید امیر احسانی فر در خوی تشییع شد.

استوار یکم شهید امیر احسانی فر از نیروهای هنگ مرزی ارومیه دوروز پیش در منطقه سرو این شهرستان در درگیری با قاچاقچیان به شهادت رسید.

پیکر مطهر این شهید سپس به زادگاهش روستای گوهران خوی منتقل و درکنار شهدای این روستا به خاک سپرده شد.

پدر ۳ شهید در قهدریجان اصفهان دارفانی را وداع گفت

اصفهان: پدرسه شهید دوران دفاع مقدس، در قهدریجان از توابع شهرستان فلاورجان استان اصفهان دارفانی را وداع گفت.

حیدر جمالی پدر شهیدان فضل الله، ابراهیم و رحمت الله شامگاه دوشنبه به دیارباقی شتافت ومراسم تشییع پیکر آن مرحوم دیروز با حضور مردم قدرشناس و شهید پرور، از میدان امام حسین (ع) شهر قهدریجان به سمت آرامستان این شهر برگزار شد.

شهیدان ابراهیم جمالی در عملیات کربلای پنج، فضل الله در عملیات فتح المبین ورحمت الله در عملیات طریق القدس به درجه رفیع شهادت نائل شده بودند.

ایثار گری جانباز دفاع مقدس به ۳ بیمار زندگی بخشید

شیراز: اعضای بدن شادروان احمد شهابی جانباز هشت سال دفاع مقدس طبق وصیتش به سه بیمار نیازمند اهدا شد و به دلیل ایثار این جانباز، بیماران زندگی دوباره یافتند.

مدیر انجمن خیریه حمایت از بیماران کلیوی فارس گفت:مرحوم شهابی در زمان حیات خود ابراز تمایل کرده بود که پس از شهادت، اعضای بدنش به بیماران نیازمند اهدا شود از این رو خانواده این ایثارگر سرفراز پس از این که وی بر اثر خونریزی دچار مرگ مغزی شد با اهدای اعضای بدن او موافقت کردند.نادر معینی افزود: کلیه‌های این مرحوم به بیماران کلیوی نعمت‌الله جوکار (۶۰ ساله) از شیراز و هوشنگ مرحمتی (۵۵ساله) از کازرون و کبد وی به مرمر زراعتی (۵۷ ساله) از اصفهان اهدا شد.وی اضافه کرد: دو قرنیه چشم این شادروان هم به دو بیمار دیگر اهدا شد.

معرفی جانشین جدیدفرمانده پلیس‌راه کشور

سرویس خبر: با اعلام بازنشستگی سرهنگ سیاح البرزی جانشین فرمانده پلیس راه کشور، سرهنگ صمد اسفندیاری که پیش از این معاون عملیات پلیس‌راه کشور بود، به عنوان جانشین فرمانده پلیس راه کشور معرفی شد.

معلم روستایی در شهرستان مرزی سرباز ترور شد

زاهدان ـ مدیر آموزش و پرورش راسک در مرکز شهرستان مرزی سرباز در جنوب سیستان و بلوچستان از ترور جواد نوروزی معلم منطقه توسط افراد مسلح موتورسوار خبر داد.

محمد ذوالفقاری دیروز به ایرنا گفت: نوروزی که در مقطع ابتدایی یک مدرسه در روستای «حبط» از توابع شهرستان مرزی سرباز انجام وظیفه می‌کرد؛ صبح دیروز با شلیک چند گلوله سلاح کلاش افراد ناشناس جان به جان آفرین تسلیم کرد.

وی با تصریح بر اینکه نوروزی از فرهنگیان فعال منطقه بود؛ گفت: موضوع و انگیزه این ترور در دست بررسی دستگاه‌های مسئول شهرستان سرباز است.

طرح‌های ناجا برای مبارزه قاطع و گسترده با عوامل سرقت

سرویس حوادث: جانشین رئیس پلیس آگاهی ناجا بااشاره به راه اندازی قرارگاه مبارزه با سرقت در ناجا،برنامه‌های پلیس برای برخورد گسترده با سارقان را تشریح کرد.

سردار محمدرضا مقیمی عواملی همچون اعتیاد، سطح پایین درآمد و بیکاری را از جمله عوامل تاثیرگذار در بروز افزایش سرقت در کشور دانست و گفت: بحث مسئولیت‌سازی سایر سازمان‌ها در کاهش وقوع سرقت بسیار اثرگذار است و این مسئله به عنوان یکی از اولویت‌های پلیس آگاهی در امسال پیگیری خواهد شد و باید تمامی سازمان‌های دخیل وارد بحث کاهش وقوع سرقت شوند.

وی با بیان اینکه هرچقدر اطلاع‌رسانی افزایش یابد، میزان وقوع سرقت هم به همان میزان کاهش می‌یابد گفت: پلیس آگاهی ناجا طرح ویژه برخورد با سارقان را در امسال پیگیری خواهد کرد به گونه‌ای که امسال سال بسیار سختی برای سارقان خواهد بود.

جانشین رئیس پلیس آگاهی ناجا با اشاره به اجرای سه مرحله طرح آزمایشی در زمینه برخورد با سارقان گفت: در ماه‌های پایانی سال گذشته سه طرح آزمایشی در استان‌های مختلف اجرایی شد که با استناد به این طرح‌ها و جمع‌بندی‌های صورت گرفته طرح‌های تخصصی برخورد با سارقان در امسال طرح ریزی شد و به زودی اجرایی خواهد شد.وی با بیان اینکه پلیس درصدد آن است تا در برخورد جدی با سارقان خودرو و لوازم داخل آن، کانون‌های سرقت را مورد توجه قرار دهد، گفت: در گذشته پلیس به دنبال کشف سرقت بود، اما در حال حاضر مدیریت بر جرم را در دستورکار خود قرار داده و بدنبال پیش‌بینی و پیشگیری از وقوع جرم هستیم.

مقیمی از راه‌اندازی قرارگاه مشترک پلیس آگاهی و پیشگیری برای برخورد جدی با پدیده سرقت خبر داد و با اشاره به مد نظر قرار دادن جغرافیای جرم در بحث برخورد با سارقان، گفت: عواملی همچون هدفمند کردن گشت‌های انتظامی، مشارکت و آموزش همگانی، ایجاد امنیت روانی، تامین مال قربانیان و ایجاد سامانه و سایت اموال مکشوفه از دیگر اهداف پلیس آگاهی ناجا در امسال است.

مقیمی به بکارگیری «کارآگاه یاران» اشاره کرد و گفت: امسال بحث بکارگیری پلیس افتخاری در دستور کار قرار دارد و احکام کارآگاهی ماموران برای افزایش روحیه صادر خواهد شد.

جانشین رئیس پلیس آگاهی ناجا در مورد راه اندازی سایت اموال مکشوفه نیز اظهار داشت: پورتال اموال مکشوفه وسایط نقلیه راه اندازی شده و قابلیت استعلام دارد اما در مورد سایر اموال مکشوفه سرقت‌ها این سایت در حال تکمیل است.

ایجاد امنیت در دریاها، زمینه ساز تحقق اقتصاد مقاومتی است

سرویس شهرستانها: فرمانده نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران گفت: ایجاد امنیت در دریاها برای دسترسی آسان و ایمن به آب‌های آزاد، زمینه ساز تحقق شعار اقتصاد مقاومتی در نیروی دریایی است.

به گزارش ایرنا، امیردریادار حبیب الله سیاری دیروز در آیین قدردانی از کارکنان نمونه مرکز فرماندهی آموزش تخصص‌های دریایی رشت با تبریک به مناسبت روز ارتش (۲۹ فروردین) با اشاره به نامگذاری امسال از سوی مقام معظم رهبری، وظیفه همه از جمله نظامی‌ها را تحقق شعار سال جاری خواند.

وی با بیان این که دشمن در جنگ نرم درصدد نفوذ در قشر جوان و تاثیرگذاری در باورهای دینی جوانان است، اضافه کرد: دشمن همانگونه که در جنگ نرم به ما ضربه می‌زند، تلاش می‌کند تا از طریق اقتصادی هم به ما ضربه وارد کند.دریادار سیاری اضافه کرد: باید در مقابل جنگ اقتصادی دشمن با توجه به شعار امسال و اقتصاد مقاومتی طبق راهبردهای تبیین شده رهبری، پایه‌های اقتصادی خود را قوی کنیم و با توجه به مدیریت جهادی، خلاقیت، ابتکار، ایثار و دلسوزی در تحقق شعار رهبری بکوشیم.

وی در پایان از کارکنان نمونه نیروی دریایی در مرکز آموزش تخصص‌های دریایی رشت قدردانی کرد.

قتل فجیع مادر و پسر پولدار تهرانی توسط تبعه افغانی



سرویس حوادث: مرد افغانی که یک مادر و پسر پولدار ایرانی را کشته و اجسادشان رادرچاه باغی به آتش کشیده بود، پس از دستگیری در پلیس آگاهی تهران به قتل دختر مورد علاقه‌اش به همین شیوه اعتراف کرد.

شاکی پرونده که خواهر یکی از مقتولان است آذرپارسال بااعلام فقدان خواهرش به نام رخساره پنجاه و هشت ساله و خواهرزاده اش به نام فرزان نوزده ساله به افسر پرونده‌اش در اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران گفت: خواهر و خواهرزاده‌ام پنجم آذربه قصد انجام امور ملکی، به قصد نمک‌آبرود از منزلشان در خیابان ونک خارج شدند و تماس‌های تلفنی من با آنها تا دو روز ادامه داشت تا اینکه پس از گذشت این مدت، ناگهان تماس‌های ما قطع شد و آنها دیگر پاسخگوی تماس‌های من نبودند تا تلفن‌های همراه هر دو نفر آنها خاموش شد.

کارآگاهان به دستور قاضی عموزاد، بازپرس شعبه سیزدهم دادسرای ناحیه ۲۷ تهران تحقیقات را شروع کردند تا اینکه به فردی به نام محمد تبعه افغانستان ظنین شدند و او را سوم دی پارسال در منطقه محمدشهر کرج دستگیر کردند و به پلیس آگاهی تهران بزرگ انتقال دادند. محمد دربازجویی مدعی شد به اتفاق رخساره و پسرش برای سرکشی به املاک به نمک آبرود رفتیم و ۱۵ روز بعد به همراه آنها به تهران بازگشتیم و از آن زمان به بعد دیگر از سرنوشت آنها بی‌اطلاع هستم و احتمال می‌دهم که کشور را به مقصد آمریکا ترک کرده باشند.

سرهنگ محمدیان رئیس پلیس آگاهی تهران در این باره گفت: این مظنون بارها تحت بازجویی قرارگرفت تا اینکه به قتل مادرو فرزند اعتراف کرد و گفت:تعداد ۱۶۰۰ عدد سکه تمام بهار آزادی برای رخساره خریداری کرده بودم و وی نیز در قبال سکه‌ها چندین فقره چک تحویل داده بود، اما تمامی چک‌ها در زمان سررسید برگشت خورده بودند.

زمانی که برای سرکشی املاک به نمک آبرود رفته بودیم، درباره پول سکه‌ها با یکدیگر صحبت کردیم و رخساره گفت که تمامی پول‌های خود را از کشور خارج کرده و پولی ندارد و مدعی شد وقتی به آمریکا برود، پول سکه‌ها را برایم ارسال خواهد کرد. من هم که به صحبت‌های او دیگر اعتمادی نداشتم، نقشه قتل وی و پسرش را کشیدم تا پس از قتل آنها، اموالشان را تصرف کنم.

رئیس پلیس آگاهی تهران با اشاره به اعتراف دیگر متهم گفت: این فرد به دختری به نام زهرا علاقه داشته و می‌خواسته با او ازدواج کند اما وقتی متوجه می‌شود که این دختر از ازدواج با او منصرف شده با بیهوش کردن او، جسدش را به داخل چاه انداخته و آتش زده بود.

وی افزود: با هماهنگی با پلیس آگاهی شهریار مشخص شد که پرونده فقدانی زهرا در پلیس آگاهی شهریار تحت پیگیری بوده است.

این متهم به قتل درادامه اعترافهایش مدعی شدکه دونفراز بستگانش به نام‌های نبی و پیروز هم درارتکاب این جنایت‌ها با او همدست بوده‌اند که با توجه به این اعتراف، با هماهنگی‌های لازم قضایی ـ انتظامی کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی به همراه قاضی عموزاد، قاضی احمدی (قاضی ویژه دادسرای ملارد)، پلیس آگاهی شهرستان شهریار، تیم تشخیص هویت، تیم آتش نشانی و پزشکی قانونی ۲۵ فروردین به محل ارتکاب جنایت مراجعه و با دستگیری «نبی» و «پیروز» به عنوان دو متهم دیگر پرونده، موفق به کشف جسد سه نفر (یک مرد و دو نفر خانم) از داخل چاه داخل باغ شدند.

رئیس پلیس آگاهی تهران اضافه کرد:بقایای بجای مانده از اجساد به پزشکی قانونی منتقل و متهمان برای انجام تحقیقات تکمیلی با قرار بازداشت موقت در اختیار پلیس آگاهی تهران قرار دارند.

تمهیدات ترافیکی روز ارتش در محدوده حرم مطهر امام راحل

سرویس خبر: پلیس راهور تهران بزرگ تمهیدات پوشش ترافیکی مراسم رژه روز ارتش (۲۹ فروردین) را که در محدوده حرم مطهر امام راحل برگزارمی شود، اعلام کرد.

براساس اعلام پلیس راهور تهران، تردد وسایل نقلیه از ساعت یک بامداد جمعه در معابر زیر ممنوع است:

بزرگراه صالح آباد از شمال به جنوب مسدود و از تردد وسائط نقلیه به سمت جنوب جلوگیری به عمل خواهد آمد و خودروهایی که قصد دسترسی به بهشت زهرا(س) را دارند از طریق خیابان شهید رجایی، جاده قدیم قم و از درب گلدسته وارد بهشت زهرا(س) خواهند شد.

در لوپ پل شهید صنیع خانی به سمت جنوب صالح آباد از آزادگان شرق، از تردد وسائط نقلیه جلوگیری می‌شود.در مسیر غرب به شرق بزرگراه آزادگان ورودی‌ها به سمت صالح آباد مسدود و از تردد وسائط نقلیه تا پایان مراسم رژه جلوگیری به عمل خواهد آمد.در سه راه باقر شهر به سمت غرب محدودیت اعمال خواهد شد.ضلع شمالی بلوار علامه عسگری (بلوار امام) از میدان ساعت به سمت غرب مسدود و از تردد وسائط نقلیه جلوگیری به عمل خواهد آمد.

راستگرد جنوب به شرق آزادراه تهران– قم به سمت بلوار علامه عسگری (بلوار امام) در ضلع شمالی حرم مطهر تا پایان مراسم رژه مسدود خواهد بود. لوپ شمال به شرق پل حرم در آزادراه تهران –قم به سمت بلوار علامه عسگری (بلوار امام) مسدود و از همه خودروها به جز خودروهای مدعوین که دارای کارت تردد هستند جلوگیری می‌شود.ورودی‌های منتهی به زیرگذر ضلع شمالی حرم مطهر حضرت امام خمینی(ره) در ضلع شمالی مسدود و از تردد خودروها به جز خودروهای مقامات و مدعوین که دارای کارت تردد هستند جلوگیری به عمل خواهد آمد.بزرگراه امام علی(ع) از تقاطع جاده قدیم قم به سمت غرب مسدود و از تردد وسائط نقلیه جلوگیری به عمل خواهد آمد.

همچنین از ساعت یک جمعه تا پایان مراسم و تخلیه کامل محدوده اطراف حرم مطهر ممنوعیت توقف در معابر مشروح ذیل اعمال می‌شود:

ضلع شمالی بلوار علامه عسگری (بلوار امام) از میدان ساعت تا پل حرم در هر دو سمتبزرگراه صالح آباد از پل شهید صنیع خانی تا میدان ساعت در هر دو سمتآزادراه تهران ـ قم از پل شهید کاظمی تا عوارضی تهران ـ قم در هر دو سمت به جز خودروهایی که جهت جابجایی افراد رژه رونده در نظر گرفته شده است.

امام جمعه سنندج در بیمارستان بستری شد

سنندج ـ ماموستا حسام‌الدین مجتهدی نماینده مردم کردستان در مجلس خبرگان رهبری و امام جمعه سنندج در بیمارستان بعثت سنندج بستری شد.

به گزارش ایرنا؛ ماموستا مجتهدی صبح دیروز برای بار دوم به دلیل افت فشار خون و خونریزی در دستگاه گوارش در بیمارستان بعثت سنندج بستری شد.دکتر بابک قطبی رئیس بیمارستان بعثت با اشاره به اینکه امام جمعه سنندج با تلاش پزشکان مرحله بحرانی و خطر را پشت سر گذاشته است، گفت: ماموستا مجتهدی اکنون در ICU بستری است.

عیادت استاندار کردستان

عبدالمحمد زاهدی، استاندار کردستان دیروز با حضور در بیمارستان بعثت سنندج از نزدیک در جریان وضع جسمی امام جمعه این شهرستان قرار گرفت.استاندار کردستان در جریان حضور در بیمارستان بر تلاش بیشتر تیم پزشکی و مسئولان بیمارستان برای بهبودی وضع جسمانی ماموستا مجتهدی تأکید و دستورات لازم را صادر کرد.

همچنین آیت‌الله حسینی شاهرودی؛ نماینده ولی فقیه در کردستان؛ فرماندار سنندج مدیر مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور و دیگر مسئولان ادارات و سازمان‌های استان نیز در بیمارستان از امام جمعه سنندج عیادت کردند.

آزمایش تجهیزات نوین مرزبانی در رزمایش اقتدار ۳ ناجا

سرویس خبر:سومین روز از رزمایش بزرگ اقتدار ۳ در منطقه خان لیلی شهرستان قصرشیرین با شرکت نیروهای مرزبانی پنج استان کشور برگزار شد.

سردار شیخی فرمانده مرزبانی استان کرمانشاه در این باره گفت: در روز سوم، نیروهای مرزبانی پنج استان کرمانشاه، خوزستان، ایلام، کردستان و آذربایجان غربی حاضر در رزمایش،عملیات متناسب با شرایط استان مرزی خود انجام و با سلاح‌های جدید، فنون تاکتیکی نوین و روش‌های مقابله با تروریسم و قاچاق آشنا شدند.

وی افزود: در این رزمایش خودروهای ضدگلوله، دوربین‌های نظامی دور دید و پهپاد آزمایش شد.رزمایش اقتدار سه،در منطقه عمومی خان‌لیلی شهرستان قصرشیرین با حضور ۸۰ گروهان مرزبانی از پنج استان درحال برگزاری است.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی : ertebat@ettelaat.com

چند نکته در خور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می کنیم:

- موضوع پیام ها جنبه های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
- پیام‌ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن ها خودداری شود.
- خوانندگان محترم شهرستانی در پیام هایشان ، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند.
- چاپ پیام ها بر اساس نوبت است.

با تشکر– سرویس ارتباطات مردمی

مسئولان واقع‌بینانه صحبت کنند

با توزیع فرم‌های خوداظهاری دریافت یارانه، وزیرکار، تعاون و رفاه اجتماعی اعلام کرده‌اند که حداقل حقوق کارگران ۹۰۰هزار تومان است و می‌توان با این حقوق به خوبی زندگی کرد و از دریافت یارانه چشم پوشید. وزیر محترم در نظر داشته باشند که حداقل حقوق کارگران با اعمال افزایش چند درصدی در سال جاری به ۶۱۰هزار تومان می‌رسد که با احتساب هزینه‌های درمانی، تحصیل و ازدواج فرزندان، حداقل حقوق لازم برای گذران زندگی به ۲ میلیون تومان ماهانه می‌رسد. اکنون مسئولان پاسخ دهند که با ۹۰۰ هزار تومان در ماه چگونه می‌توان زندگی کرد، چه رسد به زندگی خوب که برای کارگران دست نیافتنی است؟ انتظار می‌رود مسئولان واقع‌بینانه صحبت کنند و تصمیم بگیرند.

حسینی

افزایش نرخ سیمان

نرخ هر کیسه سیمان به نحو قابل توجهی افزایش یافته است. سئوال اینجاست که مگر در سال جاری دستمزد کارگران کارخانه‌های پتروشیمی و سیمان‌سازی چند درصد افزایش یافته که چنین افزایش قیمت ناگهانی را بر نرخ این محصول تحمیل کرده است؟ بدون شک این افزایش قیمت تأثیر قابل توجهی در گرانی بهای خرید و اجاره مسکن خواهد داشت که مسئولان وزارت راه و شهرسازی ضرورت دارد متوجه آن باشند.

سازنده مسکن

ضرورت نظارت بر خدمات‌دهی بیمه‌ها

اهتمام رئیس جمهوری محترم به بهبود وضع بهداشتی و درمانی مردم، نویدبخش اوضاع بهتری در آینده در حوزه بهداشت و درمان است. اما آنچه باید در این راستا مورد رسیدگی جدی قرار گیرد، نظارت بر خدمات‌دهی بیمه‌های درمانی است که نارضایتی بخش وسیعی از بیمه‌شدگان را در بر دارد. بیمه‌های خدمات درمانی و تأمین اجتماعی که از بیشترین پوشش‌های بیمه‌ای برخوردارند، با وجود تجربه طولانی در حوزه بیمه‌ها دارای بالاترین درصد نارضایتی در میان بیمه‌شدگان هستند. ضمن آنکه برخی از بیمارستان‌ها با وجود اندک خدماتی که این بیمه‌ها ارائه می‌کنند، پوشش بیمه‌ای بیمه‌های خدمات درمانی و تأمین اجتماعی را قطع کرده‌اند.

خانم بیمه‌شده

فرهنگ و اقتصاد

از خواندن یادداشت پرمحتوای سردبیر روزنامه اطلاعات با عنوان «فرهنگ و اقتصاد» لذت بردم و از ایشان تشکر می‌کنم.

خانم فردوسی

خوشحالی ایرانیان از آزادی سربازان وطن

تمامی هموطنان از آزادی سربازان گروگان گرفته شده، خوشحالند و برای تسکین دردهای این عزیزان و خانواده‌هایشان، به سازمان نظام وظیفه عمومی پیشنهاد می‌کنم که مابقی مدت باقی مانده از خدمت سربازی آنان بخشوده شود.

هادی

مختل شدن امور با تعطیلی طولانی ابتدای سال

از یک هفته پیش از شروع سال جدید، قرار بود اداره گاز منطقه شمال تهران به نصب کنتور گاز منزل ما اقدام کند. اما هنوز و با وجود اتمام تعطیلات و شروع روزهای کاری، هیچ اقدامی در این مورد صورت نگرفته است. ظاهراً ضمن تعطیلات طولانی مدت ابتدای سال نو که باعث اختلال در امور روزمره می‌شود، برخی از کارکنان ادارات و سازمان‌ها نیز تعطیلی‌های بیشتری برای شروع فعالیت‌هایشان نیاز دارند!

خانم شهروند تهرانی

نتیجه آزمون استخدامی استانداری‌ها چه شد؟

در خرداد ماه سال ۹۱ با فراخوان سراسری استانداری‌ها در آزمون استخدامی مربوط شرکت کردم، اما با گذشت نزدیک به ۲ سال هنوز از اعلام نتایج آن خبری نشده است و گویا امسال نیز خبر جدید و خوشایندی در راه نیست. کما اینکه برخی از شرکت‌کنندگان در آزمون با امیدهایی زندگی مشترک تشکیل داده‌اند و اکنون شرمنده خانواده‌هایشان هستند. عده‌ای هم با برخورداری از مدارک کارشناسی ارشد و با حقوقی کمتر از حداقل حقوق مصوب وزارت کار، در کارخانه‌ها کارگر ساده هستند. امیدواریم مسئولان نتایج این آزمون را پیگیری و اعلام کنند.

ایمیل به خط ارتباطی

درآمد زنان شاغل در مجموع درآمد خانوارها

در فرم خوداظهاری دریافت یارانه‌ها، درآمد زنان شاغل نیز در مجموع درآمد خانوارها باید ذکر و محاسبه شود. در حالی‌که مسئولان ذی‌ربط باید بدانند که سرپرستان خانوار شرعاً و عرفاً نمی‌توانند روی درآمد همسران شاغل خود حساب بازکنند. زیرا زنان شاغل اختیار دارند که درآمدشان را در خانه خرج و یا برای خود پس‌انداز کنند، از این‌رو گنجاندن چنین بندی نوعی فشار به یارانه‌بگیران محسوب می‌شود.

کارمند بازنشسته تأمین اجتماعی

از جاده‌ای سرسبز تا خیابانی مصنوعی!

چند سال پیش که از جاده ۲هزار تنکابن گذر کردم، این جاده را سرسبز و با طبیعتی بکر و عالی دیدم. اما وقتی در تعطیلات نوروز به این جاده سفر کردم، با درختان قطع شده بسیاری مواجه شدم که جای آنها ویلا و غرفه‌های فروشگاهی ساخته و این جاده به خیابانی مصنوعی تبدیل شده است. واقعاً چه سازمان‌ها و ارگان‌هایی با تفکر نابودی طبیعتی زیبا و جنگل‌ها، مجوز چنین ساخت‌وسازهایی را صادر می‌کنند؟

از مسافران شمال

جای خالی یک سؤال از مشکلات یارانه‌بگیران

ستاد هدفمندسازی یارانه‌ها در فرم‌های درخواست ادامه دریافت یارانه‌های نقدی، از متقاضیان چندین سؤال از میزان درآمد و داشته‌هایشان پرسیده است، اما دریغ از یک سؤال از مشکلات زندگی آنان! مستمری‌بگیران سالخورده‌ای هستند که به دلیل بیکاری فرزندان متأهل‌شان مجبور به تأمین هزینه‌های زندگی آنان‌اند و یا خانواده‌هایی که با هزینه‌های دارویی و درمانی اعضاء خانواده مواجه‌اند.

تلفن به خط ارتباطی

خلأ وجود ادیبی بزرگ در جمع ادیبان

از دست دادن مرحوم باستانی پاریزی خلأ بزرگی برای ایران و شاید جمع ادیبان جهان محسوب می‌شود. مورخ و تاریخ‌نگاری بزرگ که روزنامه اطلاعات با انتشار ویژه‌نامه «مسافر بهار» دین خود را نسبت به وی ادا کرد، همواره برای تک بیتی های آن مرحوم که زیبا آنها را برمی گزید و در جای خود قرار می‌داد، دلمان تنگ می‌شود. روحش شاد باد!

سرخه (سمنان) ــ از خوانندگان آثار استاد

ملی شدن نفت به مثابه یک الگو

یادداشت «ملی شدن نفت به مثابه یک الگو» نوشته آقای بهروز طیرانی در روزنامه اطلاعات عالی بود و به دل ایرانیان وطن دوست نشست. مرحوم مصدق که با استعمار مبارزه کرد، بزرگ مردی در تاریخ است که دنیا را به حیرت واداشت. اما متأسفانه از زحمات مبارزی که در دنیا به مثابه یک الگو مطرح است، در کشورمان به اندازه مورد انتظار یاد نمی‌شود. از روزنامه اطلاعات متشکریم که با احساس مسئولیت و با انتشار مطلبی ارزنده، از دکتر محمد مصدق یاد می‌کند.

قائم‌شهر ــ حسن اکبری

اصلاح هندسی قسمتی از بزرگراه

در مسیر جنوب به شمال بزرگراه امام علی(ع) و قبل از خروجی «شیان» و لویزان، پیشروی قسمتی از انحنای حاشیه بزرگراه به مسیر حرکت خودروها، باعث می‌شود خودروهایی که با سرعت قصد عبور دارند، ابتدا به چپ و سپس به راست متمایل شوند که منجربه تصادفات زیادی می‌شود و از اینرو اصلاح هندسی این بخش از بزرگراه ضرورت دارد.

اکبر عابدی اشلقی

پاسخ مسئولان

پاسخ شرکت مترو درباره ساعت ایستگاه‌های مترو

احتراماً بازگشت به مطلب مندرج در آن روزنامه مورخ ۲۰ فروردین ۱۳۹۳ صفحه ۱۳ با عنوان «تنظیم ساعت‌های اماکن عمومی». لطفاً پاسخ زیر در همان صفحه به چاپ برسد:

باسلام، احتراماً به استحضار می‌رساند: در ساعات اولیه تغییر ساعت رسمی کشور، تمامی ساعت‌های دیجیتالی و عقربه‌ای ایستگاه‌های مترو در کلیه خطوط تنظیم شده است، گفتنی است که در صورت مغایرت احتمالی یا خرابی ساعت‌های موجود، سریعاً از طرف ایستگاه اطلاع‌رسانی و توسط پیمانکاران مربوطه تنظیم و یا تعمیر می‌شوند.

حسن مقدم – مشاور مدیرعامل و مدیرارتباطات و امور بین‌الملل

بقیه در صفحه ۹

بسکتبال ایران در پی قهرمانی بازی‌های آسیایی - ۲۰۱۴ اینچئون

تیم ملی بسکتبال جوانان ایران، اگر به چیز دیگری غیر از قهرمانی در بازی‌های آسیایی فکر کند، کوچک فکر کرده است.

قاسم کیانی، مربی تیم ملی بسکتبال جوانان ایران با بیان مطلب بالا درباره سال پر مسابقه بسکتبال و اهمیت بازی‌های آسیایی - ۲۰۱۴ اینچئون کره جنوبی، افزود: شش ماه نخست امسال، سالی پرمسابقه برای بسکتبال کشورمان است و باید بهترین برنامه ها، تدوین و اجرایی شود. باید ارزیابی شود که در تورنمنت‌های بین المللی با یک تیم یا دو تیم، شرکت کنیم. اگر یک تیم باشد، به مشکل می خوریم؛ حتما باید با دو تیم کار کنیم تا فشار کار زیاد نشود. در تورنمنت‌های بین المللی امسال، حضور قدرتمند در جام جهانی و بازی‌های آسیایی، از همه مهمتر است.

او با اشاره به قدرت بسکتبال ایران، گفت: ایران، عنوان قهرمانی بازی‌های آسیایی را می خواهد. تیم بسیار قدرتمندی داریم که نمونه آن را حتی چین ندارد. چند بازیکن ستاره داریم، ولی هرکدام از تیم های آسیایی، فقط یک ستاره دارند. بسکتبال ایران، نزدیک به هفت - هشت بازیکن در یک سطح دارد. بجز صمد نیکخواه بهرامی - که واقعا از دیگر ملی‌پوشان بالاتر رفته و بهتر از همیشه شده است - دیگر بازیکنان ما نیز در کنار هم و در سطحی بالا قرار دارند. در چنین شرایطی، اگر به غیر از قهرمانی در بازی‌های آسیایی فکر کنیم، یقینا کوچک فکر کرده ایم.



مربی تیم ملی بسکتبال جوانان ایران درباره جام جهانی - ۲۰۱۴ اسپانیا، گفت: جام جهانی، برای ما شرایط منحصر به فردی دارد. نباید حضور در جام جهانی، برایمان افتخار باشد؛ حالا زمان این است که در اندیشه کسب نتیجه باشیم. همه می‌دانیم که در گروه ما، ابرقدرت‌های بسکتبال حضور دارند، ولی ما با اسم و رسم‌ها مسابقه نمی‌دهیم، بلکه موجودیت تیم‌ها حریفان ما هستند. بسکتبال ایران، اکنون تیم با تجربه‌ای است که می تواند، جزو با تجربه‌ترین‌های تیم های حاضر در جام جهانی باشد. بازیکنان ما، نزدیک به ۱۰ سال است که با هم بازی می کنند؛ این موضوع، عاملی مهم در کسب پیروزی و موفقیت است. تیم ملی بسکتبال ایران، استخوان بندی قدرتمند و با تجربه ای دارد.او افزود: بسیاری از مربیان خارجی، اعتقاد دارند که یک بازیکن با تجربه بازده بیشتری نسبت به یک جوان با قابلیت دارد؛ به همین دلیل، تاکید زیادی بر تجربه دارند.

کیانی در ارزیابی خود از حضور بازیکنان جوان در جام جهانی، گفت: مطمئنا، ترکیب تیم ملی تغییر خواهد کرد. پس از قهرمانی در آسیا، این مساله مطرح شد و مطمئنا اتفاق می افتد. البته تغییرات نمی تواند زیاد باشد؛ چون جام جهانی، میدان بهترین‌ها ست. کادر فنی، با توجه به حریفان تیم ملی بسکتبال ایران در جام جهانی ، نفرات مناسب را انتخاب می کند. یقینا، بازیکنان جوان نیز قادر به ارائه بازی های جذاب درجام جهانی خواهند بود.

مربی تیم ملی بسکتبال جوانان ایران در پاسخ به این پرسش که وضع بازیکنان جوان خود را چطور ارزیابی می کند، تصریح کرد: بازیکنان تیم ملی جوانان، سه سال است که بطور مستمر در کنار هم کار می کنند و اکنون به تیمی کامل تبدیل شده اند. این بازیکنان در لیگ برتر هم شناخته شده‌اند و شانس قهرمانی دارند. نکته دیگر در تیم جوانان، حضور یک بازیکن پست پنج قدرتمند به نام محمد یوسف‌وند است که در دوره گذشته رقابت های قهرمانی آسیا و جام جهانی جوانان، حضور داشته و با استفاده از تجربه حضور در لیگ برتر به اوج رسیده است. دیگر بازیکنان این تیم،همچون علی اللهوردی، شرایط خوبی دارند. تیم فعلی بسکتبال جوانان ایران، تیمی فیزیکی است که بسکتبال را به خوبی بازی می کند. آنان از نظر فیزیکی، قوی هستند. نکته دیگر، قدرت دفاعی بالا در تیم جوانان است. هر تیم آسیایی که خوب دفاع کند، نتیجه می گیرد؛ دفاع مستحکم و مطمئن، برگ برنده ما خواهد بود.

مصاف فولاد برای صدرنشینی و استقلال برای صعود

دومین روز از هفته پنجم مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا، امروز در حالی برگزار می شود که فولاد خوزستان، برای صدرنشینی و صعود به مرحله حذفی، از حریف قطری میزبانی می کند و استقلال تهران، برای انتقام و افزایش شانس صعود، مقابل حریف عربستانی به میدان می‌رود.

هفته پنجم از مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا، امروز با برگزاری هشت دیدار در شرق و غرب قاره کهن به پایان می رسد؛ تیم فوتبال فولاد خوزستان با کسب پیروزی یا تساوی (حداکثر یا حداقل امتیاز) در اهواز، حضور خود را در مرحله حذفی لیگ قهرمانان آسیا، قطعی می کند. تیم فوتبال استقلال تهران نیز در دیدار مرگ و زندگی در زمین «الشباب» عربستان به میدان خواهد رفت تا شانس خود برای ادامه حضور در جام باشگاه های آسیا را از دست ندهد.



فولاد ایران - الجیش قطر

قهرمانی در فصل سیزدهم لیگ برتر فوتبال باشگاه های ایران، موفقیتی ارزشمند و افتخاری بزرگ، برای تیم فولاد خوزستان و هواداران این تیم اهوازی بود؛ نتیجه‌ای که روحیه بازیکنان این تیم، برای حضور در دو بازی پایانی مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا را افزایش داد.

شاگردان حسین فرکی، امروز در آخرین بازی خانگی خود در لیگ قهرمانان آسیا، میزبان تیم فوتبال «الجیش» قطر، دیگر مدعی صعود از گروه دوم هستند. فولادی ها با تکیه بر قهرمانی در لیگ برتر با روحیه مضاعف، برای کسب پیروزی به میدان مقابله با الجیش می‌روند.

الجیش قطر، از آغاز فصل جاری لیگ قهرمانان آسیا، رقابتی نزدیک و میلی متری با فولاد خوزستان، برای صدرنشینی گروه دوم داشت؛ نماینده اهوازی فوتبال ایران، امروز این فرصت را دارد تا در مسابقه ای خانگی با استفاده از امتیاز میزبانی به ۳ امتیاز مهم و حیاتی بازی دست یافته و علاوه بر رسیدن به صدر جدول رده بندی گروه دوم، صعود خود به مرحله حذفی لیگ قهرمانان آسیا را قطعی کند.

تساوی در این بازی نیز فولاد را به مرحله بعدی می‌رساند، ولی این تیم را در رده دوم نگه می‌دارد. چرا که تفاضل گل تیم الجیش، نسبت به این تیم اهوازی بهتر است. اما شکست مقابل حریف قطری، اگر با پیروزی یکی از دو تیم «بنیادکار» ازبکستان و «الفتح» عربستان همراه شود، راهیابی به مرحله بعدی را به هفته پایانی می کشاند.

در این شرایط و در روزی که «ژیرس کیمبو اکوکو» مهاجم فرانسوی و «علی سند»، بازیکن تاثیرگذار الجیش نمی‌توانند تیم خود را همراهی کنند، باید منتظر ماند و دید که شاگردان فرکی می‌توانند با حمایت هواداران پرشور خود در ورزشگاه الغدیر اهواز به کسب پیروزی نائل آیند و صعود مقتدرانه‌ای به مرحله بعدی داشته باشند یا اتفاق دیگری در این مسابقه مهم، رقم خواهد خورد.

الشباب عربستان - استقلال

لیگ پر فراز و نشیب سیزدهم، برای آبی‌پوشان تهرانی با قرار گرفتن در رتبه پنجم و از دست دادن سهمیه حضور در فصل آینده لیگ قهرمانان آسیا، پایانی تلخ را در فصلی سرد رقم زد.

تیم فوتبال استقلال تهران در طول فصل سیزدهم، اسیر مشکلات مالی بود و ستارگان پرفروغی چون فرهاد مجیدی، جواد نکونام و پژمان منتظری را از دست داد تا نبود این بازیکنان در ناکامی آنان، تاثیرگذار باشد. استقلالی ها، پس از سقوط به رده پنجم لیگ برتر فوتبال باشگاه های ایران، حالا در بازی «مرگ و زندگی» لیگ قهرمانان آسیا، مهمان تیم «الشباب» عربستان هستند و برای اینکه تلخی ناکامی در لیگ برتر ایران را با وداع زودهنگام از لیگ قهرمانان آسیا، تلخ‌تر نکنند، باید در بازی امروز فقط به پیروزی برسند. شاگردان امیر قلعه‌نویی که شانس رسیدن به رتبه دوم در پایان بازی های این هفته را دارند، در شرایطی رتبه نایب صدرنشینی را کسب می کنند که الشباب صدرنشین را در خانه خودش شکست دهند و تیم «الریان» در قطر، تیم «الجزیره» را ببرد.

آبی‌پوشان تهرانی در این شرایط سخت با مشکل کمبود بازیکن، مواجه هستند. البته بسیار امیدوارند که روحیه بازیکنان خود را برای پیروزی در این مسابقه مهم به شرایط مطلوب و ایده آل برسانند و نفرات کمتر، دردسری برای آنان ایجاد نکند تا با کسب ۳ امتیاز ارزشمند بازی امروز، گامی بلند برای صعود به مرحله حذفی لیگ قهرمانان آسیا بردارند.

استقلال که برای جبران باخت دیدار رفت مقابل الشباب انگیزه بالایی دارد، اگر در این بازی شکست بخورد و تیم الجزیره امارات در زمین «الریان» به برتری یا تساوی برسد، آنگاه از گردونه مسابقات کنار می‌رود و در کمتر از یک هفته، دومین ناکامی بزرگ خود را در سال ۹۳ تجربه خواهد کرد.

برنامه بازی های هفته پنجم از مرحله گروهی لیگ قهرمانان آسیا که امشب برگزار می‌شود به این شرح است:

گروه A:

الریان قطر - الجزیره امارات

الشباب عربستان - استقلال ایران ، ساعت ۲۲:۰۵

گروه B:

فولاد ایران - الجیش قطر ، ساعت ۱۷:۳۰

بنیادکار ازبکستان - الفتح عربستان

عزیمت تیم ملی فوتبال با ۱۱ بازیکن به آفریقای جنوبی



تیم ملی فوتبال ایران، برای برپایی اردوی آماده سازی جام جهانی، با ترکیبی ناقص وارد آفریقای جنوبی شد.

تیم ملی فوتبال ایران، پس از کش و قوس های فراوان، سرانجام با ترکیبی نصف و نیمه راهی آفریقای جنوبی شد تا اردوی سه هفته‌ای خود را در این کشور برگزار کند.

۱۱ بازیکن، تیم ملی فوتبال کشورمان را در این سفر همراهی می کنند؛ بازیکنان تیم های استقلال، سپاهان، پرسپولیس و فولاد، پس از پنجشنبه به سایر بازیکنان در آفریقای جنوبی خواهند پیوست.

این تصمیم در حالی اتخاذ شد که باشگاه‌های استقلال و سپاهان، بر خلاف مصوبه ستاد جام جهانی، حاضر نشدند که بازیکنان خود را برای همراهی تیم ملی فوتبال در اردوی آفریقای جنوبی، آزاد کنند.

بازیکنان تیم ملی فوتبال، ساعت ۲ بامداد دیروز به فرودگاه امام رفتند و ساعت ۵ بامداد، پس از ترانزیتی ۴ ساعته در امارات، راهی ژوهانسبورگ شدند.

بازگشت مایکل فلپس به دنیای شنا



شناگر پرافتخار المپیک تا ۱۰ روز دیگر به میدان رقابت بازمی گردد تا خود را برای صید مدال از بازی های المپیک - ۲۰۱۶ ریو، آماده کند.

مایکل فلپس، مجموعا ۲۲ مدال از بازی‌های المپیک، کسب کرده است. او به فکر بازگشت به دنیای قهرمانی است تا خود را برای رقابت های شنا در بازی‌های المپیک - ۲۰۱۶ آماده کند.

«باب بومن»، مربی مایکل فلپس به خبرگزاری آسوشیتدپرس گفت: این شناگر آمریکایی در سه ماده ۵۰ متر، ۱۰۰ متر آزاد و ۱۰۰ متر پروانه به رقابت ها باز خواهد گشت.

او گفت: فلپس، هنوز بطور کامل، آماده نیست و در رقابت‌های پیش رو، میزان آمادگی او مشخص خواهد شد. فلپس، تمرینات خود را از شش ماه پیش آغاز کرد و اکنون آماده حضور در مسابقات است. عملکرد فلپس، پس از مسابقات ارزیابی خواهد شد تا شرایط او را برای ادامه رقابت، بررسی کنیم.

فلپس ۲۹ ساله، پرافتخارترین ورزشکار تاریخ بازی‌های المپیک است.

او ۲۲ مدال را برگردن آویخته است که ۱۸ مدال آن، طلا بوده است. او با کسب ۸ مدال طلا در بازی‌های المپیک - ۲۰۰۸ پکن، رکورد «مارک اسپیتز» را شکست.

اخبار کوتاه ورزشی

راهیابی تیم والیبال متین به فینال جام باشگاه‌های آسیا

نماینده والیبال ایران با پیروزی مقابل حریف چینی به دیدار نهایی رقابت های والیبال قهرمانی باشگاه‌های آسیا راه یافت.

دومین دیدار مرحله نیمه نهایی رقابت های والیبال قهرمانی باشگاه‌های آسیا، بعد از ظهر دیروز بین تیم‌های متین ورامین و «موتور بایک» چین در مانیل فیلیپین برگزار شد که نماینده والیبال ایران، حریف خود را در سه گیم متوالی با امتیازات ۲۷ - ۲۵، ۲۵ - ۲۳ و ۲۵ - ۲۰ شکست داد و به فینال این مسابقات راه یافت.

حریف تیم متین ورامین در دیدار نهایی مسابقات والیبال قهرمانی باشگاه‌های آسیا - ۲۰۱۴ فیلیپین، تیم «الریان» قطر است.

تکذیب خبر تهدید وزیر ورزش و جوانان

خبر چند رسانه در باره تهدید وزیر ورزش و جوانان به دلیل اصرار بر شفافیت مالی در تیم های فوتبال، صحت ندارد.

مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت ورزش و جوانان، خبر سایت یکی از روزنامه ها، مبنی بر گفته های دکتر گودرزی در محفلی دوستانه در باره تهدید به ربایش فرزندش را تکذیب کرد.

چند رسانه به نقل از این سایت، مطرح کردند که وزیر ورزش و جوانان در این جمع دوستانه، گفته که به دلیل مقابله با ریخت و پاش ها و پرداخت های میلیاردی در فوتبال، تهدید شده است که به خواسته های زیاده خواهان تن دهد. اگرچه سیاست وزارت ورزش و جوانان، حمایت از فوتبال پاک و قراردادهای شفاف در باشگاه هاست، ولی شخص وزیر ورزش در هیچ جمع و محفلی، از تهدید خود و خانواده اش، سخن نگفته است.

ترکیب تیم ملی پومسه بانوان در مسابقات قهرمانی آسیا

رقابت‌های انتخابی تیم ملی پومسه بانوان، برای حضور در سومین دوره مسابقات قهرمانی آسیا - ۲۰۱۴ ازبکستان، در خانه تکواندو تهران برگزار شد و ۹ نفر جواز حضور در اردوهای تیم ملی را بدست آوردند.

سومین دوره مسابقات پومسه قهرمانی بانوان آسیا، از ۴ تا ۷ خرداد امسال در شهر تاشکند کشور ازبکستان برگزار می‌شود.رقابت‌های انتخابی تیم ملی پومسه بانوان با حضور ۴۸ پومسه رو در چهار رده سنی برگزار شد و ۹ پومسه رو، مجوز حضور در اردوی تیم ملی را کسب کردند. اسامی نفرات دعوت شده به اردوی تیم ملی پومسه بانوان به این شرح است:

رده سنی ۱۸ تا ۳۰ سال: مرجان سلحشوری، مهسا مردانی، بهاره قادریان و نگین گیل سمایی

رده سنی ۳۱ تا ۴۰ سال: آتوسا فرهمند، عاطفه صابر و مریم بهزاد

رده سنی ۴۱ تا ۵۰ سال: بدری اسدی

رده سنی ۵۱ تا ۶۰ سال: سکینه هوشنگی

قرعه کشی پلی آف لیگ برتر فوتبال: ۳۱ فروردین

کمیته مسابقات سازمان لیگ برتر فوتبال، زمان قرعه کشی دیدار پلی‌آف لیگ برتر را اعلام کرد.

دیدار پلی‌آف لیگ برتر با تیم سوم لیگ دسته یک (برنده دیدار پلی‌آف پیکان تهران و سیاه‌جامگان مشهد) ساعت ۱۴ یکشنبه هفته آینده در روابط عمومی سازمان لیگ، قرعه‌کشی می‌شود.

برنده دیدار پیکان تهران و سیاه‌جامگان مشهد در دیدار پلی‌آف مقابل تیم فجر شهید سپاسی شیراز قرار می گیرد تا چهره آخرین تیم راه یافته به فصل چهاردهم لیگ برترفوتبال باشگاه های کشور، مشخص شود. دیدار رفت تیم های پیکان و سیاه جامگان در پیکانشهر برگزار شد و بدون رد و بدل شدن گل به پایان رسید.

مسئولان ۴ باشگاه در کمیته انضباطی

رئیس کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال، مسئولان باشگاه‌هایی که به تیم ملی بازیکن نداده‌اند، برای بیان دلایل قانونی خود به این کمیته دعوت می شوند.

اسماعیل حسن‌زاده، در واکنش به موضوع بازیکن ندادن دو باشگاه استقلال و سپاهان به تیم ملی که باعث شد، این تیم با ۱۱ بازیکن به اردوی آفریقای جنوبی برود، گفت: از مسئولان این باشگاه‌ها، دعوت کردیم تا به کمیته انضباطی بیایند و دلایل قانونی خود را برای ندادن بازیکن به تیم ملی فوتبال، بیان کنند. البته تا پیش از برگزاری جلسه مذکور، صحبتی درباره عواقب اینکار نمی‌توان کرد.

دکتر ابتکار: دولت همت خود را برای رفع معضل آلودگی هوا به کار گرفته است

معاون رئیس جمهوری گفت: قطعا بدون همکاری و هماهنگی دستگاه های ذیربط و اجرایی، مفاد مصوبه آلودگی هوا پیش نخواهد رفت.

دکتر معصومه ابتکار درباره مصوبه جدید کاهش آلودگی هوا به ایرنا توضیح داد: مصوبه راهکارها و برنامه اجرایی مربوط به آلودگی هوا اتفاق خوبی است که در دولت یازدهم رخ داد زیرا آلودگی هوا یکی از مهم ترین معضلات زیست محیطی کشور به شمار می رود. . رئیس سازمان حفاظت محیط زیست ادامه داد: هر انسانی روزانه ۱۶ کیلو گرم هوا تنفس می کند، این در حالی است که فقط یک کیلو گرم غذا می خورد ،بنابراین اهمیت و نقش هوا در زندگی، سلامت افراد و کیفیت جوامع بسیار بالا ست .سازمان بهداشت جهانی و مجامع بین المللی هم موضوع آلودگی هوا را از مباحث بسیار مهم برای پویایی، نشاط و سلامت جوامع تلقی می کنند و دولت یازدهم همت خود را برای برطرف کردن این معضل به کار گرفته است.ابتکار ادامه داد: برای آماده کردن این مصوبه حدود چهار ماه با دستگاه های مختلف جلسه برگزار کردیم و در نهایت وظایف هر دستگاه به طور جداگانه مشخص شد. البته هر کدام از دستگاه های مختلف از دوره گذشته مشکلات و محدودیت هایی داشتند و موانعی برای پیشبرد کارهایشان وجود داشت که با برگزاری جلسات، این مشکلات برطرف شد.

به گفته معاون رئیس جمهوری، دراین جلسات وظایف تمامی دستگاه های مرتبط از جمله وزارت نفت، صنعت معدن تجارت، نیرو، کشور، بهداشت، درمان و آمورش پزشکی ، ستاد حمل و نقل و سوخت و شهرداری ها برای کاهش آلودگی هوا مشخص شده است.

ابتکار ادامه داد: سازمان حفاظت محیط زیست هم در جایگاه سازمانی نظارتی جلساتی را به طور مداوم برگزار می کند و در آن روند اجرایی وظایف سازمان های تعیین شده در مصوبه هیات دولت را پایش و بررسی خواهد کرد. همچنین جلسات کارگروه اجرایی آلودگی هوا به طور مستمر در استان ها به ریاست استاندار برگزار می شود.

وی اظهارداشت: در این میان نقش مردم از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است زیرا با خارج نکردن خودروهای شخصی از منزل سهم زیادی در کاهش آلودگی هوا خواهند داشت. معاون رئیس جمهوری افزود: در بسیاری از شهرهای اروپایی جنبش ضد گواهینامه شکل گرفته است و جوانان از دریافت گواهینامه خودداری می کنند و معتقدند با این اقدام وظیفه خود به عنوان یک شهروند را در قبال محیط زیست انجام می دهند.معاون رئیس جمهوری با بیان اینکه تاکنون اقدام های خوبی در سازمان محیط زیست برای کاهش آلودگی انجام شده است ادامه داد :توقف تولید بنزین پتروشیمی ، تولید بنزین و گازوییل یورو ۴ و توزیع ان در شهرهای تهران، کرج و اراک برخی از این اقدام ها ست.

وی به نقش شهرداری ها در کاهش آلودگی هوا اشاره کرد و افزود: توسعه حمل و نقل عمومی ، خطوط اتوبوسرانی و مترو جزووظایف شهرداری ها و شورای شهرهاست که باید با همت و جدیت بیشتری در این زمینه تلاش کنند و دولت هم از این روند حمایت خواهد کرد.

بر اساس این گزارش، برنامه اجرایی مدون برای کاهش آلودگی هوا فروردین در جلسه هیات دولت و با ریاست دکتر حسن روحانی رئیس جمهوری به تصویب رسید.

تجهیز دیده‌بان‌های پدافند به سامانه راصد با برد ۱۵ کیلومتر



سرویس سیاسی - اجتماعی: فرمانده قرارگاه پدافند هوایی خاتم‌الانبیاء(ص) ارتش گفت: سامانه «راصد ۳۲» از دستاوردهای خوب قرارگاه پدافند هوایی در حوزه کشف و شناسایی است که می‌تواند سمت، ارتفاع و سرعت اهداف پرنده را بصورت دیتا و در محدوده بیش از ۱۵ کیلومتر برای مراکز کنترل ارسال کند.

امیر فرزاد اسماعیلی با اشاره به دستاوردهای این قرارگاه در حوزه کشف و شناسایی افزود: به کمک این دستاورد، دیده‌بان توسط سامانه‌ای که در کلاه یا دوربین او نصب شده است سمت ، سرعت، ارتفاع و سمت گذرنده هدف یا اهداف پرنده را به مراکز کنترل ارسال می کند.

وی گفت: شبکه دیده‌بانی یکی از شبکه‌هایی است که مدنظر فرمانده معظم کل قواست و پارسال ایشان فرمودند که به بخش دیده‌بانی اهمیت ویژه‌ای داده شود و بر اساس همین تدبیر ما امروز در سامانه‌های دیده‌بانی به سامانه پیشرفته راصد ۳۲ رسیده‌ایم که محصول کار متخصصان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح است.

افزایش ۴۰ هزار تومانی حق خواروبار و مسکن بازنشستگان تامین اجتماعی

مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی از افزایش ۴۰ هزار تومانی حق خواروبار و مسکن بازنشستگان و مستمری بگیران زیر پوشش این سازمان پس از ۱۲ سال خبر داد.

به گزارش روابط عمومی سازمان تامین اجتماعی، سیدتقی نوربخش، زمان واریز حق خواروبار و مسکن بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی را فروردین امسال، همراه با متمم افزایش حقوق ۲۵ درصدی آنان دانست. وی گفت: حق سنوات بازنشستگان هم حدودا ۱۰ برابر شده و به افرادی که بیش از ۲۰ سال سابقه پرداخت حق بیمه داشته باشند، به میزان هر سال، پنج هزار ریال پرداخت می شود. مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی، بودجه سال ۹۳ این سازمان را بیش از ۴۵ هزار میلیارد تومان اعلام کرد و افزود: از این میزان اعتبار، حدود ۱۱ هزار میلیارد تومان برای بخش درمان، ۲۹ هزار میلیارد برای پرداخت مستمری و بقیه برای طرح های عمرانی و سایر هزینه های تامین اجتماعی هزینه می شود.نوربخش تصریح کرد: ۱۲۰ میلیارد تومان برای مسکن، وام ازدواج و وام تحصیلی در بودجه سازمان برای مستمری بگیران مصوب خواهد شد که پس از تدوین آیین نامه های آن در خدمت مستمری بگیران و بیمه شدگان قرار خواهد گرفت. وی در باره سیاست های ابلاغی رهبر معظم انقلاب در حوزه سلامت گفت: سازمان تامین اجتماعی مشمول تمامی ۱۴ بند این سیاست هاست و یک ستاد اجرایی برای تبیین و عملیاتی کردن آن‌ها با حضور کارشناسان در سازمان ایجاد شده است. نوربخش افزود: این سیاست ها می تواند مبنای برنامه های پنج ساله ششم قرار گیرد. حق سرانه درمان بیمه شدگان حرف و مشاغل آزاد منتظر تصویب هیات وزیران مدیرکل امور فنی بیمه شدگان سازمان تامین اجتماعی هم گفت: نرخ حق سرانه بیمه خدمات درمانی خویش فرمایان همه ساله متناسب با عملکرد، فرانشیز و تعرفه های واقعی، پس از تایید شورای عالی بیمه خدمات درمانی و تصویب هیات وزیران، برای اجرا به دستگاه های ذیربط اعلام می شود.

سیروس نصیری افزود: با توجه به این که نرخ حق سرانه درمان بیمه شدگان توسط دولت تصویب و به سازمان تامین اجتماعی ابلاغ می شود، این سازمان مبلغ سرانه درمان را به صورت علی الحساب از بیمه شدگان دریافت می کند تا خللی در بهره مندی آنان از خدمات درمانی تامین اجتماعی صورت نگیرد.وی گفت: با تصویب و ابلاغ حق سرانه درمان، مابه التفاوت آن محاسبه و از بیمه شدگان موصوف دریافت می شود.

۶۰ قنات متروک تهران ساماندهی می‌شود

سرویس سیاسی - اجتماعی: «تهران ۱۵۰ قنات فعال دارد که ۶۰ حلقه از آنها به زودی ساماندهی می‌شوند.» به گزارش خبرنگار اطلاعات، این مطلب را دیروز محسن مختاری مدیرعامل سازمان پارکها و فضای سبز شهر تهران در پنجاه و هفتمین جلسه شورای شهر تهران اعلام کرد و توضیح داد: در گذشته، تعداد قنات‌های تهران به ۵۰۰ حلقه می‌رسید، اما اکنون فقط ۱۵۵ قنات فعال داریم و از آنجا که قنوات، منابع مهم تأمین آب برای فضای سبز هستند، برنامه ساماندهی آنها را در دستور کار داریم.

او ادامه داد: برای تأمین آب خام در طرح آبیاری استاندارد فضای سبز ۴۳۷ حلقه چاه که توسط شهرداری حفر شده است هم استفاده می‌کنیم که در کنار آن، امکان استفاده از ۳۰۰ مخزن ذخیره آب برای مواقع بحرانی و کم‌آبی تابستان هم فراهم است. مختاری با تشریح طرح تأمین آب خام برای مصارف فضای سبز شهر تهران ادامه داد: در گذشته ۹۶ درصد از فضای سبز با آب شرب آبیاری می‌شد، اما اکنون ۱۰۰ درصد آن با آب خام آبیاری می‌شود.به گفته مدیرعامل سازمان پارک‌ها و فضای سبز، سرانه فضای سبز در تهران اکنون ۱۵/۳ متر و در حد استاندارد است.

تبدیل خانه اتحادیه به باغ لاله

در ادامه جلسه پنجاه و هفتم شورای شهر، احمد مسجدجامعی با اشاره به کاشت ۱۵ نوع لاله در تهران افزود: در آغاز فصل بهار شاهد تلاش مجموعه شهرداری تهران برای کاشت وسیع این گل در سطح شهر بودیم؛ پیشنهاد می‌کنم با توجه به بومی بودن این گل در منطقه لاله‌زار و برای تجدید حفظ تاریخی این محدوده مکانی را به باغ لاله اختصاص دهیم و به نظر می‌رسد خانه اتحادیه، به عنوان یگانه مکان وسیع باقی مانده در لاله‌زار، به این امر اختصاص یابد.رئیس شورا همچنین درباره درگیری لفظی دو عضو شورا در جلسه دیروز تذکر داد: ادبیات شورا ادبیات گفتگوست و ما تلاش می‌کنیم شهری آرام‌تر داشته باشیم؛ همه جلساتی هم که با مسئولان مختلف کشور داریم، برای ایجاد روحیه همدلی و رفع مشکلات شهر است، زیرا پایتخت مشکلات بسیاری دارد و اگر حل نشود، در معرض آسیب قرار می‌گیرد.

او افزود: نخست باید در جمع خودمان ادبیات مناسب گفتگو را تقویت کنیم و هر عضو شورا می‌تواند درباره همه موضوعات شهرداری به عنوان نماینده مردم سئوال کند؛ ادبیات دوره چهارم هم ادبیات پرسشگری است و اشکالی ندارد که عضوی سئوال مطرح کند. در جلسه دیروز، علیرضا دبیر رئیس کمیسیون برنامه و بودجه به پرسش رحمت‌الله حافظی درباره اطلاعات شرکت‌های تابعه شهرداری به شدت انتقاد کرد و به او گفت: شما فقط یک رای دارید و نمی‌توانید هر جلسه این پرسش را مطرح کنید.

در ادامه بحث‌های نمایندگان مردم تهران در شورا، موضوع سهمیه آرم ترافیک مطرح شد که جعفر تشکری هاشمی معاون حمل‌ونقل و ترافیک در این زمینه توضیح داد: ۵۰۰۰ نفر از سهمیه خبرنگاری، ۸۰۰۰ نفر از سهمیه پزشکان، ۳۰ هزار نفر از سهمیه دولت و قوه قضائیه و ۱۰ هزار نفر هم از سهمیه جانبازان و خانواده شهدا برای ورود به محدوده طرح ترافیک، استفاده و آرم دریافت کردند.

او تأکید کرد: در تهران ۴ میلیون خودرو وجود دارد که با توجه به سهمیه ۱۰۰ هزار آرم ترافیک، مسلما ۳ میلیون و ۹۰۰ هزار شهروند نمی‌توانند آرم دریافت کنند.

مسجدجامعی در این زمینه اظهار داشت: به نظر می‌رسد که در توزیع آرم‌ها نوعی تبعیض اجرا می‌شود و نقل شده است که اعضای شورا مصوبه کاهش سهمیه را مطرح کرده‌اند، اما چنین نیست و باید مشخص شود که چه کسی برای کاهش سهمیه اقشار مختلف، تصمیم گرفته است.

در پایان جلسه دیروز، همچنین مقرر شد که افزایش ۲۵ درصدی کرایه تاکسی، از اول اردیبهشت اجرا شود.

ارائه یارانه نقدی، غیرنقدی و بیمه‌ای در مرحله دوم هدفمندی

نایب رئیس هیأت‌مدیره سازمان تأمین‌اجتماعی با بیان این که دولت و مجلس فقط یارانه نقدی و بدون توجه به نیاز افراد را مدنظر قرار نداده‌اند، اظهار داشت: در مرحله دوم هدفمندسازی یارانه‌ها، ارائه سه نوع یارانه نقدی، غیرنقدی و بیمه‌ای موردتوجه قرار گرفته است.

به گزارش اداره کل روابط عمومی سازمان تأمین‌اجتماعی، علی حیدری افزود: یکی از معضلات سازمان تأمین‌اجتماعی که‌همیشه‌باآن‌مواجه‌بوده است و امیدواریم در اجرای این مرحله از قانون هدفمندسازی یارانه‌ها برطرف شود، نبود زیرساخت بیمه پایه است که خوشبختانه با دیدگاهی که دولت تدبیر و امید و مجلس دارند در این مرحله قرار است که افراد بدون پوشش پایه درمانی، زیر پوشش بیمه پایه درمان رایگان قرار گیرند و این زیرساخت باعث می‌شود که توقعات حمایتی از تأمین‌اجتماعی به عنوان یک سازمان بیمه‌گر کاهش یابد.وی افزود: به موجب تبصره ۲۱ قانون برنامه و بودجه سال ۹۳ در رابطه با هدفمندسازی یارانه‌ها قرار است که ۴۸۰۰ میلیارد تومان از منابع حاصل از افزایش قیمت حامل‌های انرژی و مبالغ حاصل از انصراف مردم از دریافت یارانه برای تأمین بیمه پایه درمان صرف شود که باعث کاهش سرریزهای حمایتی به تأمین‌اجتماعی می‌شود.حیدری با بیان این که تأمین‌اجتماعی یک نهاد عمومی غیردولتی و صندوق مشاع و بین‌نسلی است که حاصل مشارکت نسل‌های گذشته و نسل فعلی بیمه‌شدگان است و دولت در این مجموعه سهم کوچکی دارد، ادامه داد: در سال گذشته بخشی از هزینه مربوط به افزایش قیمت دارو توسط دولت تأمین شد همچنین در تبصره ۲۱ قانون بودجه سال ۹۳ مقرر است که دو هزار میلیارد تومان برای تقویت صندوق بیمه بیکاری و پرداخت مقرری به کارجویان بیکار از سوی دولت تأمین شود.

ترحیم

با اندوه فراوان درگذشت مادری مهربان و خواهری عزیز مرحومه **خانم فاطمه جهانشاهی** و **خانم دکتر ماندانا عبیدی** همسر و فرزند شادروان دکتر غلامعلی عبیدی پدر داروسازی ایران را به اطلاع کلیه اقوام و دوستان می‌رساند. مجلس ترحیم آن دو عزیز در تاریخ جمعه ۹۳/۱/۲۹ از ساعت ۱۰ صبح الی ۱۱/۳۰ در مسجد جامع شهرک غرب واقع در میدان صنعت ابتدای خیابان شهید حسن سیف برگزار می‌گردد. حضور سروران گرامی باعث شادی روح آن عزیزان و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.
فرزندان: مینا عبیدی - مهتاب عبیدی
برادران: محمدرضا جهانشاهی - محمد حسین جهانشاهی
خانواده‌های: جهانشاهی - عبیدی - فتوحی و کلیه خانواده‌های وابسته

با نهایت تاسف و تاثر درگذشت شادروان سرتیپ بازنشسته **عبدالمحمد مهاجر** را باستحضار اقوام و دوستان و همکاران می‌رسانیم.
مجلس ترحیم آن مرحوم روز جمعه ۹۳/۱/۲۹ ساعت ۱۷ الی ۱۸/۳۰ در مسجدالزهرا(س) واقع در شهرک غرب فاز ۲ خیابان هرمزان روبروی برج‌های تهران برگزار می‌گردد. شرکت در مراسم موجب تسلی خاطر بازماندگان خواهد شد.
خانواده‌های: مهاجر، زوار، امین، همت آبادی، تسوجی، عظیم‌زاده، ناظمی، خراسان‌چی، علیزاده اسکوئی، پارسیان و سایر خانواده‌های وابسته

به مناسبت درگذشت **حاج مهدی قاضی‌زاده ماهانی** پدر مهندس مهرداد قاضی‌زاده مجلس ختمی از ساعت ۱۴/۳۰ الی ۱۶ روز پنجشنبه مورخ ۹۳/۰۱/۲۸ در مسجدالغدیر واقع در خیابان میرداماد برگزار می‌گردد. حضور شما موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان می‌باشد.
همسر: خانم فاطمه رشیدپور
فرزندان: فرهاد، مهندس مهرداد، فرزاد، میترا و دکتر مینا قاضی‌زاده ماهانی
دامادها: مهندس علی زنده روح و مهندس علیرضا کلانتری طباطبایی
عروسها: خانم مریم یوسفی، خانم سیگل و خانم مهلا سهرابی نیا
برادر خانم‌ها: آقای مجید رشیدپور، مهندس سعید و حمید رشیدپور
باجناق‌ها: مهندس احمد محمدی، مهندس علی دیده‌بان، دکتر علی‌اکبر محمدی، مهندس امیر محمد نیکان و آقای رسول ناظمی
بستگان نزدیک: آقای محمد محمدی، آقای حسین محمدی، دکتر منوچهر محمدی، دکتر نصراله محمدی
خانواده‌های: قاضی‌زاده، رشیدپور، یوسفی، زنده‌روح، کلانتری طباطبایی، سهرابی‌نیا، محمدی و سایر فامیل‌های وابسته.
شرکت‌ها و موسسات: آژانس هواپیمایی آندیاسیر آریا، نظام مهندسی استان تهران، شرکت صنعت سازه عمید، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکز، انجمن دامپزشکان ایران، شرکت ریتس سهامی خاص، کارکنان فروشگاه برق لامع

با نهایت تأثر و تأسف درگذشت شادروان آقای **غلامحسین فروغیان** را به استحضار می‌رسانیم. به همین مناسبت مجلس ترحیم آن مرحوم روز چهارشنبه ۱۳۹۳/۱/۲۶ از ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ در مسجد نور واقع در میدان فاطمی برگزار می‌شود.
خانواده‌های: فروغیان - شفائی - کلایی - عسگری

یادبود

هوالباقی



اذا مات العالم الفقیه ثلم فی‌الاسلام ثلمة لا یسدها شیء
به مناسبت اولین سالگرد ارتحال
عالم ربانی، فاضل کامل، اسوه صبر و تقوی و خدمتگزاری
مرحوم آیت‌ا... حاج شیخ فخرالدین مصدر الامور
مراسم یادبود در شهر مقدس قم برگزار می‌گردد.
زمان: پنجشنبه ۹۳/۰۱/۲۸ - بعد از نماز مغرب و عشاء
مکان: حسینیه شهدا(خیابان صفاییه)
بیت معظم له

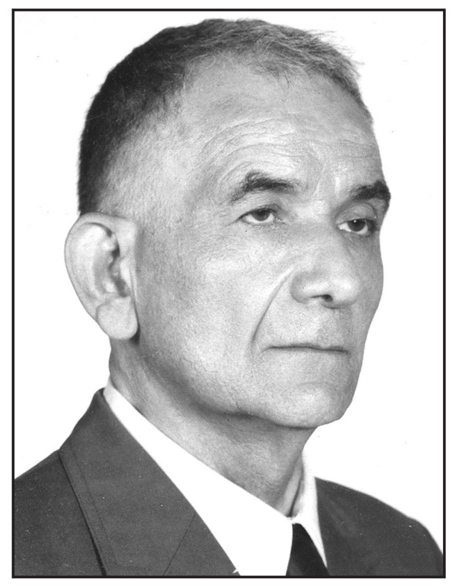
دو سال گذشت
روزها سرنوشت ساز هستند زندگی ما هم به ۲۹ ماه‌ها گره خورده، ۲۹ اسفند ماه ۱۳۳۹ روز امید به زندگی و روز ۲۹ فروردین ماه ۱۳۹۱ روز از دست دادن امید و روشنائی بود.
افخم عزیز ۵۲ سال با تو بودن شیرین ترین لحظات و ۲ سال دوری از تو به سان هزاران سال محنت و دوری بود.
هزار نغمه به لب دارم و خموشم من
ز آتشی که بود بر دلم به جوشم من
میان مستی و بی‌طاقتی به هوشم من
کجا شدی که ببینی چه سان خروشم من
دلم ز دست فراقت چه دردها دارد
رأس ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۳۹۳/۱/۲۸ با عزیزان بر سر مزارت گردهم می‌آئیم.
شوهر داغدارت: اسدالله وصالی

بیست و ششم فروردین ماه، هفدهمین بهاری است که خورشید پر فروغ زندگیمان، زنده یاد **احمد درود** بزرگ مردی عاشق و وارسته، صاحب علم و حکمت و معرفت که تجسم همه خوبیها و بزرگیها بود، غروب کرد و غم بی‌پایانی را بر دلهایمان نهاد. روحش شاد و نام و یادش جاودان باد.
بدیع‌الزمان اعتمادمقدم، شهره آفاق، شیرین، شهرآشوب و شهریار درود، کامران رهگذار، ابراهیم و شاهین رضائی

یادبود
در فروردین ماه سال ۱۳۹۳ ما همچنان با قلبی مملو از غم و اندوه آغاز چهارمین سال درگذشت همسر و پدری مهربان روان شاد **مسعودخان شجاع چاغروند** را با صبوری پی میگیریم و با خانم پروین همکلام می‌شویم.
پدر آن تیشه که بر خاک تو زد دست اجل
تیشه‌ای بود که شد باعث ویرانی من
رفتی و روز مرا تیره‌تر از شب کردی
بی‌تو در ظلمتم ای دیده نورانی من
بی‌تو اشک و غم و حسرت همه مهمان منند
قدمی رنجه کن از مهر به مهمانی من
همسر و فرزندان
داماد و عروس

یادبود
در ۲۸ فروردین سال ۱۳۹۳ با قلبی مملو از غم و اندوه آغاز دومین سال درگذشت مادری مهربان و فداکار **حاجیه خانم فاطمه باقری** را به صبوری پی میگیریم روحش شاد
مادر آن تیشه که بر خاک تو زد دست اجل
تیشه‌ای بود که شد باعث ویرانی من
از طرف خانواده محمودزاده

به نام خدای دانا و توانا
هشتمین سالگرد درگذشت استاد دکتر رضا صدوقی
دلم از وحشت زندان سکندر بگرفت
رخت بربندم و تا ملک سلیمان بروم
به هواداری او ذره صفت رقص کنان
تا لب چشمه خورشید درخشان بروم



۲۷ فروردین ۹۳ هشت سال از فنای صوری بزرگواری از تبار نیکان و پاکان، انسانی آزاده که جز خدمت به ملک و ملت اندیشه نکرد، میگذرد.
یاد و خاطره استاد در دل همه آن‌ها که از فروغ آن وجود گرانقدر بهره‌برده‌اند جاودان است
گفتم که بر خیالت راه نظر به بندم
گفتا که شبروست او از راه دیگر آید
بدین سان، پای‌بندی به انسانیت و شرافت یادگاری از آن رادمرد است که در وجود دانشجویان ـ دوستداران، همکاران و همه آن‌ها که از آن وجود گرانقدر بهره برده‌اند همواره زنده است درود بر روان پاک او، درود بر همه آن‌ها که با پیروی از شیوه زیست شکوهمند آن زنده یاد، پاسدار ارزشهای والای انسانی هستند
خاندان صدوقی

در هشتمین سالگرد درگذشت دکتر رضا صدوقی
ما شاگردان این استاد و متفکر بزرگ میهنمان یادش را گرامی داشته به روان پاکش درود می‌فرستیم.
تجربیات گرانبهائی که از رهنمودهای علمی و اخلاقی آن بزرگ مرد بکار بسته‌ایم برانگیزنده شور و شوق ما در راه خدمتگزاری به این سرزمین است.
انجمن دانش آموختگان مدرسه عالی مدیریت گیلان

تو مرگ آفتاب درخشان و پاک را باور مکن
بیست و هفتم فروردین ماه، دهمین سالگرد درگذشت مادرعزیزمان **خانم معصومه شهی بیگی** همسر مرحوم سرهنگ مرتضی جوزانی را گرامی می‌داریم.
خانواده‌های: جوزانی، شهی بیگی، تک منش و برجسته

(یادبود)
در بیست و نهم فروردین سال ۹۳ با قلبی سرشار از غم و اندوه دومین سال درگذشت همسر و پدر مهربانمان شادروان **سعید مطلق‌زاده** را پی می گیریم.
روحش شاد

مهری جان



نوه کوچکت، آراد، که هرگز تو را ندیده، با دیدن عکست، سراغت را می گیرد. من چه بگویم که بیش از ۳۵ سال با تو و در تو زیسته‌ام؟ چرا تنها رفتی؟!
پنجشنبه ۲۸ فروردین، ساعت ۱۷ خاک پاکت را با آب دیده می‌شوییم و یاد و نامت را بزرگ می‌داریم.
قطعه ۱۰۳ بهشت زهرا(س)، ردیف ۳، شماره ۲۷
نصرت، سروین، سپهر، مزدک، آترین و آراد
خانواده‌های: شجاعی، سرمدی، عالیخانی و وابستگان

تسلیت

جناب آقای دکتر سهراب بنی سلیمان شیبانی
با نهایت تأسف و تألم فوت همشیره گرامیتان را به شما و خاندان محترم تسلیت عرض نموده، برای جنابعالی سلامتی و برای آن مرحومه علو درجات آرزومندم.
روزنامه اطلاعات - فشمی

جناب آقای مهندس مصطفی حجت
باکمال تأسف و تأثر مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده از خداوند منان آمرزش و علو درجات برای آن مرحومه مغفوره و صبر و اجر و شکیبائی برای بازماندگان محترم مسئلت می‌نمائیم.
مدیران و کارکنان شرکت پرلیت

سرکار خانم لیلی قربانی
با اندوه فراوان مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و صبر و شکیبایی برای بازماندگان آن مرحوم از خداوند منان خواستاریم.
از طرف همکاران اداری بیمارستان شهید اکبرآبادی

همکار محترم جناب آقای دکتر حسین شفائی
با نهایت تأسف و تألم مصیبت وارده را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده، از خداوند منان صبر و شکیبایی برایتان آرزو مندیم.
هیئت مدیره و مدیرعامل بیمارستان توس

همکار محترم جناب آقای دکتر حسین شفائی
مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترمتان تسلیت عرض می‌نمائیم.
گروه بیهوشی بیمارستان توس

همکار محترم جناب آقای دکتر حسین شفائی
ما را در غم خود شریک بدانید.
دکتر علیرضا صفائی و خانواده

همکار محترم جناب آقای دکتر حسین شفائی
باکمال تأسف مصیبت وارده را به شما تسلیت می گوئیم.
گروه جراحان بیمارستان توس

خبر درگذشت اسفناک دانشمند گرامی
استاد دکتر جهانگیر صوفی
ما راکه فرصت شاگردی و شانس مصاحبت این بزرگمرد علم و دانش را داشته‌ایم، سخت در اندوه فرو برد. این مصیبت را به جامعه فرهنگی و دانشگاهی ایران و خانواده آن فقید سعید تسلیت می گوئیم.
جمعی از یاران و فارغ‌التحصیلان
مدرسه عالی بازرگانی تهران

جناب آقای غضنفر پژمان
نماینده فروش روزنامه اطلاعات در شبانکاره
باکمال تأسف و تأثر درگذشت ناگهانی فرزند دلبندتان را به شما و خانواده محترمتان تسلیت می گوییم و از خداوند متعال برای آن مرحوم غفران الهی و جهت بازماندگان صبر و شکیبائی آرزومندیم.
امور توزیع و فروش - سازمان شهرستانها - تهران و حومه - امور مشترکین - آبونمان - شبکه‌اطلاع‌رسانی - امور توزیع و فروش کتاب - انبار کتاب - ساعت کنترل - حمل و نقل - تعمیرگاه - سازمان پخش - انبار برگشتی - انتظامات

استاد ارجمند
جناب آقای دکتر ایرج اسعدی
مصیبت وارده را خدمت شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده برایتان آرزوی صبر و سلامتی داریم
دکتر فروغ آقارخ - دکتر مرسده طهماسبی

اناالله و اناالیه راجعون
همکار گرامی
جناب آقای دکتر سهراب بنی سلیمان شیبانی
با نهایت تأسف و تألم مصیبت وارده را صمیمانه تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال برای جنابعالی و خانواده محترم صبر و سلامتی و طول عمر و برای آن مرحومه علو درجات مسئلت می‌نمائیم.
مدیریت عامل، هیئت مدیره و کلیه پرسنل بیمارستان لاله

همدوره‌ای عزیز جناب آقای مهندس منوچهر طوسی
با نهایت تأسف درگذشت مادر گرامیتان را تسلیت عرض می‌نمائیم.
دانش آموختگان دوره ۵۱-۱۳۴۶
دانشکده فنی دانشگاه تهران

همکار عزیزمان سرکارخانم پونه حجازیان
سرکارخانم حمیده حجازیان
(مقدمی خلیل‌زاد) - سرکار خانم ویدا حجازیان
سرکار خانم صدف حجازیان
فامیل ارجمند حجازیان
فامیل ارجمند مقدمی خلیل‌زاد
ما را در این سوگ بزرگ شریک خود بدانید.
هرگز بزرگی‌های این انسان شریف و مدیر توانا را فراموش نمی نمائیم.
هیأت مدیره ـ مدیرعامل و همکاران در شرکت سکو ایران

استاد فرزانه سرکارخانم دکتر مینو محرز
با عرض تسلیت به حضور سرکار و خانواده گرامی، از پروردگار منان علو درجات آن مرحوم و صبر و شکیبایی و سلامتی بازماندگان را آرزومندیم.
دکتر هایده سمیعی - دکتر ویدا عمید - دکتر فرهاد سمیعی

دوست و همکار گرامی
سرکارخانم دکتر شقایق کامیان
با عرض تسلیت به حضور سرکار و خانواده گرامی، از پروردگار منان علو درجات مرحومه و صبر و شکیبایی و سلامتی بازماندگان را آرزومندیم.
نیلوفر سمیعی - دکتر فرهاد سمیعی

جناب آقای حاج حسن رحیمی
با اندوه فراوان درگذشت پدر گرامیتان را به جنابعالی و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده، و از خداوند منان شادی روح آن مرحوم بزرگوار و برای بازماندگان صبرجمیل آرزومندم.
علیرضا سلجوقی مدیرعامل شرکت بازرگانی فربود ثمن (سهامی خاص) و کارکنان

آگهی تغییرات شرکت نفت طاهرین شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۱۹۲۳۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۰۵۵۲۵
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۲۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد. اعضا هیئت مدیره بمدت دو سال به قرار ذیل: آقای اصغر موتمن ۱۲۶۰۳۶۸۶۸۸ و آقای غلامرضا فرجی ۰۶۰۳۱۴۷۷۴۷ و آقای محمد پیوندی ۵۳۰۹۷۷۳۳۴۷ انتخاب گردیدند. آقای علیرضا غیاثی ۶-۳۰۲۸۵۴-۰۰۵ به عنوان بازرس اصلی و خانم فرحناز کریمخانی ۳۱۳۳-۳۵۰-۲۷۵ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردید.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
۱۰۱۷۹۰-۳۶۷۸۱۶۱/م الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**
* *

آگهی تغییرات شرکت فولاد بوتیای ایرانیان سهامی خاص به شماره ثبت ۴۱۷۲۳۵ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۸۵۸۲۹
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۸/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: موضوع شرکت به شرح ذیل تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید: ایجاد، راه‌اندازی و بهره‌برداری کارخانجات آهن و فولادسازی و واحدهای مربوطه و نیز ایجاد، راه‌اندازی و بهره‌برداری از نیروگاه برق را در راستای پیشبرد و گسترش معادن و صنایع معدنی ایران در نقاط تعیین شده پس از اخذ مجوزهای لازم، انجام عملیات فولادسازی با روشهای مختلف عملیات و ذوب و ریخته‌گری و نورد فلزات آهنی و تولید انواع مقاطع هندسی استاندارد، احداث واحدهای مربوطه و صنایع وابسته، توسعه هر چه بیشتر و بهینه صنعت فولاد، انجام کلیه فعالیتهای بازرگانی اعم از خرید و فروش کالاهای تجاری فنی وارداتی و صادراتی، تجهیزات محصولات و مواد مصالح مربوط به معادن و صنایع معدنی و همچنین توزیع هرگونه عملیاتی که به نحوی از انحاء با اهداف فوق مرتبط باشد. حق العمل کاری سایر مبادلات تجاری از هر قبیل مشارکت و سرمایه‌گذاری در سایر مؤسسات مرتبط از طریق خرید و یا تعهد سهام، طراحی و تجهیز واکتشاف و استخراج از معدن عمدتاً سنگ آهن، مس، سنگ‌های تزئینی و سایر فعالیت‌های مجاز مرتبط از قبیل عملیات ساختمانی و راهسازی احداث تأسیسات و راه‌اندازی کارخانجات و صنایع فرآوری پس از اخذ مجوزهای لازم، انجام هرگونه عملیات پیمانکاری مشتمل بر مشاوره پیمان مدیریت، ارائه خدمات مهندسی در داخل و خارج از کشور که مرتبط با معادن و صنایع باشد. انجام کلیه امور معاملاتی و مبادرت به سایر عملیاتی که به طور مستقیم و غیر مستقیم درچارچوب قوانین جاری کشور برای تحقق اهداف شرکت لازم و مفید بوده یا درجهت اجرای موضوع فعالیت شرکت ضروری باشد.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
۱۰۱۷۸۹-۳۶۷۵۹۸۸/م الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تغییرات شرکت خدمات بیمه‌ای مسکن‌مهر آرمان شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۳۱۶۸۱ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۳۳۲۷۶
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۱/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محل شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس تهران خیابان پاسداران روبروی گلستان یکم پلاک ۳۰۸ طبقه همکف (اتاق شماره ۲) وط اول (اتاق شماره۵) کد پستی ۱۹۴۶۸۶۳۴۵۵ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح گردید و سال مالی شرکت در ماده ۳۳ اساسنامه به شرح مندرج در صورتجلسه تغییر یافت و اصلاح گردید.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
۱۰۰۱۲۴_۳۵۵۶۹۷۹ /م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**
* *

آگهی تغییرات شرکت تدبیر سرمایه الوند شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۰۱۳۲۸ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۵۲۲۷۳۰
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۳۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای غلامحسین عبدالهی سروی به کد ملی ۴۴۴۹۸۳۴۰۰۳ به نمایندگی شرکت تدبیر سرمایه جم به شم ۱۰۳۲۰۱۸۲۹۷۴ به سمت رئیس هیأت مدیره و آقای محمد جواد شمس ابرده به کد ملی ۰۹۳۱۹۹۵۲۶۴ به نمایندگی شرکت تدبیر سرمایه سهند به شم ۱۰۱۰۳۶۱۷۶۰۵ به سمت نایب رئیس هیأت مدیره و آقای عباس قنادرضایی به کدملی ۰۹۳۹۴۱۴۷۲۴ به نمایندگی موسسه تدبیر امداد کوثر به شم ۱۰۳۲۰۵۴۹۴۹۰ به سمت عضو هیأت مدیره و مدیرعامل تعیین گردیدند. کلیه اوراق و اسناد تعهدآور و قراردادها و چک و سفته با امضاء مدیرعامل و یا رئیس هیأت مدیره به اتفاق یکی از اعضاء هیأت مدیره همراه با مهر شرکت و اوراق و اسناد اداری با امضاء مدیرعامل و یا یکی از اعضا هیأت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر است.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
۱۰۰۱۲۵_۳۵۹۸۱۵۸/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**
* *

آگهی تغییرات شرکت ماشین‌سازی میرنظام سهامی خاص به شماره ثبت ۴۱۵۶۹۴ و شناسه ملی ۱۰۷۲۰۰۲۴۶۳۶
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقایان میرنظام گراکوئی به‌شماره ملی ۲۵۹۳۰۸۸۶۴۸ به سمت رئیس هیأت مدیره، میرحسین گراکوئی به‌شماره ملی ۲۷۰۸۳۲۵۲۷۲ به سمت نایب رئیس و میرساسان گراکوئی به‌شماره ملی ۲۵۹۳۰۱۲۳۹۰ به سمت مدیرعامل برای مدت دو سال تعیین گردیدند کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت به امضاء مشترک دو نفر از اعضا هیئت مدیره همراه با مهر شرکت دارای اعتبار می‌باشد. آقای بهمن عسکری با کد ملی ۲۷۲۱۹۹۳۱۰۰ به‌عنوان بازرس اصلی و آقای نادر زرکار با کد ملی ۲۷۰۹۲۴۳۹۹۷ به‌عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب گردید.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
۹۹۴۷۳_۳۷۳۷۹۷۹ /م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تغییرات شرکت مشاور پارس رازان سهامی خاص به شماره ثبت ۹۶۵۸۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۴۰۶۳۲۳
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۲/۰۴/۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ایرج عرب‌علی به شماره ملی ۰۰۳۷۳۳۴۲۰۴ به سمت بازرس اصلی و حسن بهاری به شماره ملی ۲۵۹۵۶۳۰۸۱۴ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد. ترازنامه و حساب سود و زیان منتهی به سال ۱۳۹۱ به تصویب رسید.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
۹۹۴۷۴_۳۷۲۵۸۶۴ /م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**
* *

آگهی تغییرات شرکت بیمه نوین شرکت سهامی عام به شماره ثبت ۲۶۳۴۶۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۸۰۸۶۸۰
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۰۷/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: مرتضی داداش به‌عنوان نماینده بانک اقتصاد نوین ۱۰۱۰۲۱۹۴۶۰۱ در هیأت مدیره و حسن معتمدی ۵۸۸۹۴۷۱۹۹۶ به عنوان نماینده شرکت توسعه صنایع بهشهر ۱۰۱۰۰۵۳۹۰۹۰ در هیأت مدیره و نصراله طهماسبی آشتیانی ۰۰۴۵۲۳۹۹۸۳ به‌عنوان نماینده شرکت پیمانکاری بین‌المللی استراتوس ۱۰۱۰۰۷۹۰۶۷۷ در هیأت مدیره و عیسی شهسوار خجسته به‌عنوان نماینده شرکت سرمایه‌گذاری ساختمان ایران ۱۰۱۰۱۶۶۰۴۱۰ در هیأت مدیره و غلامرضا مثنوی به‌عنوان نماینده شرکت کارگزاری بانک اقتصاد نوین ۱۰۱۰۲۷۳۸۳۷ در هیأت مدیره انتخاب بنابراین حسن معتمدی به نمایندگی از توسعه صنایع بهشهر به سمت رئیس هیئت مدیره و عیسی شهسوار خجسته به نمایندگی از سرمایه‌گذاری ساختمان ایران به سمت نائب رئیس هیئت مدیره و نصراله طهماسبی آشتیانی به نمایندگی از شرکت پیمانکاری بین‌المللی استراتوس به سمت عضو هیئت مدیره و مرتضی داداش به نمایندگی از بانک اقتصاد نوین به سمت عضو هیئت مدیره و غلامرضا مثنوی به نمایندگی از کارگزاری بانک اقتصاد نوین به سمت عضو هیئت مدیره انتخاب گردیدند و مسعود اژیه از سوی شرکت سرمایه‌گذاری گروه صنایع بهشهر ایران و آقای سهراب میرفخرایی از سوی شرکت تامین مسکن نوین به‌عنوان نمایندگان اعضای علی‌البدل هیأت مدیره شرکت انتخاب شدند و آقای غلامعلی غلامی به‌عنوان مدیرعامل شرکت (خارج از اعضاء) انتخاب گردیدند. مقرر شد برداشت از حساب‌های بانکی مربوط به پرداخت خسارت و کارمزد در شعب تهران با امضاء دو نفر از بین رئیس منطقه، رئیس شعبه، معاون شعبه و یکی از پرسنل شرکت همراه با مهر شرکت صورت گیرد. هیئت مدیره اختیارات خود را طبق موارد مندرج در صورتجلسه به‌مدیرعامل تفویض نمود.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
۱۰۰۱۱۷_۳۵۶۳۶۶۱ /م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

آگهی تغییرات شرکت تولیدی و پشتیبانی صنایع طه شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۵۵۰۰۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۹۷۷۶۲۰
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۰۸/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محل شرکت به تهران خیابان آفریقا کوچه گل‌گونه پلاک ۴۲ واحد ۷ به کد پستی ۱۹۱۵۸۱۳۸۵۳ منتقل گردید.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
۱۰۰۱۱۸-۳۵۴۹۲۵۲/م الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**
* *

آگهی تغییرات
شرکت صنایع ریخته‌گری ایران خودرو شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۶۵۳۰۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۰۷۸۶۹۰
بهاستناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۰۹/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضاء هیئت مدیره به شرح ذیل: شرکت گسترش سرمایه‌گذاری ایران خودرو ۱۰۱۰۱۸۰۰۶۸۲ با نمایندگی آقای بهمن بینش با شماره ملی ۱۳۷۳۶۷۸۹۳۳ و آقای محمدرضا محمدی با کدملی ۴۴۴۹۸۲۶۸۱۷ بعنوان نایب رئیس هیئت مدیره و آقای ابوالحسن علیزاده گنجی با کدملی ۲۰۶۲۱۷۰۰۹۲ به‌عنوان رئیس هیئت مدیره و آقای بهمن بینش به شماره ملی ۱۳۷۳۶۷۸۹۳۳ را به‌عنوان مدیرعامل برای بقیه مدت تصدی هیئت مدیره تعیین و کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت اعم از چک، سفته و برات و قراردادها به امضای مدیرعامل و یکی از اعضا هیئت مدیره به همراه مهر شرکت و درغیاب مدیرعامل با امضای دو نفر از اعضای هیئت مدیره به همراه مهر شرکت معتبر می‌باشد. سایر اوراق و مکاتبات عادی با امضا مدیرعامل و مهر شرکت معتبر خواهد شد.
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری
۱۹۲۸۴_۶۵۷۶۶۸۸/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**
* *

آگهی تغییرات شرکت مهندسی سبا نصب آسانبر شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۴۱۳۰۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۹۲۷۰۵۸
بهاستناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۰۹/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: شهرام بهروز به کدملی ۳۹۳۱۷۶۲۵۴۸ به‌سمت رئیس هیئت مدیره و شرکت مهندسی سبا آسانبر با نمایندگی آقای کامران فرنیان همدانی به‌سمت نایب رئیس هیئت مدیره و آقای امیر سلیمانی (خارج از اعضا هیئت مدیره) به شماره ملی ۰۴۵۱۶۶۸۳۲۴ به‌سمت مدیرعامل تعیین گردیدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور با امضای مشترک مدیرعامل و یکی از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت و یا دو عضو هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر است. کلیه اوراق و اسناد عادی با امضای مدیرعامل و یا یکی از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر است.
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری
۱۹۲۷۳_۶۶۰۸۰۳۸/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

انتقال شرکت پاکت سازی شفق سیمان سپاهان (سهامی خاص) در تاریخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۲ به شماره ثبت ۴۵۰۸۷۸ در اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری تهران به شناسه ملی ۱۰۸۶۱۶۰۱۹۱۰ ثبت و امضاء ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی می‌گردد
بهموجب نامه شماره ۱۰۳/۹۲/۳۲۰۳/۲۷ مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۶ اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان مبارکه و مستند به صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۰۹/۰۹ مرکز اصلی شرکت پاکت‌سازی شفق سیمان سپاهان (سهامی خاص) به نشانی تهران بزرگراه مدرس خیابان وحید دستگردی (ظفر شرقی) پلاک ۲۱۱ کدپستی ۹۱۹۸۱۴۶۱۱ انتقال یافت و در اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تحت شماره ۴۵۰۸۷۸ به ثبت رسیده است.
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری
۱۹۲۶۷_۶۵۸۷۰۶۸/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**
* *

آگهی تغییرات شرکت ساخت و عمران تدبیر سهامی خاص به شماره ثبت ۱۵۴۸۵۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۹۷۶۰۶۳
بهاستناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۱۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای مسعود زریبافان به کدملی ۰۰۴۴۳۶۶۸۳۳ به‌نمایندگی از شرکت گروه توسعه ساختمان تدبیر به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۶۶۳۸۷۰ به‌جای آقای موسی برزگری سلطان احمدی به‌سمت رئیس هیات مدیره برای بقیه مدت تصدی هیأت مدیره انتخاب گردیدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار و بانکی و تعهدآور و قراردادها و عقود اسلامی با امضاء مدیرعامل به اتفاق یکی از اعضاء هیات مدیره و درغیاب مدیرعامل با امضاء رئیس هیات مدیره و یکی از اعضاء هیأت مدیره متفقاً همراه با مهر شرکت و سایر نامه‌های اداری و مکاتبات عادی با امضاء مدیرعامل و مهر شرکت معتبر می‌باشد.
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری
۱۹۱۳۸_۵۹۸۲۶۸۸/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**
* *

آگهی تغییرات شرکت پرشین سوشیانت آریا سهامی خاص به شماره ثبت ۲۸۴۱۸۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۲۱۴۳۹۶
بهاستناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: خانم کاترین صراف‌زاده به سمت مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره به شماره ملی ۰۰۵۴۶۶۵۹۴۹ ـ خانم شیدا جوانشیری به‌سمت نایب رئیس هیئت مدیره به شماره ملی ۱۴۶۶۰۱۵۴۸۹ و آقای غلامعلی صراف زاده به سمت عضو هیئت مدیره به شماره ملی ۱۴۶۵۴۹۰۰۳۵ کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها و عقود اسلامی با امضاء مدیرعامل منفرداً همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری
۱۹۲۵۱_۶۵۷۴۱۵۹/م‌الف **سازمان ثبت اسناد و املاک کشور**

اطلاعات

سال هشتاد وهشتم

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سردبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

تقویم اطلاعات

چهارشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۹۳
۱۶ جمادی الثانی ۱۴۳۵ - ۱۶ آوریل ۲۰۱۴

ظهر شرعی	۱۳ و ۰۴ دقیقه
غروب آفتاب	۱۹ و ۳۸ دقیقه
اذان مغرب	۱۹ و ۵۷ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۰ و ۱۹ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۵ و ۰۱ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۶ و ۲۹ دقیقه

تخلیه زندان ابوغریب عراق به دنبال تهدید «داعش»

سرویس خارجی: همزمان با تهدیدهای داعش، وزارت دادگستری عراق اعلام کرد که زندان ابوغریب را بسته و تمامی زندانیان آن را به زندان‌های دیگر منتقل کرده است. حسن الشمری، وزیر دادگستری عراق در بیانیه‌ای اعلام کرد: وزارت دادگستری زندان مرکزی بغداد (ابوغریب) را به طور کامل بسته است و تمامی ۲۴۰۰ زندانی این زندان را که به اتهام اقدامات تروریستی مدت محکومیت خود را می گذرانند، به زندان‌های واقع در استان‌های مرکزی و شمالی عراق منتقل کرده است. به گفته وی این اقدام به خاطر مسائل امنیتی اتخاذ شده است. پیشتر منابع آگاه عراق اعلام کرده بودند که اعضای داعش به صورت مکرر دریچه‌های سد فلوجه را می‌بندند و سپس باز می‌کنند و این احتمال وجود دارد که داعش در حال آزمایش یک حمله تروریستی با استفاده از این سد باشد. در صورت باز شدن تمامی دریچه‌های سد فلوجه که در کنترل داعش است، بخش‌های وسیعی از بغداد از جمله منطقه ابوغریب زیر آب خواهد رفت.

در همین رابطه، پایگاه صهیونیستی «دبکا» با اشاره به تلاش تروریست‌های «داعش» برای حمله به بغداد، از تقویت استحکامات ارتش عراق در اطراف این شهر خبر داد. این گزارش مدعی است، دولت عراق اطلاعاتی به دست آورده که نشان می‌دهد گروهی از نیروهای گروه تروریستی داعش توانسته‌اند خود را به نقاطی در حومه غربی بغداد برسانند و برای حمله به این شهر برنامه‌ریزی کنند. به ادعای دبکا، عوامل داعش اخیرا در برخی نقاط در حومه بغداد فعال شده و با توزیع شب‌نامه، اهالی منطقه را به «توبه» و بیعت با خود فرامی‌خوانند. این در حالی است که، سازمان موسوم به «فراخوان ملی مردمی برای وارد کردن انفجارهای عراق در فهرست جنایت های نسل کشی گروهی» (حشد) درخواست کرد انفجارها و اقدامات تروریستی در عراق از سال ۲۰۰۳ میلادی، در فهرست سازمان ملل در بخش جنایتهای نسل کشی گروهی درج شود. از سویی، یک نماینده پارلمان عراق تاکید کرد که حکم بازداشت شماری از نمایندگان، به اتهامات مختلفی از جمله تروریسم صادر شده‌است. «عالیه‌نصیف»، نماینده‌ پارلمان عراق، از صدور ۱۳ حکم بازداشت برخی نمایندگان این پارلمان با اتهامات مختلفی از جمله تروریسم خبر داد و گفت: این احکام پس از رفع مصونیت این نمایندگان در ماه ژوئن (تیر ماه) اجرا خواهد شد. نصیف با اشاره به این که احکام صادرشده برای این نمایندگان هنوز به مرحله اجرا درنیامده، تصریح کرد: حکم بازداشت این نمایندگان با اتهامات مختلف از جمله تروریسم، جعل، تزویر و فساد صادر شده که پس از رفع مصونیت از این نمایندگان متخلف، اجرا خواهد شد. این نماینده پارلمان عراق اظهار داشت: مصونیت نمایندگان متخلف پس از پایان دوره فعلی پارلمان در ۱۴ ماه ژوئن آتی لغو خواهد شد.

بلر، مقصر اصلی

معاون نخست‌وزیر انگلیس گفت که تونی بلر باعث تاخیر انتشار گزارش کمیته چیلکات درباره جنگ عراق شده و این گزارش باید هرچه‌زودتر منتشر شود. نیک کلگ، معاون نخست‌وزیر انگلیس، اظهار داشت که چهره‌های بلندپایه‌ای که احتمالا مورد انتقاد این تحقیقات قرار می گیرند، باید برای انتشار این گزارش پس از پنج سال از آغاز تحقیقات فشار وارد کنند. وی در حالی این اظهارات را اعلام کرد که گزارش شده روسیه خارج کردن اسناد از حالت محرمانه برای آنکه توسط سرجان چیلکات، رئیس کمیته منتشر شوند، به بن‌بست خورده است از جمله این اسناد مکاتبات تونی بلر، نخست‌وزیر انگلیس در زمان جنگ عراق با جورج دبلیو بوش، رئیس‌جمهوری سابق آمریکا است. مقامات دفتر کابینه انگلیس تاکید کردند، فرآیند خارج‌سازی اسناد از حالت محرمانه به زودی تکمیل خواهد شد.

همگام با انتخابات

ضیاء الاسدی، دبیرکل فراکسیون الاحرار، وابسته به جریان صدر عراق در مصاحبه با شبکه المیادین اعلام کرد: احتمالا مقتدا صدر، رهبر جریان صدر به زودی به عرصه سیاست بازگردد. وی تاکید کرد: مقتدا صدر نمی‌خواهد شاهد خطا و دروغ در این مرحله باشد.

الاسدی در ادامه تاکید کرد: وزیران جریان صدر در مقایسه با سایر وزیران کابینه به نیازها و خواسته‌های مردم بیشتر پاسخ گفتند و ما بیش از یک نامزد از جریان صدر برای سمت نخست وزیری داریم. اما هنوز تصمیم نهایی در این خصوص اتخاذ نشده است. دبیرکل فراکسیون الاحرار همچنین فاش کرد: دیدار اخیر مقتدا صدر با آیت‌الله العظمی سیستانی، مرجع عالیقدر شیعیان عراق در خصوص آینده سیاسی عراق بود.



۷ کشته در انفجارهای تازه عراق

حملات تروریستی در مناطق مختلف عراق در حالی که این کشور در آستانه انتخابات پارلمانی قرار دارد، منجر به کشته شدن ۷ نفر و زخمی شدن دهها تن دیگر شد. در بغداد انفجار یک خودرو بمب گذاری شده منجر به کشته شدن دو نفر و زخمی شدن ۵ تن دیگر در جنوب این شهر شد. همچنین انفجار تروریستی دیگری در الطارمیه در شمال بغداد به کشته شدن یک کارگر و زخمی شدن دو تن انجامید. سقوط یک خمپاره در چندین محله در فلوجه هم باعث کشته و زخمی شدن ۷ نفر از غیرنظامیان شد، اما در موصل یک منبع امنیتی خبر داد که در حمله مسلحانه یک سرباز کشته و یکی دیگر نیز زخمی شده است. همچنین نیروهای امنیتی در عملیات تعقیب سه تروریست یکی از آنها را کشتند و دو تن دیگر را دستگیر کردند.

آمریکا رایزنی برای کمک نظامی به اوکراین را آغاز کرد

سرویس خارجی: سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد: در حال مذاکره با مقام های دولت کی یف برای ارسال کمک‌های نظامی به اوکراین هستیم. جن ساکی در جمع خبرنگاران اظهار داشت: با مقام های اوکراینی در حال گفت وگو هستیم تا نیازهای نظامی این کشور را تامین کنیم. وی گفت: بر اساس تصمیم دولت آمریکا در ۲۹ مارس بیش از ۳۰۰ هزار بسته غذایی برای نیروهای نظامی اوکراین به این کشور ارسال شد. وی با اعلام اینکه هیچ راه حل نظامی برای بحران اوکراین وجود ندارد، به روسیه هشدار داد اقدامات بیشتر علیه اوکراین برایش پیامدهای بیشتری در پی خواهد داشت. جان مک‌کین سناتور جمهوری خواه آمریکا نیز در سفر به استونی تاکید کرد باید برای اوکراین سلاح تامین کرد تا آنها بتوانند از خودشان دفاع کنند. وی گفت: روسیه همسایه خود را که همان اوکراین است، تهدید می‌کند. از طرفی سخنگوی کاخ سفید تایید کرد که طی روزهای اخیر رئیس سیا به کی یف سفر و با مقامات بلندپایه دولت جدید اوکراین دیدار کرد. جی کارنی گفت: ما معمولا درباره سفرهای رئیس سیا اظهارنظر نمی‌کنیم اما با توجه به شرایط استثنایی در این مورد و اتهامات غلطی که روس‌ها به سازمان سیا زده‌اند، می‌توانیم تایید کنیم که رئیس سیا در راستای سفری به اروپا به کی‌یف رفته است. در این حال رئیس جمهوری روسیه در گفت‌وگوی تلفنی با همتای آمریکایی خود، اطلاعات واشنگتن در مورد دخالت مسکو در اوضاع اوکراین را نادرست خواند و ریشه وخامت اوضاع در این کشور را به دلیل عدم تمایل مقامات کی‌یف برای تامین نظر مردم روس زبان عنوان کرد. پوتین به اوباما گفت تظاهرات اعتراض آمیز مردم در برخی مناطق اوکراین، نتیجه عدم تمایل مقامات کنونی کی‌یف برای در نظر گرفتن منافع و نظرات مردم روس زبان این کشور است. رئیس جمهوری روسیه از همتای آمریکایی خود خواست حداکثر تلاش خود را بکار گیرد تا مانع از ادامه خشونت‌ها در اوکراین و ریخته شدن خون مردم این کشور شود. رئیس جمهوری آمریکا نیز در این تماسی تلفنی، از رئیس جمهوری روسیه خواست با استفاده از اعمال نفوذ خود، نیروهای حامی روسیه در اوکراین را وادار کنند ساختمان‌هایی را که تصرف کرده‌اند، ترک کنند. اوباما به پوتین اعلام کرد نیروهای غیرقانونی در اوکراین باید سلاح‌های خود را زمین بگذارند. گفته می‌شود نتیجه این تماس، مشاجره لفظی دو طرف بر سر مسائل بوجود آمده در اوکراین بود. پوتین در این تماس تلفنی به شدت از مداخله آمریکا در امور اوکراین انتقاد کرد و خواستار توضیحاتی در مورد دلایل و اهداف سفر "جان برنان" رئیس سیا به کی یف شد. اوباما نیز در این تماس تلفنی نگرانی عمیق واشنگتن را در مورد حمایت مسکو از اقدامات مسلحانه جدایی طلبان هوادار روسیه، که به گفته وی خطری برای ضعیف شدن و بی ثباتی دولت اوکراین هستند ابراز کرد. در این حال نخست‌وزیر روسیه گفت: کشت و کشتار در اوکراین یک‌بار دیگر رخ داده و این کشور در آستانه جنگ داخلی قرار دارد. دیمیتری مدودف گفت: این یک اقدام تاسف‌آور است و علت اصلی بروز این تراژدی این است که مقام‌های مشروع اوکراین زمانی که ساختمان‌های دولتی توسط دیگران به تصرف درآمد، حتی تلاش نکردند از حقوق و قوانین مناطق مختلف در این کشور دفاع کنند.

در چنین شرایطی اتحادیه اروپا با تاکید بر نقش روسیه در بحران به وجود آمده در شرق اوکراین اعلام کرد با افزودن افراد دیگر در فهرست تحریمی این اتحادیه به منظور مسدود کردن دارائی‌هایشان و جلوگیری از صدور ویزای این اتحادیه برای آنها موافقت کرده است. در همین رابطه کاترین اشتون مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا گفت: با توجه به وقایع اوکراین ما تصمیم به افزایش تعداد افرادی که در لیست مسدود شدن دارائی ها و همچنین ممنوعیت صدو ویزا قرار دارند، گرفتیم.

تنش نظامی در دریای سیاه

وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) نزدیک شدن یک جنگنده روس به ناوشکن آمریکا مستقر در دریای سیاه را در زمانی که تنش‌ها میان دو کشور بر سر بحران اوکراین رو به افزایش است، یک اقدام تحریک آمیز توصیف کرد. سخنگوی پنتاگون اعلام کرد، این اقدام تحریک آمیز و غیرحرفه‌ای از سوی روسیه با پروتکل‌های ملی روس‌ها و توافق‌های پیشین درباره رویارویی های دو ارتش ناهماهنگ است.

وی گفت: یک جنگنده سوخو- ۲۴ ارتش روسیه در نزدیکی ناوشکن دونالدکوک آمریکا واقع در دریای سیاه پرواز کرد. به نظر رسید که این جنگنده مسلح نبوده است. این مقام مسئول پنتاگون افزود: این رویداد ۹۰ دقیقه به طول انجامید و زمانی صورت گرفت که این ناوشکن آمریکایی در حال گشت‌زنی در آبهای بین‌المللی غرب دریای سیاه بود. ناوشکن مذکور هم اکنون در بندر رومانی است. این جنگنده روس به هیچ یک از تماس‌های ناوشکن آمریکا پاسخ نداد. مقام‌های بلند پایه هنوز در این باره با مقام‌های روس به گفت‌وگو نپرداخته‌اند. در این حال معاون وزیر دفاع روسیه از پیوستن بیش از ۱۶ هزار نیروی نظامی ارتش اوکراین به روسیه خبر داد. وی افزود: این افراد در موسسات آموزش عالی وابسته به وزارت دفاع روسیه، دوره های آموزشی در رسته های مختلف را می گذرانند.

درخواست از سازمان ملل

رئیس جمهوری موقت اوکراین در گفت‌وگو با دبیرکل سازمان ملل پیشنهاد کرد نیروهای حافظ صلح به منظور انجام عملیات مقابله با تروریسم و هواداران روسیه و کاهش تنش‌ها در شرق این کشور مستقر شوند. الکساندر تورچینف در تماس تلفنی با بان کی مون گفت: مقام‌های جدید کی یف از این امکان استفاده می کنند اگر که سازمان ملل به اوکراین کمک کرده و به عملیات مقابله با تروریسم در شرق اوکراین بپیوندد زیرا متخصصان و ناظران قادرند مشروعیت و قانونی بودن اقدامات دولتی کی یف را در شرق اوکراین تایید کنند. بان کی مون نیز تاکید کرد کی یف به صورت کامل می تواند به کمک سازمان ملل تکیه کند.

در این حال نماینده دائم روسیه در اتحادیه اروپا هشدار داد اگر مقامات کی یف خون مردم در مناطق شرقی اوکراین را بریزند، دیگر حرفی برای گفتن با وزیر خارجه موقت این کشور در مذاکرات چهارجانبه ژنو باقی نخواهد ماند. "ولادیمیر چیژف" تاکید کرد: چگونگی اوضاع در اوکراین طی روزهای آینده نشان خواهد داد که آیا اصلا در جریان مذاکرات ۴ جانبه ۱۷ آوریل در ژنو صحبتی با کفیل وزارت امور خارجه اوکراین انجام خواهد شد یا خیر. خبر دیگر اینکه ولادیمیر پوتین با امضای حکمی "سرگئی آکسیونف" نخست وزیر منطقه کریمه را به عنوان استاندار موقت این منطقه منصوب کرد.

مطابق مقررات روسیه، مجلس محلی منطقه کریمه پیشتر آکسیونف را به عنوان نامزد مقام استانداری این منطقه به پوتین پیشنهاد کرده بود. رییس جمهوری روسیه در حکم خود نوشت: سرگئی آکسیونف تا انتخاب استاندار جدید کریمه، استاندار موقت این منطقه خواهد بود. از طرفی نخست وزیر کریمه از قطع جریان آب آشامیدنی این منطقه توسط اوکراین خبر داد. آکسیونف در دیدار با پوتین از مساله کمبود شدید آب آشامیدنی جمهوری کریمه ابراز نگرانی کرد.

عملیات جدید ارتش اوکراین

با وجود هشدارهای روسیه نسبت به خونریزی و استفاده از نیروی نظامی، ارتش اوکراین عملیات نظامی جدیدی را علیه معترضان به جدایی از این کشور در مناطق شرقی آغاز کرد. گزارش ها حاکی از آن است که یک ستون زرهی و چند اتوبوس حامل نیروهای ویژه اوکراین در مسیر شهر اسلاویانسک در شرق این کشور مستقر شده اند. تنش در شرق اوکراین با اعتراضات حامیان جدایی از این کشور همچنان ادامه دارد. عملیات ارتش اوکراین علیه معترضان در حالی آغاز شده که روسیه نسبت به استفاده از زور از علیه روس تبارهای حامی جدایی از اوکراین هشدار داده است.

ضرب و شتم کاندیداها

افراد مسلح ناشناس به دو نامزد انتخابات ریاست جمهوری اوکراین که قرار بود در یک برنامه تلویزیونی شرکت کنند، حمله کردند. دفتر "اولگ تسارف" یکی از کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری اوکراین اعلام کرد، وی به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفته و اکنون در شرایط وخیمی به سر می‌برد.

سفیر اردن در لیبی ربوده شد

سرویس خارجی: منابع امنیتی لیبی از ربوده شدن سفیر اردن در طرابلس، پایتخت لیبی خبر دادند. فواز العطیان، سفیر اردن در لیبی توسط افراد ناشناس ربوده شد. هنوز مشخص نیست چه گروهی عامل این اقدام است اما احتمال می‌رود انقلابیون سابق لیبی که هنوز سلاح‌های خود را بر زمین نگذاشته‌اند دست به ربودن سفیر اردن زده باشند. بنا بر این گزارش، صبح امروز افراد ناشناس با شلیک گلوله یک خودروی متعلق به سفارت اردن را متوقف کرده و اقدام به ربودن سفیر کرده‌اند. در این عملیات راننده سفیر زخمی شده است. در این حال، وزارت خارجه لیبی نسبت به تکرار حوادث ربوده شدن دیپلمات‌های خارجی در این کشور و این بار سفیر اردن در طرابلس توسط افراد مسلح به ابراز تاسف بسنده کرد. «سعید الاسود»، سخنگوی وزارت خارجه لیبی گفت: افراد مسلح ناشناس، نقاب بر صورت، سوار بر یک خودروی سواری و یک خودروی حامل بار، مسیر حرکت خودروی حامل سفیر را سد کردند و وی را ربودند و به مکانی نامعلوم بردند. همسر سفیر ربوده شده در گفت و گو با شبکه خبری اسکای نیوز ضمن تأیید این خبر تأکید کرد که آدم رباها با او تماس گرفته و تأکید کرده‌اند که حال العیطان خوب است.

تیراندازی به شهرک نشینان صهیونیست در کرانه باختری با یک کشته

سرویس خارجی: تیراندازی به سوی شهرک نشینان صهیونیست در شهر الخلیل در کرانه باختری منجر به کشته شدن یک تن و زخمی شدن چند نفر دیگر شد. رسانه های صهیونیستی اعلام کردند: شماری افراد مسلح ناشناس یک خودرو حامل شهرک نشینان را در نزدیکی پست ترقومیا به رگبار بستند که به کشته شدن راننده ۴۰ ساله خودرو و زخمی شدن همسر ۲۸ ساله وی و سه تن دیگر منجر شد.

رسانه های صهیونیستی گفتند: افراد مسلح پس از آن به سوی پایگاه نظامی اسرائیل در نزدیکی مکان عملیات خود رفته و با نظامیان داخل پایگاه درگیر شدند و سپس آنجا را ترک کردند. منابع اسرائیلی گفتند شهرک نشینی که به ضرب گلوله یک فلسطینی کشته شد یک افسر بلندپایه ارتش اسرائیل بود. در این حال جنبش جهاد اسلامی فلسطین در بیانیه ای به عاملان این حمله تبریک گفت و تاکید کرد: عملیات الخلیل پاسخ طبیعی به جنایات اشغالگران و شهرک نشینان علیه مردم ما در کرانه باختری و نوار غزه و بخصوص تجاوز شهرک نشینان به صحن های مسجد مبارک الاقصی است. خبر دیگر اینکه نظامیان رژیم صهیونیستی با یورش به اردوگاه «عایده» در کرانه باختری یک زن فلسطینی را با پرتاب گاز اشک‌آور به شهادت رساندند. در تحولی دیگر نظامیان رژیم صهیونیستی در پی تنش در مرز غزه با سرزمین‌های اشغالی به خاطر بسته شدن گذرگاه‌ها، به حال آماده باش درآمدند. نیروهای رژیم اشغالگر گذرگاه های «کرم ابوسالم» در جنوب شرق نوار غزه و «بیت حانون» در شمال نوار غزه را به بهانه اعیاد یهودی مسدود کرده اند.

رتبه دوم خریدهای نظامی منطقه به بحرین رسید

سرویس خارجی: نتایج یک پژوهش بین‌المللی نشان داد بحرین در سال ۲۰۱۳ با صرف یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار برای تجهیزات نظامی در رتبه دوم افزایش هزینه‌های نظامی در منطقه خاورمیانه قرار گرفته است. آکادمی بین‌المللی پژوهش های صلح در استلکهم در گزارشی اعلام کرد: بحرین با افزایش ۲۶ درصدی هزینه‌های نظامی خود در مجموع یک میلیارد و ۲۳۶ میلیون دلار در سال ۲۰۱۳ صرف هزینه‌های نظامی کرده است.

این گزارش حاکی است که هزینه‌های نظامی بحرین نسبت به سال ۲۰۰۴ رشد ۱۱۰ درصدی را نشان می‌دهد و این در حالی است که مجموع رشد تولید داخلی این کشور از سال ۲۰۰۴ تاکنون ۶۰ درصد بوده است. بر این اساس، بحرین از لحاظ افزایش هزینه‌های نظامی در رده ۲۳ جهانی قرار دارد. افزایش هزینه‌های نظامی بحرین مربوط به خرید اسلحه و مهماتی است که از آنها برای سرکوب اعتراض های داخلی استفاده می‌شود. این گزارش همچنین از افزایش میانگین هزینه‌های نظامی در منطقه خاورمیانه تا ۱۵۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۳ خبر داد.

کوتاه از سراسر جهان

انفجار در شهرهای قاهره و جیزه

ایرنا: رسانه های عربی، از وقوع دو انفجار در شهر الجیزه و قاهره خبر دادند. شبکه خبری العربیه در خبری فوری گزارش داد انفجار در منطقه الدقی در قاهره یککشته و چندین زخمی بر جا گذاشت. خبرگزاری فرانسه به نقل از منابع امنیتی گزارش داد که دو نیروی پلیس در این انفجار زخمی شده‌اند. شبکه خبری «سی ان ان» نیز به نقل از خبرگزاری رسمی مصر از کشته شدن یک نیروی پلیس و زخمی شدن یک تن دیگر در پی انفجار بمب دست‌ساز در نزدیکی یک ایست بازرسی و کنترل ترافیک در الدقی خبر داد. همچنین انفجار در میدان الجلاء شهر الجیزه تلفاتی در بر نداشت. از سویی، جلسه محاکمه مرسی و ۲۴ تن از رهبران اخوان برای پیگیری پرونده فرار از زندان وادی النطرون برگزار شد. در چنین شرایطی، اینترپل، وزیر دارایی دوره ریاست جمهوری حسنی مبارک را هنگامی که وی از لندن وارد فرانسه شد، بازداشت کرد.

ترور رئیس انجمن طرح‌های خیریه اسلامی لبنان

ایسنا: رئیس انجمن طرحهای خیریه اسلامی لبنان بعد از گذشت چند روز از ترور، در بیمارستان جان باخت. "شیخ عرسان سلیمان" چند روز پیش در اردوگاه فلسطینی «عین الحلوه» در شهر صیدا در جنوب لبنان ترور شد. حزب‌الله با انتشار بیانیه ای اعلام کرد: ترور یک شخصیت عالم در اردوگاه عین الحلوه در این شرایط حساس و سختی که ملت های فلسطین و لبنان به سر می برند، خدمت به رژیم صهیونیستی است و بشدت محکوم می شود.

تیراندازی در مرز افغانستان - پاکستان

ایرنا: دو پاکستانی بر اثر تیراندازی نیروهای مرزی افغانستان به داخل خاک پاکستان در ایالت بلوچستان، کشته شدند. رسانه های پاکستان به نقل از مسئولان مرزی نوشتند: دو شهروند پاکستانی در منطقه «بدینی» ایالت بلوچستان بطور غیر عمد وارد منطقه مرزی افغانستان شده و در پی آن نیروهای افغان به سوی آنان شلیک کردند. نیروهای مرزی افغانستان اعلام کردند که آنان به سوی دو شبه نظامی طالبان شلیک کردند اما دولت پاکستان این اظهارات را رد کرد.

۳۰ افسر ارتش ونزوئلا به اتهام کودتا دستگیر شدند

ایسنا: یک روزنامه ونزوئلایی اعلام کرد که نیروهای امنیتی این کشور ۳۰ تن از افسران ارتش را با درجه‌های متفاوت که شامل چند ژنرال نیز می‌شوند، به اتهام توطئه برای سرنگونی نیکلاس مادورو، دستگیر کردند. این اطلاعات از سوی روزنامه "اولتیماس نوتیسیاس" منتشر شده و منبع آن چند منبع بلندپایه در کاخ ریاست جمهوری ونزوئلا عنوان شد.

گرامیداشت سالروز تولد بنیانگذار کره‌شمالی



ایسنا: مردم کره‌شمالی سالروز تولد «کیم ایل سونگ»، بنیانگذار این کشور را گرامی داشتند و مجددا وفاداری خود به خاندان کیم را اعلام کردند. همچنین کیم جونگ اون، رهبر کره‌شمالی به پدربزرگش ادای احترام کرد. وی با همراهی رهبران بلندپایه ارتش کره‌شمالی از کاخ کومسوسان در پیونگ یانگ که میزبان جسدهای مومیایی شده کیم ایل سونگ، پدر بزرگ و کیم جونگ ایل پدر وی است بازدید کرد.

دولت فیلیپین وخودمختاری اقلیت مسلمان «مورو»

ایسنا: رئیس جمهوری فیلیپین به صورت رسمی پیش‌نویس قانونی را که بیانگر یک گام حساس به سمت ایجاد منطقه خودمختار برای اقلیت مسلمان این کشور است، در پی توافق صلح تاریخی دریافت کرد. «بنینو آکینو»، رئیس جمهوری فیلیپین پیش‌نویس این قانون را از نمایندگان جبهه آزادی‌بخش مورو دریافت کرد. این قانون روند ایجاد یک منطقه خودمختار را به عنوان بخشی از روند صلح برای پایان دادن به چند دهه درگیری و ناآرامی که ده‌ها هزار قربانی بر جای گذاشت، تسریع می‌بخشد.

تاکید رئیس‌جمهوری چین بر افزایش توان نیروی هوایی

ایسنا: «شی جین پینگ»، رئیس جمهوری چین به نیروی هوایی این کشور تاکید کرد تا به یکپارچگی ظرفیت و توانایی دفاع هوایی و فضایی دست بزنند؛ اقدامی که رسانه‌های خبری آن را واکنشی به افزایش استفاده نظامی از حریم هوایی توسط آمریکا و سایرین دانستند. درهمین حال چین در پی انتشار گزارش حقوق‌بشری انگلیس علیه این کشور، لندن را به مداخله در امور داخلی خود متهم کرد.

محکومیت بمبگذاری نیجریه

ایسنا: شورای امنیت سازمان ملل حادثه بمب گذاری در یک ایستگاه اتوبوس در نیجریه را که منجر به مرگ ۷۱ تن و زخمی شدن ۱۲۴ تن دیگر شد، محکوم کرد. اعضای این شورا تاکید کردند که تروریسم به هر شکل ممکن غیرقابل توجیه است و بدون توجه به محرک این حوادث نباید به دین، ملیت، تمدن یا قومیت ربط داده شود. «ویلیام هیگ»، وزیر امور خارجه انگلیس نیز این اقدام را محکوم کرده و عنوان کرد: من به شدت از شنیدن خبر این انفجار غمگین شده و بدون شک خواستار محکومیت مسئولان این اقدام تروریستی هستم.

فرانسه ومعضل کسری بودجه

فارس: «مانوئل والس»، نخست‌وزیر فرانسه در اظهاراتی در برلین بر عزم کشورش برای پایبندی به تعهدات خود در زمینه کاهش کسری بودجه تأکید کرد. وی افزود: فرانسه متعهد به انجام اصلاحات مهم و ساختاری است و تصمیم دارد از طریق پیمان اعتماد و همبستگی، از رشد اقتصادی حمایت کند. رشد اقتصادی فرانسه از سر گرفته خواهد شد و به همین دلیل بسیار مهم است که ما در سطح کشورها و اتحادیه اروپا از رشد اقتصادی کشورمان حمایت کنیم.

افشاگری‌های اسنودن ۲ روزنامه را برنده «پولیتزر» کرد

فارس: روزنامه‌های «واشنگتن‌پست» و «گاردین» در پی انتشار و پرداختن به افشاگری‌های «ادوارد اسنودن» پیمانکار پیشین آژانس امنیت ملی آمریکا جایزه امسال بخش خدمات عمومی سال ۲۰۱۴ «پولیتزر» را کسب کردند. کمیته پولتزر در دانشگاه کلمبیا واقع در واشنگتن اعلام کرد که گزارش‌های روزنامه واشنگتن‌پست درباره جاسوسی های آمریکا به افکار عمومی کمک کرده است درباره امنیت ملی کشورشان اطلاعات بیشتری داشته باشند. روزنامه گاردین نیز بحث‌هایی درباره روابط میان دولت و افکار عمومی در زمینه امنیت و حریم خصوصی افراد مطرح کرده است.

«برلوسکنی» و کار اجباری



ایسنا: دادگاهی در میلان ایتالیا «سیلویو برلوسکنی»، نخست وزیر پیشین این کشور را به یک سال انجام کار اجباری در خدمات اجتماعی به اتهام تقلب مالیاتی محکوم کرد. برلوسکنی به اتهام حق خرید برنامه‌های تلویزیونی توسط شرکت مدیاست متعلق به خودش، به تقلب مالیاتی محکوم شده است. وی قرار بود مدت محکومیت خود را در زندان به سر ببرد. هنوز مشخص نیست که شکل انجام خدمات اجباری اجتماعی برلوسکنی چگونه است.

زاویه

رد پیشنهاد ۷ بندی آمریکا از سوی ایران

روزنامه لبنانی «السفیر» نوشت: جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد هفت بندی آمریکا در باره پرونده های منطقه را رد کرده است. السفیر افزود: آمریکا این پیشنهاد را به ایران و همپیمانان آن ارائه کرده است و یک بند آن مربوط به سکونت دائم فلسطینی ها در کشورهایی است که اکنون در آنها اقامت دارند. در این گزارش آمده است که اصرار «جبران باسیل» وزیر امور خارجه لبنان در اجلاس اخیر وزیران خارجه اتحادیه عرب در قاهره بر درج بندی مستقل در خصوص مخالفت با طرح وطن جایگزین، سئوالات زیادی را درخصوص پشت پرده این موضع لبنان مطرح می کند، برغم اینکه در بیانیه وزیران خارجه اتحادیه عرب، به مسئله وطن جایگزین به این شکل اشاره شده است. برخی از آنچه در پشت پرده وجود دارد، اصرار «جبران باسیل» بر درج بند مستقل را توجیه می کند، بویژه اینکه برخی اطلاعات از وجود پیشنهاد آمریکا به ایران و همپیمانانش در این رابطه حکایت دارد. درگزارش السفیر تحت عنوان «ترس لبنان از احیای ایده وطن جایگزین» به قلم «داود رمال» آمده است: ایران این پیشنهاد را برغم اینکه منافع زیادی برایش داشت، رد کرده است. در خصوص پشت پرده این پیشنهاد باید گفت، بدنبال حملات یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱، در میان مقامات تصمیم گیر دولت آمریکا این گرایش حاکم شد که نظام سعودی را به دلیل حمایت از القاعده و گروه های وابسته به آن، متهم کنند و حتی صداهایی که خواستار حمله به عربستان سعودی و پایان دادن به عمر نظام حاکم آن بود، شنیده شد و همچنین این درخواست مطرح شد که نظام پادشاهی تغییر کند و به مکان های مقدس اسلامی که دارای جایگاهی خاص هستند، استقلال داده شود و یک نهاد اسلامی گسترده آنها را اداره کند. آمریکا این پیشنهاد را از طریق میانجی‌های معتمد به ایران و همپیمانان آن در منطقه ارائه کرد. محور مقاومت از این پیشنهاد نگران شد و تبدیل درگیری در منطقه به درگیری مذهبی را رد کرد، زیرا می ترسید که فلش قطب نما از روی فلسطین تغییر کند. محور مقاومت در مقابل این پیشنهاد، این سئوال اساسی را مطرح کرد: موضوع اسرائیل و کشور فلسطین با حاکمیت کامل و به پایتختی قدس شریف چه می شود؟ آمریکایی ها اعلام کردند که نباید در باره موضوع اسرائیل و تشکیل کشور فلسطین سخنی گفته شود و از طریق میانجی معتمد این پیام را دادند که این موضوع قابل طرح نیست، زیرا اولویت ما جنگ علیه تروریسم و اسلام تکفیری مورد حمایت سعودی است. ایران و همپیمانان آن در پاسخ گفتند: ما نمی توانیم در مسیر روابط با یک طرف به ضرر یک کشور منطقه واردشویم در حالی که از قبل نمی دانیم سرنوشت کشور مستقل فلسطین و موافقت صریح آمریکا با آن چه می شود. آیا اسراییل به عقب نشینی کامل از سرزمین‌های اشغالی عربی در جولان، لبنان و فلسطین تا مرزهای سال ۱۹۶۷ مجبور خواهد شد. بعداز اینها می توان مطابق با راهبرد همه جانبه عربی و منطقه‌ای در باره اوضاع آینده خاورمیانه گفتگو کرد. درهرصورت، تماس‌هایی که دولت سوئیس متولی آن بود، متوقف و عربستان سعودی بعدها از پیشنهاد و نگاه آمریکا به خود، بویژه در خصوص آینده ژئو پلیتیک آگاه شد. عربستان سعودی بلافاصله از طریق سه شخص اصلی، پیام‌هایی را برای دولت آمریکا فرستاد: «ترکی الفیصل» سفیر عربستان در لندن، «بندر بن سلطان» سفیر عربستان در واشنگتن و «سعود الفیصل» وزیر خارجه عربستان. عربستان در این پیام ها آمادگی خود را برای بهبود روابط با آمریکا اعلام کرد و به سرعت به همه درخواست های آمریکا برای جنگ با تروریسم پاسخ داد و اعلام کرد که هیچ مانعی برای اجرای دستورهای آمریکا ندارد. هنگامی که تصمیم گیران و تصمیم سازان در دولت آمریکا به نظریه «هرج ومرج خلاق» که باید به ایجاد خاورمیانه جدید منجر می‌شد، رسیدند، همپیمانی گسترده ای بین آمریکا و همپیمانان غربی آن در سه ایستگاه و مرحله شکل گرفت: ۱-سقوط حکومت طالبان در افغانستان. ۲-اشغال عراق. ۳-جنگ علیه مقاومت لبنان در سال ۲۰۰۶.

همزمان با آن، پایگاه های نظامی آمریکا در خلیج فارس گسترش یافت. از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ برای تصمیم گیران دولت آمریکا روشن شد که جنگ علیه تروریسم به اهداف تعیین شده دست نیافته است و به همین دلیل آمریکا تصمیم گرفت یک سیاست جدید را دنبال کند. این پیشنهاد متکی به اطلاعات و داده های متقاطعی بود که منابع دیپلماتیک بسیار آگاه شرقی ارائه کردند و با یک سئوال اساسی همراه بود: این سیاست جدید دولت آمریکا که به نظر می‌رسد بر روش تشویق و وسوسه و ترس و ارعاب تکیه دارد، چه اهدافی را دنبال می کند؟ این منابع فاش کردند که نام این طرح «معامله همه جانبه هفت بندی» است که دولت آمریکا برای حل درگیری عربی - اسرائیلی و ایجاد تشکیل کشور فلسطین با هدف ارائه آن به ایران و همپیمانانش آماده کرد. اساس این طرح، سکونت دائم فلسطینی های پناهنده در همان مکان هایی که اقامت دارند، به عنوان کشور جدید است که لبنان هم شامل آن می شود و درمقابل، به محور مقاومت اجازه داده می شود که نقش، نفوذ و رهبری خود در لبنان و جهان عرب را تقویت کند. این منابع می گویند که اطلاعات بدست آمده، جزئیات معامله را بر این اساس ترسیم می کند:

۱-آمریکا می پذیرد که در باره تغییر یا تعدیل ساختار حکومت لبنان که از پیمان «طائف» گرفته شده است، بازنگری صورت گیرد تا اختیارات از نخست وزیر به رییس جمهوری داده شود.

۲-واشنگتن آماده بازنگری در توزیع فرماندهی دستگاه های نظامی و امنیتی لبنان است، بدین ترتیب که فرماندهی ارتش به طایفه شیعه و فرماندهی نیروهای امنیت داخلی به اهل تسنن و مدیریت کل نیروهای امنیت عمومی به مسیحیان مارونی داده شود.

۳-آمادگی واشنگتن برای حفظ نظام سوریه و رهبری آن.

۴-آمادگی آمریکا برای اعمال فشار بر پادشاه بحرین جهت قبول شروط مخالفان و موافقت با تشکیل نظام مشروطه پادشاهی، به طوری که حکومت در اختیار اکثریت قرار گیرد.

۵-درخواست از عربستان سعودی برای توقف حمایت مالی از گروه های سلفی و تکفیری در منطقه، کاهش نقش آن در مرجعیت اسلامی و فشار بر ریاض برای دادن حقوق شهروندان ساکن مناطق نفت خیز «الشرقیه» عربستان و وارد کردن آنان در زندگی عمومی این کشور.

۶-فشاربراسراییل برای عقب نشینی از کشتزارهای «شبعا»، جولان سوریه، کرانه باختری و نوار غزه، پذیرش تشکیل کشورفلسطین در مرزهای ۱۹۶۷ و باقی ماندن اعراب فلسطینی درداخل رژیم اسرائیل.

۷-اوج معامله آمریکایی این است که آمریکا آماده است تا تحقیقات دادگاه بین المللی درخصوص ترور رفیق حریری، به سوی گروه سلفی - تکفیری، از طریق حذف اطلاعات دستگاه های امنیتی آمریکایی و تصاویر ماهواره هایی که در پایان باید نتیجه حقیقت این تروررا مشخص کنند، سوق یابد. این منابع گفتند که محتوای این معامله به این نتایج حتمی منجر می‌شد: ۱-از سرگیری درگیری های مسیحی - اسلامی در لبنان. ۲-شعله ور شدن آتش فتنه در منطقه بین ایران و همپیمانانش از یک سو و کشورهای عرب خلیج فارس و کشورهای اسلامی از سوی دیگر. ۳-اطمینان کامل از اینکه حیات رژیم اسرائیل در صدسال آینده ادامه دارد. در صورت رد پیشنهادهای اولیه، امکان پذیرش کل این معامله ممکن نیست، بویژه در سایه جنگ سختی که منطقه در بیش از یک جبهه شاهد آن است و هدف اصلی آن، تجزیه کشورهای عربی و نابودی آرمان فلسطین است.

آمریکا: مخالفان مسلح در سوریه موفق نبوده‌اند

سرویس خارجی: سخنگوی وزارت خارجه آمریکا ضمن اذعان به عدم موفقیت گروههای مسلح مخالف سوریه گفت: تحلیل و بررسی های ما نشان می دهد آنچه در سوریه در جریان است یک جنگ فرسایشی است. جن ساکی افزود: در این جنگ فرسایشی در نهایت هیچ کدام از دو طرف نمی توانند موفقیتهایی را کسب کنند.

وی همچنین بر ادامه حمایتهای آمریکا از مخالفان دولت سوریه تاکید کرد. در این حال کمیسیونر عالی حقوق بشر سازمان ملل اعمال شکنجه نظام‌مند از سوی دوطرف درگیر در سوریه را محکوم کرد. ناوی پیلای، در گزارشی هشت صفحه‌ای که در آن به سخنان ۳۸ تن از قربانیان شکنجه استناد شده است، اعلام کرد: چند گروه مخالف مسلح بویژه داعش، جبهه النصره، آزادگان شام، طوفان شمال و تیپ توحید که بازداشتگاه‌هایی در اختیار دارند، از سال ۲۰۱۳ مردان، زنان و کودکان را مورد شکنجه قرار داده‌اند.

پیلای در این گزارش اظهار تاسف کرد که برخی گروه‌های مسلح علیه مخالفان خود دست به شکنجه‌های هولناک می‌زنند. خبر دیگر اینکه شبکه خبری المنار ارگان حزب الله لبنان اعلام کرد تیم خبرنگاران شبکه المنار لبنان در حال پوشش تصاویر بازپس گیری شهرک معلولا در قلمون توسط ارتش سوریه هدف تیراندازی تروریست های تکفیری قرار گرفت که به شهادت «حمزه الحاج حسن» و «حلیم علوه» دو خبرنگار و همچنین «محمد منتش نیروی فنی تیم خبری المنار و زخمی شدن چند تن دیگر از همکارانشان منجر شد.

المنار نوشت: این در حالی است که خودروهای تیم خبرنگاران آرم مخصوص دارند و تروریست ها عمدا آنها را هدف گرفتند.

در این حال سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت با صدور بیانیه‌ای، به شهادت رساندن خبرنگاران المنار را محکوم کرد و آن را عمل بزدلانه قدرت‌های تاریک اندیش تکفیری تندرو مرتبط با دشمن صهیونیستی خواند و تاکید کرد بر خلاف میل جنایتکاران صدای حق و حقیقت همواره از طریق این شبکه مقاوم و مجاهد بر افراشته خواهد ماند.

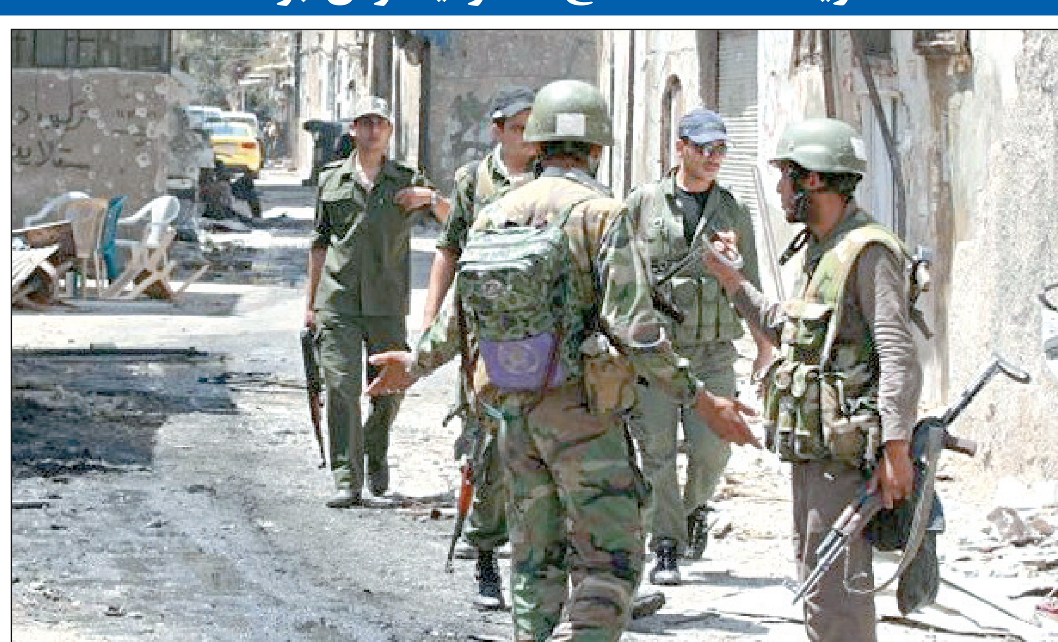
خبر دیگر اینکه وزارت خارجه سوریه در دو نامه به شورای امنیت و سازمان ملل، آمریکا، ترکیه، اسرائیل، عربستان و گروه‌های تروریستی را مسئول جنایت‌ها در سوریه و عاملان استفاده از سلاح‌های شیمیایی دانست.

از سوی وائل الحلقی، نخست وزیر سوریه گفت: اقدامات و جانفشانی‌های ارتش سوریه در میدان جنگ بیانگر این است که دمشق می تواند تمامی اراضی غصب شده خود از جمله بلندی‌های اشغالی جولان را که اکنون در اشغال اسرائیل است، پس بگیرد. در تحولی دیگر وزاری خارجه اتحادیه اروپا در اظهاراتی مداخله جویانه ضمن طرح این ادعا که برگزاری هرگونه انتخابات ریاست جمهوری یا انتخابات دیگر در سوریه فاقد اعتبار است، خواهان از سرگیری مذاکرات ژنو برای حل بحران سوریه شدند.

آنها در بیانیه‌ای در حاشیه نشست لوکزامبورگ اعلام کردند: هر گونه انتخاباتی در سوریه باید در چارچوب بیانیه ژنو و براساس روند سیاسی واقعی برگزار شود. آنها مدعی شدند: برگزاری انتخابات ریاست جمهوری یا هر انتخابات دیگری در بحبوحه درگیری‌ها در سوریه و در سایه آواره شدن میلیون‌ها سوری از خانه‌هایشان، در واقع به سخره گرفتن دموکراسی است و این انتخابات به هیچ وجه دارای اعتبار نخواهد بود.

این درحالی است که منابعی در پارلمان سوریه اعلام کردند احتمالا هفته آینده فراخوان برای انتخابات ریاست جمهوری این کشور آغاز خواهد شد.

خبر دیگر اینکه مجلس اسلامی سوریه به ریاست «اسامه الرفاعی» در استانبول اعلام موجودیت کرد. نزدیک به ۴۰ هیات و انجمن اسلامی در داخل و خارج سوریه به این مجلس پیوسته‌اند و برخی از هیات‌های شرعی گروه‌های جنگ‌جو در سوریه نیز عضو این مجلس شده‌اند. اسامه الرفاعی گفت: غیر از داعش و جبهه النصره، ۹۰ درصد از گروه های مختلف مخالفان سوری و گروه های دینی و اسلامی در این مجلس دارای نماینده هستند.



ورود ارتش سوریه به منطقه مرزی عسال الورد

ارتش سوریه در ادامه پیگرد گروههای تروریستی در منطقه مرزی القلمون و نقاط هم مرز با لبنان وارد منطقه عسال الورد شد. همزمان با پیشروی های جدید ارتش سوریه به سوی عسال الورد شمار زیادی از گروههای تروریستی تسلیم ارتش سوریه شدند.

این درحالی است که ارتش سوریه طی روزهای اخیر چندین منطقه مهم از جمله شهر مسیحی نشین معلولا را از وجود تروریست ها پاکسازی کرد.

از سویی ۵ دانش آموز سوری بر اثر اصابت خمپاره به مدرسه ای در مرکز دمشق کشته و ۴۵ دانش آموز دیگر مجروح شدند.

وزیر خارجه در کمیسیون اقتصادی مشترک ایران و امارات:

ثبات و امنیت زیر بنای توسعه اقتصادی و شکوفایی ملت هاست

اجلاس عالی کمیسیون اقتصادی مشترک ایران و امارات با حضور محمد جواد ظریف و عبدالله بن زاید، وزیران خارجه دو کشور در ابوظبی پایتخت امارات برگزار شد.

به گزارش مهر، محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه کشورمان که در راس هیاتی از ایران به همراه امیر عبدالهیان، معاون وزیر امور خارجه و مرضیه افخم، سخنگوی امور خارجه در این اجلاس حضور دارد به عنوان سخنران میهمان عالی اجلاس به ایراد سخنرانی پرداخت. وزیر خارجه در این جلسه گفت: این نشست فرصت مغتنمی است تا نمایندگان بخش های خصوصی و دولتی دو کشور با هم اندیشی و هم افزایی بتوانند زمینه‌ها و ابعاد متنوع همکاری های دوجانبه را مرور نموده و نقشه راه تقویت و توسعه روابط و گام های عملیاتی در این زمینه را طراحی نمایند.

وی با بیان این که نگاه جمهوری اسلامی ایران به ویژه دکتر روحانی، رئیس جمهوری به امارات عربی متحده یک نگاه ویژه و مبتنی بر برادری، تعامل سازنده و گفتگو است، افزود: خوشبختانه اراده سیاسی موجود در رهبران دو کشور برای گسترش همکاری ها بستر لازم را برای توسعه روابط در همه زمینه ها فراهم آورده است.

وزیر خارجه با بیان این که دو دولت در قالب کمیته های کنسولی و گارد ساحلی گفتگوهای مستمر و منظمی دارند، گفت: در هشتیمن اجلاس کمیسیون مشترک کنسولی توافقات خوبی در زمینه مبارزه با مواد مخدر، جرایم سازمان یافته و ... به عمل آمده که اجرایی شدن بندهای مورد توافق دستاوردهای مهمی برای دو ملت خواهد داشت. وی افزود: علاوه بر تبادل هیات‌ها در بخش سیاسی و کنسولی در بخش همکاری‌های اقتصادی، انرژی و اینترپل هم گفتگوهای مهمی داشته ایم و این مراودت همکاری های حائز توجهی را به بار آورده است. وزیر خارجه در بخش دیگری از سخنانش با بیان این که همکاری دوجانبه، رایزنی های منطقه ای و تقویت اعتماد متقابل در منطقه از جمله ضرورت‌های راهبردی برای همه کشورهای این منطقه حساس است، گفت: ثبات و امنیت زیر بنای توسعه اقتصادی و شکوفایی ملت ها بوده و نقش دولت ها در تضمین این روند غیر قابل انکار است. وی تصریح کرد: ما به جد معتقدیم که شکوفایی و توسعه کشورهای منطقه در ارتباط مستقیم با یکدیگر بوده و ما همچون گذشته بر اصل گفتگو و تعامل سازنده با همسایگان و تلاش‌های مشترک و دسته جمعی برای حل و فصل مسائل در منطقه تاکید داریم. وی افزود: رجائ واثق دارم این گفتگوها با تکیه بر مشترکات گسترده دینی و تاریخی و فرهنگی با احترام به اصول حقوق بین الملل و روابط حسن همجواری اساس موضع برابر و مصالح مشترک منطقه ای و احترام متقابل با در نظر گرفتن منافع مشترک در نهایت به یک سازوکار جدید مبتنی بر واقعیت منطقه منجر شود که منافع همه را تضمین نموده و منطقه ما را به جایگاهی ویژه و ممتاز در نظام بین الملل ارتقا دهد.

ظریف گفت: منطقه در شرایط حساس و شکننده‌ای قرار دارد و در این میان نقش امارات و جمهوری اسلامی ایران بسیار تاثیر گذار است. امروز منطقه ما با عناصر تهدیدزایی همچون فرقه گرایی، افراط گرایی و تروریسم مواجه است. لازمه مبارزه موثر با این تهدید هوشیاری ملت ها، حکمت مقام های کشورها و رایزنی مستقیم و مستمر با یکدیگر است. وی تاکید کرد: تحولات و چشم اندازهای راهبردی درباره منطقه ما و تعاملات سازنده جمهوری اسلامی ایران برای کاهش تنش های فرامنطقه‌ای و به‌ویژه حل موضوع هسته ای دو عامل کمک کننده برای تقویت همکاری ها در منطقه ما است. وزیر خارجه افزود: به تمامی همسایگان، شرکا و دوستان منطقه‌ای ایران اطمینان می‌دهم که پیشرفت های علمی و فناوری جمهوری اسلامی ایران و توافقات و دستاوردهای فرامنطقه‌ای ایران در جهت منافع درازمدت کل منطقه و همسایگان جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. به گفته وی امنیت در حوزه خلیج فارس جدایی ناپذیر و یکپارچه است و کشورهای منطقه فقط از طریق توسعه همکاری های سیاسی، امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و تبادلات گسترده مردمی که با مشارکت سازنده و هماهنگ دولت ها، بخش خصوصی و نهادهای جامعه مدنی شکل می گیرد می توانند آینده‌ای آرام، صلح آمیز، با ثبات، پیشرفته و افتخارآمیز برای مردمانشان و نسل های آینده رقم بزنند. وی در پایان گفت: به شما اطمینان می‌دهم که در این مسیر جمهوری اسلامی ایران شریکی ثابت قدم و قابل اعتماد برای همه کشورهای حوزه خلیج فارس خواهد ماند.

استقبال از توافق ایران با ۱+۵

وزیر امورخارجه امارات هم در این اجلاس گفت: ابوظبی از توافق ایران و گروه ۱+۵ و موفقیت آن استقبال می کند. به گزارش ایرنا، شیخ عبدالله بن زاید آل نهیان، اظهار امیدواری کرد: مشکلات ایجاد شده برای ایران در روابط با کشورهای جهان از جمله کشورهای همسایه برداشته شود. وی تاکید کرد: امارات تلاش خواهد کرد تمامی امکانات خود را در این زمینه به کار گیرد.

وزیر امورخارجه امارات با اظهار امیدواری به این که روابط میان ایران و امارات بیش از گذشته گسترش یابد، گفت: بدون شک همکاری ها زمینه را برای از میان بردن چالش ها فراهم می کند. وزیر امورخارجه امارات با تاکید بر این که حل مشکلات مالی و بانکی ایران و جهان به ما فرصت همکاری های بیشتر می دهد، افزود: امنیت و پیشرفت حق همه کشورهای جهان است. وی در پایان سخنانش یادآور شد: ایران شریک تجاری ما در منطقه است و این به روابط تاریخی دو کشور بازمی گردد.

وزیر خارجه در دیدار با نخست وزیر امارات

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در دیدار با شیخ محمد بن راشد آل مکتوم نخست وزیر امارات متحده عربی با تاکید بر ضرورت گسترش روابط دو کشور، آمادگی ایران را برای تقویت این روابط و همکاری ها در بخش های مختلف اعلام کرد.

به گزارش ایرنا، محمد جواد ظریف، رئیس دستگاه دیپلماسی ایران در ادامه سفر خود به امارات متحده عربی روز گذشته با شیخ محمد بن راشد آل مکتوم، نخست وزیر، معاون رئیس دولت امارات و حاکم دوبی دیدار و گفتگو کرد. وزیر امور خارجه ایران در این دیدار که در دوبی انجام شد، بر ضرورت توسعه و تعمیق روابط با کشورهای همسایه به ویژه امارات متحده عربی تاکید کرد.

ویژهٔ فرهنگ، تاریخ و تمدن ایران و جهان

فرهنگی ۱۶۹

چهارشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۹۳ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات/شماره ۲۵۸۴۹

آموزه



اروین یالوم:

مرگ و زندگی وابسته به یکدیگرند.
گرچه خود مرگ نابودمان می‌کند
اما اندیشه مرگ نجاتمان می‌دهد.
شناخت مرگ شوق زندگی می‌آورد

سرسخن / کریم‌فیضی

انسان دیجیتال

سخن را با پیش فرضی با عنوان ذهن‌های مشتعل آغاز می‌کنیم، با این بیان که: ذهن جدید، در دنیای امروزی، در مقایسه با ذهن‌های دیروزی، حالتی مشتعل دارد. توضیح اینکه اگر آرامش و بی‌قراری انسان‌های دیروزی با ذهن‌هایی ملایم و نظام یافته و منسجم را در کنار ذهن جدید بگذارید، از آشفتگی، بی‌قراری، عدم توازن و آشوب و اضطراب‌های آن، نتیجه‌ای جز این حاصل نخواهید کرد که: ذهن جدید، با نوعی از اشتعال مواجه است که پیوسته آن را به تقلا و تکاپو وا می‌دارد. در حقیقت، در زیر جمجمه‌های جدید، طوفانی از آتش نهفته است که با هیزم اضطراب و تنش و افکار و اندیشه‌های متعارض و متناقض روشن می‌شود و در اثر مسائل بیرونی و برخوردهای غیرقابل پیش‌بینی و بخصوص آشفتگی‌های فردی و غیرفردی شعله برمی‌دارد و به دلایل مختلف مشتعل‌تر هم می‌شود.

تصور ذهن‌هایی پر از آتش، تصوری آزاردهنده و مأیوس کننده است ولی با نظر به تشتت‌های رفتاری و آنچه که در یک مقطع کلاسه‌بندی شده از رفتارها و حالت‌های یک فرد قابل مطالعه است، برداشتی جز این نمی‌توان کرد که: بسیاری از فعل و انفعالات انسانی امروز، به گونه‌ای است که در گذشته، از انسان های آتش گرفته صادر می‌شد. آری، آنچه امروز، هر روز شاهد آن هستیم، درگذشته در مواردی روی می‌داد و پیش می‌آمد که آتشی در بین بود و آتش‌سوزی روی می‌داد و از آن رو که انسانها تمام یا غالب کرده‌های خویش بر اساس عقل و ذهن انجام می‌دهند و رفتارهای خویش را به ذهن و خرد و تعقل مستند می‌کنند، به سهولت می‌توان از ذهن‌های مشتعل سخن گفت: ذهن‌هایی که در خود شعله‌ورند و نمی‌دانند. در خود شعله‌ورند و بجای خاموش شدن، شعله‌ورتر می‌شوند. ذهن‌هایی که هر تلاشی برای خاموش شدن، بر دامنهٔ آتشفشان اضافه می‌کند و ذهن‌هایی که نمادی از آتشند، هم برای خود، هم برای دیگران. این ذهن‌ها را باید دانست و شناخت و بیشتر هم باید شناخت.

این پرسش که انسان دیجیتال چگونه انسانی است، به نظر سهل و ساده می‌آید و در نظر عده‌ای، پاسخ خود را در میزان و شدت بهره‌مندی و استفاده از لوازم دیجیتال نشان می‌دهد.

در نظر این قبیل اشخاص، انسان دیجیتال کسی است که: پیوسته آنلاین باشد. مدام و مرتب در وبلاگ یا سایت خود باشد، به همه سر بزند و به همه کسانی که به او سر می‌زنند، جواب بدهد عده‌ای دیگر از همین گروه، انسان دیجیتال را کسی می‌دانند که به روز است، به این صورت که از تمام لوازم و تجهیزات جدید باخبر است و حتی‌الامکان خود نیز مجهز و مسلح به آنهاست. طبق نظر این عده، کسی که دو موبایل و دو لپ‌تاپ داشته باشد، او نسبت به که کسی یک موبایل یا لپ‌تاپ داشته باشد، دیجیتال‌تر است.

به همین میزان و مقیاس، کسی هم که مدل تجهیزات و وسایل او بالاتر و بهتر باشد و امکانات وسایلش بهتر باشد، او نیز نسبت به بقیه دیجیتال‌تر است و به این ترتیب، انسان دیجیتال انسانی است که از اسباب و لوازم و وسایل مربوط به دنیای مجازی بهره بیشتری داشته باشد. روشن است که در این بهره‌مندی بیشتر، اطلاع و آگاهی و استفاده از این ابزار و آلات هم نهفته است. بنابراین، هر کس که با وسایل مدرن و تازه و آخرین مدل‌ها و از نمونه های اینترنت در دنیای مجازی حضور داشته باشد، او انسان دیجیتال است. سؤال این است که: آیا انسان دیجیتال، انسانی است که پیوسته در فضای مجازی باشد؟



ملاقات با زنده‌یاد حسین میرحیدر

صدایم کم شده است

آقای میر حیدر می گفت: در دوره قدیم، زمانی که عید می‌شد، مردم که بیشتر مذهبی بودند، جمع می‌شدند و سعی می‌کردند تحویل سال را در شاه‌عبدالعظیم(شهرری) باشند. به قدری رفتن به آنجا و حضور مردم در آنجا در آن وقت سال صفا داشت که نمی‌توانم وصف کنم.

در این دیدار، از این سو و آن سو هم سخن به میان آمد. آقای یزدان‌پرست گفت که این فیضی اهل زندگی است و وصف کار کرد و خواست که اجازه دهد زندگی را با او نیز گفت‌وگو کنم. چون مرا نمی‌شناخت و کار را نمی‌دانست، گفت: اصلاً اهل مصاحبه و رسانه و تلویزیون نیستم. توضیح داد که در تلویزیون خانمی هر روز در فلان برنامه خانوادگی می‌آید یک چیزهایی درباره طب سنتی و ... می گوید که اصلاً درست نیست. نمی‌دانم از کجا این را برداشته که از روی کاغذ می‌خواند. گفت چند وقت پیش دکتر کردوانی شخصی را فرستاده بود که با من مصاحبه کند. عذرخواهی کردم و گفتم که اصلاً از این کارها نمی‌کنم ... چند دقیقه بعد جوانی آمد و می‌خواست او را ببرد که گفت: چند دقیقه دیگر می‌آیم پایین و بعد هم در معیت هم تا آسانسور رفتیم. با عصا هم به دشواری می‌رفت. سوار شد و رفت و قرار شد من تلفن کنم موضوع را صحبت کنیم ببینیم چطور می‌شود.

وقتی در آسانسور بسته شد و او روانه شد، گفتند که: او دو ماه پیش بسیار سرحال‌تر بود. خیلی راحت می‌توانست راه برود. صدایش خیلی گیراتر بود ولی الان در کمتر از دو ماه، خیلی فرق کرده است. فهمیدم که پیرمرد، در آخر خط راه می‌رود. بنابراین لازم بود که بدون فوت شدن وقت تلفن کنم و او را دریابم و چنین کردم. درست یک روز بعد تلفن کردم. شخصی گوشی را برداشت و به میرحیدر داد. خودم را معرفی کردم و چون فکر می‌کردم که یادش نباشد، می‌خواستم اسم را هم بیاورم که گفت: بله. خدمت شما بودیم. کی می‌خواهید تشریف بیاورید؟ گفتم: کی برای شما خوب است؟ گفت: همیشه و هر وقت که شما بخواهید. این حرف را وقتی در دیدار اول هم پرسیدم کی زنگ بزنم، خوب است، بر زبان آورد. معلوم می‌شود که این مرد آنلاین و یا فول‌تایم است. وعده گذاشتیم برای ۱۰صبح روز پنج‌شنبه که اول مرداد بود. منزلش در یکی از خیابان‌های میدان مادر بود که گویا مجسمه‌اش را زهرا رهنورد ساخته است و حالا فکر می‌کنم باید به فکر یک مجسمه دیگر بود و اسمی دیگر، مثلاً میدان خواهر، یا پدر!

طبق معمول رأس ساعت ۱۰ رسیدم و زنگ زدم. صدایی مؤنث گفت طبقه اول. وقتی به طبقه اول رسیدم، در باز بود و خانمی ظاهراً مشغول انجام دادن کارهای خانه بود. بسیار شبیه میرحیدر بود. می‌توانستم حدس بزنم زنش است ولی او به لحاظ سن جوان‌تر بود و فرزتر.

بعدها متوجه شدم که دختر اوست. باری میرحیدر با کندی و با تکیه بر عصا جلو آمد. دست دادیم و دخترش مثل سایه‌ای که مراقب باشد در کنار پدر ایستاد تا وارد اتاق شد و نشست. من هم در برابر او نشستم. دخترش خارج شد و یک خانم چاق‌تر که ظاهراً کلفت بود، با آبمیوه‌ای در سینی پذیرایی کرد. میرحیدر پرسید: خوب! شما کارتان چیست؟ دیدم بدون آنکه نیازی به چپ و راست گفتن باشد، بهتر است همین مسئله زندگی را توضیح بدهم. گفتم: من به این نتیجه رسیدم که بیایم و یک کار پایدار انجام بدهم و قرار شد که درباره مفهوم زندگی با چهره‌های برجسته، فکر و اندیشه و علم و ... بحث کنیم که جلد اولش این هفته منتشر خواهد شد. پرسید مثلاً چه کسانی؟ گفتم: دکتر دینانی. گفت:او را در تلویزیون دیده‌ام. گفتم: حسین نصر. گفت: سید حسین نصر که در آمریکاست. با او چطور صحبت کردید؟ گفتم: با تلفن. چند اسم دیگر هم گفتم. میرحیدر گفت: این کار شما چقدر طول می کشد؟ گفتم: بستگی به اشخاص دارد. گاه ۱ ساعت و گاه کمتر و بیشتر. گفت:من اول مقداری زمینه‌های خودم را برای شما توضیح می‌دهم تا ببینید که با من چه کار باید بکنید! و بعد شروع کرد به گفتن مسائلی که شاید ٤ دقیقه طول نکشید که فهمیدم مطالب مهمی را طرح می‌کند و حیف است که ضبط نکنم. مخفیانه ضبط را روشن کردم. حالا او می گفت، من گوش می‌دادم و ضبط هم ثبت می‌کرد. بی‌آنکه بخواهم تمام آن حرف‌ها را عیناً در اینجا نقل کنم، چیزهایی را می‌نویسم که فکر می‌کنم بسیار مهم و ضروری است و با نوع مطالب این دفتر نیز متناسب است.

ادامه در صفحه۳

نگاه
سید محمود سجادی

بهار، آخرین حلقه طلایی
شاعری که محقق بود



بهار شاعر بود، پژوهنده و محقق بود، روزنامه‌نویس بود، سیاستمدار بود شش دوره وکیل شد یک دوره وزیر شد و قبل از این دو سمت، ملک‌الشعرای آستان قدس رضوی بود به جای پدر شاعرش میرزا محمد کاظم صبوری کاشانی، شاعر درجه دو دوران قاجاریه که از شاه منصب ملک‌الشعرایی گرفته بود اما هرگز از مردم نبرید و آرمان‌های خود را از آنان جدا نکرد.

البته در اواخر عمرش -عمر گرانبها و پرمایه‌اش- از سیاست و سیاست‌بازان مانند قوام‌السلطنه بیزار شده و تمام هّم وغّم خود را مصروف تدریس و تحقیق و تدوین کتب ارزنده دانشگاهی مانند سبک‌شناسی و... کرده‌بود. در دورهٔ دوم فعالیت‌های ادبی‌اش یعنی از جنگ جهانی اول به بعد رگه‌های نیرومند نوگرایی و تجددخواهی را در شعرش که منبعث از اندیشه‌اش بود جریان و سریان داده بود به اسلوب‌های نو رغبت داشت، چارپارهٔ پیوسته را به زیبایی و دل‌نشینی آزمود. با شعرای جوان و نواندیش زمان خود حشر و نشر پیدا کرده و آنها را در جدی گرفتن کارشان تشویق می‌کرد با یوسف اعتصام‌الملک آشتیانی پدر دانشمند و مترجم و نشریه نگار بانو پروین اعتصامی دوست نزدیک بود و در راهنمایی و شناساندن پروین نقش پر رنگی داشت. بر دیوان او مقدمه و تقریظ رسا و ارزنده‌ای نوشت. در مجلهٔ معتبر خودش یعنی {مجله دانشکده} و نیز در مجلات و جرائد دیگر مقالاتی در طرفداری از اسلوب‌های جدید و نوگرایانه شعر می‌نوشت و از نحله‌های نو شعر جانبداری می‌کرد، اما در حقیقت زیر بنای فکرش (قدمایی) بود البته نه قدیمی یعنی اینکه به هیچ وجه نمی‌توانست سلسله جبال شعر فارسی را پیش از رودکی تا شاعران عصر مشروطیّت فراموش کند یا به آن‌ها بی‌اعتنا باشد. به هر حال بین دو دنیای پر جلوه و جلا می‌زیست و نمی‌توانست از دلشوره‌ها و دلبستگی‌های دیر سال خود به آسانی منفک شود این است که به طور کلی شاعری قصیده سرای و متمایل به ادبیات قدیم باقی ماند. می‌کوشید بین این دو دنیای دل‌انگیز، پلی محکم و ماندگار به وجود آورد ولی باز هم باید گفت: استاد بهار شاعری کلاسیک است و آخرین حلقه، اما حلقه طلایی شعر پارسی به ویژه در قالب قصیده. او شاعری مسئول و متعهد بود، مردم را نه تنها دوست داشت بلکه به آنها عشق می‌ورزید و می‌کوشید تا از راه قلم، قدم، خطابه، مقاله، تریبون مجلس، میز وزارت و هر مستمسک دیگری به این مردم که ارزششان بسیار بالا بود خدمت کند، حالا اگر هم‌چنان موفق نشد او تلاش خود را کرده بود. شرایط زمان و مکان به مرغی که گرفتار قفس بود اجازه بلندپروازی نمی‌داد که خود غمگنانه و تا حدی مأیوسانه سرود:

من نگویم که مرا از قفس آزاد کنید
قفسم برده به باغی و دلم شاد کنید

یکی از شعرهای سیاسی او با صیغهٔ نمایان امیدواری، شعر زیر است که به نحوی پیشگویانه پس از بررسی اوضاع آشفته کشور در طّی جنگ بین‌الملل اول، لزوم ایجاد یک رفورم کلی و تغییردهنده و سازنده را در همه امور فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، و اقتصادی مردم نشان می‌دهد:

بهار را بهل تا گیاهی برآید
درخشی ز ابر سیاهی برآید
در این تیرگی صبر کن شام غم را
که از دامن شرق ماهی برآید
بمان تا در این ژرف یخزار تیره
به نیروی خورشید راهی برآید
وطن چاه راهست و بند عزیزان
بمان تا عزیزی ز چاهی برآید
درین داوری مهل ده مدُّعی را
که فردا به محضر گواهی برآید
به بیداد بدخواه امروز سر کن
که روز دگر دادخواهی برآید
برون آید از آستین دست قدرت
طبیعت هم از اشتباهی درآید
بر این خاک تیره دلیری بجنبد
و زین دشت گرد سپاهی برآید

ادامه دارد

تاریخ فرش ایران

فیلیس اکرمن

فرشی که از همه سالم‌تر مانده است از قرن دهم هجری است که زمانی در تملک دوک انهالت بوده است و این فرش نمونهٔ کاملی از قالی‌های نیمه اول قرن مزبور است. زمینهٔ این فرش در نور طبیعی زرد طلایی روشن است و حاشیه‌ها و ترنج وسط ارغوانی سیر. نقش‌های دیگر نیلی و سیاه و سفید است، ابعاد باشکوه، رنگ‌ها متناسب و درخشان، طرح‌ها زنده و ظریف است، و مجموع آن نشاط‌آور و پرجلال است.

با آن که در طرح این قالی قرینه‌سازی و توازن اجزا با دقت تمام مراعات شده و با آن که هیچ اِشکال طبیعی در آن نیامده تا عواطفی را برانگیزد، اَشکال خالص و انتزاعی با چنان مهارتی در آن به کار رفته متعدد است نشان می‌دهد. این باغ پر از درخت و گل و گیاه است که روی زمینهٔ ارغوانی نقش شده است. حالت این قالی از فرش مجلل اردبیل نشاط‌انگیزتر است و ذوق و لذتی را که ایرانیان از باغ درنظر دارند به خوبی نشان می‌دهد.

فرش‌های ایرانی با وجود تنوع طرح و زیبایی رنگ و حسن ترکیب الوان در مقایسه با فرش‌های ترکی و هندی از این جهات کمی ناقص به نظر می‌آید. علت این امر آن است که ایرانیان بر طبق رسم و راه دیرین خود برای ملایمت قدر و اعتباری می‌شناختند و همیشه از آن بیم داشتند که رنگ‌های تند و پرجلوه معانی لطیف شاعرانه را از نظر دور دارد و در روابط دقیق و ظریف اشکال خللی ایجاد کند. این طراحان همیشه به تأثیرات ثانوی و بعدی توجه داشتند و مانند شاعران و فیلسوفان و هنرمندان دیگر ایرانی با آرامش خاطر همان تجربیات کهن را تکرار می‌کردند. ایشان همه به هنری که تأثرات فراوان فوری در ذهن ایجاد کند با نظر احتیاط می‌نگریستند.

تنها در قرن دهم بود که سجاده‌های بسیار خوش‌طرح و خوش‌بافت در ایران به وجود آمد. جزئیات و دقایق این چند قطعه فرش ظریف و زیبا به مطالعهٔ دقیق می‌ارزد. مثلاً در حاشیهٔ زیرین سجادهٔ متعلق به فلچر دو سلسله خطوط مارپیچی هست. سلسلهٔ اول که درشت‌تر است به گل‌های اسلیمی کوچک و زیبا ختم می‌شود. دومی کوچک‌تر است و در داخل اولی قرار دارد. هریک از این دو سلسله در جهات مختلف و نسبت‌های مختلف سیر می‌کنند و از هم جدا می‌شوند و باز در برگ نخل‌های بسیار خوش‌طرح یا زاویه‌های دل‌آویز به هم می‌پیوندند. این شیوه یکی از دشوارترین کارهای بافندگی است.

اما چون این فرش مختص نماز است، مورد استعمال دینی آن در درجهٔ اول اهمیت قرار دارد. در نوارهای حاشیه آیات قرآن کریم نوشته شده و چون لازمهٔ چنین فرشی آن است که هرچه بیش‌تر



سوره‌ها و آیات قرآنی را متضمن باشد، در نوارهای خارجی و داخلی حاشیه هم آیات قرآنی مکتوب است. در مربعاَت کوچک میان حاشیه هم آیاتی به خط کوفی منقوش است. گنبد متن که محل سجود است در محلی که پیشانی نمازگزار قرار می‌گیرد، نام خداوند بزرگ در کتیبه‌ای قرار دارد (الله اکبر کبیراً) و اطراف و بالای این گنبد را قطعات ابر به رنگ‌های مختلف فراگرفته که در داخل آن‌ها صفات خداوند ثبت است. در نوار حاشیهٔ دور گنبد نیز دعایی نوشته شده است. روی‌هم‌رفته، در این وسعت کم طراح کوشیده است که هرچه بیش‌تر از آیات و ادعیه بگنجاند، اما در این کوشش برای آن‌که به فرش جنبهٔ مقدس بدهد توفیق کامل نیافته است. خاصه در طرح کلمات مقدس میان ابرها نقص آشکار است. خطاطی که شریف‌ترین هنرهاست باید میدان و زمینهٔ کافی داشته باشد.

با این حال، هنرمندان ایرانی در اوج ذوق و هنر خود توانسته‌اند رنگ‌هایی چنان عمیق و مؤثر به کار ببرند که هیچ شیوهٔ هنری با آن برابری نمی‌کند. شاهد آشکار این دعوی فرشی است که در آذربایجان بافته شده است. اما جای تأسف است که فن گراورسازی ما هنوز نمی‌تواند برق و درخشندگی رنگ‌های اصلی آن را نشان بدهد. زمینهٔ ترنج مرکزی به رنگ کبودِ آسمانِ نیمه شب است. قطعاتی در چهار گوشهٔ متن و حاشَیه‌ها به رنگ تند زمردی است و این رنگ در هیچ فرش دیگر ایرانی دیده نشده است. باریکه‌های دور ترنج مرکزی و گوشه‌ها به رنگ آبی تند متمایل به بنفش است و این رنگ با رنگ زعفرانی غنچه‌ها نیز در هنرهای ایران سابقه ندارد و فقط بعدها در چند نمونهٔ فرش آناتولی دیده می‌شود. این رنگ زعفرانی که به خوبی در مجموع نقش پراکنده است برای کم کردن تأثیر رنگ سرخ آتشی بهترین وسیله به شمار می‌رود. سفیدی برگ نخل‌ها در حاشیه و نوار میان حاشیه و متن، و بعضی نقطه‌های سفید دیگر طراوتی به نقش می‌دهد که از غلبهٔ رنگ سرخ بر رنگ‌های دیگر اندکی می‌کاهد.

این همه افراط در رنگ‌آمیزی هیچ مبتذل و زننده نیست و این نتیجه نخست بر اثر صفا و ملایمت خود الوان و سپس به سبب تناسب آن‌ها با یکدیگر حاصل شده است. چنین نتیجه‌ای تنها در صورتی ممکن است به دست بیاید که پشم و رنگ لطیف و استاد طراح زبردست باشد. البته رنگ کلی این فرش سرخ است و سرخی در آن بر همهٔ رنگ‌های دیگر غلبه دارد و همین امر وحدتی به مجموع نقش می‌بخشد. تندی خشم‌آلود این رنگ را استحکام کلی طرح بسیار تخفیف می‌دهد. ترنج منسجم و پرکار مرکزی با نقوش متین چهارگوشه و حاشیهٔ پهنی که در آن گل‌های درشت با رنگ‌های یک در میان از هم ممتاز شده است در کاهش تأثیر تندی رنگ اثر فراوان دارد.

روایت / زهیر رضوی

خاطرات استاد ادیب برومند/۲۹

خوب و بد قاجاریه



کارهای سردار سپه در سِمَت‌وزارت‌جنگ‌در‌ساماندهی اَرتش و ایجاد امنیت و نشان دادن قدرت‌مندی خود در اداره امور، پس از کابینهٔ قوام‌السلطنه و «مشیرالدوله پیرنیا» زمینهٔ رئیس‌الوزرایی او را فراهم کرد و از طرف مجلس در دورهٔ پنجم به این سمت منصوب شد. در زمان نخست‌وزیری هم در تحکیم مرکزیت کشور و خارج کردن خوزستان از نفوذ تام و تمام «شیخ خزعل» و رفع شر دیگر سرکشان مقتدر محلی در لرستان و کردستان کوشید و توجه عمومی را به قدرت بی‌رقیب خود در ادارهٔ مملکت معطوف داشت.

در این جا مقصود من تاریخ‌نگاری نیست؛ ولی برای اظهارنظر درباره سلسلهٔ قاجار و سلطنت رضاشاه لازم دانستم اندک اشاره‌ای به عنوان پیشگفتار آنچه می خواهم بگویم دربارهٔ تاریخ یکصد و چند ساله این دوران بنویسم.

سلسلهٔ قاجار از نظر مرکزیتی که به کشور دادند و پس از آغامحمدخان در حفظ آن(با وجود این که قسمت مهمی از آن را نتوانستند نگهداری کنند) کوشیدند، تا حدی حق‌شان محفوظ است و باید عادلانه اقرار کرد که پس از تسلط عرب‌ها بر ایران و به هم پاشیدگی اوضاع کشور و رواج بازار ملوک‌الطوایفی و حکومت کردن تیره‌های مختلف و قبیله‌های گوناگون ایرانی و غیر ایرانی بر این کشور، حفظ مرکزیت این آب و خاک همواره کاری بسیار دشوار و پر از دردسر بوده است. قاجاریه قطع نظر از بی‌لیاقتی و کوته‌فکری، از جهت زمانی هم گرفتار بدشانسی عجیبی بودند که گرفتار دو همسایه قدرت‌مدار و نیرنگ‌باز در شمال و جنوب شده و رقابت آن دو بر سر اِعمال نفوذ در ایران با ضعفی که بر ارکان حیاتی جامعهٔ ایرانی حکمفرمایی داشت گرفتاری‌های سهمگین برای دولت‌ها به بار می‌آورد. حتی اگر زمانی به حمایت دولتی دیگر، کمی امیدواری دست می‌داد آن هم مواجه با ناکامی و بی‌وفایی آن کشور می‌شد. چنان‌که در زمان فتحعلی‌شاه واقعیّت این موضوع را فرانسویان نشان دادند. اما از این که بگذریم شاهان قاجار نه تنها لیاقت زمام‌داریِ کفایت‌مندانهٔ کشوری با ویژگی‌های ایران را نداشَتند، از ادارهٔ کشور کوچک و بی‌اهمیتی هم شاید ناتوان بوده باشند. عیاشی، بی‌خیالی، ناپختگی در سیاست، تن‌آسایی، مال‌دوستی و استبدادمنشی بر وجودشان مستولی بوده است و این جمله از صفات با قدرناشناسی از رجال مصلح و ترجیح پیرامونیان چاپلوس، جاه‌طلب، خیانت‌پیشه و متظاهر به شاه‌دوستی بر مردان پاک و وطن‌خواه کار به ضعف و فتور و بدبختی مُلک و ملت می‌کشانده است. از شاهزادگان قاجار هم بیش از چند تن مانند «عباس میرزا»، «دولت شاه» «بهمن میرزا» و «حمزه میرزا» و یکی دو تن دیگر، بقیه از لحاظ سیاسی دچار رکود فکری و بی‌خبری از اوضاع زمان بوده و شاخصیتی از این بابت نداشتند.

با این حساب سلسلهٔ قاجار را از جهت سیاسی باید مقصر و مردود دانست و ملامت تاریخ را بر آنان روا داشت. ولی چون در داوری باید منصفانه حکم کرد لازم به گفتن است که پادشاهان و شاهزادگان و دولت‌مردان این سلسله هرچه در سیاست ناپخته‌کار و خام‌اندیش بوده‌اند در تحصیل علم و ادب و علاقه به کمالات هنری و تشویق دانشمندان و هنرمندان و مؤلفان و مصنفانِ کتاب‌های خوب، کوشایی و دلبستگی داشته و بَسیاری از آنان را با اعطای جایزه و صله و تشویق و تکریم، به کارهای ادبی و هنری و فرهنگی تحریض می‌کرده‌اند.

کندوکاو

علیرضا ملایی

تاریخ پست در ایران

دوره چپرچی‌باشی

روزنامـــه دولت علیه ایران ضمن چاپ عکس می‌نویسـد:«چون شهاب‌الملک مأمور عربستان شد خدمات محوله به او رجوع به صادق‌خان یوزباشی برادرش و میرزا حسین، سررشته‌دار چاپارخان‌های ممالـک محروسـه شـد به جهت حسـن خدمات مشـاراليها و ظهور مرحمت ملوکانـه درباره آنها و استحکام و انتظام امورشان در حق هریک، یک ثوب جبه کرمانی خلعت مرحمت و عنایت گردید.

ریاست شـهاب‌الملک بر امور چاپارخانه‌ها تا ماه صفر سال ۱۲۸۳ هجری قمری ادامه داشت و در این فاصله به منصب امیرتومانی نیز مفتخر شد.

در سال ۱۲۸۳ هجری قمری ضمن تغییر در وضع اداره کشور قرار شد کارهای دولتی تقسیم و مسئولیت هرقسـمت را وزارتخانه‌ای عهده‌دار شـود. در همین زمینه وزارت دربار و منصب ایشیک آقاسی باشی گری همراه با مسـئولیت چند اداره منجمله چاپارخانه‌ها به محمد ناصرخان ظهیرالدوله واگذار گردید و این مسئولیت به استثناء چاپارخانه‌های راه آذربایجان بود که اداره آن همراه با مسئولیت چند اداره دیگر ضمیمه وزارتخانه‌ای جدید به نام وزارت‌دارالخلافه به میرزا محمدحسـین خـان فراهانی ملقب بـه دبیرالملک واگذار شده بود.

بعد از این تغییرات شـهاب‌الملک نیز به دنبال فـوت وکیل الملک حاکم کرمان، به عنوان جانشـین وی تعیین و به کرمان روانه شـد و در سال بعد میرزا سیدحسـین سررشته‌دار را نیز با اجازه شاه به عنوان



پیشکار خود به کرمان فرا خواند.

با کنـار رفتن خانواده یوزباشی(حسـین خان شـهاب‌الملک و صادق‌خـان یوزباشـی) و میـرزا سیدحسـین سررشـته‌دار از تشـکیلات چاپـاری و واگـذاری آن بـه شـخصی کـه ضمن داشـتن مسئولیت‌های متعدد (محمدناصرخان ظهیرالدوله) فاقد قدرت لازم بدنی و فکری برای اداره آن‌ها بود، وضع تشکیلات چاپاری از آنچه بود بدتر شد.

در سـال ۱۲۸٤ هجری قمری شـاه عازم سفر خراسـان شـد، جالب اسـت که در این سفر اغلب مسـئولین قبلـی و آینده تشـکیلات چاپاری جزو ملتزمیـن رکاب بوده‌اند مثل محمداسـماعیل خان بشیرالدوله، حسین‌خان شـهاب الملک امیرتومان، محمدناصرخان ظهیرالدوله و میرزاعلی خان منشی حضور (امین‌الدوله بعدی).

بعد از رفتن شاه اداره امور دارالخلافه تهران به میرزا یوسف‌خان مسـتوفی الممالک سپرده شد لذا با رفتن ظهیرالدوله به سـفر، اداره امور چاپارخانه‌ها نیز به وی سـپرده شـد و از اختیار ظهیرالدوله خارج گردید. به خصوص که با رسیدن شاه به مشهد، میرزا محمدخان قاجار(سپهسـالار اعظم) فوت شد و شاه مجبور شـد به طور موقت ظهیرالدوله را به وزارت خراسان منصوب کند.

احتمالاً در فاصله همین سـال ۱۲۸۳ تا ۱۲۸٤ هـق اسـت که میرزا تقی‌خان نامی به عنوان مسئول چاپارخانه‌ها انتخاب و در راس این تشـکیلات قرار می‌گیـرد. این انتخـاب یا انتصاب یا توسـط خود ظهیرالدوله در موقع سفر خراسان انجام گرفته یا بعد از رفتن او توسـط میرزا یوسف مستوفی الممالک به عمل آمده است.

ادامه دارد

دیدار

ملاقات با زنده یاد حسین میرحیدر

صدایم خیلی کم شده است

ادامه از صفحه اول

میرحیدر از خودش شروع کرد و گفت که قبل از سال ۱۳۲۰ در رشته کشاورزی درس خوانده و از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شده است. بلافاصله به اسـتخدام وزارت کشاورزی درمی‌آید و در عرض کمتر از چندین سال به ریاست بخش تحقیقات آن وزارتخانه می‌رسد.

چون می‌بینند پر انرژی و پرکار و موفق است، پیشـنهاد می‌کنند که بـرای ادامه تحصیل به خارج اعزام شـود. به گفته خودش یک بورس حسـابی در اختیـارش می‌گذارد و او به آمریکا می‌رود و در دانشگاه یوتا شروع به درس می‌کند. در اینجا توضیح داد که یوتا کجاست و مردمانش برمن هستند که دینی خاص است، کتاب دینی مخصوصی دارند و بسیار مهربان و ثروتمند. می‌گفت: چون سـابقه ریاضی‌ام خـوب بود، اول آمار و معـادلات خواندم. در کنار آن هـم طب خواندم و در طب گیاهی به عالی‌ترین مدارج دست یافتم. بعد از بازگشت به ایران، رئیس اصـل ٤ چهار ترومن که معادل یک نخسـت وزیر بـود و اصلا به راحتی نمی‌شـد بـا او ملاقات کرد، از او دعـوت به همکاری می‌کنـد و او می‌خواهد که موضوع را از وزارت کشـاورزی درخواسـت کنند. این اتفاق می‌افتد و مسـئول بخش تحقیقات می‌شـود و چندی بعد در وزارت کشاورزی رئیس تحقیقات کشـاورزی کل کشور می‌شود و در عین حال از چند دانشـکده دعوت به تدریس می‌شـود و تدریـس می‌کنـد. می‌گفت در سـال ٥٦ با آغاز شـدن اولین صداهای انقـلاب دیدم دیگر نباید به خدمتم ادامه بدهم و باید هرچه زودتر بازنشسـته شـوم. بنابراین با ۳٦ سال سـابقه خدمت تقاضای بازنشسـتگی کردم. وزارتخانه قبول نمی‌کرد. وزیر که احمدعلی احمدی بود مخالف بود و می‌گفت:تو مسـلطی و حتی آجرهای این اداره را می‌شناسـی. بمـان، چون من تازه آمده‌ام ولی من تصمیم خودم را گرفته بودم.

توضیح داد که اولین صدای انقلاب را در یکی از کلاس‌های آمار دانشـکده حقوق شنیدم و حتم کـردم که حکومت دوام نخواهد آورد ولی احمدی زیربار نمی‌رفت. احمـدی کارمند خود من بود. ٦ سـال قبل از این که وزیر بشـود، یک روز آموزگار مرا دید و گفـت که:احمدی نامی در آمریکا درس خوانده،درسش خوب بوده، بیکار است. می‌خواهم کاری در وزارت کشـاورزی و مجموعه خودت به او بدهی،حقوقش هم ۳ هزار تومان باشد. من دیدم تحصیلاتش خوب بوده، گفتم بیاید و فرستادمش به بخش تحقیقاتمان در کرج که جای خوبی بود. یک ماه که گذشـت، مسئول آنجا گفت که این احمدی یک الکلی تمام عیار است و از صبح تا شب مشروب می‌خـورد و به درد ما نمی‌خـورد. من به آموزگار گفتم که داستان از این قرار است. احمدی از وزارت کشـاورزی رفت. چند روز بعد دیدم شده مسئول تحقیقات کشاورزی سیسـتان و بلوچستان، با ۱٥ هزار تومان حقوق. در سال ٥٦ هم که وزیر شده بود، مـن اصرار کردم کـه نمی‌خواهم بمانم و او مجبور شد که امضا کند و زیر امضایش نوشت که فلانی با اصرار این امضا را از من گرفته است. در آن زمان یک سنتی وجود داشت که اگر کسی بازنشسته می‌شد، برخلاف امروز که حقوق ماه آخرش را هم به زور باید بـا دوندگی بگیرد، ٤ ماه مرخصی می‌دادند، با حقوق! من از بس که می‌خواسـتم زود بازنشسـته بشـوم، این ٤ ماه تشـویقی را هم که حقم بود، طبق قانـون نگرفتم. اصـرار کردند که این ٤ ماه را بگیر، گفتم الا و لابد نمی‌خواهم. بعد هم که انقلاب شد.

میرحیـدر همین طور توضیـح می‌داد و جلو می‌آمـد ولی با گذشـت زمان، احسـاس کردم که طنین صدایش کمتر می‌شـد و همین طور هم بود. یک وقت دیدم شـنیدن حرف‌هایش برایم دشوار اسـت و احتمال دادم که اصلاً ضبط نشود. بنابراین رفتم جلو و کنارش نشسـتم که خودش هم گفت: صدای من دیگر خیلی کم شده است. در حین این خاطره‌گویی‌ها،دوسه‌بار هم‌از میرحیدر سوال‌هایی کـردم، مثل این که این چه سـالی بـود، فلانی که



میرحیدر در جوانی

بـود، رئیس چه کسـی بود و نظایر ایـن ... او زود جواب مـی‌داد و بعد بلافاصله به حرف اصلی‌اش برمی‌گشت که نشان می‌داد تنظیم ذهنی خوبی دارد و مقصودش از گفتن این همه گفتار، چیزی است که هنوز به آن نرسیده است و مایل نیست رشته کلام از دسـتش خارج شود. گفت بعد از انقلاب، من دیدم که نمی‌خواهم به جایی بروم. بنابراین شروع کردم به تنظیم مطالعاتی که در طول سالیان زیاد درباره طب سـنتی و گیاهی کرده بودم و درسـش را در آمریکا خوانده بودم. منابع انگلیسـی‌اش را از چین و هند تهیه کرده بودم و در طول سـالیان ریاسـتم بر مرکز تحقیقات وزارت کشاورزی کاملا در جریان وضع گیاهی ایران بودم. توضیح مفصلی داد از گنجینه‌های گیاهی چین و این که رفتنش به چین و آشنایی‌اش با معارف گیاهی چین برایش بسیار مغتنم و ارزشمند بود. در این زمینه حرف‌هایی بسیار داشت و آنچه را که از تألیفات چینی درباره گیاه و طب سنتی شناخته بود، بسـیار ارزشمند می‌دانست. توضیح می‌داد که چـون زبان چینی نمی‌دانسـت رفته بود که ترجمه انگلیسـی آن مسـائل را پیدا کند و پیـدا کرده بود. من از این بخش توصیف‌های میرحیدر می‌گذرم و می‌رسم به آنجا که می‌گفت...

می‌گفت در سال ٦٠ جلد اول کتابم منتشر شد و یک سال بعد تمام شد. تشویقم کردند من هم جلد ۲ را به اتمام رسـاندم تا شـد ۸ جلد که بارها چاپ شـده است و الان چاپ هشـتمش ٤٠ هزار تومان اسـت. یعنی در کشوری که مردم کتابخوان نیستند، اشـخاصی هسـتند که ٤٠ هزار تومان می‌دهند این کتاب را می‌خرند و استفاده می‌کنند ... و من تا امروز همچنان مشـغول این کار بـوده‌ام که آخرینش را همین دیروز دادم به آقای... که ۲ ماه تمام نشسـتم و آن را بازنویسـی کـردم. اندکـی مکـث کرد و گفت: البته امیدوارم آخری‌اش نباشـد. حالا شما می‌خواهی من چه کار کنم. من چه کاری می‌توانم بکنم که به درد مردم بخورد؟ گفت: من یاکاری را قبـول نمی‌کنم یا اگر قبول کنم در آن خیلی جدی هستم. شما فکر می‌کنی من چه بنویسم؟ احساس کردم نظری دارد که این همه توضیح و تفصیل در حکم مقدمه‌ای بود، تا آن را توضیح دهد. بنابراین سکوت کردم تا گفت که: فکر می‌کنم که من بیایم و آنچه را که از طب سـنتی و گیاه درمانی و تغذیه به درد مردم می‌خورد، بنویسـم و به شـما بدهم، هر چقدر که شـد! نظر شما چیست؟ گفتم: خیلی هم خوب اسـت، احساس کردم پیرمرد فکر کرده است و این برایش بهتر است. بنابر این گفتم: بهتر از این نمی‌شـود. کمی در این باره توضیح داد که درتلویزیون می‌آیند حرف‌هایی می‌زنند که درست نیست. آشپزی هست که می‌آید چیزهایی می‌گوید که نباید بگوید. من معتقدم اصلاً بحث‌های پزشکی نباید تلویزیونی بشـود، چون بحث دارد. می‌آیند می‌گوینـد: هرکس سـرما خورده، مثلاً آسـپرین بخورد! این درسـت نیسـت. چون بحث دارد. آیا این کسـی که سـرما خورده، بچه است یا بزرگ؟ فشـار خونش چقدر اسـت؟ قنـد دارد یا ندارد؟ خونریـزی داخلـی، ناراحتی قلبـی... اینجوری نیسـت که فلان مریض‌ها، این دارو را بخورند. ما اکنون کار خودمان را انجام داده بودیم و میرحیدر گفت که شـروع می‌کند به نوشتن و هرچقدرش که آماده شد تلفن می‌کند که من بیایم و مطالب را بگیرم. این توافق زمانی حاصل شد که گفت: شما را چگونه می‌بینیم، گفتم: با یک تلفن. برخاستم که خداحافظی کنم. او هم برخاست و گفت: دفتر کار مرا هم ببین! بعد او آرام آرام راه افتاد و من پشـت سـرش. نزدیک بود. داخل شدیم. گفت: من اینجا همه چیز دارم: کامپیوتر و اینترنت و کتابخانه. کنار میزش به قفسه‌ای اشاره کرد و گفت: اینها منابع من است. ۸۰درصد منابعم اینهاست. کتاب ضخیمی را که با چند لایه روزنامه جلد شـده بود، نشان داد و گفت: این همان کتاب چینی است. می‌خواست آن را از میان کتابها بیرون بکشد که دیدم نمی‌تواند. دشوار بود کتاب به آن سنگینی را از لای کتاب‌هایی که سـفت و سخت در کنار هم قرار گرفته بودند، دربیاورد. دسـت‌هایش دیگر توان نداشتند. خودم آن را برداشتم و نگاهش کردم می‌گفت: خیلی کتاب مهمی اسـت. من خیلی از آن استفاده کرده‌ام. همه چیز در آن هسـت. با حروف سربی ٤٠ سال پیش چاپ شده بود: دوره‌ای که هنوز کامپیوترها سراز همه جا درنیاورده بودند، کتابی دیگر به انگلیسـی نشانم داد و گفت: این آخرین کتابی است که در این زمینه در آمریکا نوشته شده. پرسیدم: تاریخش کی اسـت؟ گفت: ۲ سال پیش چاپ شده. با عصایش کتابهایی دیگر را نشانم داد. بالای قفسه چندعکس قدیمی وجود داشـت. نگاه کردم. حدس زدم که یکی از آنها مادرش باشد. پرسیدم: این خانم مادر شماسـت؟ نگاه کرد. گفت: نه! آن جوانی همسرم اسـت که ۳ سـال پیش از دنیا رفـت. پس پیرمرد اندوه عشقی را هم برپشت می‌کشید که به تخمین بیش از ٦٠ سـال پاییده بود. مثل عشق‌های ٦ماههٔ ایـن روزگار. البته ازدواج‌هایی هم بوده اسـت که در ٦ سـالگی خویـش راه دادگاه و طلاق در پیش گرفته اسـت. در کنار عکس آن زن جوان، عکس دیگری بود که نقاشـی بود. گفـت: آن اوایل زنم اسـت و اینهـم عکس بعدهایش اسـت. این هم عکس مادرم اسـت. نگاه کـردم. تصویر زنی بود تقریبـاً پیرزن که چهره‌اش از فرط جدیت، به مرد می‌مانسـت و نگاهش چنان سنگین بود که انگار یک جنگجو در پشت آن چشم‌ها کمین کرده است و به آینده می‌نگرد؛ آینده‌ای که حالا کودکانش در این خانه‌ها، در این طبقه‌های جدید آپارتمانی و در این خیابان‌ها و این مغازه‌ها و بوتیک‌ها و کجا و کجا قدم می‌زنند و دیگر هیچ نشانی از حسین میرحیدر و نسل او در آنها نمی‌توان دید.

کریم فیضی

دلنوشته‌ای درباره دکتر باستانی پاریزی

...حکمگزاران همه رفتند



پروفسور مهدی رجبعلی‌پور

هزاران‌راد‌ر‌شاخسارهای‌هزارستان‌طبعش‌به‌نغمه‌سرائی واداشت، از زبان فصیحی که مرزهای هفت اقلیم فارس و عرب را به فراسوی هفت دریای روم و فرنگ کشاند. و ازخبیری که تشــنگان را در خنکای آب قنات از مادر چاه تا مظهرش همراهی کرد، مشتاقان طبیعت را با گل و گیاه و وحش کویر آشــنا ســاخت، و نظریه نســبیت اینشــتین، مبانی اقتصاد، حــل معادلات چند مجهولی و صدها نکته ظریف علمی دیگر را به فهم عوام بیان کرد. زبانی شــیرین لازمست تا حلاوت و ملاحت کلامش را بازگوکند. زبان من قاصر است مگر آن که پند هوشنگ، همکلاس ششــم دبســتانم را گوش کنم که با زبان حال می‌گفت: «این بر ما دانش آموزان واضح و مبرهن است را ول کنید و خودمانی بنویســید.» که شــنیدن پندش به گوش جان، کشاندن کوله‌بار اجباری درس انشاء را بسی آسان‌تر ساخت.

تکلیف را سبک می‌کنم و از جریان ساده آشنایی‌ام با اســتاد پاریزی می‌نویسم. تمام تلاش من این است که تصویر ایشان را آن طور که خود دیدم ترسیم کنم ولی چه کنم که نقاش خوبی نیستم و آن چه آخر سر به دست شما می‌رسد کاریکاتوری بیش نیست. هر کلمه‌ای که در این دلنوشته می‌نویسم به خاطر آن مرحوم است ولو به ظاهر از خط خارج شــوم. سال۱۳۴۹ من تازه داماد و همسرم پس از دیدار مختصری از اقوام کرمانی، با اتوبوس عازم تهــران بودیــم که از آن جا برای ادامــه تحصیل به کانادا برویــم. در ردیــف جلوی من خانمی نشســته بود که با آقای کناری گرم صحبت بود و من نیمرخ آقا را به خوبی می‌دیدم، لابد به دلیل قرینه خانمم نیز نیمرخ آن خانم را می‌دید. ساعتی نگذشت که آن خانم بدون مقدمه سرش را به سوی همسرم چرخاند و با خیره شدن در چشمان او گفت: «چشم‌های تو به خانواده مومنائی‌های چترودی رفته است» و البته کاملا درست می‌گفت؛ چون صورت من را هم دیده بود، اضافه کرد: «تو هم شاگرد من بوده‌ای» خود را معرفی کرد و من با شگفتی و خوشحالی جواب دادم که بله ۱۹ سال پیش در کلاس اول ابتدایی شاگردش بوده‌ام. پس از معرفی خودم. ادامه دادم که مربی ریاضی دانشــگاه پهلوی هستم. خانمم نیز پس از شنیدن نام آن خانم، به من خاطر نشان ساخت که مادرش و این خانم از نوادگان ملا مومنای چترودی هستند. آنگاه معلم دیرینه‌ام با اشاره به صندلی کناری‌اش، آقای دکترباستانی پاریزی را معرفی کرد. من با شــرمندگی باید اعتراف کنم که نام استاد را فقط در رابطه با قصیده طویل طنزی شنیده بودم که هیچکس مسئولیت آن را نمی پذیرفت ولی نام باستانی پاریزی پچ پچ می‌شد، این شعر بین دانشجویان دانشگاه تهران دست به دست می گشت و خیلی‌ها دستنویس آن را داشــتند. یکی از همکلاســی‌های دانشگاهی من این شــعر را به مقتضای جوانی چنانکه افتد و دانی در جیب بغلش نگه می‌داشــت و هر وقت از بار سنگین درس‌ها خسته می‌شد، آن را بیرون می‌آورد و برایمان می‌خواند. به هر حال این اولین باری بود که چهره استاد پاریزی ۴۵ ســاله را می‌دیدم و هیچ ارتباط فی‌البداهه‌ای هم بین آن طنز طویل و چهره او برقرار نکردم، شاید در کنار همسر دلبنــدم، فارغ از آن عوالم نوجوانی، به کارهای مهم‌تری می‌اندیشیدم. این خاطره همیشه در ذهن من باقی ماند، گرچه تا ســال‌ها بعد همچنان از کارهای اســتاد پاریزی بی‌اطلاع بودم و این را هم نمی‌دانستم که زاده شدن من با آفریده شدن اولین اثر تحقیقی دکتر باستانی پاریزی با عنوان پیغمبر دزدان همزمان بوده است.

ســال ۱۳۶۲ که پس از یک خانه به دوشی ۲۰ ساله، برای کار دائمی به زادگاهم برگشته بودم، مرحوم مهندس علیرضا افضلی‌پور(بنیانگذار دانشــگاه کرمان) در میان درد دل‌هــا و خاطــرات خود، جذابیــت توصیف‌های باســتانی پاریزی را یکی از عوامل موثر در انتخاب محل دانشگاهش برمی‌شمرد. بازهم دلیل دیگری بر شرمندگی من که هنوز در سن۳۸ سالگی نمی‌دانستم دکتر باستانی پاریزی چه چیزهایی در مورد کرمان و کرمانیان نوشــته بــود. گذشــت و گذشــت تا من به دلایلــی علاقمند به ســیر دانش ریاضی در ایالت کرمان شــدم و می‌خواستم مرکز پژوهشــی تازه تاسیسمان را به نام یک ریاضیدان کرمانی بکنم؛ اسم مرکز را خوارزمی گذاشته بودند ولی مــن با همه احترامم به خوارزمــی، باانحصار نام‌گذاری نهادهــا و انجمن‌ها به تعداد معــدودی از بزرگان علم و ادب کشــورمان مانند فردوسی و خوارزمی و سعدی و غیــره مخالف بــودم و آن را توطئه‌ای بر ضد شــکوه و غنای چندین هزار ســاله فرهنگ کشورمان می‌دانستم. خوشبختانه به نام ریاضیدان توانمند، ابوعبدالله محمدبن عیسی ماهانی برخوردم و با دفاعی که از او به عمل آوردم. همکاران کرمانی و مســئولان وزارتی را با نام پیشنهادی «مرکز پژوهشی ریاضی ماهانی» موافق خود ساختم. یک روز هم اســتاد باستانی پاریزی در تالار وحدت دانشگاه کرمان سخنرانی داشت و برای این که برنامه را مفصل‌تر کنند به من هم گفتند از ماهانی صحبت کنم؛ با ترس و لرز در کنار استاد نشستم و طبق برنامه پیش رفتم. ترس و لرزم از اشتباه کردن در تاریخ‌ها و نام‌های شاهان و مکان‌ها و ناهمزمانی ادعاهایم بود و گرنه استاد پاریزی را چه کار با جذر اصم و یا کسر مسلسل! در همین تحقیقات مثلا متوجه شده بودم که تا اوایل دوره سلجوقی، اصلا شهری به اسم کرمان وجود نداشته است بلکه به مرور زمان نام ایالت کرمان با نام گواشــیر (پایتخت سلجوقیان کرمان) مترادف شد و واژه «گواشیر» از زبان‌ها افتاد.

امــا آشــنایی جــدی من بــا کتاب‌های اســتاد، از اواســط دهه ۱۳۷۰ با علاقمندی به سرگذشــت ترکان خاتون(حاکم محبوب کرمان در عصر مغول) شروع شد و با تاسیس انجمن دوستداران قبله سبز، با همت و ابتکار همکار عزیزم ســیدعباس ضیایی، اوج گرفت(اول قرار بود نامش را انجمن دوســتداران ترکان خاتون بگذاریم ولی از ترس همسرانمان جرات نکردیم. پانزده سال بعد پی بردم که ترکان خاتون همسر جد مادری‌ام بوده و لذا طبق قانون شرع و به عنوان مادر بزرگ به من محرم بوده است و از آن پس بود که با خیال راحت اسمش را جلوی همســرم می‌بردم؛ نمی‌دانم آن سید عباس ضیایی شیفته تــرکان خاتون که همچنان بــرای محبوبش قلم می‌زند، چگونه با همســرش ژاله خانم کنار آمده اســت! لابد او هم از سوی مادرش نواده اتابکان سلغری فارس درآمده کــه بــا اولاد ترکان خاتون ازدواج کــرده بودند و از این راه خود را به ترکان خاتون محرم کرده اســت.) داســتان ترکان خاتون از اینجا شروع شد که ریاضیدان بزرگی به نام ابوالعلاء قوشــچی علیرغم مخالفت ولی نعمتش الغ بیگ، نوه امیرتیمور گورکانی، با چشــم پوشی از تصدی رصدخانه سمرقند و همدمی ریاضیدان بزرگی، همچون غیاث‌الدین جمشــید کاشانی، قاضی‌زاده رومی و خود میرزا الغ بیگ، تصمیم می‌گیرد برای تکمیل تحصیلات خود، یک ســالی مقیم کرمان شــود. در نظر من این بدان می‌مانست که عضوی از انجمن سلطنتی انگلیس به شوق آموختن فیزیک ذرات بنیادی از تمامی مزایای خود چشم بپوشــد و به دانشــگاه تهران بیاید!(چرا روزی نه؟) در جســتجوی مدرسه معتبری در کرمان و آن هم در عصر پرآشــوب مغول و تاتار بر آمــدم تا بتواند میزبان مهمان عالیقدری همچون ابوالعلاء باشد. با معمای سختی رو به رو بودم که با یافتن سرنخ‌های آن در مقالات وکتاب‌های اســتاد پاریزی بــه نتیجه‌های تاریخی جالبی رســیدم. تحقیقــات مفصل‌تر در این موضوع و بررســی اوضاع اقتصادی و اجتماعی کرمان در آن عصر، من را به مدرسه ترکان خاتون هدایت کرد که تا دو قرن قبله گاه دانشمندان سراســر عالم اسلام بود. از همین ممر با شخصیت چند بعدی اســتاد باســتانی پاریزی و کار سترگ او در آشکار ســاختن میــراث معنوی ایرانیان و به ویــژه کرمانیان از زوایای تاریک کتاب‌ها، اسناد و مدارک خطی نهفته در کتابخانه‌های داخل و خارج کشور پی بردم.

دی ماه ۱۳۸۳ که با چندلر دیویس، استاد راهنمای رســاله‌ام، در پیاده روهای جلوی دانشــگاه تهران قدم می‌زدیم به استاد پاریزی برخوردیم. و من با خوشحالی او را با چندلر آشــنا ســاختم زیرا می‌دانستم که همسر تاریخدانــش، ناتالــی دیویــس از آشــنائی بــا یکی از تاریخدانــان برجســته ایرانی قدردان من خواهد شــد. بعداً از هر دو طرف شــنیدم کــه با هم رفت و آمدهائی داشته‌اند.

ســال ۱۳۸۹ که مادرم در گذشــت، احساس کردم در ســن ٦۵ سالگی یتیم شــده‌ام، احساسی که ٦۰ سال پیش با فوت پدرم به من دست نداده بود. چون از غیبت بربالین مادرم رنج می‌بردم، بر آن شدم که برای تسکین خاطر، در داســتانها و روایت‌هائی که ســینه به ســینه از اجدادش به او منتقل شده و برایم مکررا بازگو کرده بود، تحقیق کنم. تحقیق مزبور، مرا به جستجوی در لابه‌لای کتاب‌های استاد، نه به صورت قرائت صفحه به صفحه، بلکه با مراجعه به واژه‌یاب‌ها واداشت. در تابستان ۱۳۹۰ که با همســرم، به خانه دختر اســتاد پاریزی در تورونتو رفتیم ســوالات بســیار ابتدائیم را که مربوط به مدارک مورد استفاده استاد پاریزی در معرفی خانواده احمدعلی خان وزیری می‌شــد مطرح کردم(زیرا اطلاعات مادرم از طریــق خاله وزیری که جده اعلای مادرم می‌شــد به او رســیده بود). اســتاد، افرادی را در کرمان معرفی کرد و من در بازگشــت به کرمان علاوه بر کســب مدارک مورد نظر و ایجاد ارتباط بین عموزادگان و خاله زادگانی که ازخویشــاوندی با یکدیگر خبری نداشتند، مدارک تازه‌ای هم از میان قبالجات میرزاحســین وزیر و ســایر اجداد مشترکمان که در پستوها خاک می‌خوردند کشف کردم. (یک نفر هم مطلبی به من گفت که عقیده داشت اســتاد پاریزی نیم قرن اســت آن را می‌داند ولی در زمان حیاتش آن‌ها را منتشــر نمی‌کند. ایــن تکلیف بر عهده هرکس هست بداند که ما منتظریم!)

از تابســتان ۱۳۹۰ تا سه ماه قبل از رحلت استاد به علت نامساعد بودن وضع جسمانی وی توفیق زیارتشان تصیبم نشد و دوستان دلخوری را که از طریق من اصرار بر زیارت استاد داشتند ولی رخصتی نمی‌یافتند دلداری می‌دادم که تندرستی و استراحت استاد بر اشتیاق و عواطق ما تقدم دارد. همه تحقیقاتی که بر شمردم به دهی به نام گلوســالار در نزدیکی خنامان مربوط می‌شــد که دختر بزرگ میرزا حسین وزیر به عشق کلانتر آن ده بر خلاف میل پدر ولی با میانجیگری عمو به خانه شوهر رفته بود. مادرم از(نزدیک بی‌بی حیات) مربوط می‌شد و خانواده پدریم همیشه کنجکاو حقایق آن بودند و البته سرنخی پیدا نمی‌شد. در حین مطالعات گلوسالاریم. به مطلبی در کتاب صحیفه الارشاد(تصحیح وتحشیه استاد پاریزی) برخوردم که پس از بررسی و کنکاش فراوان سرنخ‌هایی احتمالی از معمای دوم به دســت می‌داد. مشکل این بود که جای برخی از تاریخ‌های این کتاب، در نسخه خطی خالی گذاشــته شــده بود و استاد پاریزی بعضی از آن‌ها را به قرینه حدس زنده بود. این حدســیات با سرنخ‌های من همخوانی نداشــتند و من به فکر افتادم با اســتفاده از نرم‌افزارهــای تطبیق تقویم‌های قمری به خورشــیدی، بعضــی از آن تاریخ‌هــا را تصحیح کنم. مقاله‌ای با بیش از ۲۰ صفحه تهیه شده و تصمیم گرفتم قبل از ارسال به چاپ، نظر استاد پاریزی را داشته باشم. تابستان گذشته (۱۳۹۲) مقاله را به دخترشــان در تورونتو ایمیل کردم تا به دید اســتاد برســاند. با پذیرفتن خواسته من یادآوری کردند که استاد پاریزی به علت تزریقاتی که در چشمشان می‌شــود به کندی مطالعه می‌کنند؛ من هم که نه ارتقایم به تاخیر می‌افتاد و نه از حقوق بازنشستگیم کم می‌شد، صبورانه منظر نظر استاد نشستم.

در پاییز که من به کرمان و اســتاد به تهران قشــلاق کرده بودیم. دوستم آقای دقاقی، خواهرزاده خانم استاد، به من اطلاع داد که اســتاد مایل به دیدار با من اســت. با اشتیاق در آخرین روز آذرماه به تهران رفتم و در تاکسی بودم که همکارم آقای دکتر عباس سالمی پاریزی به من زنگ زد و گفت پاریزی‌های تهران امشــب به مناسبت شب یلدا دور هم جمعند و تو هم که میدانیم به زودی به خانه استاد باستانی پاریزی می‌رسی، ایشان را بردار و به جمع پاریزی‌ها بیاور زیرا دعوت ما را به علت ملاقات با تو رد کرده اســت. برای من بدیهی بود که ملاقات با من بهانه اســت چون من دعوت به شــام نبودم و ساعت ۷ کارم تمام می‌شــد. در هر حــال قول همکاری دادم و تاکسی هم مرا حوالی خانه استاد پیاده کرد. با کمی وقت کشی در پاساژ گلستان، درست سر ساعت ٤ بعدازظهر زنگ منزلش را زدم. استاد، عصازنان پشت در آمد و آن را باز کرد. پس از طی چند پله وارد ساختمانش شدم که فکر می‌کنم به تنهائی در آن زندگی می‌کرد. هر جا نگاه می‌کردم قفســه کتاب بود و روی صندلی همان نزدیک در ورودی نشستم تا استاد چایش را دم کرد. بحثمان را با معرفی مختصری شــروع کردیــم و کلیاتی از مقاله را به خواهش او شــفاها توضیح دادم. گرچه از نظر بدنی نحیف به نظر می‌رســید اما عصازنان کارهای شــخصی دورخانه را انجام می‌داد، به نظرم رسید که پسرش طبقه بالای همان ســاختمان یا جائی در آن نزدیکی‌ها زندگی می‌کنــد ولــی من هیچ کــس را در خانــه‌اش ندیدم. از ناراحتی چشم می‌نالید و از این که نمی‌توانست مقاله را آن طور که باید و شاید بخواند عذرخواهی می‌کرد. برایم کاملا معلوم بود که این تن رنجور قادر به شرکت در یک مراسم طولانی شب یلدا نیست و لذا اصراری به شرکت در جمع پاریزی‌ها نکردم. استاد پرسید چرا در این مدت مقاله را برای چاپ نفرستادی، جواب دادم ممکن بود با برخی از نظرات من مخالف باشید، منتظر اعلام نظرتان مانده‌ام. با شکســته نفســی جواب داد که من همیشه در ریاضیات ضعیف بوده‌ام و وقتی که شــما با حســاب و منطق چیزی را رد کنید من چه مخالفتی می‌توانم داشته باشم؛ به خصوص وقتی که پای ریاضیات در میان باشد. در پایــان از انگیــزه‌ام در ورود به این مبحث پرســید که دلیلــش را یافتن شــجره پدرم و حــل یکی از معماهای تاریخی چشمه گز بر شمردم. دوباره اصرار کرد هم این روایات محلی را اضافه کنم و هم هر چه زودتر چاپش کنم که با خواهش اولشان مخالفت کردم. دلیلم این بود که اگر مســتندات مکتوب با روایات شفاهی مخلوط شود، به ســادگی نمی‌توانم از دســت داوران جان سالم به در ببرم. استاد سری تکان داد و بحث را ادامه نداد. به خوبی دانســتم که این شــیر غران میدان تاریخ، همچون ملک الشعراء بهار تن به رفتن داده و دیگر آن حرارت و توان خواندن و نقد کردن را در خود نمی‌بیند شنیده و خوانده بودم که صابون اســتاد به رخــت بعضی‌ها خورده بود، کسی که یک عمر بدون چشمداشت سکه و جایزه‌ای، حرف‌های خود را زد و نوشت و چون متوجه اشتباهش می‌شد، در اولین فرصت مناسب «خودمشتمالی» می‌کرد و عذر می‌خواســت، بدهکار کســی نبود تا به خاطرش حقیقتی را پایمال و خطایی را چشم‌پوشی کند. البته، از مطالعه رســاله کتاب کرمانی او متوجه شدم به حدس و گمان‌هائی که موجب هتک حرمت خانواده یا شخصیتی گردد، ترتیب اثر نمی‌دهد.

ادامه دارد



کاوش

طهمورث آدمی

مطلب از قلم افتاده

آنجــا کــه ازوقایــع و رویدادهای هنگام ســفر قوام‌السلطنه به مسکو سخن می گفتم. گفتگوی با پیرنظــر مدیرکل وزارت خارجه را، که جزو همراهان قوام‌الســلطنه بود، از قلم انداختم: پیرنظر اساساً مردی خلیــق، ملایم و خوشــرو بود. بین رؤســای وزارت امورخارجه از همه ســرنبود؛ به هیچ‌وجه. حتی وقتی ســهیلی او را به معاونت سیاســی وزارت امورخارجه گماشــت، اعتراضها شــد و رؤســا حرف و دستور او را نمی‌خواندند. ولــی ما که اعضای کوچکتر وزارت امور خارجه بودیم، در تماس با او چون خیلی مؤدب و معقول بود، اشــکالی نداشــتیم و ایــراد بزرگترها را به خودشان وا می‌گذاشتیم.

باری همان طور که قبلاً یاد کرده‌ام در همان تالاری که قوام‌السلطنه جلوس کرده بود و همهٔ همراهان و اعضای کمیســیون او، نشسته بودند و قوام‌السلطنه شخصاً شایعهٔ ســر به نیستی ماکســیموف سفیر کبیر شــوروی مقارن غائلــهٔ آذربایجــان را مطرح کرده بــود؛ و فقط من گفته بودم او را دیده‌ام. و لاجرم دَرِ باغ ســبز ســاختگیی را که با ســر به نیست شدن ماکسیموف می‌خواستند به خورد قوام‌الســلطنه بدهند، هَبا شــد و به باد رفت؛ پیرنظر هم حضور داشت. یک روز یا دو روز بعد پیرنظر به سفارت آمد و مرا خواست. همان توی راهروی سفارت، برخلاف اخــلاق نرم و ملایم خودش، به من پرخاش کرد که چرا سفارت را می‌گذارم و به ملاقات قوام‌السلطنه می‌روم. من جواب درســتی نداشتم و ندادم. به آنها که برای پرخاش و ایراد به من از جای دیگری دســتور می‌گرفتند (جز از رئیــس دولــت یا به صلاح دید و مصلحت کشــور) چه داشتم بگویم. بالاخره خانم او از آن طرف مرز آمده بود. بر من بود که حرمت چنین رئیسی را داشته باشم، گرچه به حرف و دستور او عمل نمی‌کردم. چنان که باز هم مکرر و مرتب به ملاقات قوام‌السلطنه می‌رفتم و حتی شب آخر سرمیز شام قوام‌السلطنه که نشسته بودم، پیرنظر می‌دید که من هم نشســته‌ام و درست مقابل قوام‌السلطنه نشسته‌ام. جواب من همان بود. دیگر جنجال چرا؟

شــب آخر قوام‌السلطنه سرمیز شام سخت بی قرار و نام‌آرام بود. او خلجان عضو «تیک» داشــت و گوشــه چشمش مرتبا می‌پرید و به تندی می‌زد. رنج او را احساس می‌کردم.

مطلب دیگری را هم اینجا یادآور شــوم، بهتر است: برای مهمانیی که بنا بود اســتالین (شــورویها) به افتخار قوام‌السلطنه بدهند، از او خواستند که صورت کسانی که در مهمانی باید شــرکت کنند؛ بدهد. گفته بود: «یا همه یا هیچ کس» و همه از کوچک و بزرگ در مهمانی استالین حضور یافتند. او خوب می‌دانست چگونه می‌بایست بود. مردی بود بزرگ و برای ایران منبع آبرو و تشخص. نجات آذربایجان را فقط و فقط از او داریم و این قول قوام حاق حقیقت است که... غیر از خود، برای احدی در انجام امور آذربایجان ســهم و حقی قائل نبودم و فقط نتیجه تدبیر و سیاست او بود که معضل آذربایجان انجام نیکو یافت.

در دوران جنگ دوم جهانی ایران با تمام مشکلات یک کشــور زیر اشــغال اجنبی مواجه بود. قوای خود را نمی‌توانستیم به شمال بفرستیم غله و گله و حشم و غنم ما را می‌بردند. جنگل‌های ما را می‌تراشــیدند و بارکشی می‌کردند. به دروغ اعلامیه می‌دادند که برای ما آرد ذرت می‌آورند. در هر امر سیاسی و مملکتی و تصمیم‌گیری از اعمال نظرهای علنی و کارشــکنی‌ها پنهانی و تحریکات دائم امساک نمی‌کردند.

مردان سیاسی ما را پیر و پوسیده و فرتوت می‌خواندند و می‌خواندیــم. ولــی عاقبت همان رجــال کهنه و پیران پی خجســته بودند که به هر تمهید و تدبیر شــده کشتی کشور را به ساحل رستگاری کشاندند. سرآمد این رجال قوام‌السلطنه بود که زمام امور را در سخت‌ترین وضع به دســت گرفت. او به رغم اشــغال ایران با تکیه بر تدبیر و کیاســت و شجاعت روحی و اقتحام اخلاقی و شناخت سیاست‌های بین‌المللی معضل ما را حل کرد:

در نهایــت وقار و حرمت به مســکو ســفر کرد. با ســران وقت شوروی به گفتگو پرداخت ولی شریکی در مذاکرات خود نگرفت. یک تنه به مقابله می‌رفت و هیچ یک از همراهانش را رخصت شرکت نمی‌داد. در کشاکش رویارویی‌هــا به دلیری تاب آورد. با اتکاء بر قانون (ماده واحــده معروف دکتر مصدق) و منطق و اصل حاکمیت و حکمرانی ایران راه را بر تعرض‌ها و بی حقی‌ها بست. ولی مانعی ندید که با طرح یک شــرکت مشــترک ایرانی ـ شــوروی برای بهره‌برداری ازنفت روی موافقت نشان دهد، هر چند آن را مشــروط بر تصویب مجلس کرد. بــه خاطر دارم آن روزها نزدیــکان روس‌ها می‌گفتند بهتر اســت در وضع فعلی ایــران حتی در بند یکی دو درصد اضافی سهم روسیه نشود و با آنها موافقت کند، و دلشان را به دست آورد که سر لج نیفتند تا ببینیم بعد چه پیش می‌آید. و دنیا دســت کی خواهد بود. بیخود و بی جهت سر یک یا دو درصد پافشاری نکنیم. ولی قوام در استقامت پا پس نمی‌گذاشت.

قوام هنوز در مسکو بود که قوای شوروی شروع به تخلیه ایران کرد. و هنوز او در مسکو بود که وزرای دولت دموکرات آذربایجان به رؤسای ادارات استان آذربایجان ایران تبدیل شدند. هنوز قوام در مسکو بود که سفیر کبیر تازه شوروی نامزد تهران شد. و هنوز آسمان شوروی را ترک نگفته بود که ناخرسندی خود را از مولوتف وزیر خارجه اســتالین با جلادت منشــیگری به رخ استالین کشــید. وقتی دســتور اعزام قوا را به آذربایجان صادر کرد و معما حل شــد، همه مشکل گشا شدند و مدعی قبضه آذربایجان.

این گفته فروغــی هنگام هجوم قوای انگلیس و روس کــه: «می‌آیند و می‌روند و...» مدتها ورد زبان‌ها بــود؛ البته بیشــتر به طعن و طنز نه بــه جد و بخردانه. اگر «می‌آیند» آن را فروغی صوفی وار ســر و صورت بخشــید، معضل بــزرگ و مرد آزمــای « می‌روند» را قوام‌السلطنه سکه تحقق بر ناصیه نهاد.

ناگفته نگذاریم که قوام‌السلطنه را با آن خط جلی باید خاتم مترســلان و استادان فن ترسل و منشیگری در ایران شــناخت. مکتبی دوهزار ساله که چهره‌های تابناکی چون‌این مقفع (روزبه) نظامی عروضی، بلعمی، بیهقی، ابوالمعالی نصراله منشی صاحب کلیله، ابونصر مشکان، خاندان جلیل جوینی و بالاخره با گسترده‌تر و بزرگتریــن همه قائم مقام فراهانی را فروغ بخش عالم ادب و سیاست این کشور کهنسال داشت.

نقد

نقد ویژه نامه‌های مطبوعات نوروز۹۳

فرم، ظاهر، تناسب

در این مقال، نگارنده در حد بضاعت اندیشه خود، ویژه نامه‌های شــرق، اعتماد، جام جم، ایران، آرمان، چهل چراغ، اقتصاد و تجارت، آفتاب و همشــهری را مورد بررســی قــرار می‌دهد. روزنامه همشــهری و ایــران و جام جم، حتی روزنامه اطلاعات، ویژه‌نامه‌ها یشان هدیه‌ای است نوروزی به مخاطبانش بطور تقریبا رایگان.

ویژه نامه‌های شــرق و اعتمــاد و.... بجز چهل چراغ دارای قیمت‌های نسبتاً گران و با فونت بسیار ریز و حجم مطالب بسیار زیاد که امکان خواندن را در طول شبانه روز از خواننده ســلب و آزار دهنده می‌باشــد، جای بســی شــگفتی هست که چه اصراری هست که مطالب بسیار زیاد با عنوان‌های مختلف و با فونت‌های بســیار ریز که هم به چشم آسیب می‌زند و هم در جمع بندی مطالب، مخاطبین را دچار مشکل می‌کند، این حجم مطالب تولید شــود، لذا این یک نقیصه‌ای اســت که باید مورد توجه مســئولان اینچنین ویژه نامه‌هایی کــه انصافاً زحمات زیادی در تهیه و تولید آن می‌کشند قرار گیرد.

از نظر شکلی، روزنامه تجارت و اقتصاد، بافرم زیبا و چینش حرفــه‌ای و کاغذ مرغوب ویژه نامه اقتصادی سیاسی جذابی را همراه با عکس‌های خوب و در خور تحسین ارائه داده است.

روز نامه شرق و اعتماد و آفتاب و تجارت و اقتصاد اما در پیرامون ارائه محتوی، زحمات زیادی کشــیده‌اند و انصافاً مطالب تولیدی بکر و خواندنی بسیار زیادی را ارائه داده‌اند، اما این ســؤال همچنان مطرح است که چه اصراری بر این همه مطالب و مصاحبه‌ها آیا نمی‌شــد از حجم آن کم کرد؟

روز نامه‌های اینچنینی یادشــان رفته نوروز است، باید به مخاطب یاد آوری نمود که نوروز چیست. انگار همچنان مثل تلویزیون که از نوروز فقط بلد است افراد هنر پیشــه و مجری دعوت کند و ســوپ رایز بازی در بیاورد و این مجری از آن مجری بپرســد با کی ازدواج کرده و دیشــب چی خورده؟ ســال گذشــته چه کرده و جدیــداً هــم مجری زوج بیــاورد و خوش آموزی به بینندگان آموزش بدهد، انگار دســتی در کار اســت که نوروز را از درون تهی کند، که بچه‌های ما ندانند نوروز از کجــا آمده و جهانیــان چه احترامی و ارجی و منزلتی بر این رویداد قائل‌اند، اما ما نباید بدانیم فلســفه نوروز چیست، شــما یک مصاحبه در باره نوروز از تلویزیون و ایضا از ویژه نامه‌ها، فلسفه چرایی، مانایی آن مشاهده نمی‌کنیــد، انگار همه وظیفه دارند در نوروز به مخاطب بفهمانند که در سال نود دو این مدیران بودند که نوروز نود و ســه را برای شــما به ارمغان آورده‌اند و قرار است شــق‌القمر کنند، اما خود نوروز بهانه‌ای است برای خود نشان دادن نه محتوی نوروز و فلسفه آن. درویژه نامه‌های شرق و اعتماد و... هم در این مهم امتحان خوبی نداده‌اند. اینکه مخاطب بداند فلان مســئول و یا سیاســتمدار در مصاحبــه چه گفته و چه خاطراتی را باز خوانی کرده و قرار اســت برای مســکن و یا اقتصاد چه برنامه‌هایی در دســت اجرا باشد خوب است اما آیا مردم و بخصوص قشــر جوان و نوجــوان نباید بدانند نــوروز چه بوده و فلسفه آن چیســت، اداب و رسوم درست آن چه بوده؟ چه آســیب‌هایی دارد؟ اصلاً جایی نــدارد البته در این میــان از ویژه‌نامه روزنامه اطلاعــات به جهت رفع این نقیصه نمی‌توان چشــم پوشــید، این ویژه نامه علاوه بر رعایت اندازه و فرم و قیمت، و تعداد صفحات و فونت و جلد چشــم نواز نوروزی از لحاظ محتوی بیشــترین را بــه نــوروز و تاریخچه و اداب رســوم نوروز در ملل مختلف و دهها مطلب نوروزی نغز و حتی نام با مسمای نوروز نامه به خوانندگان ارائه داده است و البته از بیست و نهم اسفند و مصدق و سیاست، بخصوص مصاحبه با دکتر ظریف و معرفی جاذبه‌های گردشگری غافل نبوده اســت و این نشان می‌دهد که دست‌اندرکاران فرهیخته ویــژه نامــه اطلاعات از ماهها قبل بــدون عــجله و با دقــت و ظرافت کاری نه از ســر اجبار و یا رفع تکلیف و و نه یکجانبه نگری ویژه نامه را به زیور طبع آراســته نموده‌انــد که همین ویژه نامه البته در معرفی جاذبه‌های همه استان‌ها آنچنان موفق نبوده است.

محمد رضا خورشیدی

آیینه

دلنوشته‌ای درباره دکتر باستانی پاریزی

...حکم‌گزاران همه رفتند



پروفسور مهدی رجبعلی‌پور

هزاران‌رادرشاخسارهای‌هزارستان‌طبعش‌به‌نغمه‌سرائی واداشت، از زبان فصیحی که مرزهای هفت اقلیم فارس و عرب را به فراسوی هفت دریای روم و فرنگ کشاند. و ازخبیری که تشــنگان را در خنکای آب قنات از مادر چاه تا مظهرش همراهی کرد، مشتاقان طبیعت را با گل و گیاه و وحش کویر آشــنا ســاخت، و نظریه نســبیت اینشــتین، مبانی اقتصاد، حــل معادلات چند مجهولی و صدها نکته ظریف علمی دیگر را به فهم عوام بیان کرد. زبانی شــیرین لازمست تا حلاوت و ملاحت کلامش را بازگوکند. زبان من قاصر است مگر آن که پند هوشنگ، همکلاس ششــم دبســتانم را گوش کنم که با زبان حال می‌گفت: «این بر ما دانش آموزان واضح و مبرهن است را ول کنید و خودمانی بنویســید.» که شــنیدن پندش به گوش جان، کشاندن کوله‌بار اجباری درس انشاء را بسی آسان‌تر ساخت.

تکلیف را سبک می‌کنم و از جریان ساده آشنایی‌ام با اســتاد پاریزی می‌نویسم. تمام تلاش من این است که تصویر ایشان را آن طور که خود دیدم ترسیم کنم ولی چه کنم که نقاش خوبی نیستم و آن چه آخر سر به دست شما می‌رسد کاریکاتوری بیش نیست. هر کلمه‌ای که در این دلنوشته می‌نویسم به خاطر آن مرحوم است ولو به ظاهر از خط خارج شــوم. سال ۱۳۴۹ من تازه داماد و همسرم پس از دیدار مختصری از اقوام کرمانی، با اتوبوس عازم تهــران بودیــم که از آن جا برای ادامــه تحصیل به کانادا برویــم. در ردیــف جلوی من خانمی نشســته بود که با آقای کناری گرم صحبت بود و من نیمرخ آقا را به خوبی می‌دیدم، لابد به دلیل قرینه خانمم نیز نیمرخ آن خانم را می‌دید. ساعتی نگذشت که آن خانم بدون مقدمه سرش را به سوی همسرم چرخاند و با خیره شدن در چشمان او گفت: «چشم‌های تو به خانواده مومنائی‌های چترودی رفته است» و البته کاملا درست می‌گفت؛ چون صورت من را هم دیده بود، اضافه کرد: «تو هم شاگرد من بوده‌ای» خود را معرفی کرد و من با شگفتی و خوشحالی جواب دادم که بله ۱۹ سال پیش در کلاس اول ابتدایی شاگردش بوده‌ام. پس از معرفی خودم. ادامه دادم که مربی ریاضی دانشــگاه پهلوی هستم. خانمم نیز پس از شنیدن نام آن خانم، به من خاطر نشان ساخت که مادرش و این خانم از نوادگان ملا مومنای چترودی هستند. آنگاه معلم دیرینه‌ام با اشاره به صندلی کناری‌اش، آقای دکترباستانی پاریزی را معرفی کرد. من با شــرمندگی باید اعتراف کنم که نام استاد را فقط در رابطه با قصیده طویل طنزی شنیده بودم که هیچکس مسئولیت آن را نمی پذیرفت ولی نام باستانی پاریزی پچ پچ می‌شد، این شعر بین دانشجویان دانشگاه تهران دست به دست می گشت و خیلی‌ها دستنویس آن را داشــتند. یکی از همکلاســی‌های دانشگاهی من این شــعر را به مقتضای جوانی چنانکه افتد و دانی در جیب بغلش نگه می‌داشــت و هر وقت از بار سنگین درس‌ها خسته می‌شد، آن را بیرون می‌آورد و برایمان می‌خواند. به هر حال این اولین باری بود که چهره استاد پاریزی ۴۵ ســاله را می‌دیدم و هیچ ارتباط فی‌البداهه‌ای هم بین آن طنز طویل و چهره او برقرار نکردم، شاید در کنار همسر دلبنــدم، فارغ از آن عوالم نوجوانی، به کارهای مهم‌تری می‌اندیشیدم. این خاطره همیشه در ذهن من باقی ماند، گرچه تا ســال‌ها بعد همچنان از کارهای اســتاد پاریزی بی‌اطلاع بودم و این را هم نمی‌دانستم که زاده شدن من با آفریده شدن اولین اثر تحقیقی دکتر باستانی پاریزی با عنوان پیغمبر دزدان همزمان بوده است.

ســال ۱۳۶۲ که پس از یک خانه به دوشی ۲۰ ساله، برای کار دائمی به زادگاهم برگشته بودم، مرحوم مهندس علیرضا افضلی‌پور (بنیانگذار دانشــگاه کرمان) در میان درد دل‌هــا و خاطــرات خود، جذابیــت توصیف‌های باســتانی پاریزی را یکی از عوامل موثر در انتخاب محل دانشگاهش بر می‌شمرد. بازهم دلیل دیگری بر شرمندگی من که هنوز در سن۳۸ سالگی نمی‌دانستم دکتر باستانی پاریزی چه چیزهایی در مورد کرمان و کرمانیان نوشــته بــود. گذشــت و گذشــت تا من به دلایلــی علاقمند به ســیر دانش ریاضی در ایالت کرمان شــدم و می خواستم مرکز پژوهشــی تازه تاسیسمان را به نام یک ریاضیدان کرمانی بکنم؛ اسم مرکز را خوارزمی گذاشته بودند ولی مــن با همه احترامم به خوارزمــی، باانحصار نام‌گذاری نهادهــا و انجمن‌ها به تعداد معــدودی از بزرگان علم و ادب کشــورمان مانند فردوسی و خوارزمی و سعدی و غیــره مخالف بــودم و آن را توطئه‌ای بر ضد شــکوه و غنای چندین هزار ســاله فرهنگ کشورمان می‌دانستم. خوشبختانه به نام ریاضیدان توانمند، ابوعبدالله محمدبن عیسی ماهانی برخوردم و با دفاعی که از او به عمل آوردم. همکاران کرمانی و مســئولان وزارتی را با نام پیشنهادی «مرکز پژوهشی ریاضی ماهانی» موافق خود ساختم. یک روز هم اســتاد باستانی پاریزی در تالار وحدت دانشگاه کرمان سخنرانی داشت و برای این که برنامه را مفصل‌تر کنند به من هم گفتند از ماهانی صحبت کنم؛ با ترس و لرز در کنار استاد نشستم و طبق برنامه پیش رفتم. ترس و لرزم از اشتباه کردن در تاریخ‌ها و نام‌های شاهان و مکان‌ها و ناهمزمانی ادعاهایم بود و گرنه استاد پاریزی را چه کار با جذر اصم و یا کسر مسلسل! در همین تحقیقات مثلا متوجه شده بودم که تا اوایل دوره سلجوقی، اصلا شهری به اسم کرمان وجود نداشته است بلکه به مرور زمان نام ایالت کرمان با نام گواشــیر (پایتخت سلجوقیان کرمان) مترادف شد و واژه «گواشیر» از زبان‌ها افتاد.

امــا آشــنایی جــدی من بــا کتاب‌های اســتاد، از اواســط دهه ۱۳۷۰ با علاقمندی به سرگذشــت ترکان خاتون (حاکم محبوب کرمان در عصر مغول) شروع شد و با تاسیس انجمن دوستداران قبله سبز، با همت و ابتکار همکار عزیزم ســیدعباس ضیایی، اوج گرفت (اول قرار بود نامش را انجمن دوســتداران ترکان خاتون بگذاریم ولی از ترس همسرانمان جرات نکردیم. پانزده سال بعد پی بردم که ترکان خاتون همسر جد مادری‌ام بوده و لذا طبق قانون شرع و به عنوان مادر بزرگ به من محرم بوده است و از آن پس بود که با خیال راحت اسمش را جلوی همســرم می‌بردم؛ نمی دانم آن سید عباس ضیایی شیفته تــرکان خاتون که همچنان بــرای محبوبش قلم می‌زند، چگونه با همســرش ژاله خانم کنار آمده اســت! لابد او هم از سوی مادرش نواده اتابکان سلغری فارس درآمده کــه بــا اولاد ترکان خاتون ازدواج کــرده بودند و از این راه خود را به ترکان خاتون محرم کرده اســت.) داســتان ترکان خاتون از اینجا شروع شد که ریاضیدان بزرگی به نام ابوالعلاء قوشــچی علیرغم مخالفت ولی نعمتش الغ بیگ، نوه امیر تیمور گورکانی، با چشــم پوشی از تصدی رصدخانه سمرقند و همدمی ریاضیدان بزرگی، همچون غیاث‌الدین جمشــید کاشانی، قاضی‌زاده رومی و خود میرزا الغ بیگ، تصمیم می گیرد برای تکمیل تحصیلات خود، یک ســالی مقیم کرمان شــود. در نظر من این بدان می‌مانست که عضوی از انجمن سلطنتی انگلیس به شوق آموختن فیزیک ذرات بنیادی از تمامی مزایای خود چشم بپوشــد و به دانشــگاه تهران بیاید! (چرا روزی نه؟) در جســتجوی مدرسه معتبری در کرمان و آن هم در عصر پرآشــوب مغول و تاتار بر آمــدم تا بتواند میزبان مهمان عالیقدری همچون ابوالعلاء باشد. با معمای سختی رو به رو بودم که با یافتن سرنخ‌های آن در مقالات و کتاب‌های اســتاد پاریزی بــه نتیجه‌های تاریخی جالبی رســیدم. تحقیقــات مفصل‌تر در این موضوع و بررســی اوضاع اقتصادی و اجتماعی کرمان در آن عصر، من را به مدرسه ترکان خاتون هدایت کرد که تا دو قرن قبله‌گاه دانشمندان سراســر عالم اسلام بود. از همین ممر با شخصیت چند بعدی اســتاد باســتانی پاریزی و کار سترگ او در آشکار ســاختن میــراث معنوی ایرانیان و به ویــژه کرمانیان از زوایای تاریک کتاب‌ها، اسناد و مدارک خطی نهفته در کتابخانه‌های داخل و خارج کشور پی بردم.

دی ماه ۱۳۸۳ که با چندلر دیویس، استاد راهنمای رســاله‌ام، در پیاده روهای جلوی دانشــگاه تهران قدم می‌زدیم به استاد پاریزی برخوردیم. و من با خوشحالی او را با چندلر آشــنا ســاختم زیرا می‌دانستم که همسر تاریخدانــش، ناتالــی دیویــس از آشــنائی بــا یکی از تاریخدانــان برجسته ایرانی قدردان من خواهد شــد. بعداً از هر دو طرف شــنیدم کــه با هم رفت و آمدهائی داشته‌اند.

ســال ۱۳۸۹ که مادرم در گذشــت، احساس کردم در ســن ۶۵ سالگی یتیم شــده‌ام، احساسی که ۶۰ سال پیش با فوت پدرم به من دست نداده بود. چون از غیبت بربالین مادرم رنج می‌بردم، بر آن شدم که برای تسکین خاطر، در داســتانها و روایت‌هائی که ســینه به ســینه از اجدادش به او منتقل شده و برایم مکررا بازگو کرده بود، تحقیق کنم. تحقیق مزبور، مرا به جستجوی در لابه‌لای کتاب‌های استاد، نه به صورت قرائت صفحه به صفحه، بلکه با مراجعه به واژه‌یاب‌ها واداشت. در تابستان ۱۳۹۰ که با همســرم، به خانه دختر اســتاد پاریزی در تورونتو رفتیم ســوالات بســیار ابتدائیم را که مربوط به مدارک مورد استفاده استاد پاریزی در معرفی خانواده احمدعلی خان وزیری می‌شــد مطرح کردم (زیرا اطلاعات مادرم از طریــق خاله وزیری که جده اعلای مادرم می‌شــد به او رســیده بود). اســتاد، افرادی را در کرمان معرفی کرد و من در بازگشــت به کرمان علاوه بر کســب مدارک مورد نظر و ایجاد ارتباط بین عموزادگان و خاله زادگانی که از خویشــاوندی با یکدیگر خبری نداشتند، مدارک تازه‌ای هم از میان قبالجات میرزاحســین وزیر و ســایر اجداد مشترکمان که در پستوها خاک می‌خوردند کشف کردم. (یک نفر هم مطلبی به من گفت که عقیده داشت اســتاد پاریزی نیم قرن اســت آن را می‌داند ولی در زمان حیاتش آن‌ها را منتشــر نمی‌کند. ایــن تکلیف بر عهده هرکس هست بداند که ما منتظریم!)

از تابســتان ۱۳۹۰ تا سه ماه قبل از رحلت استاد به علت نامساعد بودن وضع جسمانی وی توفیق زیارتشان تصیبم نشد و دوستان دلخوری را که از طریق من اصرار بر زیارت استاد داشتند ولی رخصتی نمی‌یافتند دلداری می‌دادم که تندرستی و استراحت استاد بر اشتیاق و عواطق ما تقدم دارد. همه تحقیقاتی که بر شمردم به دهی به نام گلوســالار در نزدیکی خنامان مربوط می‌شــد که دختر بزرگ میرزا حسین وزیر به عشق کلانتر آن ده بر خلاف میل پدر ولی با میانجیگری عمو به خانه شوهر رفته بود. مادرم از (نزدیک بی‌بی حیات) مربوط می‌شد و خانواده پدریم همیشه کنجکاو حقایق آن بودند و البته سرنخی پیدا نمی‌شد. در حین مطالعات گلوسالاریم. به مطلبی در کتاب صحیفه الارشاد (تصحیح و تحشیه استاد پاریزی) برخوردم که پس از بررسی و کنکاش فراوان سرنخ‌هایی احتمالی از معمای دوم به دســت می‌داد. مشکل این بود که جای برخی از تاریخ‌های این کتاب، در نسخه خطی خالی گذاشــته شــده بود و استاد پاریزی بعضی از آن‌ها را به قرینه حدس زنده بود. این حدســیات با سرنخ‌های من همخوانی نداشــتند و من به فکر افتادم با اســتفاده از نرم‌افزارهــای تطبیق تقویم‌های قمری به خورشــیدی، بعضــی از آن تاریخ‌هــا را تصحیح کنم. مقاله‌ای با بیش از ۲۰ صفحه تهیه شده و تصمیم گرفتم قبل از ارسال به چاپ، نظر استاد پاریزی را داشته باشم. تابستان گذشته (۱۳۹۲) مقاله را به دخترشــان در تورونتو ایمیل کردم تا به دید اســتاد برســاند. با پذیرفتن خواسته من یادآوری کردند که استاد پاریزی به علت تزریقاتی که در چشمشان می‌شــود به کندی مطالعه می‌کنند؛ من هم که نه ارتقایم به تاخیر می‌افتاد و نه از حقوق بازنشستگیم کم می‌شد، صبورانه منظر نظر استاد نشستم.

در پاییز که من به کرمان و اســتاد به تهران قشــلاق کرده بودیم. دوستم آقای دقاقی، خواهرزاده خانم استاد، به من اطلاع داد که اســتاد مایل به دیدار با من اســت. با اشتیاق در آخرین روز آذرماه به تهران رفتم و در تاکسی بودم که همکارم آقای دکتر عباس سالمی پاریزی به من زنگ زد و گفت پاریزی‌های تهران امشــب به مناســبت شب یلدا دور هم جمعند و تو هم که میدانیم به زودی به خانه استاد باستانی پاریزی می‌رسی، ایشان را بردار و به جمع پاریزی‌ها بیاور زیرا دعوت ما را به علت ملاقات با تو رد کرده اســت. برای من بدیهی بود که ملاقات با من بهانه اســت چون من دعوت به شــام نبودم و ساعت ۷ کارم تمام می‌شــد. در هر حــال قول همکاری دادم و تاکسی هم مرا حوالی خانه استاد پیاده کرد. با کمی وقت کشی در پاساژ گلستان، درست سر ساعت ٤ بعدازظهر زنگ منزلش را زدم. استاد، عصازنان پشت در آمد و آن را باز کرد. پس از طی چند پله وارد ساختمانش شدم که فکر می‌کنم به تنهائی در آن زندگی می‌کرد. هر جا نگاه می‌کردم قفســه کتاب بود و روی صندلی همان نزدیک در ورودی نشستم تا استاد چایش را دم کرد. بحثمان را با معرفی مختصری شــروع کردیــم و کلیاتی از مقاله را به خواهش او شــفاها توضیح دادم. گرچه از نظر بدنی نحیف به نظر می‌رســید اما عصازنان کارهای شــخصی دورخانه را انجام می‌داد، به نظرم رسید که پسرش طبقه بالای همان ســاختمان یا جائی در آن نزدیکی‌ها زندگی می‌کنــد ولــی من هیچ کــس را در خانــه‌اش ندیدم. از ناراحتی چشم می‌نالید و از این که نمی‌توانست مقاله را آن طور که باید و شاید بخواند عذرخواهی می‌کرد. برایم کاملا معلوم بود که این تن رنجور قادر به شرکت در یک مراسم طولانی شب یلدا نیست و لذا اصراری به شرکت در جمع پاریزی‌ها نکردم. استاد پرسید چرا در این مدت مقاله را برای چاپ نفرستادی، جواب دادم ممکن بود با برخی از نظرات من مخالف باشید، منتظر اعلام نظرتان مانده‌ام. با شکســته نفســی جواب داد که من همیشه در ریاضیات ضعیف بوده‌ام و وقتی که شــما با حســاب و منطق چیزی را رد کنید من چه مخالفتی می‌توانم داشته باشم؛ به خصوص وقتی که پای ریاضیات در میان باشد. در پایــان از انگیــزه‌ام در ورود به این مبحث پرســید که دلیلــش را یافتن شــجره پدرم و حــل یکی از معماهای تاریخی چشمه گز بر شمردم. دوباره اصرار کرد هم این روایات محلی را اضافه کنم و هم هر چه زودتر چاپش کنم که با خواهش اولشان مخالفت کردم. دلیلم این بود که اگر مســتندات مکتوب با روایات شفاهی مخلوط شود، به ســادگی نمی‌توانم از دســت داوران جان سالم به در ببرم. استاد سری تکان داد و بحث را ادامه نداد. به خوبی دانســتم که این شــیر غران میدان تاریخ، همچون ملک الشعراء بهار تن به رفتن داده و دیگر آن حرارت و توان خواندن و نقد کردن را در خود نمی‌بیند شنیده و خوانده بودم که صابون اســتاد به رخــت بعضی‌ها خورده بود، کسی که یک عمر بدون چشمداشت سکه و جایزه‌ای، حرف‌های خود را زد و نوشت و چون متوجه اشتباهش می‌شد، در اولین فرصت مناسب «خودمشتمالی» می‌کرد و عذر می‌خواســت، بدهکار کســی نبود تا به خاطرش حقیقتی را پایمال و خطایی را چشم‌پوشی کند. البته، از مطالعه رســاله کتاب کرمانی او متوجه شدم به حدس و گمان‌هائی که موجب هتک حرمت خانواده یا شخصیتی گردد، ترتیب اثر نمی‌دهد.

ادامه دارد



کاوش

طهمورث آدمی

مطلب از قلم افتاده

آنجــا کــه از وقایــع و رویدادهای هنگام ســفر قوام‌الســلطنه به مســکو ســخن می گفتم. گفتگوی با پیرنظــر مدیرکل وزارت خارجه را، که جزو همراهان قوام‌الســطنه بود، از قلم انداختم: پیرنظر اساساً مردی خلیــق، ملایم و خوشــرو بود. بین رؤســای وزارت امورخارجه از همه ســرنبود؛ به هیچ‌وجه. حتی وقتی ســهیلی او را به معاونت سیاســی وزارت امورخارجه گماشــت، اعتراضها شــد و رؤســا حرف و دستور او را نمی‌خواندند. ولــی ما که اعضای کوچکتر وزارت امور خارجه بودیم، در تماس با او چون خیلی مؤدب و معقول بود، اشــکالی نداشــتیم و ایــراد بزرگترها را به خودشان وا می گذاشتیم.

باری همان طور که قبلاً یاد کرده‌ام در همان تالاری که قوام‌السلطنه جلوس کرده بود و همهٔ همراهان و اعضای کمیســیون او، نشسته بودند و قوام‌السلطنه شخصاً شایعهٔ ســر به نیستی ماکســیموف سفیر کبیر شــوروی مقارن غائلــهٔ آذربایجــان را مطرح کرده بــود؛ و فقط من گفته بودم او را دیده‌ام. و لاجرم دَرِ باغ ســبز ســاختگیی را که با ســر به نیست شدن ماکسیموف می خواستند به خورد قوام‌الســلطنه بدهند، هَبا شــد و به باد رفت؛ پیرنظر هم حضور داشت. یک روز یا دو روز بعد پیرنظر به سفارت آمد و مرا خواست. همان توی راهروی سفارت، برخلاف اخــلاق نرم و ملایم خودش، به من پرخاش کرد که چرا سفارت را می گذارم و به ملاقات قوام‌السلطنه می‌روم. من جواب درســتی نداشتم و ندادم. به آنها که برای پرخاش و ایراد به من از جای دیگری دســتور می گرفتند (جز از رئیــس دولــت یا به صلاح دید و مصلحت کشــور) چه داشتم بگویم. بالاخره خانم او از آن طرف مرز آمده بود. بر من بود که حرمت چنین رئیسی را داشته باشم، گرچه به حرف و دستور او عمل نمی کردم. چنان که باز هم مکرر و مرتب به ملاقات قوام‌السلطنه می‌رفتم و حتی شب آخر سرمیز شام قوام‌السلطنه که نشسته بودم، پیرنظر می دید که من هم نشســته‌ام و درست مقابل قوام‌السلطنه نشسته‌ام. جواب من همان بود. دیگر جنجال چرا؟

شــب آخر قوام‌السلطنه سرمیز شام سخت بی قرار و نام‌آرام بود. او خلجان عضو «تیک» داشــت و گوشــه چشمش مرتبا می‌پرید و به تندی می‌زد. رنج او را احساس می‌کردم.

مطلب دیگری را هم اینجا یادآور شــوم، بهتر است: برای مهمانیی که بنا بود اســتالین (شــورویها) به افتخار قوام‌السلطنه بدهند، از او خواستند که صورت کسانی که در مهمانی باید شــرکت کنند؛ بدهد. گفته بود: «یا همه یا هیچ کس» و همه از کوچک و بزرگ در مهمانی استالین حضور یافتند. او خوب می‌دانست چگونه می‌بایست بود. مردی بود بزرگ و برای ایران منبع آبرو و تشخص. نجات آذربایجان را فقط و فقط از او داریم و این قول قوام حاق حقیقت است که... غیر از خود، برای احدی در انجام امور آذربایجان ســهم و حقی قائل نبودم و فقط نتیجه تدبیر و سیاست او بود که معضل آذربایجان انجام نیکو یافت.

در دوران جنگ دوم جهانی ایران با تمام مشکلات یک کشــور زیر اشــغال اجنبی مواجه بود. قوای خود را نمی‌توانستیم به شمال بفرستیم غله و گله و حشم و غنم ما را می‌بردند. جنگل‌های ما را می تراشــیدند و بارکشی می‌کردند. به دروغ اعلامیه می‌دادند که برای ما آرد ذرت می‌آورند. در هر امر سیاسی و مملکتی و تصمیم‌گیری از اعمال نظرهای علنی و کارشــکنی‌ها پنهانی و تحریکات دائم امساک نمی‌کردند.

مردان سیاسی ما را پیر و پوسیده و فرتوت می‌خواندند و می‌خوانــدیــم. ولــی عاقبت همان رجــال کهنه و پیران پی خجســته بودند که به هر تمهید و تدبیر شــده کشتی کشور را به ساحل رستگاری کشاندند. سرآمد این رجال قوام‌السلطنه بود که زمام امور را در سخت‌ترین وضع به دســت گرفت. او به رغم اشــغال ایران با تکیه بر تدبیر و کیاســت و شجاعت روحی و اقتحام اخلاقی و شناخت سیاست‌های بین‌المللی معضل ما را حل کرد:

در نهایــت وقار و حرمت به مســکو ســفر کرد. با ســران وقت شوروی به گفتگو پرداخت ولی شریکی در مذاکرات خود نگرفت. یک تنه به مقابله می‌رفت و هیچ یک از همراهانش را رخصت شرکت نمی‌داد. در کشاکش رویارویی‌هــا به دلیری تاب آورد. با اتکاء بر قانون (ماده واحــده معروف دکتر مصدق) و منطق و اصل حاکمیت و حکمرانی ایران راه را بر تعرض‌ها و بی حقی‌ها بست. ولی مانعی ندید که با طرح یک شــرکت مشترک ایرانی ـشــوروی برای بهره‌برداری از نفت روی موافقت نشان دهد، هر چند آن را مشــروط بر تصویب مجلس کرد. بــه خاطر دارم آن روزها نزدیــکان روس‌ها می گفتند بهتر اســت در وضع فعلی ایــران حتی در بند یکی دو درصد اضافی سهم روسیه نشود و با آنها موافقت کند، و دلشان را به دست آورد که سر لج نیفتند تا ببینیم بعد چه پیش می‌آید. و دنیا دســت کی خواهد بود. بیخود و بی جهت سر یک یا دو درصد پافشاری نکنیم. ولی قوام در استقامت پا پس نمی گذاشت.

قوام هنوز در مسکو بود که قوای شوروی شروع به تخلیه ایران کرد. و هنوز او در مسکو بود که وزرای دولت دموکرات آذربایجان به رؤسای ادارات استان آذربایجان ایران تبدیل شدند. هنوز قوام در مسکو بود که سفیر کبیر تازه شوروی نامزد تهران شد. و هنوز آسمان شوروی را ترک نگفته بود که ناخرسندی خود را از مولوتف وزیر خارجه اســتالین با جلادت منشــیگری به رخ استالین کشــید. وقتی دســتور اعزام قوا را به آذربایجان صادر کرد و معما حل شــد، همه مشکل گشا شدند و مدعی قبضه آذربایجان.

این گفته فروغــی هنگام هجوم قوای انگلیس و روس کــه: «می‌آیند و می‌روند و...» مدتها ورد زبان‌ها بــود؛ البته بیشــتر به طعن و طنز نه بــه جد و بخردانه. اگر «می‌آیند» آن را فروغی صوفی وار ســر و صورت بخشــید، معضل بــزرگ و مرد آزمــای «می‌روند» را قوام‌السلطنه سکه تحقق بر ناصیه نهاد.

ناگفته نگذاریم که قوام السلطنه را با آن خط جلی باید خاتم مترســلان و استادان فن ترسل و منشیگری در ایران شــناخت. مکتبی دوهزار ساله که چهره‌های تابناکی چون این مقفع (روزبه) نظامی عروضی، بلعمی، بیهقی، ابوالمعالی نصراله منشی صاحب کلیله، ابونصر مشکان، خاندان جلیل جوینی و بالاخره با گستره‌تر و بزرگتریــن همه قائم مقام فراهانی را فروغ بخش عالم ادب و سیاست این کشور کهنسال داشت.

نقد

نقد ویژه نامه‌های مطبوعات نوروز۹۳

فرم، ظاهر، تناسب

در این مقال، نگارنده در حد بضاعت اندیشه خود، ویژه نامه‌های شــرق، اعتماد، جام جم، ایران، آرمان، چهل چراغ، اقتصاد و تجارت، آفتاب و همشــهری را مورد بررســی قــرار می دهد. روزنامه همشــهری و ایــران و جام جم، حتی روزنامه اطلاعات، ویژه‌نامه‌ها یشان هدیه‌ای است نوروزی به مخاطبانش بطور تقریبا رایگان.

ویژه نامه‌های شــرق و اعتمــاد و.... بجز چهل چراغ دارای قیمت‌های نسبتاً گران و با فونت بسیار ریز و حجم مطالب بسیار زیاد که امکان خواندن را در طول شبانه روز از خواننده ســلب و آزار دهنده می‌باشــد، جای بســی شــگفتی هست که چه اصراری هست که مطالب بسیار زیاد با عنوان‌های مختلف و با فونت‌های بســیار ریز که هم به چشم آسیب می‌زند و هم در جمع بندی مطالب، مخاطبین را دچار مشکل می کند، این حجم مطالب تولید شــود، لذا این یک نقیصه‌ای اســت که باید مورد توجه مسئولان اینچنین ویژه نامه‌هایی کــه انصافاً زحمات زیادی در تهیه و تولید آن می‌کشند قرار گیرد.

از نظر شکلی، روزنامه تجارت و اقتصاد، بافرم زیبا و چینش حرفــه‌ای و کاغذ مرغوب ویژه نامه اقتصادی سیاسی جذابی را همراه با عکس‌های خوب و در خور تحسین ارائه داده است.

روز نامه شرق و اعتماد و آفتاب و تجارت و اقتصاد اما در پیرامون ارائه محتوی، زحمات زیادی کشــیده‌اند و انصافاً مطالب تولیدی بکر و خواندنی بسیار زیادی را ارائه داده‌اند، اما این ســؤال همچنان مطرح است که چه اصراری بر این همه مطالب و مصاحبه‌ها آیا نمی‌شــد از حجم آن کم کرد؟

روز نامه‌های اینچنینی یادشــان رفته نوروز است، باید به مخاطب یاد آوری نمود که نوروز چیست. انگار همچنان مثل تلویزیون که از نوروز فقط بلد است افراد هنر پیشــه و مجری دعوت کند و ســوپ رایز بازی در بیاورد و این مجری از آن مجری بپرســد با کی ازدواج کرده و دیشــب چی خورده؟ ســال گذشــته چه کرده و جدیــداً هــم مجری زوج بیــاورد و خوش آموزی به بینندگان آموزش بدهد، انگار دســتی در کار اســت که نوروز را از درون تهی کند، که بچه‌های ما ندانند نوروز از کجــا آمده و جهانیــان چه احترامی و ارجی و منزلتی بر این رویداد قائل‌اند، اما ما نباید بدانیم فلســفه نوروز چیست، شــما یک مصاحبه در باره نوروز از تلویزیون و ایضا از ویژه نامه‌ها، فلسفه چرایی، مانایی آن مشاهده نمی کنیــد، انگار همه وظیفه دارند در نوروز به مخاطب بفهمانند که در سال نود دو این مدیران بودند که نوروز نود و ســه را برای شــما به ارمغان آورده‌اند و قرار است شــق‌القمر کنند، اما خود نوروز بهانه‌ای است برای خود نشان دادن نه محتوی نوروز و فلسفه آن. در ویژه نامه‌های شرق و اعتماد و... هم در این مهم امتحان خوبی نداده‌اند. اینکه مخاطب بداند فلان مســئول و یا سیاســتمدار در مصاحبــه چه گفته و چه خاطراتی را باز خوانی کرده و قرار اســت برای مســکن و یا اقتصاد چه برنامه‌هایی در دســت اجرا باشد خوب است اما آیا مردم و بخصوص قشــر جوان و نوجــوان نباید بدانند نــوروز چه بوده و فلسفه آن چیســت، اداب و رسوم درست آن چه بوده؟ چه آســیب‌هایی دارد؟ اصلاً جایی نــدارد البته در این میــان از ویژه‌نامه روزنامه اطلاعــات به جهت رفع این نقیصه نمی‌توان چشــم پوشــید، این ویژه نامه علاوه بر رعایت اندازه و فرم و قیمت، و تعداد صفحات و فونت و جلد چشــم نواز نوروزی از لحاظ محتوی بیشــترین را بــه نــوروز و تاریخچه و اداب رســوم نوروز در ملل مختلف و دهها مطلب نوروزی نغز و حتی نام با مسمای نوروز نامه به خوانندگان ارائه داده است و البته از بیست و نهم اسفند و مصدق و سیاست، بخصوص مصاحبه با دکتر ظریف و معرفی جاذبه‌های گردشگری غافل نبوده اســت و این نشان می‌دهد که دست‌اندرکاران فرهیخته ویــژه نامــه اطلاعات از ماهها قبل بــدون عــجله و با دقــت و ظرافت کاری نه از ســر اجبار و یا رفع تکلیف و و نه یکجانبه نگری ویژه نامه را به زیور طبع آراســته نموده‌انــد که همین ویژه نامه البته در معرفی جاذبه‌های همه استان‌ها آنچنان موفق نبوده است.

محمد رضا خورشیدی

نامه

دکتر عباس جعفری‌نژاد

نامه وارده

مقام سردبیری روزنامه محترم اطلاعات

من مقاله‌ای به فکر خودم مستدل در تاریخ ۹۲/۳/۲۰ با پست سفارشی و با ذکر نشانی دقیق برای آن روزنامه ارسال داشتم که درصورت مناسب بودن و صلاح دانستن به چاپ آن مبادرت گردد. اصرار یا هوسی در مطرح کردن خود نداشته و ندارم. نام و عکس من در روزنامه شما مورخ شنبه ۳ مهر ۱۳۵۵ با شماره ۱۵۱۲۰ و همزمان در شماره ۹۹۷۳ روزنامه کیهان در ۳۷ سال پیش به چاپ رسیده است. از این بس مهمتر در سال ۱۳۵۹ مقاله‌ای انگلیسی تهیه و متعاقباً به چاپ رساندم. چهار مقاله دیگر در سنوات بعد فراهم کرده و در مجلات مناسب خارجی به چاپ رساندم(فتوکپی تأییدیه ضمیمه است). بالغ بر ۸۰ مقاله در مجلات طب و دارو، دارو و درمان، پزشک خانواده، دانشمند، ویژه‌نامه دانشمند و علم و زندگی منتشر کرده‌ام. در محدودهٔ مقاله‌نویسی محصور نشدم. یک کتاب درسی مخصوص تدریس در دانشگاه‌های سراسر کشور به وسیله مرکز نشر دانشگاهی، یک کتاب درسی مخصوص تدریس در هنرستان‌های سراسر کشور به وسیله وزارت آموزش و پرورش، یک کتاب مناسب برای تدریس دانشگاهی به وسیله نشر دانش امروز وابسته به موسسه مطبوعاتی امیرکبیر، یک کتاب به وسیله انتشارات دنیا، و دو کتاب به وسیله انتشارات گام تألیف، ترجمه و منتشر نمودم. این نکته را به خوبی می‌دانم که چاپ یک نوشته یا یک کتاب در ارتباط کامل با ملاحظات متعدد دست‌اندرکاران انتشاراتی است و نویسنده هر که می‌خواهد باشد نباید توقع چاپ نوشته‌های خود را در جمیع موارد داشته باشد. گله اینجاست که چرا روزنامه اطلاعات طی چند کلمه مختصر وصول نامه مرا با در دست داشتن نشانی کامل فرستنده حتی به طور خصوصی ابلاغ نکرد و عدم چاپ و انتشار آن را صرفاً با عبارت معقول نظر به مصالحی منعکس ننمود!

روزنامه شما طی مقالاتی کم و بیش مؤثر، همگان حتی مسئولان مملکتی را اندرز می‌دهد که جای خوشوقتی است. اما من برآنم که این‌بار نه خود بلکه شخصیت بس ممتازی را اندرزگوی شما بنمایم. حقیر ٦۲ سال پیش در ۱۸ سالگی و هنگامی که در کلاس یازده بودم نامه‌ای به اتفاق چند نفر از همکلاسان برای جناب آقای دکتر محمدمصدق، نخست‌وزیر وقت مبنی بر استقبال از زحمات معظم له در به ثمر رساندن نهضت ملی کردن صنعت نفت فرستادم. شخص ایشان باامضای خود و نه مهر امضاء به بندهٔ نوجوان بی‌نام و نشان و همسالان با سبکی محترمانه و در حقیقت بزرگوارانه پاسخ دادند (فتوکپی ضمیمه) اما شما به من کهنسال با داشتن مدارک M.SC، M.phil، و Ph.D با آنهمه تألیفات مؤثر وقعی نگذاشتید. از جناب ایشان که رحمت حق بر او باد پند بگیرید و با دیگران اینگونه رفتار نکنید.

حق مطلب را ادا کنم و ناگفته نگذارم که من با در نظر داشتن تألیف کتابی خاص نامه‌ای در خصوص خفض (excision) دختران که گویا در بعضی مناطق جنوبی اِعمال می‌شود برای یکی از علما در دوران مقبولیتشان نوشتم که خیلی زود با خط و مهر خود پاسخ دادند(فتوکپی ضمیمه).

توسط جناب آقای عباس جعفری‌نژاد

حضرات آقایان محترم

نامه گرامی عزوصول ارزانی بخشید و موجب نهایت تشکر و امتنان گردید احساسات بی‌آلایش امثال آقایان محترم است که زحمات و مشقات را در پیش بردن مقاصد ملی هموار و اینجانب را بیش از پیش بکار تشویق می‌نماید امیدوارم تحت توجهات خداوند متعال کلیه آرزوهای هموطنان عزیزم برآورده شود.

دکتر مصدق

نامه ای از آذر یزدی

مقدمه: زنده یاد مهدی آذر یزدی، چندی قبل از مرگش نامه ای به موسسه اطلاعات فرستاد که امروز، چند سال بعد از مرگش وقتی آن را می‌خوانیم، می بینیم نکات ارزنده ای در آن وجود دارد. از یک سو دارای لحنی طنز آمیز است چون خود آن را «بخشنامهٔ معتبر پاستوریزه» خوانده و از سوی دیگر درد ناک است چون حاوی گلایه‌های یک نویسنده گوشه گیر است.

بخشنامهٔ معتبر پاستوریزه

با سلام و احترام

این جانب مهدی‌آذریزدی بعد از تجارب عدیده و بیماری و پیری سر رسیده و احتیاج به نوعی آرامش بی‌هیاهو سرانجام به یزد خودمان برگشته‌ام تا روزهای آخر خود را در تنهایی منزوی باشم. بنابراین با آرزوی سلامت و سعادت همه آشنایان دور و نزدیک چهار فقره معلومات ذیل را عرضه می‌دارم تا اگر چند صباح دیگر زنده ماندم بعضی روابط ضروری میسّر باشد:

*اوّل اینکه بعد از این نشانی پُستی بنده فقط(یزد ـ صندوق پستی ۸۹۱۹۵/۳۵۷) است. ضمناً هرگاه مرسوله‌ای هم به کتابفروشی گلبهار یزد برسد به بنده می‌رسانند.

*دوّم اینکه تلفن ثابت قدیمی نیز همچنان ۷۲٤۰۷۰۹ است ولی اوقاتی که با آن فاصله دارم بی‌جواب می‌ماند. وسایل جدیدتر ارتباطی هم ندارم.

*سوّم اینکه تنها حساب بانکی‌ام حساب سیبای بانک ملّی به نام مهدی آذر با شماره ۰۲۰۰۰۹۳۱۵۷۰۰۵ است که هرگاه ناشر کتابی کسی بخواهد وجهی حواله کند باید به این حساب بریزد. هیچ حسابی هم در هیچ بانک دیگری ندارم.

*چهارم اینکه نشانی منزل را نمی‌دهم چون با بیماری و از کارافتادگی از هرنوع رفت و آمدی و دیداری و گفت و شنیدی عاجزم و پیری است و هزار عیبٍ. با این ترتیب نشانی‌ها و تلفن‌های دیگری که قبلاً در خارج یزد داده بودم باطل شده و هرجا ثبت شده باشد باید حذف و محو شود. امّا در نهایت از هیچ کسی یا دستگاه گله‌مند نیستم زیرا سرگذشت من حاصل کاهلی‌ها و بی کفایتی‌های خودم است.

والسلام و نامه تمام ـ ۸۷/۱۲/۲۱

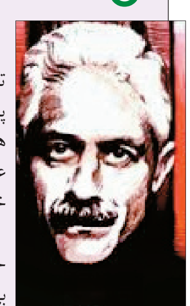
مهدی آذریزدی



شرح

آمد: والصافات...

نیما به روایت جلال آل احمد-۲



این اواخر که دیگر در کار مدرسهٔ پسر درمانده بودند عالیه خانم به سرش زده بود که برخیزد و پسر را بردارد و ببرد فرنگ و دور از نفوذ پدر بگذارد درسخوان بشود. یادم نمی‌رود که پیرمرد سخت وحشت کرده بود و یک روز درآمد که:

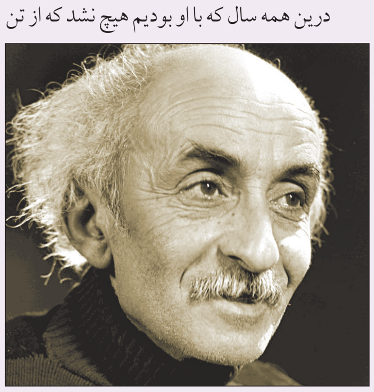
ـ اگر بروند و مرا ول کنند...؟

و بدتر از همه این بود که همین اواخر عالیه خانم و پسرش هر دو فهمیده بودند که کار پیرمرد کار یک مرد عادی نیست. فهمیده بودند که بعنوان یک شوهر یا یک پدر دارند با یک شاعر بسر می‌برند. تا وقتی زن و بچهٔ آدم باورشان نشده است که توکیستی قضیه عادی است. پدری هستی یا شوهری که مثل همهٔ پدرها و شوهرها وظایفی به عهده داری و باید باری از دوش خانواده برداری...

نگاهش چنان آرام بود و حرکاتش؛ و زندگی‌اش چنان بی‌تلاطم بود و خیالش چنان تخت؛ انگار که سلیمان است به تماشای هیکل ایستاده و در تن دیوها نیز قدرت کوبیدن چنان عظمتی را نمی‌بیند. اما همیشه چنین نبود. بارها وحشت را نیز در چشمش خوانده‌ام. بخصوص هر وقت که از خانه می گریخت. و آخرین بار که غرش چشم او را شنیدم شبی در لانهٔ خودمان بود. شش هفت سال پیش. شبی زمستانی بود و «ایرانی» و «داریوش» و «فردید» و «احسانی» بودند و شاید یکی دو نفر دیگر؛ که پیرمرد هم سر رسید. کله‌ها گرم بود و هر کس حرف خود را دنبال می کرد و چندان گوشی شنوای پیرمرد سر رسیده نبود که به هر صورت توقع‌ها داشت. آنهم در چنان جمعی. و نمی‌دانم چه شد یا ایرانی چه نیش ملایمی زد که پیرمرد از کوره در رفت. برخاست و با حرکاتی اپرایی چنان فریادها کشید، که همه ترسیدیم. اما محتوای فریادها چنان استغاثه‌ای بود و چنان تمنای توجهی که من داشت گریه‌ام می گرفت. به زحمت آرامش کردیم. و از آن شب بود که دریافتم پیرمرد دیگر درمانده است. دیدم که او هم آدمی است و راهی را رفته و توان خود را از دست داده و آنوقت چه دشوار است که بخواهی بروی و زیر بغل چنین مردی را بگیری.

مسخرگی هم ازو شنیده‌ام. از مازندرانیها و اداهاشان ـ از ترکمن‌ها و از قیافهٔ این دوست یا آن خویشاوند. و چه خوب هم از عهده برمی‌آمد. حتی گاهی فکر می کردم که اگر شاعر نشده بود یا اگر در دنیای گشاده‌تری می‌زیست حالا بازیگر هم بود. «میمیک» بسیار زنده‌ای داشت. با اینهمه وقتی کسی یا چیزی یا عددی یا مفهومی از گز آشنای او درازتر بود آنوقت باز همان پیرمرد سادهٔ دهاتی بود با اعجابش و درماندگی‌اش. به همین طریق بود که پیرمرد دور از هر ادایی به سادگی در میان ما زیست و به ساده‌دلی روستایی خویش از هر چیز تعجب کرد و هر چه بر او تنگ گرفتند کمربند خود را تنگ‌تر بست تا دست آخر با حقارت زندگی هامان اخت شد. همچون مرواریدی در دل صدف کج و کوله‌ای در گوشهٔ تاریکی از کنارهٔ پرتی سالها بسته ماند. نه قصد سیر و سیاحتی کرد و نه آرزوی نشیمن بلند سینهٔ زیبایی؛ و نه حتی آرزوی بازار دیگر و خریدار دیگری را. هرگز نخواست با کبکبهٔ احترامی دروغین این عفریتهٔ روزگار عفن ما را زیبا جا بزند و در چشم او که خود چشم زمانهٔ ما بود آرامشی بود که گمان می‌بردی ـ شاید هم به حق ـ از سر تسلیم است. اما در واقع طمأنینه‌ای بود که در چشم بی‌نور یک مجسمهٔ دورهٔ فراعنه هست.

درین همه سال که با او بودیم هیچ نشد که از تن



خود بنالد. هیچ بیمار نشد. نه سردردی ـ نه پادردی ـ و نه هیچ ناراحتی دیگر. دارو بدجوری گل می‌زند. فقط یک بار ـ دو سه سال پیش از مرگش ـ شنیدم که از تن خود نالید. مثل اینکه پیش از سفر تابستانهٔ یوش بود. بعدازظهری تنها آمد سراغم و بی‌مقدمه درآمد که:

ـ می‌دانی فلانی؟ دیگر کاری از دست من ساخته نیست. ـ

از آن پس بود که شدم نکیر و منکرش. و هر بار که می‌دیدمش سراغ کار تازه‌ای را می گرفتم یا ترتیبی را در کار گذشته‌ای پی‌جو می‌شدم. می توانم بگویم که از آن پس بود که رباعی‌ها را جمع و جور کرد و «قلعهٔ سقریم» را سروسامان داد.

شبی که آن اتفاق افتاد ما به صدای در از خواب پریدیم. اول گمان کردم میراب است. زمستان و دو بعد از نیمه شب، چه خروس بی‌محلی بود همیشه این میراب! خواب که از چشمم پرید و از گوشم ـ تازه فهمیدم که در زدن میراب نیست. و ششتم خبردار شد.

گفتم: «سیمین! به نظرم حال پیرمرد خوش نیست.» کلفتشان بود و وحشت‌زده می‌نمود.

مدتی بود که پیرمرد افتاده بود. برای بار اول در عمرش ـ جز در عالم شاعری ـ یک کار غیرعادی کرد. یعنی زمستان به یوش رفت. و همین یکی کارش را ساخت. اما هیچ بوی رفتن نمی‌داد. از یوش تا کنار جادهٔ چالوس روی قاطر آورده بودندش. پسرش و جوانی همقد و قامت او همراهش بودند. و پسر می گفت که پیرمرد را به چه والذاریاتی آورده‌اند. اما نه لاغر شده بود نه رنگش برگشته بود. فقط پاهایش باد کرده بود. و دود و دمش را به زحمت می کشید. و از زنی سخن می گفت که وقتی یوش بوده‌اند برای خدمت او می آمده و کارش را که می کرده نمی‌رفته. بلکه می‌نشسته و مثل جغد او را می‌پاییده. آنقدر که پیرمرد رویش را به دیوار می کرده و خودش را به خواب می‌زده. و من حالا از خودم می‌پرسم که نکند آن زن فهمیده بوده؟ یا نکند خود پیرمرد وحشت از مرگ را در پس این قصه می‌نهفته؟ هر چه بود آخرین مطلب جالبی بود که ازو شنیده‌ام. آخرین شعر شفاهی او. او خیلی ازین شعرهای شفاهی داشت... هر روز یا دو روز یکبار سری می‌زدیم. مردنی می‌نمود. آرام بود و چیزی نمی خواست و در نگاهش همان تسلیم بود. و حالا؟...

چیزی به دوشم انداختم و دویدم. هرگز گمان نمی‌کردم کار از کار گذشته باشد. گفتم لابد دکتری باید خبر کرد یا دوایی باید خواست. عالیه‌خانم پای کرسی نشسته بود و سر او را روی سینه گرفته بود و ناله می‌کرد:

ـ نیمام از دست رفت!

آن سر بزرگ داغ داغ بود. اما چشمها را بسته بودند. کوره‌ای تازه خاموش شده. باز هم باورم نمی‌شد. ولی قلب خاموش بود و نبض ایستاده بود. اما سر بزرگش عجب داغ بود! عالیه خانم بهتر از من می‌دانست که کار از کار گذشته است ولی بی‌تابی می‌کرد و هی می‌پرسید:

ـ فلانی. یعنی نیمام از دست رفت؟

و مگر می‌شد بگویی آری؟ عالیه‌خانم را با سیمین فرستادم که از خانهٔ ما به دکتر تلفن کنند. پسر را پیش از رسیدن من فرستاده بودند سراغ عظام‌السلطنه ـ شوهر خواهرش. من و کلفت خانه کمک کردیم و تن او را ـ که عجیب سبک بود ـ از زیر کرسی درآوردیم و رو به قبله خواباندیم. وحشت از مرگ چشم‌های کلفت خانه را که جوان بود؛ چنان گشاده بود که دیدم طاقتش را ندارد. گفتم:

ـ برو سماور را آتش کن. حالا قوم خویشها می‌آیند.

و سماور نفتی که روشن شد گفتم رفت قرآن آورد و فرستادمش سراغ «صدیقی» که به نیما ارادتی نداشت تا شبی که قسمتی از «قلعهٔ سقریم» را از دهان خود پیرمرد در خانهٔ ما شنید. و تا صدیقی برسد من لای قرآن را باز کردم. آمد: «والصافات صفا...»

آذر ۱۳٤۰

سیاست

ارتباط میان این نوع فعالیت‌ها نیز وجود ندارد و اگرچه بسیاری از سازمان‌دهی‌ها ممکن است به موازات هم صورت پذیرد ولی این حرکات به همدیگر مرتبط نیستند و یکی موجب تقویت دیگری نمی‌شود. اینها همه نقاط ضعف هستند. از سوی دیگر، قوت در این است که چیزی برای سرکوبی وجود ندارد. زیرا چیزی برای درهم شکستن وجود ندارد. و اگر چیزی از میان برود دوباره مانند آن به‌وجود می‌آید تا جای آن‌را بگیرد.

از این‌رو، در یک چشم‌انداز گسترده، فکر نمی‌کنم که بیشتر یک حالت بی‌تفاوتی و انفعالی، خاموش‌تر و ساکت‌تر، و رام شده‌تر به‌وجود آمده سازمان‌های تازه حقوق بشر مانند دیدبانان حقوق بشر همزمان با آن پا به عرصه وجود گذارد. ثمره آن این شد که دلواپسی‌های مربوط به حقوق بشر دست کم به صورت شعارگونه در رأس علایق سیاست خارجی قرار گیرد. و این دستاورد بدون تأثیر نبود. می‌بینید که در آن تردید نسبی وجود دارد ولی بازهم تأثیرگذار بوده است.

شبکه کشورهای تروریست

من از آنچه می‌گویید در شگفتم، زیرا چنین چیزی را برداشت نکرده بودم. به‌نظر می‌رسد تنها دلواپسی دولت ریگان در ارتباط با یهودیان شوروی مطرح بود - در حالی که اشاره شما به تأمین هزینه عملیات تروریستی در گواتمالا است.

اما توجه کنید، چگونه این کار را انجام دادند:

گفتگو با نوام چامسکی

نه بیشتر و نه کمتر

باشد. در واقع اگر چیزی هست، نقطه مقابل آن نیز هست، نه بیشتر و نه کمتر، بلکه متفاوت از آن.

و این را در بیشتر زمینه‌ها می‌توان دید. منظورم این است که مخالفت عمومی با سیاست‌های دولت ریگان به تدریج افزایش یافت، همواره در سطح بالایی باقی ماند و در دهه هشتاد به اوج خود رسید. و یا به وضعیت رسانه‌ها توجه کنید: تحولات کمی به‌وجود آمده است و فضا بازتر شده است. امروز دسترسی به رسانه برای مخالفین از بیست سال پیش بیشتر است. اندازه‌گیری این تغییرات آسان نیست. نمی‌توان گفت دو دهم درصد و یا یک دهم درصد، ولی تفاوت وجود دارد. و در حقیقت، کسانی که درون نهادها بوده‌اند اکنون از این فرهنگ و تجربیات دهه شصت بیرون آمده و به رسانه‌ها، دانشگاه‌ها، مؤسسات انتشاراتی و تا حدی به نظام سیاسی راه یافته‌اند. و این هم تأثیر خود را بر جای گذارده است.

و یا به سیاست‌های حقوق بشر در دولت کارتر توجه کنید. اینها واقعاً سیاست‌های دولت کارتر نبودند. بلکه مربوط به کنگره امریکا بودند - برنامه‌های حقوق بشر کنگره بود که دولت کارتر ناچار شد تا حدودی آنها را بپذیرد. همین سیاست‌ها در دهه ۱۹۸۰ نیز ادامه یافتند: دولت ریگان نیز به گونه‌ای این سیاست‌ها را پذیرفت. و این هم تأثیر خود را بر جای گذارد. این سیاست‌ها بسیار منافقانه و همراه با بدگمانی به کار گرفته شد، که ما از همه آنها با خبریم ولی با وجود این جان بسیاری از مردم بدین طریق نجات یافت. خوب، این برنامه‌ها از کجا آمدند؟ اینها ثمر تلاش جوانانی بود که در دهه ۱۹۶۰ به صورت دستیاران (برای کمک به سناتورها و نمایندگان) به کنگره راه یافته بودند و برای تدوین این لوایح با کمک گرفتن از فشار افکار عمومی در اینجا و آنجا تلاش کردند. پیشنهادات آنها به یکی دو اداره کنگره راه یافت و نهایتاً از قوانین مصوب کنگره سردرآورد.

یواشکی از پشت. در واقع، دولت کارتر نسبت به دوره ریگان وجوه بیشتری برای آدمکشی اختصاص داد، اگرچه این مسأله کاملاً آشکار نشده است. بر مبنای قانون مصوب کنگره در ۱۹۷۷، دولت کارتر ملزم بود ارسال کمک‌های نظامی به گواتمالا را متوقف کند. رسماً نیز چنین کردند - ولی اگر به سوابق دولت ریگان رجوع کنید، تأمین اعتبار تا سال ۱۹۸۰ و ۸۱ در همان سطح عادی ولی به صورت حیله گرانه‌ای



چامسکی در دیدار با علامه فضل‌الله

ادامه یافت، و این را استعاره‌وار به صورت «آب در لوله جریان دارد» بیان می‌کردند. این موضوع هرگز در رسانه‌ها مطرح نشد، ولی اگر به سابقه نگاه کنید، تأمین اعتبار تا آن زمان صورت می‌گرفته است. دولت ریگان ناچار بود ارسال پول را به صورت مستقیم متوقف کند. و در عمل برای تداوم آن به دولت‌های دست نشانده متوسل گردد.

توجه کنید، یکی از جنبه‌های جالب توجه دهه ۱۹۸۰ این بود که ایالات متحده دخالت‌های خارجی خود را با استفاده از واسطه و کشورهای مزدور انجام داده است. یک شبکه کامل از کشورهای مزدور امریکا وجود دارد که اسرائیل مهم‌ترین آنهاست. در حالی که کشورهایی دیگر مانند تایوان، افریقا جنوبی، کره‌جنوبی، کشورهایی که در «پیمان ضدکمونیست جهان» قراردارند و گروه‌های متعددی که نیمکره غربی را به هم متحد می‌کند و نیز عربستان سعودی هزینه آنها را می‌پردازند. نوریه‌گای پاناما در کانون این کشورها هستند. ما به شمهٔ کوچکی از این ماجرا در محاکمه اولیو نورث و استیضاح ایران - کنترا پی‌برده‌ایم. (اولیور نورث در ۱۹۸۹ به لحاظ نقشی که در برنامه غیرقانونی «ایران - کنترا» و کمک‌رسانی مالی از طریق فروش محرمانه اسلحه به ایران به نظامیان کنترا در نیکاراگوئه که بر علیه دولت دست چپی نیکاراگوئه می‌جنگیدند داشت، مورد محاکمه قرار گرفت). اینها شبکه‌های تروریستی بین‌المللی متشکل از کشورهای مزدورند. این یک پدیده تازه در تاریخ جهان و ورای چیزی است که انسان می‌توانست در رؤیا ببیند. کشورهای دیگر تروریست استخدام می‌کنند، ما کشورهای تروریست استخدام می‌کنیم، ما یک کشور بزرگ و قدرتمند هستیم.

یک چیز جالب در محاکمه نورث رو شد و موجب شگفتی من گردید، زیرا باور نمی‌کردم چنین چیزی مطرح شود - این چیز جالب یک سند ٤۲ صفحه‌ای و معروف بود که جزء مدارک دادگاه به ثبت رسید و به آن استناد شد. فکر نمی‌کنم کسی از میان شما آن را دیده باشد. ببینید، دولت قاعدتاً مدارک محرمانه را فاش نمی‌کند، ولی در این مورد اجازه دادند خلاصه‌ای از این مدارک رو شود و قضات آن‌را به هیئت منصفه ارائه دادند و گفتند «شما این مدارک را به عنوان واقعیت بپذیرید و ما درباره آن سؤالی نداریم زیرا مجوز ارائه آنها از سوی دولت صادر شده است». این بدان معنی نیست که مدارک مورد اشاره برای رد گم کردن اطلاعات باشد، بلکه اتفاقاً به معنی آن است که دولت راضی شد به حقیقت مدارک اذعان نماید. این که اینها حقیقت است یا نه، بحث دیگری است. ولی این ٤۲ صفحه مدارک جالب توجه است. در این مدارک به‌طور خلاصه به یک شبکه بین‌المللی و وسیع تروریستی به سرکردگی ایالات متحده اشاره شده است.

خب، اشخاصی در اینجا نقد ادبی انگلیسی را می‌خوانند ـ اگر شما در جامعهٔ فرهیختگان امریکا هستید، «پیوست کتابخانهٔ تایمز» و «نقدنامهٔ لندن» را می‌خوانید، از این رو موضوع ایجاد ناراحتی کرد. اینها شروع کردند به گفتن این که «خوب، ببینید، من واقعاً نگفتم که کتاب خوبی است، فقط گفتم که موضوع آن جالب است»، و چیزهایی در این حدود. در آن مقطع، نیویورک رویو (نقد نامهٔ نیویورک) وارد گود شد، و کاری کرد که همیشه در این اوضاع و احوال می‌کنند. ببینید، یک روند معمولی در این موارد هست ـ اگر گند کتاب در انگلیس درآید، در اینجا عده‌ای متوجه می‌شوند، و اگر کتابی در انگلیس مورد تحسین قرار گیرد، شما واکنش نشان می‌دهید، و اگر کتاب دربارهٔ اسرائیل است، راه عادی نقد کردن آن اینست که آن را بدهید به یک دانشمند اسرائیلی تا نقد کند. این کار «حفاظت از پیزی» نامیده می‌شود ـ زیرا هرچیزی که یک آدم فاضل اسرائیلی بگوید شما محفوظ هستید: هیچ کس مجله را متهم به ضدسامی بودن نمی‌کند، روشی غیر از این کاربرد ندارد.

نوشت

دکتر مرتضی خویی

یادی از مرحوم یحیی مافی

زنده‌یاد یحیی مافی در سال‌های ۱۳۳۳ مرکز آموزش «مافی» را در تهران افتتاح کرد و تا زمان بازنشستگی به اتفاق همسر محترمشان، سرگرم تعلیم و تربیت دانش‌آموزان خود بود. او متأسفانه اخیراً در سن ۹۰ سالگی به طور ناگهانی زندگی را به درود گفت. مجلس ترحیم که در حقیقت مجلس بزرگداشت آن مرحوم نیز به حساب می‌آمد، مملو از جمعیت بود و جای سوزن انداختن نبود. شرکت‌کنندگان عموماً و یا اکثراً از شاگردان آن مرحوم بودند. و به سفارش شاگردان دوره‌های پیش دسته گلهایی نیز آورده بودند. ایشان در تمام مدت برای بالا بردن کیفیت تعلیم و تربیت دانش‌آموزان با بهره‌گیری از روش‌های مؤثر کوچکترین لحظه‌ای غفلت نکرده بود به تائید و تصدیق تمامی خانواده‌هایی که فرزندان خود را به آن مؤسسه سپرده بودند به هنگام فراغت از تحصیل فرزندان خود را با معلومات، فرهیخته، نیکوروش و مفید به حال جامعه بودند تحویل گرفته بودند و از نظر مقام علمی هم در کنگره‌ها و در مسابقات علمی، در رده‌های بالاتری قرار داشتند.

خداوند متعال در قرآن کریم، سوره یس آیه ۱۲ می‌فرماید: «همانا ما مردگان را زنده می‌کنیم و آن چه را از پیش فرستاده‌اند و آثارشان را می‌نویسیم و هر چیزی را در (کتاب) پیشوائی روشن برشمرده‌ایم.»

قرآن می‌فرماید نه تنها اعمال بندگان، بلکه آثاری را که عمل انسانها به دنبال دارد، ثبت می‌شود. و در قیامت به شکل کتابی در اختیار او قرار می‌گیرد.

با توجه به این که فعالیت‌های مؤثر تعلیم و تربیت آثار غیرقابل انکاری در بین خانواده‌ها و در جامعه بر جای می‌گذارد، لذا برای عاملان آن امتیاز معنوی و اخروی به حساب می‌آید. به طور حتم راهکارهای شایسته مرحوم یحیی مافی هم مورد عنایت پروردگار قرار خواهد گرفت. چقدر جالب است که معنا و مفهوم ضرب‌المثل معروف: «درس معلم ار بود زمزمه محبتی...» در حق ایشان به نحو بارزی تحقق پیدا کرده است، زیرا شاگردان دوره‌های آن مؤسسه که بر اثر گذشت زمان صاحب داماد و عروس و نوه شده‌اند، هرگز محبت‌ها و خاطرات شیرین دوران تحصیل را فراموش نکرده و هر ماه در یک روز معین به دست‌بوس مرحوم مافی می‌رفتند و کسب فیض می‌کردند.

گفتنی است که آن زنده‌یاد بعد از بازنشستگی هم محل مدرسه را در اختیار آموزش و پرورش گذاشت تا در خدمات فرهنگی ایشان وقفه‌ای ایجاد نشود. هم‌چنین از فرصت به دست آمده استفاده کرده، به تنظیم و دایره‌المعارف جوانان و نوجوانان اقدام کرد که چند جلد از آن هم منتشر شده است.

زبانزد

جلال دری

«ش»



شمشیر فرنگی زمین پلنگی!

* شغل خوبی زیر سرکن دخل دار
جان بابا را به ورّاجی چه کار؟
* شفا بایدت داروی تلخ نوش.
* شفا درته پیاله است.
* شفای علیل دیدار خلیل است،
* شَفْ شَفْ میکند ولی نمیگوید شِفتالو.
* شَکم گُرسنه و آب یخ؟
* شکم گرسنه و عرق نعنا؟
* شکم گرسنه و معشوقه بازی!
* شکم گشنه و آتشبازی؟
* شکم گشنه و تِقتِق پاشنه!
* شکم هیچ وقت به زبان نمیآید.
* شکیبایی از جهد بیهوده بِه.
* شُل بدهی سفت میخوری.
* شل کن سر کیسه که بیمایه فطیر است.
* شلغم پخته بِهْ که نقرهٔ خام
* شلوار لوطَی را دزدیدند: گفت: بگذار ببرند، توش تیز داده بودم!
* شلوار ندارد بند شلوارش را میبندد.
* شما اسم بگذارید تا ما صدا کنیم.
* شماتت دشمن بِهْ از سرزنش دوست.
* شمال از جانب بغَداد خیزد/گناه مردم شط العرب چیست
* شما یک روزن نشان بدهید تا ما دروازه کنیم
* شمس العماره را دید خانهٔ خود را خراب کرد!
* شمشیر به دست زنگی مست مسپار.
* شمشیر تیز را اگر صیقل نزنند زنگ گیرد.
* شمشیر دو رویه کار یکرویه را هم میکند.
* شمشیر فرنگی، زمین پلنگی!
* شمشیر قوی نیاید از بازوی سست.
* شمشیر کوتاه به دست دلیران دراز گردد.
* شمشیری را که صیقل نزنند زنگ گیرد.
* شمع از سوزش پروانه چه پروا دارد؟
* شمع اندر خانهٔ تاریک بهتر روشن میکند
* شمع در پیش شمس نوری ندارد.
* شمع در وقت مردن خانه روشن میکند.
* شمع را از دو طرف نسوزانند.
* شمع را که سرگیرند روشنتر شود
* شمع و گل و پروانه و بلبل همه جمعند.
* شنا بلد نیست، زیر آبکی میرود!
* شناگر خوبی است، آب گیرش نمیآید.
* شناگر ناشی دو نفر را به کشتن میدهد.

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه‌شنبه ۲۷ فروردین ۱۳۵۳، (برابر با ۲۲ ربیع الاول ۱۳۹۴، ۱۵ آوریل ۱۹۷۴) نقل شده است

هزینه زندگی در سال گذشته ۱۱/۲ درصد افزایش یافت

شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی (هزینه زندگی) در مناطق شهری ایران در اسفند سال ۵۲ نسبت به ماه گذشته ۲/۷ درصد، و نسبت به ماه مشابه سال قبل ۱۳/٤ درصد افزایش یافته بود.

به موجب گزارش بانک مرکزی ایران در این ماه شاخص خوراک ۳/۵ درصد و غیر خوراک ۲/۲ درصد نسبت به ماه قبل بالا رفت.

طی سال ۱۳۵۲ شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی بطور متوسط ۱۱/۲ درصد نسبت به سال ۵۱ افزایش یافته است.

افزایش بهای اکثر میوه‌ها، سبزیهای تازه، گوشت، برنج، نان، قند و شکر و همچنین ترقی بهای اکثر کالاها و خدمات ساختمانی که بیشتر ناشی از بهبود نسبی وضع جوی و شروع فعالیت‌های ساختمانی در این ماه بود، مهمترین عامل ترقی شاخص است.

قند و شکر در ۲ هزار خواربار فروشی توزیع میشود

توزیع قند و شکر در سراسر تهران بطور منظم ادامه دارد. اتحایه صنف خواربار فروش روزانه در دو هزار دکان خواربار فروشی وابسته به شرکت تعاونی این صنف قند توزیع میکند.

اتحادیه چهل کامیون برای توزیع در اختیار دارد و خواربار فروشان هر مقدار قند بخواهند به آنها داده میشود، توزیع قند و شکر در شمیرانات و شهری نیز بوسیله افراد صنف خواربارفروش انجام میگیرد.

حاج حسین طاری مقدم امروز اعلام داشت که شکر نیز در تهران بوسیله هزار و دویست دکان عاملین فروش شکر توزیع میشود و یادآور شد که بازار قند و شکر صورت عادی پیدا کرده است.

پدر و مادر ها زندانی می‌شوند

امروز لایحه مربوط به تامین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی تقدیم مجلس شورایملی شد.

با اجرای این لایحه والدین اطفال و جوانان موظف هستند تا وسایل و امکان تحصیل فرزندان خود را فراهم سازند در غیر این صورت مجازاتی مشمول آنان میشود. مجازات والدین و سرپرستان اطفال و جوانان که از اجرای مقررات استنکاف کنند، جریمه‌نقدی و زندان پیش بینی شده است.

در این لایحه دولت از والدینی که امکانات مالی برای ادامه تحصیل فرزند خود را نداشته باشند، حمایت میکند.

ماده ۱- هیچکس نمیتواند بدون وجود مانع قانونی اطفال و جوانان ایرانی را که طبق مقررات و آئین‌نامه آموزشی کشور واجد شرایط تحصیل میباشند از تحصیل باز دارد.

ماده ۲- پدر یا مادر یا سرپرست قانونی کودک که وظیفه نگهداری و تربیت کودک برعهده او می‌باشد مکلف است که در هر محل که براساس قانون تعلیمات اجباری مصوب ششم مرداد ماه ۱۳۲۲ و اصلاحیه آن موجبات تحصیل مراحل تعلیمات عمومی فراهم و اعلام شده باشد نسبت به ثبت و فراهم کردن موجبات ادامه تحصیل کودک تحت سرپرستی خود در دوره ابتدائی و راهنمائی تحصیلی اقدام کند.

داروی باهوش کردن نوزاد ساخته شد

ژوهانسبورگ- یونایتدپرس- تیمی از اطبای آفریقای جنوبی به یک مادر باردار مقداری هرمونهای آزمایشی تزریق کرده‌اند.

اطبای مذکور معتقدند که تزریق این هرمونها میزان هوشمندی نوزادان را دو برابر کرده و در عمل مراقبت از زنان باردار انقلابی پدید خواهد آورد.

دکتر «پیتر بیلپ» رئیس بخش زایمان بیمارستان «گروت شور» شهر «کیپ‌تاون» در این‌باره به خبرنگاران گفت که تزریق هرمونهای جدید در چهار هفته آخر بارداری هنگامیکه یاخته‌های مغزی طفل در حال تکوین هستند موجب خواهد شد که میزان کارآئی ارگان تغذیه مغز کودک دو برابر شود.

قاب امروز



هنر عکاسی انگلیسی / منبع: تلگراف

داستان کوتاه

شادی را تقسیم کنیم

در سمیناری به حضار گفته شد اسم خود را روی بادکنکی بنویسید. همه این کار را انجام دادند و تمام بادکنک‌ها درون اتاقی دیگر قرار داده شد. اعلام شد که هر کس بادکنک خود را ظرف ۵ دقیقه پیدا کند. همه به سمت اتاق مذکور رفتند و با شتاب و هرج و مرج به دنبال بادکنک خود گشتند ولی هیچکس نتوانست بادکنک خود را پیدا کند. دوباره اعلام شد که این بار هر کس بادکنکی که بر می‌دارد را به صاحبش دهد. طولی نکشید که همه بادکنک خود را یافتند. دوباره بلندگو به صدا درآمد که این کار دقیقاً زندگی ماست. وقتی تنها به دنبال شادی خودمان هستیم به شادی نخواهیم رسید. در حالی که شادی ما در شادی دیگران است، شما شادی را به دیگران هدیه دهید و شاهد آمدن شادی به سمت خود باشید.

سرایه

بهار آیو به صحرا و در و دشت
جوانی هم بهاری بود و بگذشت
سر قبر جوانان لاله رویه
دمی که گلرخان آیند به گلگشت

باباطاهرعریان

پند بزرگان

● نم نم باران، سبب بیداری خاک گشته و آن را شکوفا می کند. خرد هم ناگهان پدید نمی آید. زمانی بس دراز می خواهد و روانی تشنه باران.

حکیم ارد بزرگ

● توفان‌های حوادث، اخلاقیات و روحیات انسان را تقویت می کند.

گوته

● چاپلوسی هم گوینده و هم شنونده را فاسد می کند.

دیل کارنگی

امروز در تاریخ

تخت جمشید پایتخت ایران شد

اردشیر یکم که بر جای پدر نشسته و شاه ایران شده بود نیمه اپریل سال ٤٦٥ پیش از میلاد تصمیم گرفت که تخت جمشید پایتخت اول ایران (شاه نشین) باشد. [مورخان یونان باستان تخت جمشید را در جهان به «پرسپولیس» معروف ساخته اند]. اردشیر یکم در پاسارگاد برجای پدرش خشایارشا نشسته بود که بر سرزمینی از دانوب تا سند و از سیردریا تا سودان، مصر و شرق لیبی امروز حکومت می کرد. محاسبات تقویمی، ١٦ اپریل آن سال را روز برگزاری مراسم پایتخت شدن تخت جمشید به دست داده است. نوروز سال ٤٦٥ پیش از میلاد در تخت جمشید برگزار شده بود، ولی ٢٧ روز پس از نوروز تصمیم شاه وقت به انتقال پایتخت سلطنتی از پاسارگاد به تخت جمشید [که فاصله ای زیاد از هم ندارند] اعلام شد.

قرارداد صلح ایران و عثمانی

١٦ اپریل ١٦١٣ میلادی در اصفهان مذاکرات صلح ایران و عثمانی با امضای یک قرارداد به پایان رسید. طبق این قرارداد که در پی یک رشته جنگ های سه ساله امضاء شد، دولت عثمانی از همه دعاوی خود در قفقاز دست کشید. ایروان، قارص و منطقه «وان» صحنه این جنگ ها بود که در آن برای نخستین بار ارتش نوسازی شده ایران که افراد آن از میان همه مردم بر حسب ضوابطی انتخاب می شدند (نوعی نظام وظیفه ـ هر خانواده یک سرباز) شرکت کرده و در همه جا پیروز شده بودند. نیروی نظامی قبلی صفویه از افراد ایلات و عشایر معینی بود و قزلباش خوانده می شد.

... و در دوران ضعف و بدبختی

١٦ اپریل سال١٩٠٨ (١٢٨٧ هجری خورشیدی) وطن ما به دلیل عدم لیاقت دولت وقت و ضعف وطندوستی و غرور ملّی مقامات آن تا آن حد ذلیل شده بود که دولت روسیه به خاطر بازداشت موقت دو قفقازی تبعه آن دولت که متهم به مشارکت در بمب‌اندازی به سوی کالسکه محمدعلی شاه قاجار شده بودند از ایران مطالبه غرامت و عذرخواهی رسمی کرده بود!. این دو تن در روز حادثه مورد بدگمانی پلیس قرار گرفته و جهت بازجویی دستگیر شده بودند. محمدعلی شاه در روز وقوع حادثه عازم دوشان تپه بود.

www.iranianshistoryonthisday.com

جدول شرح در متن ۳۵۴۹

غلامحسین باغبان

از خط‌های باستانی		رواندازخفته / ادب‌آموخته		درون صدف / قلوب		همیشه / دفاع فوتبال	سریال سعید آقاخانی	اثرمارگاریت میچل
ه								
			نوعی‌فلز / سستی‌ونرمی					نماینده
	اسلوب					یار پیچ / محلی در مکه		
					به تازگی / پول ایران قدیم			گل سرخ / نیز
				برادری / پس گرفتن				
			دریاچه چین					پارچه زخم بندی / قدرت و توان
						نابود شده / تا زمانی که		
					کافر			پایان روز / نفس غنیمتی
								پیشی گرفتن / مرغ سلیمان
								مماشات / رم کرد

حل ۳۵۴۸

بندری در هلند	شایعه / غذای نذری	چ	ایجاد هیجان	پسوند صفت عالی / اسب سیاه	ت	حرف مشایعت	کتابی از دکتر صبور	آزمایشگاه
ر	ا	و	ت	ا	ر	ب	ا	ل
و	ش	شب روستایی / گستردنی	ه	د	ی	ا	ف	نفع و سود
ت	بخشی از زمان	ب	ی	ه	ن	توپ و تشر / جوان	ا	پشت
ر	و	س	ی	م	ممکن / دفعه	ب	ق	ع
د	ه	ا	ج	کوشش کننده / نهال تازه	ب	ر	غ	م
ا	ل	ط	فلز گرانبها	ن	ا	ن	ز	باختر / بانوان
م	ه	هر دو	س	و	ر	ا	ل	فرهنگ لاتین / طاقچه بالا
				خ	با آرشه می نوازند	سنگ طلق	ف	ر
				ا	و	م	ا	ک
				س	ی	ی	ر	نخ بافتنی / مدیر
				ت	ل	ک	س	ا
				ه	ن	ا	ی	استخوان بندی / تخم کتان

سودوکو ۱۰۳۶

		۴						
۸				۷			۳	
۹		۲			۵	۶	۷	۴
۴	۶				۹	۳	۸	
	۵	۱	۷				۶	۹
۱	۴	۶	۳			۵		۸
	۸			۴				۳
						۷		

۸	۴	۲	۳	۵	۹	۱	۷	۶
۱	۷	۶	۸	۴	۲	۳	۵	۹
۳	۵	۹	۱	۷	۶	۸	۴	۲
۲	۸	۴	۹	۶	۳	۵	۱	۷
۵	۳	۱	۲	۸	۷	۹	۶	۴
۹	۶	۷	۴	۱	۵	۲	۸	۳
۷	۲	۸	۵	۹	۴	۶	۳	۱
۴	۱	۳	۶	۲	۸	۷	۹	۵
۶	۹	۵	۷	۳	۱	۴	۲	۸

حل ۱۰۳۵